

## Contents

13	مقدمه.....
17	گرامی باد روز جهانی مبارزه با کار کودکان.....
19	استمداد نوجوان محکوم به اعدام از وجدانهای بیدار.....
21	بازداشت شادی صدر و مرگ هدیه مویدی در بیمارستان لقمان الدوله.....
27	برای کودکان و نوجوانان حکم اعدام صادر نکنید.....
29	حمایت سازمان‌های دولتی از کودکان‌کار در حد حرف باقی مانده است.....
31	جنایت نیروی انتظامی در ارومیه، قتل دختر خردسال کرد با 20 گلوله.....
33	حمایت ۱۵۰۰ نفری از "اعدام بس کودکان".....
43	«تکلیف کودکان بازداشتی را روشن کنید».....
45	مرگ مشکوک کودک 2/5ساله در مشهد.....
46	زندانیان زیر 18 سال.....
47	نوجوانان بازداشت شده در حوادث اخیر را آزاد کنید.....
48	بامرگ کودک 12 ساله با ضربات باتوم مزدوران رژیم.....
49	گزارش تکان دهنده از ازدواج و طلاق کودکان در ایران.....
50	خودسوزی دو دختر نوجوان در مریوان.....
51	تیراندازی نیروی انتظامی به یک خانواده.....
51	خودکشی مادر و فرزند در کامپاران.....
53	آزار و اذیت و کتک زدن کودکان کار در بهزیستی و شهرداری.....
55	وضعیت دردآور صدها هزار کودک بی پناه در ایران.....
55	64 درصد دانش آموزان مبتلا به ناهنجاریهای قامتی هستند.....
57	گزارش تکان دهنده تایمز از تجاوز به رضا نوجوان 15 ساله در زندان.....

- 59 ..... تبعید یک شهروند 17 ساله بانه ای به زاهدان
- 59 ..... 1/5 تا 3 میلیون کودک با دارا بودن سن لازم، در مدرسه حضور ندارند
- 63 ..... بهزیستی استان انگیزه ای برای سامان دهی کودکان خیابانی ندارد
- 64 ..... آسیب های اجتماعی دغدغه ای که هنوز به بحران تبدیل نشده است
- 65 ..... کودکان خیابانی فعلا در خیابان ها بمانند
- 72 ..... افزایش 4 برابری کودک آزاری در آذربایجان غربی
- 73 ..... قتل یک کاسبکار و زخمی نمودن یک کودک توسط مأموران رژیم
- 74 ..... شکنجه کودک پنج ساله تا سرحد مرگ
- 77 ..... فیلم، فریاد کودکان به دنیا آمده و بزرگ شده در زندان های جمهوری اسلامی
- 78 ..... نقض سیستماتیک حقوق کودکان در ایران
- 82 ..... دو جوان به دلیل ارتکاب جرم در کودکی در آستانه اعدام قرار دارند
- 85 ..... ماجرای پرونده حسین حقی
- 87 ..... پنج هزار کودک کار و خیابان در تهران
- 89 ..... کمپین دفاع از حقوق کودکان خیابانی
- 90 ..... 100 هزار کودک حق رفتن به مدرسه را ندارند
- 92 ..... گزارش تصویری مدرسه اتوبوسی در گنبد کاووس
- 96 ..... نان آوران کوچک در معرض خطر
- 102 ..... پلیس کودک 9 ساله یی را به اتهام 28 فقره سرقت دستگیر کرد
- 105 ..... اتحادیه اروپا خواهان لغو مجازات اعدام برای نوجوانان در ایران شد
- 106 ..... فال حافظ دارم - فال بخريد
- 106 ..... تلاش برای نجات نوجوان محکوم به اعدام
- 108 ..... مصرف مواد مخدر در مدارس از دوره راهنمایی شروع می شود
- 111 ..... مرگ پسر 14 ساله پایان شرطبندی 500 تومانی

- 111 ..... نگرانی اروپا از اعدام قریب الوقوع سه نوجوان
- 112 ..... قتل دلخراش دختر سه‌ساله به‌دست پدر
- 113 ..... سالانه 350 کودک مبتلا به فنیل کتنوری در ایران متولد می‌شوند
- 115 ..... ضرورت تعیین تکلیف کودکان بدون شناسنامه
- 117 ..... 90 درصد از کودکان کار و خیابان متعلق به شهرستان های تهران هستند
- 118 ..... کودک 3 ساله طعمه گرگ شد
- 120 ..... چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل در حسرت میز و نیمکت مدرسه
- 124 ..... فقر در ایران کودکان را از تحصیل باز می‌دارد
- 126 ..... فقر در ایران کودکان را از تحصیل باز می‌دارد
- 128 ..... فقر مطلق 4 میلیون کودک ایرانی
- 130 ..... لایحه جدید قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست
- 132 ..... وزارت کار کودکان بازمانده از تحصیل را امری حاشیه‌ای قلمداد می‌کند!
- 134 ..... سوءاستفاده از کودکان، بسیج دانش‌آموزی؛ رواج خشونت بین کودکان
- 140 ..... بار دیگر فرسودگی یک ساختمان دیگر از مراکز نگهداری کودکان
- 141 ..... قانون کار ایران مستعد برده‌کشی از کودکان است
- 142 ..... گرسنگی و اعتیاد در مدارس
- 145 ..... شیوع شپش سر بین دانش‌آموزان تهرانی
- 148 ..... نوجوانی دیگر در آستانه اعدام
- 148 ..... نصب دوربین های مداربسته در مدارس
- 149 ..... هزاران کودک بی‌شناسنامه به تکدی‌گری مشغولند
- 151 ..... از رواج پدیده فرزند‌کشی جلوگیری شود
- 153 ..... نامه وکیل دادگستری به لاریجانی در مورد توقف اعدام اطفال زیر 18 سال
- 157 ..... در آستانه روز جهانی کودک 8 نو جوان در معرض خطر اعدام

- 158 ..... دو نو جوان به زودی اعدام میشوند، نمی دانم به کجا پناه ببرم
- 165 ..... سه نوجوان و یک زن و مرد در آستانه‌ی اعدام
- 169 ..... روز جهانی کودک و ده ها نوجوان ایرانی در پای چوبه‌ی دار
- 170 ..... باید با صدای بلند اعلام کنیم آمار کودکان کار روبه افزایش است
- 172 ..... نامه نوجوان محکوم به اعدام به اولیای دم
- 173 ..... فیلم، روز جهانی کودک و روز کودکان گل فروش
- 173 ..... آیا روز جهانی کودک با روز جهانی اعدام در جمهوری اسلامی پیوند خورده است؟
- 175 ..... بهنود شجاعی به قرنطینه زندان اوین منتقل شد
- 177 ..... با وجود تجمع صدها نفر در مقابل زندان برای متوقف کردن حکم بهنود شجاعی اعدام شد
- 181 ..... اعدام بهنود: گزارشی از تجمع خانواده های سهراب اعرابی و ندا آقاسلطان در برابر زندان اوین
- 183 ..... صدا گرفته بود، تنها گفت تمام شد، بهنود اعدام شد
- 189 ..... به جای جمع‌آوری نان‌آوران کوچک، فقر را از بین ببرید
- 191 ..... اجرای حکم اعدام عباس حسینی متخلف خردسال به تعویق افتاد
- 191 ..... محکومیت صدور حکم اعدام برای سه متهم بدنبال دادگاه های نمایشی پس از انتخابات
- 195 ..... فردا با بهنود وداع میکنیم!//
- 197 ..... فرانسه محکومیت احکام اعدام و به دار آویختن بهنود شجاعی را محکوم کرد
- 198 ..... حقوق کودک و میزان رعایت آن در ایران
- 206 ..... بهنود شجاعی به خاک سپرده شد
- 207 ..... اعدام سه نوجوان به نامهای صفر انگوتی، محمدرضا حدادی و امیر امرالهی
- 207 ..... اعتیاد والدین منشاء رو به رشد کودک آزاری
- 210 ..... اعدام کودکان را لغو کنید
- 214 ..... اتحادیه اروپا اعدام بهنود شجاعی را محکوم کرد
- 217 ..... هیچ شماره حسابی در خارج برای دریافت کمک به صفر انگوتی نداریم

- اطلاعیه درباره احکام اعدام برای معترضین انتخابات و اعدام ها ..... 218
- گزارشی از مراسم ختم بهنود شجاعی..... 221
- 3 میلیون نفر در کشور محروم از تحصیل هستند ..... 224
- گشت ارشاد به مدرسه می رود ! طرح انضباط اجتماعی در مدارس..... 225
- حضور مردم در مراسم خاکسپاری بهنود شجاعی در بهشت زهرا ..... 227
- 130 نوجوان در معرض اعدام..... 227
- اعدام نو جوانان تحت هر شرایطی عملی کاملاً غیر انسانی است ..... 229
- صفر انگوتی نو جوان محکوم به اعدام هم به قرنطینه رفت و فردا ..... 230
- آخرین نامه منتشر نشده بهنود شجاعی نوجوانی که اعدام شد ..... 232
- فشارها و محدودیتها علیه زندانیان سیاسی زن و کودکان شیرخوار زندانیان عادی..... 236
- فروش مدارس روستایی، و دانش آموزانی که در مدارس کپری درس می خوانند ..... 238
- فراخوان استمداد برای نجات جان نوجوانان در معرض اعدام..... 240
- 2 سال و 4 ماه زندان برای یک نوجوان 17 ساله بازداشتی وقایع اخیر ..... 241
- گلباران مزار بهنود شجاعی و دیگر جانبازگان توسط مردم آزادیخواه ایران ..... 242
- در هر مدرسه حداقل 10 کودک افغانی ثبت نام نمی شوند..... 244
- افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در ایران ..... 246
- شهرداری طرح شناسه کودکان کار و خیابان را فراموش کرده است..... 248
- بیش از 4 درصد از ازدواج های ثبت شده در سال گذشته مربوط به کودکان بوده است. .... 250
- برگزرای دادگاه علی مهین ترابی و آزادی امیر خالقی ..... 251
- مدیران مدارس حقوق کودکان را به رسمیت نمی شناسند ..... 252
- آزار عاطفی کودکان ؛بیشترین مورد در خرداد و تیرماه..... 253
- پلیس امنیت از رفع پلمپ دفتر جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان خوداری می کند ..... 254
- "اقدام علیه امنیت ملی" برای مادری که فقط چند جلد کتاب بهمراه داشت ..... 255

- 256 ..... تأثیر خشونت های تلویزیونی در کودکان
- 257 ..... بی‌خبری از وضعیت نوجوانی که به دلیل همجنسگرایی محکوم به اعدام شد
- 258 ..... نوجوانی دیگر در آستانه اعدام
- 259 ..... عدم اجرای قوانین مقابله با کودک آزاری در ایران
- 261 ..... بی‌خبری از وضعیت نعمت صفوی، نوجوان محکوم به اعدام
- 262 ..... شورای نگهبان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست را رد کرد
- 262 ..... قتل کودک دوساله برای انتقام از شوهر خواهر
- 264 ..... قتل 2 کودک توسط پدر
- 265 ..... زوج معتاد کننده کودکان دستگیر شدند
- 266 ..... خود آقایان حاضرند دختر 15 ساله شان صیغه شود؟
- 268 ..... رییس آموزش و پرورش رژیم: ازدواج دختران دانش‌آموز را توصیه می‌کنیم!
- 269 ..... نقض حکم اعدام نعمت صفوی، نوجوان محکوم به اعدام
- 270 ..... با رضایت اولیای دم نوجوانی از اعدام رهایی یافت
- 270 ..... بهزیستی مسوول برخورد با کارفرمایان کودکان کار نیست
- 272 ..... خواهر خودسوزی کرده، مادر سکنه و شمارش معکوس زندگی
- 276 ..... موج جدید آزار دانش‌آموزان بهایی در مدارس اصفهان
- 278 ..... محمدرضا حدادی صبح چهارشنبه اعدام می‌شود
- 279 ..... اعدام محمدرضا حدادی به تعویق افتاد
- 279 ..... برگزاری جلسه سازش برای جلب رضایت از اولیا دم «امیر پهلوانی»
- 280 ..... وقتی حکم قصاص صادر شد، دائم کابوس می‌دیدم
- 284 ..... افزایش ده درصدی کودکان خیابانی در تهران
- 285 ..... ثبت بیشترین گزارش‌های کودک‌آزاری در منطقه 14 تهران
- 286 ..... نوزاد چند روزه، کارتن‌خواب شد

- 286 ..... لایحه کودک آزاری همچنان در انتظار تصویب دولت
- 287 ..... ازدواج موقت به جای تامین اجتماعی
- 287 ..... نامه ی پدر امیر امراللهی نوجوان محکوم به اعدام
- 289 ..... شکنجه 4 کودک خردسال توسط والدین!
- 290 ..... ترک تحصیل 3 میلیون دانش آموز در کشور
- 293 ..... شدت کار کودکان کار کم نشده بلکه اضافه شده است
- 294 ..... آمارهای متناقض از تعداد دانش آموزان معتاد در کشور
- 296 ..... اعترافات که تحت فشارهای جسمی و روانی اخذ گردد، فاقد اعتبار است
- 300 ..... تداوم تلاش برای نجات نوجوان محکوم به اعدام
- 301 ..... نوجوان 17 ساله به قصاص چشم محکوم شد
- 303 ..... سکوت دولت در برابر خشونت علیه کودکان
- 304 ..... 5 هزار دانش آموز دماوند در مدارس ناامن تحصیل میکنند
- 306 ..... بیش از 30 هزار دانش آموزان معتاد در کشور است
- 307 ..... حدیثه در لابه لای پرونده ها مرده بود؟!!!!
- 309 ..... اطلاعیه شماره 262 کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان
- 310 ..... آب ؛ رویای کودکان روستاهای جاسک
- 312 ..... پرونده نعمت صفوی کجاست!/?
- 314 ..... سن ارتکاب جرم کاهش یافته است
- 316 ..... بازداشت 2 تن از فعالین حقوق کودکان
- 318 ..... از زندان تا اعدام کودکان: قربانی قربانی!
- 325 ..... آمار دانش آموزان معتاد را ارائه نمی کنم
- 327 ..... مریم ضیاء فعال حقوق کودک بازداشت شد
- 328 ..... سرانه پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان؛ ایران نیم دلار، دنیا 20 دلار

- 300 مهد کودک امسال تحت پوشش برنامه‌های آموزش پیشگیری از اعتیاد قرار می‌گیرند ..... 330
- ۲۰ درصد کودکان خیابانی، به سیگار و مواد مخدر اعتیاد دارند ..... 331
- از خطرات یک پزشک ..... 332
- ضرب و شتم دو دانش آموز بهایی توسط معلم قرآن ..... 332
- فعالین کودکان همچنان در بند 209 زندان اوین بسر می‌برند ..... 334
- آقای احمدی نژاد، حق مسلم کودکان ایرانی چیست؟؟ ..... 336
- گل روشانی که همراه گل هایشان پر پر می‌شوند ..... 341
- نوجوانان را اعدام نکنید «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟» ..... 349
- کودکان بسیجی؛ بسیج کودکان بسیج و یا بسیج کودکان ..... 352
- ۴۰۸ مورد تماس با انجمن حمایت از کودکان در آذر ماه : ..... 356
- آزار جنسی کودکان، در دختران بیش از پسران است ..... 358
- کودکان آبادانی، مرکز بزرگترین تصفیه خانه نفتی در ایران به دنبال غذا در بین زباله ها ..... 359
- هفتاد در صد آزارهای جنسی کودکان در ایران توسط خانواده صورت می‌گیرد ..... 360
- حتی یک ریال هزینه پژوهشی مصوب نشده است ..... 362
- کودکان کار عید ندارند ..... 363
- ختنه دختران، جنایتی سنتی ..... 366
- 62 هزار و 383 کودک ایرانی همسر دارند ..... 370



## مقدمه

دفاع از حقوق کودکان ایران ارتباطی به مرام گروه حزبی و سیاسی ندارد، بلکه یک عقیده و باور انسانی و جمعی است که بایستی بطور جد و مستمر مورد پیگیری قرار گیرد، جمعی دلسوز، که دغدغه های ذهنیشان نقض حقوق کودکان ایران باشد.

خوب میدانیم که مجموعه قوانین کشور ما به نفع کودکان ما و در جهت پشتیبانی از آنها نیست. در قانونگزاری ها و مدیریت های کشور نیز کودکان هیچگاه چندان جدی گرفته نمی شوند.

میلیونها کودک ایرانی در سراسر کشورمان به غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، مسکن، مدرسه، امنیت، بهداشت، درمان و حتی لباس لازم دسترسی ندارند. میلیونها تن از کودکان ما در روستاها، حاشیه های شهرهای بزرگ و کوچک و نیز مناطق دور افتاده کشورمان برای خانواده خود همچون بزرگسالان کار می کنند بی آنکه مزدی دریافت کنند. صدها هزار کودک دیگر در شهرهای بزرگ و در صنایع کوچک، عملاً به بردگی کشیده می شوند و معاشی اندک می گیرند.

وضعیت کودکانی که در کشور ما از پدری غیر ایرانی به دنیا می آیند از سایرین غم انگیزتر است چرا که از همان اندک امتیازات و حقوق ناچیزی که کودکان ایرانی برخوردارند نیز محرومند.

جامعه ایران عموماً "کودک را به عنوان شخصیتی کامل به رسمیت نمی شناسد و به آن بی اعتنایی و ستم می کند. کودکان ما در خانه، در خیابان، در مدرسه، در محیط های عمومی و در همه جا دائماً با تحقیر، شکنجه، نهیب، سرزنش و رنجهای بیشمار روبرو هستند. آنها همیشه و در همه جا احساس ناامنی می کنند و اگر از سوی اعضای خانواده خود نیز مورد آزار و اذیت قرار بگیرند، دیگر هیچ پناهی و هیچ مدافعی ندارند.

قانون، کودک ایرانی را تنها به حال خود رها کرده است. سالیانه صدها هزار کودک ایرانی در معرض آزار و اذیت و شکنجه و حتی تجاوز جنسی قرار می گیرند بی آنکه صدای رنجشان در جایی شنیده شود.

طبق قوانین کشور ما "مرد هر گاه بخواهد می تواند زن خود را طلاق دهد" و کودکش را نیز با حمایت همین قانون، از دامن مادرش جدا کند و با خود ببرد.

در کشور ما یک دخترک نه ساله و پسر بچه ای پانزده ساله فردی بالغ محسوب می شوند و در بسیاری از موارد چنانچه کودکی عملی مرتکب شود که قانوناً جرم محسوب گردد، طفل نگون بخت را طبق همان قانونی که بزرگسالان را با آن محاکمه می کنند، به محاکمه می کشانند.

برای دفاع از حقوق کودکان ایرانی هیچ مرجع و سازمان و نهاد و وزارتخانه اختصاصی دولتی وجود ندارد.

اندک سازمانهای داوطلب و غیر دولتی نیز که در این زمینه فعالیت می کنند نه تنها امکانات لازم را برای گسترش خدمات و محبت های خود به همه کودکان ایرانی در سراسر کشورمان را ندارند بلکه خود نیز از امنیتی نسبی برخوردار نیستند و پیوسته مورد تهدید، آزار، بازداشت، زندان و تبعید قرار میگیرند.

از اینروست که کمیته دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان کانون دفاع از حقوق بشر در ایران، نسبت به کودکان سرزمینمان احساس تعهد و مسئولیت نموده و در ورای برپائی جلسات سخنرانی، میز های کتاب در افشا و انتشار این حقوق پایمال شده، خواستار اولویت بخشیدن به حقوق کودکان ایران در قوانین کشور میباشد و برای پایان بخشیدن به این ستم و بی رحمی در حق کودکان ایران از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

تا: تمام قوانینی که در عمل ضد حقوق مادر و فرزند هستند ملغی شوند. اولویت استفاده از امکانات جامعه ایران در همه زمینه ها و از جمله غذا، درمان، بهداشت، تحصیل و مسکن در اختیار کودکانمان قرار گیرد و به تحقیر و شکنجه روحی کودکان ایران در همه ابعاد و اشکالش پایان داده شود. باشد که با ساختن محیطی امن، شاهد آرامش و آسایش کودکانمان باشیم.

مجموعه ای که اینک در اختیار شماسست بطور نمونه و تنها از یک و یا دو خبرگزاری انتخاب گردیده و چه بسیار موارد نقض سیستماتیک حقوق کودکان که یا به دلیل محدودیت های فرهنگی و یا سانسور حاکم منتشر نگردیده و یا اینکه در نهایت تاسف از دید من دور مانده است.

### فعالیت های انجام شده در جهت احقاق حقوق کودکان و نوجوانان

ردیف	موضوع	تعداد
1	اطلاعیه و اعلامیه های صادر شده	26 مورد
2	مکاتبات محکومین	1 مورد
3	استمداد محکومین	2 مورد
4	مصاحبه در ارتباط با نقض حقوق کودکان	1 مورد خبری

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

صدیقه جعفری

آمار نقض حقوق کودک و نوجوان از 22 خرداد 1388 تا پایان سال

ردیف	موضوع	تعداد
1	محکومین به اعدام	9مورد 130 نفر
2	اعدام های انجام شده	2 نفر
3	قتل بوسیله نیروهای دولتی	2نفر
4	قتل های خانوادگی	4 مورد 5 نفر
5	بستن دفاتر فعالین حقوق کودک	1 مورد
6	بازداشت فعالین حقوق کودکان	3نفر
7	محاکمه فعالین حقوق کودک	1 نفر
8	قصاص کودکان	1 نفر
9	نقض حقوق کودکان اقلیت های مذهبی	3 مورد
10	کودک آزاری در مراکز	6مورد
11	کودک آزاری خانوادگی	4 مورد
12	کودک آزاری دولتی	1 مورد
13	تجاوز به کودکان زندانی	1 مورد
14	ضرب و شتم بوسیله نیروهای دولتی	1 مورد
15	تبعید کودکان	1مورد
16	خود سوزی در اثر فشار های اجتماعی	1 مورد
17	خودکشی در اثر فشار های اجتماعی	1مورد
18	کودکان همراه با والدین در زندان	2 مورد
19	نقض حکم اعدام	3 مورد
20	عدم دسترسی بامکانات آموزشی	6 مورد بین 3 تا 4 میلیون
21	ازدواج و طلاق های کودکان	3 مورد 62 هزار و 283 نفر
22	عدم دسترسی بامکانات درمانی	2 مورد
23	سوءاستفاده سازمان داده شده از کودکان	5 مورد
24	وضعیت کودکان کار و خیابانی	7 مورد خبری
25	کودکان و دانش آموزان مبتلا به مواد مخدر	6 مورد خبری
26	ختنه دختران (جنایات سنتی)	1 مورد خبری
27	عدم اجرای قوانین بین المللی حقوق کودک	3 مورد خبری
28	عدم دسترسی همسان به امکانات دولتی	4 مورد خبری
29	اخبار عمومی نقض حقوق کودکان	36 مورد

## گرامی باد روز جهانی مبارزه با کار کودکان

### ماده 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر

1 - هرکس حق دارد که سطح زندگی او ، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضا ، بیوگی ، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان ، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود

2 - مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند . کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند ، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند

از هر 100 کودک در جهان امروز 16 نفر کودک کار هستند . 12 نفر در بدترین شرایط زندگی میکنند . غیر انسانی ترین وضعیت در جهان امروز 246000000 کودک کار وجود دارد که بیشترین آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی میکنند . 186 میلیون آنها زیر 15 سال هستند . از کودکان کار در جهان بیش از 7 میلیون کودک کار بین 10 تا 14 ساله در ایران وجود دارد که 1/4 درآمد خانواده های ایرانی متکی به کار کودک است . 170 میلیون کودک بین 13 تا 14 ساعت سختترین کارها را با ابزار و ماشین آلات خطرناک انجام میدهند . 8 میلیون از این کودکان به بدترین

کارها و ادار میشوند ، قاچاق ، خودفروشی و ... از هر 100 کودک در جهان 28 نفر هرگز از چنگال فقر فرار نمی کنند .

22 خرداد برابر با 12 یونی فرا میرسد . روزی که کودکان از یاد رفته را به یاد وجدانهای بیدار می اندازد و تلنگری است بر ذهن جامعه که منظور از کودک ، تنها آنهایی نیستند که در پارک ها همراه پدر و مادر خود به بازی مشغولند یا آنهایی که هر صبح با روپوش های رنگی ، دست در دست پدر یا مادر به مدرسه میروند . باز تنها آنهایی نیستند که در ویتترین رنگین اسباب بازی فروشی مشغول انتخاب هستند . بلکه آن دخترک فالفروش سر چهار راه که به هر رهگذری برای خرید التماس میکند هم کودک است و همینطور آن پسر بچه واکسی با بدنی نحیف و دستانی سیاه یقینا کودک است . متاسفانه از این دست کودکان تحت ستم و فراموش شده در دنیا بسیارند . کودکانی که از حق و حقوق خود محروم و بی خبرند و دنیا را بسیار کوچکتر از بقیه میبینند ، دنیای آنها سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان است .

کمیته کودک و نوجوان کانون دفاع از حقوق بشر در ایران با گرامیداشت این روز ، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت کودکان کار در ایران مراتب اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود کودکان کار در ایران اعلام میدارد و همچنین برای از بین بردن اشکال مختلف کار کودک و فراهم آوردن شرایط بهتر برای کودکان کار برنامه ریزی های دقیق و جدی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در راه رسیدن به این هدف دریغ نکنند .

امیدواریم با یاری مدافعان حقوق کودکان بتوانیم گام موثری در جهت ریشه کنی کار کودک برداریم . کودکان کار امروز به یاری ما نیازمندند .

## موارد نقض حقوق کودکان و نوجوانان ایران، بعد

از 22 خرداد 1388



### استمداد نوجوان محکوم به اعدام از وجدانهای بیدار

بسمه تعالی

با سلام و خسته نباشید خدمت شما فعالان حقوق بشر

اینجانب ابراهیم گودرزوند چگینی فرزند منصور ساکن گیلان شهر لوشان در سال 82 با ولی الله پیرمردوند در سن 16 سالگی در شهر لوشان جلوی مغازه دایی ام که در آنجا کار می کردم درگیر شدم.

نامبرده قد بلند و قوی بود بی جهت مرا کتک زد و درگیری باعث فوت ایشان شد. من عصبانی بودم به حدی که اصلاً نمی دانستم چه اتفاقی افتاد وقتی فهمیدم که زندانی هستم.

من جوانی بودم که به خانواده ام کمک می کردم ولی الان حدود 7 سال است در زندان شهر رودبار زندانی هستم. من وکیل تسخیری داشتم که برایم کاری نکرد هر بار در دادگاه محکوم به اعدام شدم. پدر و مادرم از لحاظ مالی بسیار ضعیف هستند و نتوانستند برای من وکیل بگیرند و کسی را ندارم کمک کند. من بلا تکلیف هستم. فعالان حقوق بشر از شما خواهش مند هستم تنها امیدم که شما هستید کمک کنید. من جنایت نکردم دعوی من با ولی الله سر هیچ چیزی نبود. بی جهت بود. پیغام من این است کسی که در درگیری فوت می شود بی تقصیر نیست و همیشه قاتل که این نام وحشت ناک روی آن است مقصر نیست. خواهشمند هستم مرا نجات دهید. با تشکر

کمیته کودک و نوجوان کانون دفاع از حقوق بشر در ایران هشتم تیر ماه 1388





## بازداشت شادی صدر و مرگ هدیه مویدی در بیمارستان لقمان الدوله

روز جمعه یکی از بدترین روزهای زندگی من بود. اول خبر دستگیری شادی صدر موکلم را شنیدم حدود ساعت 11:30 هنگامی که شادی صدر همراه چند تن از دوستانش که برای شرکت در نماز جمعه عازم بودند در بلوار کشاورز تهران به طرز کاملاً غیرقانونی و غیرانسانی دستگیر شد. به گزارش سایت «میدان زنان»، یکی از همراهان شادی صدر درباره جریان بازداشت وی می‌گوید: ما در حال حرکت به سمت نماز جمعه در بلوار کشاورز بودیم که شخصی به ما نزدیک شد و به من گفت: خانم تو با ما می‌آیی بقیه برن! من و شادی با تعجب نگاهش می‌کردیم که یک موتورسوار از دور گفت: این نه اون یکی! لباس شخصی‌ها آمدند طرف شادی و هلس دادند طرف یک ماشین پژو، شادی هم که شوکه شده بود در ماشین نشست؛ من و دوستم داد زدیم چرا می‌بریدش؟ که شادی به خودش آمد و شروع به داد و هوار و کوبیدن به در کرد.

دوستم در ماشین را باز کرد و ما داشتیم شادی را می‌کشیدیم بیرون ولی ماموری که داخل ماشین بود از داخل شادی را گرفته بودند و می‌کشید داخل ماشین که در همین حین مانتو از تنش در آمد؛ اما

دوستم دست شادی را کشید و او در حالی که بلوز و شلور تنش بود از ماشین در آمد و فرار کرد. مامورها و من و دوستم هم دنبالش می‌دویدیم. در این حال یک مامور از روبرو بهش حمله کرد و از روسریش او را می‌کشید و شادی فقط مقاومت می‌کرد برای همین هم روسریش در اومد و شادی دوباره فرار کرد. این بار دو نفر دیگر سر رسیدند که یکی از آنها باتوم فنی داشت. شادی را با خشونت تمام گرفتند و زدند و او همچنان مقاومت می‌کرد.

ما را هم نگذاشتند به طرفش برویم، به زور گرفته بودندش و بردند به طرف ماشین. مامور تقریباً شادی را بغل کرده بود و اصلاً حجابش برایش اهمیتی نداشت! در ماشین هم روسری را بهش ندادند و ماشین دور زد و سریع رفت. راستش هیچ کس به غیر از دوستم و من کاری نکرد، شاید آگه بیشتر بودیم نمی‌گذاشتیم این اتفاق بیفتد. شادی می‌خواست کیفیتش را به ما بدهد که مامور موتوری باز هم از دور داد زد که کیفیتش باشد. مردم همه شوکه شده بودند و فقط متحیر و هاج و واج تماشا می‌کردند. ما هیچ برگه یا حکمی از این لباس شخصی‌ها ندیدیم و واقعا نمی‌دانیم آنها چه کسانی هستند.

شادی صدر در دوران فعالیتش - چه در روزنامه و نشریات مختلف و چه در لباس وکالت - مسئولیت پذیر بوده و هیچ گاه قانون را زیر پا نگذاشته است. به جرات می‌گویم که کمتر وکیلی را می‌شناسم که مانند صدر با مسئولیت و قدرت ویژه‌ی دفاع باشد. با وی روز شنبه پرونده‌ای داشته‌ایم که متأسفانه عدم وجود او در پرونده امکان دارد که به زیان موکلان تمام شود. به هر حال می‌دانم که شادی صدر در حال حاضر در چه وضعیتی به سر می‌برد از خدا می‌خواهم به وی قدرت تحمل و صبر داده و کمکش کند و خود نیز به عنوان وکیل مدافع شادی پیگیر پرونده‌اش خواهم شد. خبر تاسف بار دیگر اینکه، هدیه مویدی که از چند روز قبل به دلیل استعمال قرص‌های خطرناک در بیمارستان لقمان الدوله در کما و بستری شده بود. روز جمعه ساعت ۱۳ دار فانی را وداع گفت. برخی از هم‌بندیهای وی می‌گویند که هدیه خودکش کرده و چند نفر از زندانی‌ها به قصد قتل به وی قرص خورانده‌اند.

هدیه مویدی متولد 1369/5/12 است زمانیکه هدیه دو سال بیشتر نداشت مادر و پدرش به دلیل اختلافات خانوادگی از یکدیگر جدا شدند و بی‌دلیل بروز اختلاف با نامادریش، مدتی خانه را رها کرد و نزد یکی از دوستانش بود چرا که نمی‌توانست محلی جهت ادامه زندگی در اجتماع یابد و پشتیبانی نیز نداشت.

در تاریخ 1383/5/12 هدیه با دوستش به منزل، یکی دیگر از دوستانشان رفت که با شکایت شخصی به نام علی، مامورین کلانتری آنها را دستگیر و از مالک منزل مقداری اسکناس مجعول، مشروب و ماهوره کشف می‌کنند با تشکیل پرونده، همگی با دستور رئیس کلانتری راهی دادرسی ویژه ارشاد می‌شود هدیه منکر تمام اتهامات منتسبه می‌شود ولی با این وجود علیه ایشان قرار مجرمیت و کیفر

خواست تنظیم و به جای آنکه بازپرس شعبه پرونده را برای رسیدگی به دادرسی اطفال ارجاع و اگر اتهامی متناسب به وی بود به کانون اصلاح و تربیت اعزام کند پرونده را برای رسیدگی و صدور حکم به شعبه 1089 دادگاه عمومی تهران مستقر در داسرای ویژه ارشاد فرستاده و هدیه را نیز به زندان اوین معرفی می نماید.

فرستادن هدیه به زندان اوین بر مشکلات وی افزود به جای آنکه دستگاه قضایی طبق فلسفه مجازات بر فرض انتساب اتهام یا جرمی به متهم، محلی را جهت تنبیه و تربیت این فرد بی گناه در نظر گیرد زندان اوین را که محل نگهداری بزرگسالان است انتخاب می کند. هدیه سختیهای فراوانی را در این زندان تحمل نمود او مجبور بود با افراد شرور و سابقه دار در یک بند زندگی را سپری کند. فشارهای روحی و روانی به وی به گونه ای بود که طاقت ماندن در زندان را نداشت و روزانه از قرص های خواب آور و مسکن استفاده نمی نمود تا لحظات پر درد و رنجش احساس نشود. پس از مدت کوتاهی هدیه را به زندان رجایی شهر کرج منتقل نمودند زندانی که محل نگهدار افراد سابقه دار، محکومین به اعدام و حبسهای طولی المدت است.

او چهارده سال بیشتر نداشت که عدالت او را به این محل مخوف و وحشتناک هدایت کرد. در زندان رجایی شهر با افرادی به مراتب شرور تر از زندان اوین هم بند بود. در زندان چون مواد مخدر به وفور یافت می شد برای تسکین آلام و دردهای خود از مواد مخدر استعمال می نمود در حالی که زندان محل تربیت و تعلیم باید باشد ولی برای وی قبرستانی بود با توهمات تخیلی وحشتناک که نمی توانست تحمل کند. جالب اینکه انسانهای بزرگسال و قوی طاقت ماندن در زندان – آنهم زندانی مثل رجایی شهر را ندارند – چه رسد به این دختر بچه بی پناه که هیچ کس حتی جامعه و قوه قضاییه پشتیبانش نبود. او در چنین شرایط حق داشت عصبی باشد حق داشت روانی باشد و حق داشت حتی از مواد مخدر برای تسکین دردهایش استفاده کند.

زندان به جای آنکه وی را انسانی سالم ساخته و به جامعه بازگرداند وی را مجرمی دیگر ساخته بود او حقیقت بود در کانون اصلاح و تربیت با کودکان دیگر هم اطاق شده و به کارآموزی و تحصیل بپردازند ولی دستگاه قضایی این حق را از وی گرفته بود. می گوئیم پدر و مادر وی انسانهایی مسئول نبودند جامعه چرا وی را به بیراهه زندگی کشاند. می گوئیم پدر و مادر هدیه، وی را مورد آزار و اذیت قرار می دادند پس دستگاه قضایی چرا وی را شکنجه کرد (درحالی که می بایست به کانون اصلاح و تربیت رود به زندان بزرگسالان اعزام شد)

سختیها و شداید هدیه به اینجا ختم نمی شود او در شب مورخ 1384/3/11 به همراه چهار نفر از هم سولوییهایش جهت تنبیه به انفرادی انداخته می شود دو نفر از این چهار نفر رئیس بند بوده و از خلق و خوی خشنی برخوردار بوده و سوابق متعدد کیفری داشته اند. هانیه یکی از پنج زندانی وارد شده به

انفرادی، فردی خطرناک و زورگو بوده که بیشتر زندانیان از وی می ترسیدند و اگر خواسته های وی مهیا نمی شد هر گونه آزار و اذیتی از طرف هانیه می شدند به هر حال در آن شب وحشتناک هانیه با دختری به نام فرشته درگیر شده و به شدت او را مورد ضرب و جرح قرار داده و وی را به قتل می رساند. پس از این ماجرا هدیه نیز به اتهام مشارکت در قتل عمد زندان نشین می شود.

پرونده هدیه پس از سه سال ماندن در دادسرا، با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به شعبه 80 دادگاه کیفری استان مستقر در دادگستری کرج ارسال و در روز ۱۳/۴/۱۳۸۸ محاکمه و اتهام انتسابی را در حضور پنج قاضی منکر شد.

چند روز گذشته، به همراه خانم پریسا دشته ای پور دیگر وکیل مدافع هدیه با قضات دادگاه به صورت حضوری مذاکره کردیم. به نظر می رسید آنان نظرشان بر بی گناهی هدیه بود. به هر حال او قبل از آزادی جان باخت. پیش از شروع رسیدگی به پرونده هدیه لایحه نوشته و به دادگاه دادیم که بر بی گناهی هدیه تاکید می نمود. متن لایحه چنین است:

### ریاست و مستشاران محترم شعبه 80 دادگاه کیفری استان تهران

با سلام و عرض ادب؛ احتراماً به وکالت از جانب سرکار خانم هدیه مویدی، مراتب ذیل را در دفاع از حقوق ایشان به استحضار می رساند:

موکله در طول زندگی خود چه از جانب خانواده و چه از جانب جامعه صدمات جبران ناپذیری را تحمل نموده و در زندان نیز با مشکلات و شداید فراوانی دست به گریبان است. موکله دو ساله بود که پدر و مادرش به دلیل اختلافات زناشویی از یکدیگر جدا می شوند طرز تفکر متفاوت پدر با مادر باعث شد تا هدیه دچار تعارض در رفتار و اختلال در روان شود سالها با این تعارضات حادث شده توسط خانواده اش زمان را سپری کرد تا اینکه در سن 14 سالگی تحمل ماندن در نزد خانواده خود را از دست داد. وضعیت خانوادگی او به گونه ای بود که دیگر توان ماندن در نزد مادر و پدرش را حتی به صورت جداگانه نداشت. او در این سن با دختری آشنا می شود که به تنهایی زندگی می نمود و با یکدیگر توافق نمودند که در منزل استیجاری زندگی را سپری کنند.

در مورخ 1383/5/15 موکله زمانی که در منزل یکی از اقوام و دوستان هم اطاقی خود بود با مراجعه مامورین نیروی انتظامی، دستگیر می شود گویا صاحب خانه فردی مجرم و دارای سابقه کیفری بوده که موکله اطلاعی از این موضوع نداشته است ولی به هر تقدیر به ایشان اتهام ناروای رابطه نامشروع و خرید و فروش اسناد جعلی تفهیم می گردد. به هر حال به جای آنکه وی به کانون اصلاح و تربیت اعزام و در دادسرا و دادگاه ویژه اطفال مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرد بر خلاف قانون و رویه قضایی به زندان اوین اعزام و از آنجا به زندان رجایی شهر کرج که محل نگهداری مجرمین خطرناک می باشد منتقل می گردد مضافاً به اینکه حکمی ناعادلانه نسبت به

اتهامی که مرجع قضایی ( شعبه 1089 دادگاه عمومی کیفری مستقر در داسرای ارشاد) به ناروا به وی منتسب نموده و با اینکه دلیلی بر محکومیت وی وجود نداشته و از طرفی منکر هر گونه ارتکاب جرم بوده اند حکم به تحمل دو سال حبس تعزیری و سی ضربه شلاق صادر می گردد که جای بسیار تعجب و تامل دارد چرا که روا نبود مرجع قضایی به جای آنکه پشتیبان حقوق افراد باشد خود فردی را به ناحق به مجازاتی محکوم کند که:

اولاً - مستحق محکومیت نبوده و

ثانیاً- دادگاه مجازات کننده، صالح به رسیدگی به اتهام ایشان نبوده است.

به هر حال این اقدام غیر قانونی توسط مرجع قضایی باعث شد تا بر شدايد و گرفتاریهای موکله افزوده گردد و دختری که تنها 14 سال داشت به جای آنکه از کودکی خود لذت برده و با هم سن و سالان خود بازی و تفریح کند؛ به زندان رجایی شهر کرج منتقل و با مجرمین خطرناک دست و پنجه نرم کرده و به استعمال مواد مخدر بپردازد و همچنین برفشارهای روحی و روانی اش افزوده گردد تا جاییکه سعی کند دست به خودکشی زند.

در تاریخ 3/3/1384 چند نفر از زندانیان، در زندان رجایی شهر درگیری لفظی و فیزیکی بوجود می آورند تا اینکه مسئول زندان این تعداد از زنان را به سلول انفرادی ( سوئت ) منتقل می نماید. جایی که موکله از قبل در آنجا محبوس بود زندانیانی که با موکله هم سلول می شوند هم از نظر سنی بسیار بزرگتر از موکله و هم از مجرمین خطرناک و سابقه دار بوده اند. از جمله آنها هانیه. ه رئیس بند و از زندانیان بسیار خطرناک و زورگو بوده است که دیگر زندانیان از وی به شدت هراسان بوده و مجبور بوده اند به خواسته اش جامعه عمل می پوشانند. اگر زندانیان بر خلاف میل این زندانی اقدامی می کردند مورد ضرب و شتم و آزارهای روحی و روانی قرار می گرفتند. این وضعیتی بود که موکله تنها با داشتن 15 سال سن در شرایطی که هنوز پا به عرصه جامعه نگذارده و از حمایت خانواده نیز بر خوردار نبود مواجه شده و راهی برای خروج از این بحران وجود نداشت.

هانیه. ه از قبل به دلایل نامعلومی با مقتول به نام فرشته. ر خصومت و دشمنی داشته و حتی سه روز قبل از جنایت وی را به دفعات مورد ضرب و شتم قرار داده بود. هانیه قبل از قتل فرشته به دیگر زندانیان دستور می دهد که فرشته را مورد ضرب و جرح قرار دهند و خود نیز مقتول را به شدت مورد ضرب و جرح قرار می دهد به گونه ای که طبق نظریه کارشناس پزشکی قانونی، کبودی و خراشیدگی در گونه، پیشانی و دهان مقتول مشهود است.

به هر حال پس از ضرب و شتم فرشته، هانیه دست از ادامه اعمال مجرمانه خود برداشته و با روسری مقتول را خفه می نماید. موکله هیچگونه دخالتی در قتل نداشته و تا کنون بی گناه در زندان محبوس شده است چنانچه قضات معظم به دقت محتویات پرونده را مذاقه نمایند خواهند دید که در باز

جویبهای بعمل آمده تمامی متهمین، اعلام نموده اند، از هانیه ترس و واهمه داشته و وی همواره آنان را تهدید به مرگ می نمود. هانیه با این تهدیدها، دیگر زندانیان را مجاب نموده بود که اعلام کنند مقتول دست به خودکشی زده است به همین دلیل هانیه به اتفاق یکی دیگر از متهمین، مقتول را از لوله حمام حلق آویز می نماید و سپس با فریاد از مامورین بند استمداد می طلبد. اظهارات دیگر متهمین به شرح ذیل نشان می دهد، موکله نقشی در قتل نداشته و نمی توانسته داشته باشد.

1- مریم. ز در مورخ 84/3/3 در اولین بازجویی خود عنوان نمود که:

« ... هانیه شال را انداخت دور گردن مقتول و یک طرف آن را گرفت و من هم یک لحظه سر شال را گرفتم و چون در حالت تشنج بودم دیگر نفهمیدم.»

2- فاطمه. ف در ص 17 پرونده می گوید:

« ... هانیه شال را دور گردن گلی (مقتول) به تنهای انداخت و گره زد.»

3- هانیه در ص 26 پرونده ضمن اقرار به اینکه شال را خود به گردن مقتول انداخته و کشیده است به نقش زراعتی و فیروز بخت و موکله نیز اشاره می کند در حالیکه گویا ایشان قصد دارند قتل ارتكابی خود را به گردن دیگری بیندازند.

4- موکله در مورخ 86/3/3 اعلام می کند که: درگیری بین فرشته و زندانیان هانیه، فاطمه. ف و مریم. ز از سه روز پیش در سالن 19 شروع شد این درگیری به علت قرص های روان گردان بود این درگیرها ادامه داشت تا روز وقوع قتل ..... من خواب بودم حدود ساعت یک شب با فریاد هانیه از خواب بیدار شدم دیدم هانیه و زراعتی در داخل اتاق متوفی را می زنند..... هانیه یک شال قهوه ای که متعلق به گلی بود دور گردن او انداخت و به مریم زارعی گفت بیا کمک کن و بکش .... هانیه از یک طرف و مریم ز از طرف دیگر شروع به کشیدن کردند..... و تنها به دلیل ترس و واهمه ای که از هانیه داشت و تحت فشارهای روحی و روانی حاکم بر بازجویی در این قسمت پرونده به کذب می گوید که در قتل دست داشته است.» او در بازجوییها صراحتاً اشاره کرده است که هانیه و فاطمه شال را می کشیدند و قتل توسط آنها به انجام رسید.

5- فاطمه. ف در مورخ 84/3/1 ضمن قبول قتل اظهار داشته است که به هانیه کمک کرده چون از وی می ترسیده است. هانیه در مورخ 84/3/12 مجدداً اعلام می دارد که وی به همراه فاطمه. ف شال را دور گردن مقتول انداخته و کشیده است.»

نحوه اظهارات متهمین نشان می دهد که ترس هنگامی از هانیه وجود داشته است به گونه ای که هر یک به صورت مجزا بنا به فشار های خارجی نقشی را در ارتكاب جرم به عهده می گیرند در حالیکه تمام تعارضات موجود در پرونده نشان می دهد که هانیه به تنهایی مبادرت به ارتكاب جرم

نموده چرا که خود از قبل با مقتول خصومت و دشمنی داشته است. شدت ترس زندانیان از این زن به گونه ای بود که در تاریخ 1384/5/17 وی را به قتل می رسانند.

علی ایحال با عنایت به اینکه هیچگونه نقشی در قتل نداشته است و تمام دلایل و امارات نشان می دهد که هانیه ه مبادرت به قتل مرحوم فرشته ر نموده است و اینکه با وجود خصومت شخصی بین مقتول با دیگر متهمین، موکله نمی توانسته دخالتی در قتل داشته باشد تقاضای صدور حکم به برائت موکله را دارم.

اما دیگر هدیه ای وجود ندارد که شاهد آزادی خود باشد. هر چند می دانم همچون هدیه ها در زندان بسیارند و در انتظار عاقبتی روشن چشم به عدالت دوخته اند.

منبع وبلاگ آقای محمد مصطفایی

## برای کودکان و نوجوانان حکم اعدام صادر نکنید

محمد مصطفایی

به استناد کنوانسیون های زیر عدم اجرای حکم اعدام ابراهیم گودرزوند چگینی را خواستاریم .

**کنوانسیون حقوق کودک قدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده 49 دوم سپتامبر 1990**

**ماده 37 (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)**

حکومت ها تضمین می کنند که:

(الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

(ب) توقیف و حبس های غیر قانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود.

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه 26 دسامبر 1966

ماده ششم

1- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

5- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر 18 سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

کمیته کودک و نوجوان کانون دفاع از حقوق بشر در ایران با توجه به امضا و پذیرش پیمان نامه حقوق کودک توسط جمهوری اسلامی ایران، با تاکید بسیار خواستار عدم صدور حکم اعدام برای افراد زیر 18 سالی که مرتکب جرمی میشوند، میباشد.

نظر به اینکه ابراهیم گودرزوند چگینی در سن 16 سالگی مرتکب قتل شده، ما به عنوان مدافعین حقوق بشر، خواستار توقف حکم اعدام نامبرده و سایر محکومین از این دست میباشد.

يك مورد كودك آزارى در شیراز ( 5 )

دختر بچه یی که شواهد نشان می دهد بر اثر کودک آزاری به کما رفته است، در یکی از بیمارستان های شیراز بستری شد. به گزارش ایسکانیوز زن جوانی که پریشان به نظر می رسید، هفته گذشته دختر شش ساله اش «هانیه» را به بیمارستان شهید «دستغیب» شیراز برد و تحویل پرستاران داد. سپس کودک بیهوش در بخش «آی سی یو» بستری و مادرش مدعی شد چون «هانیه» به شدت سرفه می کرد، به اشتباه شربت «متادون» به او داد و فرزندش به این حال افتاد. دختر بچه پس از درمان مقدماتی به اصرار مادرش از بیمارستان ترخیص شد اما ۱۶ ساعت بعد دوباره به کما رفت و این بار به بیمارستان شهید «نمازی» فرستاده شد.

گفته می شود «هانیه» مرگ مغزی شده و پزشکان، امید چندانی به زنده ماندنش ندارند. در همین حال دستور بازداشت مادر او به اتهام اقدام به فرزندکشی صادر شده و پرونده در دادسرای شیراز تحت رسیدگی است.



## حمایت سازمان‌های دولتی از کودکان کار در حد حرف باقی مانده است

رئیس شبکه همیاری کودکان کار و خیابان ایران اعلام کرد که در گذشته، کودکان کار بیشتر پسر بوده اما در سالهای اخیر به تعداد دختران کار نیز افزوده شده است. رئیس شبکه همیاری کودکان کار و خیابان ایران گفت: شهرداری نیز اقداماتی در جهت شناسایی و ساماندهی این کودکان انجام داده اما فعالیت سازمان‌های دولتی فقط در حد حرف و پروژه باقی مانده و اقدامات جدی در این خصوص انجام نشده، بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی این معضل و یا پدیده اجتماعی، سازمان متولی برای پاسخ‌گویی به این مشکل کافی نباشد.

فاطمه قاسم زاده در گفت‌وگو با ایلنا، در رابطه با موثرترین گام برای مقابله و کاهش کودکان کار در خیابانها، حذف فقر اقتصادی در خانواده برای بهبود اوضاع اقتصادی خانواده‌ها را پیشنهاد داد. وی معلولیت اقتصادی و یا فقر اجتماعی و جدی نگرفتن پدیده کودکان کار از سوی سازمان‌های دولتی و غیردولتی باعث پیشرفت و تداوم این معضل شده است.

رئیس شبکه همیاری کودکان کار و خیابان ایران، معلولیت فقر را در جامعه و یا در خانواده عامل اصلی معضل کودکان کار دانست و افزود: اگر مشکلات اقتصادی را نمی‌توان به صورت کلی حذف کرد اما می‌توان آن را به حداقل رساند.

رئیس شبکه همیاری کودکان کار و خیابان ایران، در ارتباط با ترکیب جنسیتی کودکان کار افزود: در این مورد آمار دقیقی وجود ندارد و معمولاً به طور کلی کودکان زیر 18 سال که مدرسه نمی‌روند، دچار این پدیده می‌شوند.

وی تصریح کرد: بنابراین در سرشماری سال 85، حدود 15 میلیون کودک زیر 18 سال وجود داشته و در 5 سال گذشته کودکان کار بیشتر پسر بوده و در حال حاضر نیز اگر دختران بیشتر نباشند، می‌توان گفت که تعداد آنها تقریباً برابر است.

قاسم زاده گفت: این پدیده عمدتاً در کشورهای در حال رشد بیشتر است، کشورهایایی که از لحاظ منابع فقیر هستند و توزیع درآمد در آنها درست انجام نمی‌شود، به طور مثال کشور هند که جزء کشورهای جهان سوم بوده بیشترین کودکان کار در خیابان را دارد و بیشترین اقدامات را برای مقابله با این مساله اجتماعی انجام داده و به دلیل اینکه نمی‌توان این پدیده را به طور کلی از بین برد، نوع کارهای کودکان را تغییر داده است.

وی اظهار کرد: سازمان‌های غیردولتی در نظر دارند مدت زمان کار کودکان و یا نوع کار آنها را تغییر داده و به این ترتیب خانواده‌ها را نیز به این مساله مجاب می‌کنند.

قاسم زاده در ادامه گفت: فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ایران در 10 سال گذشته گسترش یافته و در نتیجه مراکز آموزشی برای حرفه آموزی و آموزش بهداشت و سوادآموزی در جهت توانمندسازی کودکان کار ایجاد شده است و تا حدودی نیز موفق بوده‌اند.

رئیس شبکه همیاری کودکان کار و خیابان ایران با مثبت ارزیابی کردن فعالیت این سازمان‌های غیردولتی در جهت توانمندسازی کودکان کار گفت: متأسفانه فعالیت این انجوها به صورت قانونی به سازمان بهزیستی واگذار شده و این درحالی است که حمایت از کودکان کار و خیابان از عهده یک سازمان بر نمی‌آید و باید اقدامات همه جانبه در این مورد صورت گیرد.

## جنایت نیروی انتظامی در ارومیه، قتل دختر خردسال کرد با 20 گلوله

در پی حمله نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران رژیم به منزل مسکونی یک شهروند کرد در شهرک ولی عصر ارومیه، که گفته شده شماری از اعضای یکی از گروه‌های اپوزیسیون کرد در آن پناه گرفته بودند، صاحب خانه مذکور و دختر خردسالش که در پی محاصره منزلشان دست بر سر گذاشته و در حالی که تسلیم شده و از خانه بیرون آمده اند، تیرباران شده و به گفته شاهدان حادثه به هریک از پدر و دختر خردسالش بیش از ۲۰ گلوله شلیک شده که بلافاصله به جانسپردن آن دو منجر شده و پس از آن درگیریهای شدیدی در میان مردم و نیروهای امنیتی درگرفته که بیش از ۷ ساعت به طول انجامیده و علاوه بر کشته شدن یک شهروند دیگر کرد، در اثر اعتراضات مردمی ۴ ماشین نیروهای سرکوبگر رژیم در آتش سوخته و ۶ تن از نیروهای اطلاعات و سپاه پاسداران حکومت کشته و تعدادی نیز زخمی شده اند.

ماجرا از زمانی آغاز شد، در بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۳۰ تیرماه و همزمان با عید مبعث، نیروهای انتظامی و سپاهی ارومیه خانه‌ای را در شهرک ولی عصر این شهر را به محاصره درمی آورند و بدون هشدار به ساکنان محل و خانه مذکور، شروع به تیراندازی با انواع سلاح سبک و آرپی جی به آن خانه کرده تا آنکه صاحب آن خانه به همراه دختر خردسالش به نشانه تسلیم دست بر سر گذاشته و به بیرون از خانه می آید اما نظامیان رژیم به جای دستگیری وی را به رگبار گلوله بسته و هردو را با شلیک ۲۰ گلوله به هرکدام به قتل رسانده و به اجساد آنها نیز بی احترامی میکنند. در پی این کشتار، مابین پناه گرفتگان در آن خانه و نیروهای امنیتی رژیم درگیری مسلحانه شدیدی شروع شده

و ساعتها ادامه میابد که در اثر آن طبق گفته شاهدان عینی به غیر از صاحبخانه و دختر خردسالش، یک زن مسلح کرد پناه بسته در خانه و بیش از ۶ تن از نیروهای انتظامی و سپاهی رژیم کشته میشوند.

در حوالی نیمه شب و پس از آنکه همسایگان و شهروندان کرد از این قتل وحشیانه خبردار میشوند، به نیروهای امنیتی یورش برده و ضمن وادارکردن نیروهای امنیتی به عقب نشینی و شکستن محاصره منزل مسکونی، شروع به برپایی تظاهرات اعتراضی کرده که تا حوالی صبح ادامه داشته و در انجام اعتراضات گسترده مردمی بیش از ۴ ماشین متعلق به نیروهای امنیتی و یک اتوبوس در آتش سوخته و تعداد زیادی از مکانهای دولتی تخریب میشود و در این میان افراد پناه گرفته در خانه مذکور متواری میشوند.



فیلم اینمورد را میتونید در لینک زیر دریافت کنید

<http://www.youtube.com/watch?v=V25XI-zfjVY>

شایان ذکر است که برخی منابع آگاه از حادثه تعداد کشته‌های این درگیری را ۷ کشته (صاحبخانه، فرزند خردسال وی، ۴ تن از نیروهای امنیتی و ۱ فرد مسلح پناه گرفته در خانه) ذکر کرده اند، و این در حالیست که خبرگزاری نیمه رسمی فارس نیز این خبر را تایید اما آمار متفاوتی از کشته‌ها ارائه داده است و علاوه بر آن، مردان مسلح پناه گرفته در منزل مسکونی ذکر شده را اعضای یک گروه معاند نظام معرفی کرده ولی پژاک (حزب حیات آزاد کردستان، شاخه ایرانی پ.ک.ک که به گفته منابع آگاه، منظور رژیم از آنهاست) اتهامات را رد کرده است. از طرف دیگر در درگیری نیروهای سرکوبگر رژیم و شهروندان کرد، دهها تن زخمی و دستگیر شده اند و دو روز است اوضاع شهر امنیتی است.

همچنین برخی وبسایتهای کردی، دختر کشته شده را ۳ ساله ذکر کرده اند اما گزارش تایید شده‌ای در مورد سن و سال کودک کشته شده در دست نیست.

## حمایت ۱۵۰۰ نفری از «اعدام بس کودکان

1500 نفر از فعالان اجتماعی بصدر اطلاعیه ای از فراخوان «اعدام بس کودکان» کانون مدافعان حقوق بشر حمایت کردند. متن اطلاعیه فعالان اجتماعی به شرح زیر است:

ملت شریف ایران

ما امضاکنندگان این بیانیه بنا بر وجدان انسانی خویش مجازات مرگ را برای افراد زیر ۱۸ سال که هنوز از بلوغ کافی برای تشخیص کامل عملکرد خود و پیامدهای آن برخوردار نیستند، خشن، غیر عادلانه و غیر انسانی می دانیم.

از همین رو

-با همراهی ندای وجدان؛

-همصدا با تجربه جامعه جهانی بشری؛

-با تاکید بر لزوم فرهنگ سازی گسترده در این امر؛

-همسو با بسیاری از کشورهای اسلامی که این قاعده احترام به حق حیات بشری را پذیرفته و بدان عمل می‌کنند؛

-با تاکید بر رعایت کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق کودکان؛

-با توجه دادن به این مهم که بسیاری از بزه‌های اجتماعی در جامعه ما ریشه در شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و .. دارد؛

-با پذیرش این امر که با اولویت‌دهی به پیشگیری، در عین حال باید با این بخش از جرایم اجتماعی برخورد قضایی خفیف‌تر و جایگزین و در هر حال متناسب با سن و سال و وضعیت این دسته از مرتکبان بزه‌های اجتماعی صورت گیرد؛

-و به عنوان یک هیئت منصفه آزاد مردمی؛

شهادت و رای می‌دهیم که افراد زیر ۱۸ سال نباید محکوم به سلب حق حیات و قطع امکان برای رشد و اصلاح و کسب تجارب جدید در زندگی خویش شوند.

راین اساس ما به پویش "اعدام بس کودکان" پاسخ مثبت داده و از مقامات مختلف قضایی، سیاسی، آموزشی و رسانه‌ای می‌خواهیم هر یک در حوزه مسئولیت خویش هرچه سریع‌تر گام‌های عملی و جدی برای پیشبرد این امر انسانی بردارند.

آبتین میتر/ آبچر سعید/ آجودانی مصطفی/ آجودانی نیما/ آدینه وند احمد/ آذرباد سارو/ آذریک آرش/  
آذری هزار/ آذری گیتا/ آراسته رویا/ آرشیان اشکان/ آرمان فرد احمد/ آرمن فخرالدین/ آزاد نفیسه/  
آزاد ویکتوریا/ آزاده یاسر/ آزادی محمد/ آزمایش علی/ آژییری رزا/ آشور محمد/ آصف‌نخعی  
فروزان/ آصفی حمید/ آصفی سهیل/ آقا اسدی زهره/ آقاسی فریدون/ آقایی عبدالله/ آقایی وحید/ آقایی  
ساسان/ آقایی سامر/ آقایی سعید/ آقایی عماد/ آقایی فرزانه/ آقایی پور فرزانه/ آل‌آقا سعید/ آل‌بویه  
پروانه/ آل‌داوود شهرزاد/ آل‌مهدی محمد/ آمره علی/ آموزگار علی/ انجیدنی پیمان/ آیین دار پریسا/  
آیین دار جمشید/ آیدین حسنلو/ ابراهیمی محسن/ ابراهیمی مصطفی/ ابراهیمی مهرزاد مهدی/  
ابراهیمی نرگس/ ابریشمی عبدالله/ ابوترابی ابوتراب/ ابوذری عباس/ ابوطالبی پیام/ ابونصر سحر/  
ابویی ایمان/ اجاقی علی/ احتسابیان پیام/ احتسابیان نگین/ احتفاظی هادی/ احراری حمید/ احمدپور  
نشمیل/ احمدزاده طاهر/ احمدی زنیار/ احمدی عاطفه/ احمدی علی/ احمدی محمد مهدی/ احمدی نیا  
محمدرضا/ احمدیان امین/ احمدیان محمود/ احمدی بابک/ احمدی حامد/ احمدی حسن/ احمدی محسن/  
احمدی گیتا/ احمدی خراسانی نوشین/ اختری فریبا/ اخلاقی مصطفی/ اخوان رزیتا/ اخوان اقدم طیبیه/  
ادیب رستم‌پور/ ادیبان حسین/ ارجینی رضا/ اردبیلی ساجد/ اردکانی صدیق/ اردلان پروین/ اردلان  
مهلقا/ ارزنی زهرا/ ارفع زاده بامداد/ ارک حسن/ آریانفر مرضیه/ ازرحیمی آرنوش/ اسانلو اکرم/  
استادزاده مصطفی/ اسحاقی امیر/ اسداللهی محسن/ اسداللهی نادر/ اسدیگی محمدکریم/ اسدی پور

سعیده/ اسدی زیدآبادی حسن/ اسدی محمد/ اسدی مریم/ اسدی مهدی/ اسدی میلاد/ اسفندیاری  
محمدصادق/ اسفندیاری محمد/ اسکندری دلیر/ اسکویی سیدباقر/ اسکویی نازی/ اسماعیل بیگی بهرام/  
اسماعیل زاده هادی/ اسماعیلی سیدکوهزاد/ اسماعیلی رشید/ اسماعیلی مهدی/ اسمعیلی وحید/  
اسمی زاده سارا/ اشجاری ناصر/ اشفاق مرتضی/ اصغری حسن/ اعجازی ابراهیم/ اعرابی حسین/  
اعرابی فرهاد/ اعظمی مقصود/ افتخار محمدامین/ افتخاراردبیلی حسن/ افجهای احمد/ افراسیابی  
ناهد/ افرشته محمد/ افشار بانوفرشید/ افشار مریم/ افشاری علیرضا/ افشاریان احسان/ افلاکی  
ساچلی/ اقبال آرتیکاس/ اقبالی چنگیز/ اقتداری جلال/ اقتنایی امیر/ اقلیمی هادی/ اکبرزادگان  
علی رضا/ اکبرزاده اعظم/ اکبرزاده محمدتقی/ اکبری جمشید/ اکبری حسین/ اکرمی علی/ اکبری  
سیف الله/ الحسینی محمدصادق/ الماسی فردین/ الماسی مسعود/ الماسی نسرین/ الملای هادی/ الهامی  
عبدالمجید/ امانی فرد فائزه/ امیدیان وجیهه/ امیر ابراهیمی فرهاد/ امیرانتظام الهه/ امیرانتظام عباس/  
امیری آزاده/ امیریان مهدی/ امین زهره/ امینی آسیه/ امینی لادن/ امیراحمدی محمود/ امینی حسن/  
امینی ستار/ امینی سیامک/ امینی علی/ امینی محمد/ امینی محی الدین/ امینی زاده مهدی/ انتصاری  
شهلا/ انصاری الناز/ انتظامی عزت الله/ ایرانشاهی حامد/ ایران مهر امید/ ایزدی حسن/ ایرانلو علی/  
ایرانی ابوالقاسم/ ایزدی امین/ بازرگان ابوالفضل/ بازرگان عبدالعلی/ بازرگان فتانه/ بازرگان فرشته/  
بازرگان محمدنوید/ بازرگان ملکه/ مجتبی باستانی/ باطولی مختار/ باقرزاده ایرج/ باقری شهرزاد/  
باقری علی/ باقری وحید/ باقری ایران/ باقری خسرو/ باقی عمادالدین/ باوند داود هرمیداس/ بایزیدی  
شیرزاد/ بجنوردی احسان/ بحرکاظمی مرتضی/ بختیاری حجت/ بختیاری زاده فرخنده/ بختیارنژاد  
پروین/ بخشعلی زاده هومن/ بدیعی مرتضی/ بدیعزادگان اکبر/ بذریچیان فرزانه/ بذریچیان محمد/ براتی  
شریف/ براتیان ایمان/ براتیان پوریا/ براتی خلیل/ براتی عدنان/ برارش آرمین/ براهنی رضا/ بُرُ  
مسعود/ برزگر راحله/ برزگر محسن/ برومند ادیب/ برومند بهروز/ برومند جهانشاه/ برهانی  
رحمت الله/ بذرافکن فرهاد/ بزرگ مهرداد/ بسته‌نگار محمد/ بسته‌نگار مهدی/ بشیری ژیلا/ بکتاش  
راحله/ بنکدار تیرداد/ بنی اسدی محمدحسین/ بنی اعتماد رخشان/ بنی یعقوب ژیلا/ بنی حسن احمدعلی/  
بوستانکار راضیه/ بوستانکار مرضیه/ به‌آور حسین/ بهادران مریم/ بهادری نسترن/ بهارمس  
اسفندیار/ بهاور عماد/ بهبهانی سیمین/ بهبهانی ناصر/ بهرام آبتین/ بهرامی بابک/ بهرامی جلال/  
بهرامی وحید/ بهرامیان مولود/ بهرامی گلاله/ بهرامی نجات/ بهزاد حق‌پناه/ بهزادی محمد/ بهزادی  
محمود/ بهفروزی محمد/ بهشتی حاج جواد/ بهشتی حمید/ بهکیش منصوره/ بهگو گلناز/ بهمن  
رضاخانی/ بهمنش رحمان/ بهمنی آرش/ بهنود مسعود/ بهنیا حمید/ بیات مجتبی/ بی‌آزار حمید/ بیات  
هوشنگ/ بیاتزاده منصور/ بیطرف صفا/ بیگلری زهرا/ بیگلری صدیقه/ بیگی زاده امید/ پارسا  
خسرو/ پارسا سعید/ پارسا فرید/ پارسا مطهره/ پاشایی مجید/ پاکزاد بابک/ پدram مسعود/ پراکند

مهناز/ پرتویی عادل/ پژوم یوسف/ پشمی عباس/ پلاسچی هژیر/ پناهی جعفر/ پور فاضل گیتی/  
پور اظهري عباس/ پور حیدر سعید/ پور رضا حسین/ پور فاضل گیتی/ پولادی مهدی/ پویان رضا/  
پیشه صفا محمد/ پیغمبرزاده فاطمه/ پیری فیض الله/ پیمان حبیب الله/ پیمان مجید/ تاج الدینی عباس/  
تاجیک عبدالرضا/ تحویلداري پویان/ ترا بیان سعید/ تربتی عزت/ ترکزاده منیژه/ ترکمان مهدی/  
تقدیری محمد/ تقی پور علی/ تنکابنی زهره/ تنها مصطفی/ تنها نسیم/ توانگر مسعود/ توانی خالق/  
توسلی غلام عباس/ توسلی محمد/ توسلی محمدرضا/ توسلی ناهید/ توفیقی محمد علی/ توکلی خالد/  
تولایی مجید/ توحیدی زهرا/ تیفوری منصور/ ثبوت آزاده/ ثقی علی رضا/ جابری مجید/ جام پرسنگ  
مهران/ جانی پور زهرا/ جاویدان جاوید/ جاهد سیما/ جبارزادگان حمیده/ جبارزادگان فرخنده/ جباری  
علیرضا/ جزایری شهین/ جعفرزاده افشین/ جعفرزاده رضی/ جعفری فریبا/ جعفری مهین/ جعفری  
مینا/ جعفری ناهید/ جعفری نوشین/ جعفریان رضا/ جلایی پروین/ جلالی زاده جلال/ جلیلیان ندا/  
جلیوند اسماعیل/ جلیلی بیتا/ جلیلیان یزدان/ جمالوند مهدی/ جمالی علی/ جمشیدی ستاره/ جمشیدی  
صالح/ جمشیدی صمد/ جمشیدی منوچهر/ جمشیدی نصرالله/ جنتی کورش/ جواهر کلام محمد/  
جوهری جلوه/ جهانشاهی جاهد/ جهانی امیر حسین/ جیرمبندی روح الله/ چالاک فرانک/ چاوشیان  
مهدی/ چترچی ماندانا/ چرونده اقدس/ چمنی فریدون/ چهل تن امیر حسن/ حاتم سیاوش/ حاتمی  
عیسی خان/ حاج اسماعیلی مهدی/ حاجزاده یونس/ حاج قاسم علی اسماعیل/ حاج قاسم علی/ حاجی  
رضا/ حاجی شیرین/ حاجی محمد/ حاجی دینی منیژه/ حاجی دینی وجیهه/ حاجی فاطمه/ حاجی منیژه/  
حاجی زاده فرخنده/ حافظی بهمن/ حافظی نزهت/ حاکم زاده جعفر/ حایری حسین/ حبیبی غلام/ حبیبی  
محترم/ حبیبی مریم/ حبیبی سعید/ حبیبی مژده/ حبیبی مهدی/ حجازی سعید/ حجازی طه/ حجتی  
جلال الدین/ حجتی محمد/ حدیثی حمید/ حدیثی علی/ حریری حسین/ حسامی حمید/ حسامی قلی/  
حسن دوست حامد/ حسنلو آیدین/ حسنی سید حسن/ حسنی سهراب/ حسین پور سعیده/ حسین خانی مجتبی/  
حسین زاده محبوبه/ حسین نیا سعید/ حسینی آرزو/ حسینی افتخار/ حسینی بهروز/ حسینی داوود/  
حسینی زهرا/ حسینی میلاد/ حسینی نیا سید حمید/ حسین زاده مرتضی/ حسین نژاد مهدی/ حسینی  
افتخار/ حسینی حیات/ حسینی سید مسعود/ حشمت آزاد الناز/ حصار ی جواد/ حضرتی حسین/ حفیظی  
راضیه/ حقانی علی/ حقانی فریبرز/ حقانی مجتبی/ حقانی مرضیه/ حقانی مهدی/ حقانی هوشنگ/  
حق پرست عباس/ حق پرست مسعود/ حقگو جمشید/ حقیقی ریحانه/ حقیقی منتظر/ حقیقت جو فاطمه/  
حکمت منیژه/ حکیمزاده عباس/ حکیمی ابوالفضل/ حکیمی عبدالکریم/ حکیمی مجید/ حکیمی  
فخر الدین/ حکیمی محسن/ حمد الله نامجو/ حمزه مهشید/ حمسی محمدرضا/ حمیدی حمید/ حمیدی  
مهدی/ حیدری زاده مقدم/ حیدری سبحان/ حیدری مهدی/ حیدریان فخر الدین/ حیدریان یزدلی جلیل/  
حیات غیبی منصور/ حیدری محمد/ حیدری زاده مقدم/ حیدری گوران فرهاد/ خائف جعفر/ خادم جعفر/



خادم حمیدرضا/ خادمی علیرضا/ خادمی سمانه/ خاکباز نجمه/ خاکپور مجتبی/ خاکساری محمد/  
خالصی حسین/ خانجانی نوید/ خاندل آرش/ خانزاده مرخالی نبی‌اله/ خانی فاطمه/ خجسته رحیمی  
رضا/ خدادادی ابراهیم/ خدادادی مهدی/ خدایاری حسین/ خدایی سیاوش/ خدایاری بابک/ خدیو  
صلاح‌الدین/ خدیوی مهین/ خردمند محمدجواد/ خرسند پژمان/ خرم امیر/ خرمشاهی فرزاد/  
خرمشاهی فیروزه/ خزائی محمدعلی/ خسروانی حسین/ خسروشاهی آزاده/ خسروشاهی حوریه/  
خسروشاهی طاهره/ خسروشاهی علی اکبر/ خسروشاهی فریده/ خسروشاهی یاور/ خسروی محسن/  
خسروی محمدرضا/ خسروی ویدا/ خسروی مقدم نسیم/ خسروی مقدم فایزه/ خسروی مصطفی/  
خسروی هستی/ خطیبی حسین/ خطیبی محمد/ خلج الیاس/ خلیقی سارو/ خلیل‌زاده مقدم/ خلیل‌نژاد  
فرح/ خلیقی رسول/ خلیلی جاسم/ خلیلی محمد/ خمسه مجید/ خنجی عبدالله/ خندان مجتبی/  
خندان‌مه‌آبادی رضا/ خوارزمی مهراوه/ خوزستانی جواد/ خوشباف بهروز/ خوش‌سیرت سلیمی  
ابراهیم/ خوش‌محمدی اسماعیل/ خوشنویسان نازنین/ خیاط‌زاده علیرضا/ خیراتی مسعود/ خیرخواه  
اکرم/ خیرخواه گیتی/ خیرخواه مریم/ خیرابی ناهید/ خیراندیش هوشنگ/ داداشی شورانگیز/ دادپور  
صالح/ دادخواه محمدعلی/ دادفر احترام/ دادفر محمد/ دادمهر رسول/ دادی‌زاده محمد/ دارایی‌زاده  
بهنام/ دارین داریوش/ داسه حاصل/ دانشور حامد/ دانشیان ارغوان/ دانشیان محمدمهدی/ داودی علی/  
داودی فرهاد/ داوران مسعود/ داوری زینب/ دبستانی صدیقه/ دبیری پرویز/ دراوزمی محمد/  
درخشان شقایق/ درخشان مجتبی/ دردکشان محمدجواد/ درفشی مظفر/ درودی جمال/ درودی رضا/  
درودی سعید/ درودی فریبا/ درویش‌زاده افشین/ درویش شبنم/ درّی مجید/ دریاباری منصور/ دزکی  
بهرام/ دشتی‌پور سمیرا / دعاگو حسن/ دل‌آسایی محمود/ دلالت هادی/ دلاور خسرو/ دلفانی سعادت/  
دلیرثانی امیرخسرو/ دل‌بهارى هادی/ دوانی مصیب/ دوستی‌دوکشکانی وهاب/ دها سیمین/ دهقان  
امین/ دهقان محمد/ دهقان‌نژاد عباس/ دهقانیان ویدا/ دیبامهر/ دینوی ابراهیم/ ذبیحی پروین/ ذکائی  
محمد/ رئیس‌طوسی رضا/ راد ترانه/ راد سهیلا/ رازیانی آژوان/ راستی اسحاق/ راستی مهشید/  
راضی حسین/ راعی محمد/ ربانی محمدصادق/ ربیع‌زاده بهنام/ رجائیان محمدجواد/ رجایی علیرضا/  
رجایی مسعود/ رجاییان محمدجواد/ رحمانی آرش/ رحمانی پردیس/ رحمانی سامان/ رحمانی یاسر/  
رحمانی تقی/ رحمانی شفق/ رحیم غلامرضا/ رحیمی سارا/ رحیم‌پور جواد/ رحیم‌پور رضا/ رحیمی  
زهره/ رحیمی نجف/ رخشان محمد/ رزاقی سهراب/ رزومی توحید/ رزومی مجتبی/ رستم‌پور ندا/  
رستمی فریده/ رستمی صدیقه/ رسول‌پور سامان/ رسولی محمدصادق/ رسولی جعفر/ رشیدی سمیه/  
رشیدی علی/ رضائی احد/ رضائی اصغر/ رضازاده سحر/ رضازاده مسعود/ رضایی رضا/ رضایی  
علی/ رضایی فهیمه/ رضایی کاظم/ رضایی مرتضی/ رضایی مریم/ رضایی میتره/ رضایی تحسین/  
رضایی محمد/ رضوانفر محمدمامین/ رضوانیان محمد/ رضوی اشکان/ رضوی سعید/ رضوی داوود/

رفیعی توفیق/ رفیعی کیوان/ رفیعی حسین/ رمضانزاده فیروزه/ رمضانیان احسان/ رضانی طاهر/  
 رنجر محسن/ رنجر وحید/ رنجر نیا فیض‌الله/ روحانیان فرین حسین/ روحانی روح‌الله/ روحانی  
 مسعود/ روحی افسر/ روستا مصطفی/ روستایی آرش/ روشن میترا/ رهنما مهدی/ ریاحی حسین/  
 ریسمانچیان اصغر/ ریسمانچیان پرویز/ رییس‌دانا فریبرز/ زارع‌پور حیدری رقیه/ زارع علی/  
 زارع‌کهن نفیسه/ زارعی ساسان/ زارعی مختار/ زارعی قنواتی اردشیر/ زالی‌مقدم روح‌الله/ زاهدی  
 البرز/ زراعت‌پیما صیاد/ زراعت‌کار سعید/ زراعت‌کار علی‌اکبر/ زرافشان ناصر/ زرافشان هما/  
 زرشکی مانی/ زرکشوری منوچهر/ زرگر علیرضا/ زره‌ساز جمال/ زرهی حسن/ زرین علی/ زعیم  
 کورش/ زمانی محمدابراهیم/ زمانی اکبر/ زمانی بابک/ زمانی خسرو/ زمانی علی/ زمانی  
 محمدابراهیم/ زمانی مهدی/ زندی‌نیا پرویز/ زندی فرید/ زندی مرتضی/ زندی مریم/ زندیان محمود/  
 زندی اشرف/ زنگنه نیکزاد/ زوار محمد/ زهدی محمدرضا/ زیدآبادی احمد/ زینعلی شاهین/ ساخ  
 سعید/ سادات مجتبی/ ساریخانی علیرضا/ ساعدی صادق/ ساعی محمد/ ساکت موسی/ سالار مهدی/  
 سالخورده مریم/ سالمی حسین/ سامانی فاروق/ سامی محمود/ سبحان‌اللهی حسین/ سپنتا شاهین/ سپهر  
 شعبان/ ستاری سهیلا/ ستایش رکسانا/ ستوده نسرین/ سجادی سحر/ سجودی سهیل/ سبحانی عزت‌الله/  
 سبحانی فریدون/ سبحانی هاله/ سحرخیز عیسی/ سخایی منیژه/ سرابندی نسیم/ سرچمی محمد/ سرحدی  
 امیرحسین/ سرحدی‌زاده حسین/ سرحدی‌زاده زهرا/ سرحدی‌زاده فاطمه/ سرخ‌دوست صالحه/ سری  
 مینا/ سعادت آیدا/ سعادتیان سیاوش/ سعیدی بیوک/ سعیدی خسرو/ سعیدی‌پور مهدی/ سعیدزاده آیت/  
 سعیدزاده محمود/ سعیدی سعیده/ سفری پرویز/ سفری مسعود/ سکاکی حسین/ سکاکی کاظم/  
 سلحشور بیگم‌جان/ سلحشور فرخنده/ سلطان‌زاده فاطمه/ سلطانی فرزاد/ سلطانی فرشاد/ سلطانی‌آذر  
 علی‌اشرف/ سلطانی عبدالفتاح/ سلطانی مرتضی/ سلگی محسن/ سلمانپور جهانگیر/ سلیمان‌زاده  
 مهدی/ سلیمانی امیر/ سلیمانی محمدجواد/ سلیمانپور مهرداد/ سلیمی شاپور/ سماعی پروانه/ سماک  
 منوچهر/ سمیاری مرتضی/ سوری روح‌الله/ سوزنی علیقلی/ سهامی امیررضا/ سهرابی عبدالله/  
 سیدآلو سلمان/ سیدآلو فرانک/ سیدرئیسی سیدمحمد/ سید عسگری مهرداد/ سیف خسرو/ سیفی  
 فرناز/ سیادت موسی/ سیاسی‌راد علی/ سیدنژاد محمدعلی/ سینکی هاله/ سیوان فرحزادی/  
 شاددل‌بصیر محمود/ شادفر احترام/ شادفر فخری/ شافعی جواد/ شاقاسمی سید فواد/ شاکری ابراهیم/  
 شاکری‌فر منصور/ شاکری محمدامین/ شاکری مختار/ شاملو محمدی علی/ شاه‌اویسی حسین/  
 شاه‌حسینی حسین/ شاهسون وحید/ شاه‌شهاب علی/ شبان اسماعیل/ شبان ندا/ شبانی مریم/ شجاع امین/  
 شجاع علی/ شجاع فهیمه/ شجاعی حمزه احمد/ شجاعی علی/ شجاعی منصوره/ شجاعیان منوچهر/  
 شجاعی امید/ شجاعی صادق/ شرف‌الدین جواد/ شرقی ژیلا/ شریعتی احسان/ شریعتی سوسن/ شریفی  
 چیا/ شریفی عرفان/ شریفیان پوریا/ شریف محمد/ شریفی حجت‌الله/ شریفی فرج‌الله/ شعبانی سوسن/

شفیعی سیدروح‌الله/ شفیی مهدی/ شکاریار بهناز/ شکوری‌گیلچالان مازیار/ شکیبی مینا/ شمبوری  
الله‌وردی/ شمیرانی عالم‌تاج/ شمیرانی گوهر/ شویدی فریبا/ شہامت‌دار احمد/ شہبازی حسن/ شہبازی  
سرور/ شہبازی فاطمہ/ شہبازی کاوہ/ شہچراغی داوود/ شہروی آرش/ شہریاری محسن/  
شہسواری عباسقلی/ شہسواری یوسفعلی/ شہناصری احمد/ شہوق شایا/ شہید حسن/ شیخ امیر/  
شیخی شہاب‌الدین/ شیرافکن آمنہ/ شیرازی عطاء‌الله/ شیرانی ساناز/ شیردل صادقہ/ شیرزاد مهدی/  
شیرمحمدی شہلا/ شیخو صابر/ شیرخانی قانع/ شیرمحمدی مهدی/ شیرمحمدی ناصر/ شیروانی  
محمدجواد/ شیرین آبادی محمود/ صابر محمد/ صابر ہدی/ صابری عطیہ/ صابری علی/  
صاحب‌محمدی سعید/ صاحب‌محمدی محمد/ صادق‌زادہ آنرکش/ صادقی ارسلان/ صادقی محمد/  
صادقی مژگان/ صادقیان موید/ صادق‌پور آرمین/ صادقی جعفر/ صادقی شہرام/ صادقی محمد/  
صادقی‌راد محسن/ صالح آرش/ صالح یادگار/ صالحی ادريس/ صالحی وحید/ صالحی سیدعلی/  
صالحی عمار/ صباغیان ہاشم/ صحافیان عباسعلی/ صحت لیلا/ صحرایی رویا/ صفی یوسف/  
صداقتی‌خیاط علی/ صدر رضا/ صدر شادی/ صدرا‌اشرفی ضیا/ صدرا‌ج‌سیدجواد احمد/  
صدرزادہ حسن/ صدربی‌نیا محمدباقر/ صدوقیان‌زادہ مینوش/ صدیقی ایمان/ صدیقی محمد/ صدیقی  
نادیا/ صدیق سہیل/ صراف مهدی/ صفاخو مہرنوش/ صفاریان مسعود/ صفاری‌دوست حسین/  
صفاییان فاطمہ/ صفرزائی سامان/ صفری بہنام/ صفری‌زادہ جواد/ صفری رضا/ صفری مظفر/  
صفویہ اکبر/ صفوی جواد/ صفیاریان یحیی/ صفی‌خانی یوسف/ صلواتی فضل‌الله/ صلواتی طارق/  
صمدی حمیدرضا/ صمدی معروف/ صمیمی سپہر/ صمیمی کیوان/ صنیعی سحر/ صیادی محمد/  
ضرابی جلیل/ ضرغامی علی‌اشرف/ ضرغامی فریدون/ ضیایی مجید/ ضیا مریم/ طاعتیان نسرین/  
طالب‌نیا نجمہ/ طالقانی نرگس/ طالقانی اعظم/ طالقانی حسام/ طالقانی طاہرہ/ طاہری اکبر/ طاہری  
رئوف/ طاہری محمد/ طاہری بہروز/ طاہری فرزاد/ طاہری سیامک/ طاہری کاظم/ طاہری  
ناصر/ طایفی علی/ طلوعی مانا/ طہماسبی سوسن/ طیبات نرگس/ طیرانی امیر/ ظہوری طاہرہ/  
ظہوری مہریزی لیلا/ عابدزادہ ہاشم/ عابدین خورشید/ عابدینی ابوالفضل/ عابدینی وحید/ عابدی  
ہما/ عابدینی آرزو/ عادل مهدی/ عالی‌نژاد پریسا/ عامری محسن/ عبادی محمود/ عباس‌زادگان  
سیدجعفر/ عباس‌زادہ جعفر/ عباس‌زادہ مهدی/ عباس‌زادہ مہران/ عباسقلی‌زادہ محبوبہ/ عباسی باقر/  
عباسی ری‌را/ عبدی سعید/ عبدی علی/ عدل‌گستر صدف/ عرب رضا/ عربشاهی مهدی/ عربی  
محمدرضا/ عرفان‌طلب عبداللہ/ عروجی میثم/ عزت‌زادہ حسین/ عزیز پناہ ثریا/ عسگری علی/  
عسگری‌نژاد حمیدرضا/ عسگری‌پور مسعود/ عسگری‌زادہ راحلہ/ عسگری‌زادہ غزالہ/ عسگری  
ابراہیم/ عبادی شیرین/ عزیزادہ عطا/ عطوفت روئین/ علایی باقر/ علایی جواد/ علوی محمدباقر/  
علوی امیرحسین/ علوی بہروز/ علوی بہارہ/ علوی علی/ علی‌اکبری دانیال/ علی‌نژاد بہروز/

علی‌بابایی مهین/ علیجانی رضا/ علیرضا خوشبخت/ علیزاده حسن/ علیزاده‌نائینی علی/ علیمرادی سولماز/ عمادی محمدجعفر/ عمرانی محمود/ عمویی محمدعلی/ غروی علی‌اصغر/ غروی علیرضا/ غروی ماجد/ غروی مسیح/ غضنفری اکبر/ غضنفری شاهرخ/ غفارزاده سعید/ غفارزاده محمدحسین/ غفاری محمد/ غفاری‌نیا مسعود/ غفاری مسعود/ غفرانی علی/ غلامی شهناز/ غلامی محمد/ غلامی یاور/ غنچه‌ای رامین/ غیرت فریده/ غیاثیان روشنگر/ فارسی سیاوش/ فاضلی مصطفی/ فامیلی ایراندخت/ فامیلی شیرین/ فانی حمید/ فانی‌زاده پروانه/ فانی‌یزدی رضا/ فایض‌پور علی/ فتاح‌پور مصلح/ فتاح‌پور کریم/ فتح‌اللهی بابک/ فتحی فردیس/ فتحعلی‌بیگی باقر/ فتحی کاوان/ فتحی احمد/ فتحی مجتبی/ فخرآبی پویان/ فخرزاده مهدی/ فدایی محمد/ فرازی حامد/ فراستخواه مقصود/ فرامرزیها آزاده/ فرید ناصر/ فرج‌اللهی خدیجه/ فرجاد شهلا/ فرج‌اللهی کاظم/ فرج‌پور ادریس/ فرجی کامران/ فرح‌آبادی حسن/ فرح‌بخش فرزاد/ فرخ‌روز میثم/ فرخزاد پوران/ فردوسی خلیل/ فرزنجو نازنین/ فرزنجو یاسمین/ فرزندی غفار/ فرزین‌پژوه شهین/ فرح‌آبادی حسن/ فرسای شهلا/ فرشاد محسن/ فرشیدمقدم سلیمی/ فرصتی رضا/ فرمانبر بهناز/ فرنگی آیدین/ فروزانفر شهلا/ فرهادپور لیلی/ فرهادی فرهاد/ فرهنگخواه فاطمه/ فرهودی‌نیا حسن/ فرهومند نسرین/ فرید سمیه/ فریدی ناصح/ فرید فرانک/ فرید منوچهر/ فریداعلم حسن/ فضلعلی معصومه/ فقیه‌سلیمانی رامین/ فقیرزاده صادق/ فلاح ابوالفضل/ فلاح بحیرا/ فلاح حجت‌انصاری ارسلان/ فلاح‌زاده سعید/ فلاحی حجت‌الله/ فنائیان فاطمه/ فنی‌پور اصغر/ فیاضی بهرام/ فیروزی سامان/ فیروزیان مجید/ فیض‌پور محمود/ فیض‌الله‌زاده سعید/ فیضی‌پور علی/ فیاضی بهرام/ فیروزی حسین/ فیضی موسی/ قائم‌الصباحی عباس/ قائم‌مقامی محمد/ قادرپناه زهرا/ قادری امیر/ قادری علی/ قادری افشین/ قادری عادل/ قادری کورش/ قاسمزاده شاهپور/ قاسمزاده مهتاب/ قاسمی اختر/ قاسمی مصطفی/ قاسمی میثم/ قاسمی ملک/ قاسمی‌کرمانشاهی کاوه/ قاسمی‌نژاد سعید/ قاسمی نجمه/ قاسمیان عباس/ قاسمیان صلاح‌الدین/ قبادی بهمن/ قبابی فرزانه/ قدیانی حسن/ قدیرزاده سجاد/ قدیری لقمان/ قدیری‌اصلی باقر/ قدیریان رسول/ قدیری علی/ قراباغی علیرضا/ قربانی‌نژاد مسعود/ قزل‌اویاغ ثریا/ قشقایی خسرو/ قشقایی ماهرو/ قشلاقی قاسم/ قلی‌زاده الهه/ قلی‌زاده حامد/ قلی‌زاده سیامک/ قلی‌زاده علی/ قلی‌زاده فریده/ قلیان بهنام/ قلی‌زاده‌ا قدم مهدی/ قلی‌زاده عبدالحسین/ قنبرپور ویدا/ قندی‌زاده عبدالمجید/ قوام‌شهیدی حسن/ قوامی ناصر/ قوامی اجلال/ قهاری نظام‌الدین/ قهرمانی مصطفی/ قهقایی آرمن/ قیصوندی اشکان/ قیاسی حجت‌الله/ قیاسی بابک/ کاتوزیان ناصر/ کار مهرانگیز/ کارگشا رحمان/ کاظمی امیرحسین/ کاظمی محمد/ کتابنویس حسین/ کرامی بهنام/ کرمی مقصود/ کرمی نسیم/ کریم ژرژ/ کریم‌الدینی شهلا/ کریم‌نیا زهره/ کریمی پوران/ کریمی علی/ کریمی محمد/ کریمی وحید/ کسروی فرید/ کشاورز مرسته/ کشاورز ناهید/ کشاورز نوشین/ کشتکاری افشین/ کلارستقی علی/

کلایی علی/ کلبادی نژاد اصغر/ کلبادی نژاد سجاد/ کمالی الهه/ کمالی فرناز/ کمیجانی سعید/ کمیلیان ناصر/ کوراوند محمد/ کوشکی داود/ کوهی آرش/ کهالزاده هادی/ کهزادی پروین/ کیا ابوالقاسم/ کیانی بهناز/ کیانی نژاد امین/ کاظمیان مرتضی/ کاظمی نیا فرشین/ کاکایی پریسا/ کاملیا کوثری/ کویانی هما/ کبودوند تونیا/ کبودوند محمدصدیق/ کبیری ناهید/ کبیری یوسف/ کحالزاده هادی/ کربلایی علی/ کردپور خسرو/ کردپور مسعود/ کرمانجیان پارسا/ کرمانی علیرضا/ کرمی علی/ کرمی محبوبه/ کرمی مسعود/ کرمان نسب افشین/ کریم الدینی شهلا/ کریم نیا زهره/ کریمی کبری/ کریمی رئوف/ کریمی سهراب/ کریمی سیامک/ کشاورز نوشین/ کشکولی فریدون/ کماسی سارا/ کمال الدین بازرگانی/ کمالی فرناز/ کمانگر فردین/ گازرانی منیژه/ گرجی ندا/ گردان یزدان/ گرشاسبی امیر/ گلاب سامان/ گل افرا بیژن/ گلرو مهدیه/ گلستانه فرانک/ گلستانی میثم/ گلشیری باربد/ گل عنبر ژیلا/ گلکار نیلوفر/ گل مرادی لعلیا/ گلنراقی رضا/ گنجی ابوالفضل/ گواری فاطمه/ گودرزی کوهیار/ لاهیجی شهلا/ لدنی مسعود/ لطفی آرمن/ لطفی پور رضا/ لطفی توحید/ لطیفی نوید/ لقمانی معصومه/ لقمانیان حسین/ لگزیان جواد/ مدیحی ماشاءالله/ مالک مریم/ مالکی پور احسان/ مامندی شلیر/ مبشری پریچهر/ متقی محمدتقی/ مجاهد حسین/ مجتهدی حسین/ مجد مریم/ مجیدی احسان/ محبوب احسان/ محبوب عفت/ محبوب مریم/ محتشمی پور فخرالسادات/ محبوب فرزانه/ محسنی فرهاد/ محسنی مهدی/ مخلوجی شیرانا/ محقق محسن/ محمدباقر پور حامد/ محمدپور عفت/ محمدی احسان/ محمدی سهیل/ محمدی فرهاد/ محمدیان الهام/ محمدی راحله/ محمدی سیاوش/ محمدی مریم/ محمدی نرگس/ محمدی نعمت/ محمدی نوشین/ محمدی اردهالی محمد/ محمدیان مهدی/ محمودجانلو محمد/ محمودجانلو مصطفی/ محمودی سیدعلی/ محمودی اسماعیل/ محمودی کتایون/ محمودی مریم/ مخبر سیمین/ مخبر فرزین/ مختاری علی/ مختاری محمد/ مختاری محمود/ مداح هما/ مدادی احمد/ مددزاده شبنم/ مددی نسرین/ مددی مجید/ مدرسی روح الله/ مدرسی فرید/ مدنی اشکان/ مدنی امین/ مدنی حسین/ مدنی سعید/ مرادپور فائق/ مرادویسی بلال/ مرادی سوران/ مرادی مراد/ مرادی چراتی محمد/ مرادی صابر/ مرادی اسپیلی رضا/ مرادیان شمسه/ مرتضی لنگرودی مرضیه/ مرتضی بدیعی/ مرعشی سیمین/ مرکزی آتته/ مروتی سیامک/ مزرعه نسرین/ مسافر مهدی/ مسببیاں حمیدرضا/ مستوفی عبدالحسین/ مسجدی فاطمه/ مسعودی شیوا/ مسعودی منصوره/ مسکین خدا پیمان/ مسکین مصطفی/ مسموعی رضا/ مشاور بیژن/ مشایخی ابوذر/ مشایخی اکبر/ مشایخی بهروز/ مشرفزاده عمید/ مشکین متین/ مصباح اکرم/ مصباح ضیا/ مصفا مرتضی/ مصلحی عباس/ مصلحیان فرید/ مطلبزاده عالیہ/ مطهری پویا/ مظفر محمدجواد/ مظفری کاوه/ معتمدآریا فاطمه/ معتمدی حمیده/ معصومخانی آذر/ معصومیگی اکبر/ معصومی مازیار/ معصومی یاسر/ معصومی احمد/ معظمی رضا/ معین نصیر/ مغازه ای بابک/ مقامی مهران/ مقدسزاده محسن/

مقدم آیدین/ مقدم جبران/ مقدم خدیجه/ مقدم رضوان/ مقدم ریحان/ مقدم سولماز/ مقدم سیروس/ مقدم صدیقه/ مقدم فاطمه/ مقدم مارال/ مقدم مرتضی/ مقدم وجیهه/ مقیمی علی/ مکتبی همایون/ ملا مصطفی/ ملازمی میلاد/ ملالی مهرو/ ملکاحمدی بیژن/ ملکپور حمیرا/ ملکپور شهرزاد/ ملکپور حوری/ ملک سجاد/ ملک عمار/ ملک کاظم/ ملکپور علی/ ملک ابوذر/ ملک مجید/ ملک محمد/ ملک نسرین/ ملیحی علی/ ممیزی هرمز/ منتظرحقیقی حسین/ منتظری احمد/ منزله حامد/ منزله حمید/ منصور حسام/ منصور علی/ منصور بروجنی محمد/ منصور قدرت/ منصوریان خسرو/ منفرد اشکان/ منوچهر احتشامی/ منیری ساسان/ منیرواقفی حسین/ موحدی حسام/ موسوی سعادتلو سیدرضا/ موسوی بابک/ موسوی زهرا/ موسوی محسن/ موسوی محمد/ موسوی میرشریف/ موسوی نیماقوامی کاوه/ موسویان سیدحسین/ موسوی نسترن/ موسوی نسب اتابک/ موسوی خویینی سیدعلی اکبر/ موگویی امیرمسعود/ مولودی عبدالعزیز/ مومنی علی/ مومنی محمود/ مومنی شیرین/ مومنی عبدالله/ مویزاده مهدی/ مویز مجید امین/ مهاجر حمید/ مهاجر فیروزه/ مهدیان نیلوفر/ مهدی زاده بابک/ مهدی زاده بهروز/ مهدی زاده رضا/ مهرانی بهزاد/ مهرداد علی/ مهرگان کیوان/ میردامادی سیدسراج الدین/ میرزا مریم/ میرزایی احمد/ میرعظیمی نعمت الله/ میرمیرانی جادی/ میزبان ساسان/ میکاییلی محمد مهدی/ مینو اصغر/ میثاقی حسام/ میثمی طاهره/ میثمی لطف الله/ میراحمدی فریدون/ میرحاج ناهید/ میرخانی امیر/ میرزاده وحید/ میرزایی یزدان/ میلانی محمد/ نادری سعیده/ نادری تینا/ نادری شاهو/ نادعلی سیامک/ نارنجی حجت/ ناروئی دین محمد/ ناصرگیوهچی فرشته/ ناصری هوشنگ/ ناطقی اسماعیل/ ناطقی مهدی/ نامجو حمدالله/ نامی مهین/ نامی فخری/ نبوی سیدضیاءالدین/ نبی الهی فرزانه/ نبی الهی فریده/ نجارباشی حجت/ نجاریان ارژنگ/ نجداحمدی تارا/ نجدی یوحنا/ نجفی مجتبی/ نجم عراقی منیژه/ نخعی امیرعباس/ نراقی حسن نصرالهی ناصر/ نظرآهاری شیوا/ نظری امین/ نظری محمدعلی/ نظری فرد مسعود/ نظری امین/ نعمت الهی پویا/ نعمت زاده احمد/ نعمت زاده زینت/ نعمتی جعفر/ نعمتی زبیر/ نعیمپور محمود/ نعیمی سعید/ نقی پور علی اکبر/ نکوروح محمود/ نکوفر امیر/ نکوفر محمدتقی/ نگهداری رضا/ نمازی بهرام/ نوزری حسینعلی/ نوزری مریم/ نوربخش امیرحسین/ نوربخش فخرالسادات/ نوربخش محسن/ نوربخش منوچهر/ نوری فر نوید/ نوری زاده حسین/ نوری ارشیا/ نوری عثمان/ نوفرستی مرتضی/ نیکانجام شیدا/ نیک صفت غلامرضا/ نیک نام سجاد/ نیک نژاد مجتبی/ نیماوری ابوالفضل/ نیماوری داریوش/ نیسی مینایی آصف/ نیکونسبتی علی/ نیکبخت حسن/ نیکویی سعید/ واحد خلوصی/ واحدی بهرام/ واعظی پور علی/ وحدتی سهیلا/ وحدتی ناصر/ وحیدمنش عطیه/ وخشپور سیمین/ وریایی رسول/ وسمقی صدیقه/ وفا منصور/ وفایی محمدرضا/ وفایی مهدی/ وفایی اقدم مصطفی/ وفقی علی/ وکیلی نژاد مولود/ ولایتی فلاح/ ولی بیک

باقر/ ولی‌بیک جلیل/ ولیان زینب/ وهداد مریم/ هادوی احمد/ هادی‌زاده‌یزدی هادی/ هادی فرهاد/  
هادی مجتبی/ هاشمی جمال/ هاشمی فرید/ هاشمی محمد/ هاشمی مرصده/ هاشمی وحید/ هاشمی حامد/  
هاشمی سپیده/ هاشمی علی/ هاشمی ناصر/ هداوند حمید/ هدایت بهاره/ هدایتی سیده‌هاشم/ هروی‌ان  
مهدی/ همایونی عباس/ همایی‌راد عنایت/ همتی مراد/ هندی علیرضا/ هنرپرور محمد/ هنری علی/  
هوشمند احسان/ یاری بی‌تا/ یحیایی علی فرید/ یزدان‌پرست بهمن/ یزدانی پور سحر/ یزدانی حنیف/  
یزدانی‌پور احمد/ یعقوب‌علی امیر/ یعقوب‌نژاد سعید/ یعقوبی ثریا/ یکتا حبیب/ یوسفی آتیه/ یوسفی ثریا/  
یوسفی شکرالله/ یوسفی مریم/ یوسفیان‌آرانی حسن/ یادگاری مانیا/ یآوری رحیم/ یآوری فریبا/ یآوری  
محسن/ یزدانپناه سلمان/ یزدی ابراهیم/ یعقوبی محمد/ یکتا فراز/ یگانلی میرمحمود/ یمینی پروین/  
یوسفی حمزه/ یوسفی رمضان/ یوسفی اشکوری حسن/ یونسی ابراهیم

10 هزار کودک کار در پایتخت جمهوری اسلامی شناسنامه‌دار شدند (9)

معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران، از صدور 10 هزار شناسنامه برای کودکان کار در پایتخت خبر داد.

به گزارش «ایلنا» نوریان با اعلام این مطلب در مراسم تقدیر از نهادهای فرهنگی و اجتماعی شرق تهران، گفت: مسوولیت کودکان کار به عهده سازمان بهزیستی است و شهرداری تهران پس از جمع‌آوری این کودکان، آن‌ها را به بهزیستی تحویل می‌دهد.

وی با اشاره به استقرار مددکاران اجتماعی در پایانه‌ها، افزود: به دلیل آن که این کودکان در بستر آسیب نیفتند، مددکاران در پایانه‌های شهر تهران، این کودکان را شناسایی می‌کنند.

**درخواست انجمن حمایت از حقوق کودکان از شاهرودی:**

### **«تکلیف کودکان بازداشتی را روشن کنید»**

انجمن حمایت از حقوق کودکان با انتشار نامه‌ای از آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی خواست که تکلیف «کودکانی» که در حوادث پس از انتخابات دستگیر و زندانی شده‌اند را روشن کند. این انجمن در نامه‌ای که امروز شنبه خطاب به آقای شاهرودی نوشته، از وجود «نوجوانانی» در میان بازداشت‌شدگان حوادث اخیر خبر داده که سرنوشت آنها تاکنون مشخص نشده است. به گزارش ایسنا، در این نامه از رئیس قوه قضائیه خواسته شده که با «مداخله خردمندانه» تکلیف کودکان دربند را

«مطابق با آیین‌نامه دادرسی اطفال» روشن کند. انجمن حمایت از حقوق کودکان همچنین برای معرفی «وکیل» به این افراد، اعلام آمادگی کرده است. در جریان ناآرامی‌های انتخاباتی در ایران، صدها نفر بازداشت شده‌اند که اطلاعات دقیقی از سن آنها در اختیار نیست.

انجمن حمایت از حقوق کودکان، از وجود «نوجوانانی» در میان بازداشت‌شدگان حوادث اخیر خبر داده که سرنوشت آنها تاکنون مشخص نشده است.

این برای نخستین بار است که یک انجمن حامی کودکان از بازداشت برخی نوجوانان زیر ۱۸ سال در حوادث اخیر ابراز نگرانی کرده و خواستار برخورداری این افراد از «دادرسی عادلانه» می‌شود. پیش‌تر گزارش‌هایی درباره نگهداری برخی نوجوانان کم سن و سال در برخی بازداشتگاه‌ها به نقل از شاهدان عینی منتشر شده بود.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر می‌گویند که در جریان حوادث ایران، بیش از دو هزار نفر بازداشت شده‌اند که تعدادی از آنها هفته گذشته آزاد شدند.

این سازمان‌های همچنین نگران وضعیت بازداشت‌شدگانی هستند که گزارش شده تحت شرایط «نامناسبی» نگهداری می‌شوند.

بازداشتگاه کهریزک یکی از مکان‌هایی است که هفته گذشته به خاطر نداشتن «استانداردهای لازم» به دستور آیت‌الله علی خامنه‌ای تعطیل شد. تعطیلی این بازداشتگاه با استقبال سازمان‌های مدافع حقوق بشری مواجه شده است.



## مرگ مشکوک کودک 2/5 ساله در مشهد

به دنبال مرگ مشکوک يك كودك 2/5 ساله در بیمارستان ۲۲ بهمن مشهد، پیگیری برای بررسی علت مرگ این دختر بچه آغاز شد.

هاشم مهدی‌زاده، کارشناس امور آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی خراسان رضوی در گفت‌وگو با ایسنا در این‌باره توضیح داد: پزشک قانونی اعلام کرده است که علت دقیق مرگ هنوز مشخص نیست، اما با توجه به علائم موجود از جمله کبودی‌هایی در بدن این کودک احتمال دارد که "ستایش"، قربانی کودک‌آزاري شده باشد.

وي با بیان این که ستایش شناسنامه نداشته و پدرش نیز فوت کرده است، افزود: مادر ستایش، زن ۳۵ ساله‌ای است که از شوهرش جدا شده و ۲ فرزندش را تحت سرپرستی خود داشته است و این کودک از شوهر صیغه‌ای او بوده است.

مهدی‌زاده تصریح کرد: هنوز قطعاً نمی‌توان اعلام کرد که مرگ ستایش در اثر کودک‌آزاري بوده است و منتظر دریافت نظر پزشکی قانونی هستیم.

## زندانیان زیر 18 سال

در حالی که ادعا می شود تمام بازداشت شده های زیر 18 سال آزاد شده اند، اما مشاهدات خبرنگاران روز خلاف آن را ثابت می کند. بر اساس این مشاهدات خانواده هایی که برای پی گیری به دادگاه انقلاب می آیند عنوان می کنند که دختران و پسران 17 یا 16 ساله آنها بازداشت هستند.

پدر یکی از بازداشت شدگان می گوید که از وضعیت دختر 17 ساله اش هیچ اطلاعی ندارد. او که از عدم پاسخگویی مسولان به شدت عصبانی است به روز می گوید:

دختر من به همراه دوستانش در بهارستان بوده که به اتفاق یکی از دوستانش بازداشت شده است. وی می افزاید: چند تن از دوستان دخترم شاهد بازداشت او و دوستش بوده اند اما نام او نه در لیست زندان اوین است نه در لیستی که اینجا به دیوار چسبانده اند و کسی هم پاسخی نمی دهد. این پدر که همچون سایر خانواده های بازداشت شدگان از عنوان کردن و انتشار نام خود وحشت دارد و می ترسد وضعیت دخترش بدتر شود می گوید:

هفته گذشته پلیس تهران اعلام کرد که برای پی گیری فرزندانمان به پلیس امنیت نیروی انتظامی مراجعه کنیم. ما نیز رفتیم مشخصات دخترم را گرفتند و شماره تلفنی داده و گفتند پی گیری می کنیم. اما بعد از آن نه به تلفن پاسخ می دهند و نه دیگر به آنجا راهمان می دهند.

معاون پلیس امنیت نیروی انتظامی 24 تیرماه خبر از آمادگی نیروی انتظامی برای دادن اطلاعات درباره سرنوشت افراد بازداشت شده در حوادث اخیر به خانواده های آنان داده و از خانواده ها خواسته بود که برای کسب اطلاع از سرنوشت فرزندان خود به پلیس امنیت نیروی انتظامی تهران بزرگ مراجعه کنند.

او همچنین درباره افرادی که اموال آنها توسط پرسنل ناجا تخریب شده است گفته بود که بازرسی ناجا با بررسی شکایات با متخلفان برخورد می کند.

امری که هیچ وقت تحقق نیافت و با وجود اینکه فیلم ها و عکس های منتشر شده به خوبی نشان از تخریب خودروها و اموال مردم توسط پگان ضد شورش دارد، اما خانواده هایی که برای گرفتن خسارت به مراکز بیمه مراجعه کرده بودند با این جمله مواجه شدند که دستور داده شده به اغتشاشگران خسارت نپردازیم. اعتراض و پی گیری این خانواده ها تاکنون نتیجه ای نداشته است.

## نوجوانان بازداشت شده در حوادث اخیر را آزاد کنید

با سلام و احترام؛ با توجه به جایگاه قوه قضائیه و نظر قانون گرایانه حضرت عالی ، انجمن حمایت از حقوق کودکان نگرانی عمیق خود را از شرایط نامشخص کلیه نوجوانانی که طبق شنیده ها در میان بازداشت شدگان وقایع اخیر قرار دارند اعلام می دارد. متأسفانه فضای حاکم بر بازداشتگاه تاثیر جبران ناپذیری بر روح و روان نوجوانان می گذارد و زندگی و آینده آنان را تهدید می نماید در ده سال گذشته با توجه به حساسیت ،قانون مداری و نگرانی جنابعالی در ارتباط با رعایت حقوق افراد زیر 18 سال و مفاد پیمان نامه حقوق کودک و عنایت به روز های پایانی خدمت جنابعالی که با شرایط خطیر فعلی مقارن گشته ، همچنان نیازمند مداخله خردمندان و تعیین تکلیف کودکان در بند ، مطابق با آیین نامه دادرسی اطفال هستیم . در همین راستا انجمن حمایت از حقوق کودکان به منظور برخورداری این افراد از دادرسی عادلانه ، آمادگی خود را برای در اختیار گذاشتن وکیل اعلام می دارد.

در پایان امید است که به واسطه دستور و میانداری به هنگام حضرت عالی علاوه بر رهاندن خانواده ها از پریشانی ،گامی به سوی تحقق عدالت و رعایت مفادپیمان نامه حقوق کودک بر داشته شود . با سپاس فراوان انجمن حمایت از حقوق کودکان

## مرگ کودک 12 ساله با ضربات باتوم مزدوران رژیم



پنجشنبه گذشته علیرضا همراه با پدرش برای شرکت در چهارم شهدای سرکوب اخیر به بهشت ندا رفته بودن در هنگام بازگشت لحظه ای دست علیرضا از دست پدرش جدا می شود ، در این هنگام دست او از زندگی کوتاه می شود علیرضا بر اثر اصابت ضربه ی باتوم که به سرش خورد دچار خونریزی مغزی شد و به شهادت رسید روحش شاد علیرضا فقط 12 سال سن داشت . خانواده علیرضا بعد از 4 روز بالاخره دیروز توانستند جنازه او را از پزشک قانونی تحویل بگیرند .

## گزارش تکان دهنده از ازدواج و طلاق کودکان در ایران



ازدواج کودکان در تعریف همان ازدواج اجباری و زودهنگام است که یکی از بزرگترین زمینه های بروز مسائل مختلف انسانی و اجتماعی است. مقوله کودکی یکی از مهمترین مسائلی است که می توان گفت به تعبیری موقله حقوق بشر برای امروز و آینده است

این کودکان پس از ازدواج باید مسئولیتهایی همچون خانه داری و تربیت فرزندان و تأمین معاش خانواده را به عهده گیرند و در سنین پایین به بازار کار کشیده می شوند.

سازمان ملی جوانان در گزارشی به وضعیت ازدواج و طلاق در سنین مختلف پرداخت.

به گزارش خبرنگار اجتماعی جهان 62 هزار و 383 دختر و پسر بین 10 تا 14 سال در کشور وجود دارند که ازدواج کرده اند.

بر اساس این گزارش تعداد پسران متاهل 19 هزار و 293 و تعداد دختران متاهل 43 هزار و 90 نفر می باشد.

همچنین در این گزارش آمده است که 2 هزار 701 نفر پسر و 2 هزار و 459 دختر 10 تا 14 سال وجود دارند که طلاق گرفته اند. این گزارش تاکید می کند میزان طلاق در این سن روند افزایشی به خود گرفته است.

ازدواج کودکان در تعریف همان ازدواج اجباری و زودهنگام است که یکی از بزرگترین زمینه های بروز مسائل مختلف انسانی و اجتماعی است. اغلب این کودکان در سنین 10-15 سال با خواست خود یا به اجبار تن به ازدواج می دهند.

در ایران در سال 75، 27 درصد از کل جمعیت در سن 10 تا 19 سال بوده اند که از این بین بیشتر از 5 درصد حداقل یکبار ازدواج کرده اند. قربانیان اصلی این ازدواج ها اغلب دختران هستند که در سنین پایین مجبور به ازدواج می شوند.

این کودکان پس از ازدواج باید مسئولیتهایی همچون خانه داری و تربیت فرزندان و تأمین معاش خانواده را به عهده گیرند و در سنین پایین به بازار کار کشیده می شوند.

### خودسوزی دو دختر نوجوان در مریوان

بنابر گزارشات دریافتی، دو دختر نوجوان به نامهای "مهری تاتارچه" 15 ساله، فرزند حسین و "غزاله سبحانی" 17 ساله فرزند اهون، هر دو مجرد و ساکن روستای سورکول از توابع شهرستان مریوان پس از بروز اختلافات خانوادگی دست به خودسوزی زدند.

به گفته منابع محلی، علیرغم اقدامات پزشکی، هر دو دختر نوجوان به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند.

## تیراندازی نیروی انتظامی به یک خانواده

روز گذشته مورخ 22 مردادماه سال جاری، ماموران نیروی انتظامی در ناحیه "ژاورو" مریوان به روی یک خانواده آتش گشودند.

اتومبیل خانواده مورد اشاره که از نوع استیشن بود مورد تیراندازی نیروهای ناجا قرار گرفت و طی این حادثه سه خانم به نامهای "سعادت لایی" "عینا لایی" و "مژده نادریان" با اصابت گلوله شدیداً زخمی شدند همچنین کودک نه ساله ای به نام "تینا محمدی" که شاهد درگیری و خونریزی بود دچار آسیب روانی شده و در وضعیت روحی نامناسبی به سر می برد.

لازم به ذکر است نیروهای انتظامی پس از اقدام فوق که احتمال می رود بر اثر اشتباه شناسایی باشد، بدون رسیدگی به زخمیان محل را ترک کردند. سرانجام زخمیان توسط بخشدار منطقه که به صورت تصادفی در حال عبور از محل مورد اشاره بود به بیمارستان بوعلی مریوان منتقل شدند.

1388/05/27

## خودکشی مادر و فرزند در کامیاران

خبرگزاری هرانا : بنا بر گزارش دریافتی، مادر و فرزندی در منطقه کامیاران جان خود را به دلیل اقدام به خودکشی از دست دادند.

فاطمه قربانی به همراه میلاد ابراهیمی فرزند 16 ساله خود به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی با پریدن به داخل سد گاوشان شهر کامیاران اقدام به خودکشی کردند که علیرغم تلاش شاهدان دذ طی این اقدام جان خود را از دست دادند.

لازم به ذکر است آمار خودکشی با دلایل مشترک در مناطق کردنشین در طی سه ماهه اخیر رشد نگران کننده ای داشته است.



زهرا کودک یتیمی که صورتش  
در اثر داغ سوخته است



محمد مهدی کودک یتیمی که  
گرفتگی در اثر داغ سوخته است



مریم کودک یتیمی که پایش در  
اثر داغ سوخته است

داغ گذاشتن بر بدن سه کودک یتیم  
در «مرکز نگهداری کودکان مهر زنجان»



## آزار و اذیت و کتک زدن کودکان کار در بهزیستی و شهرداری

بدرفتاری با کودکان کار در مراکز یاسر و بعثت و کتک زدن و هتاک به این کودکان در خیابان و محیط های عمومی مانند مترو نمونه هایی از بدرفتاری است که در مورد کودکان کار انجام می شود. به گزارش خبرنگار اجتماعی جهان نیوز این کودکان که بسیاری از آنها به دلیل مشکلات معیشتی و خانوادگی مجبور به انجام کارهای پست هستند در محیط هایی مانند مترو، اتوبوس ها و حتی در جیابان مورد ضرب و شتم ماموران ویژه جمع آوری دستفروشان شهرداری قرار می گیرند.

به گزارش عینی خبرنگار جهان، کودکان کار که در روزهای بلند و داغ تابستان و همزمان با تعطیلی مدارس در سطح شهر به وفور یافت می شوند از سوی برخی عابران و ماموران ویژه شهرداری مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. این کودکان با هربار دستگیری به مراکز یاسر و بعثت منتقل می شوند و می توان گفت در همین زمان نیز از آسیب در امان نیستند و به گفته بسیاری از آنها بعضا برای دادن تعهد و بازگشت به خانواده مورد بی مهربی و کم لطفی ناظران این مراکز نیز قرار می گیرند.

این درحالیست که رییس سازمان بهزیستی استان تهران از برخورد قاطعانه با عوامل بدرفتاری و ضرب و شتم کودکان کار خبر می دهد.

ظاهر رستمی در گفت و گو با خبرنگار جهان وقوع هرگونه تنبیه فیزیکی و بدرفتاری را در مراکز این سازمان تکذیب کرده و گفت: تمامی مراکز بهزیستی و شبه خانواده دارای ناظرانی برای نظارت بر رفتار و اعمال بر این کودکان هستند.

وی در ادامه اظهار داشت: عوامل هرگونه بدرفتاری با این کودکان به شدت مورد تحقیق و مجازات قرار خواهند گرفت.

رییس سازمان بهزیستی اظهار داشت: برای جلوگیری از انجام و تکرار رفتارهای غیرانسانی با کودکان کار، در صورت مشاهده این رفتارها سریعاً با سازمان بهزیستی تماس حاصل شود.

درخواست برای برخورداری افراد زیر ۱۸ سال از دادرسی عادلانه (20)

انجمن دفاع از حقوق کودکان، شنبه گذشته در نامه ای خطاب به آیت الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، از شرایط نوجوانانی که در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران بازداشت شده اند ابراز نگرانی کرد.

در این نامه خطاب به آیت‌الله هاشمی شاهرودی آمده است: «در ۱۰ سال گذشته با توجه به حساسیت، قانون‌مداری و نگرانی جنابعالی در ارتباط با رعایت حقوق افراد زیر ۱۸ سال و مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و با عنایت به روزهای پایانی خدمت جنابعالی که با شرایط خطیر فعلی مقارن گشته، همچنان نیازمند مداخله خردمندانه و تعیین تکلیف کودکان دربند مطابق با آیین نامه دادرسی اطفال هستیم.»

انجمن دفاع از حقوق کودکان همچنین به منظور «برخورداری افراد زیر ۱۸ سال بازداشت شده از دادرسی عادلانه» ابراز آمادگی کرده است که وکیل در اختیار آنها بگذارد.

آیت‌الله هاشمی شاهرودی کمتر از ۱۰ روز دیگر در ۲۵ مردادماه از سمت خود کناره خواهد گرفت و جانشین او مشخص خواهد شد.

گیتی پورفاضل، حقوقدان در تهران، در گفت‌وگو با رادیو فردا با اشاره به مواد موجود در قوانین جمهوری اسلامی از سن مسئولیت کیفری در ایران می‌گوید: «در قانون داخلی ایران دو جور صغیر داریم؛ صغیر ممیز و صغیر غیرممیز. افراد بالای ۱۴ و زیر ۱۸ سال صغیر ممیز محسوب می‌شوند. اما قوانین ایران سن بلوغ را به عنوان مسئولیت کیفری پذیرفته و متأسفانه سن بلوغ برای دختران ۹ سال تمام و برای پسران ۱۵ سال تمام است و ما معتقدیم این سنی نیست که فرد بتواند پذیرش مسئولیت کیفری داشته باشد.»

وی می‌افزاید: «سال‌هاست که ما با قوه قضاییه وارد گفت‌وگو شده‌ایم و سال‌هاست که معتقدیم باید این سن عوض شود و سن واقعی را برای مسئولیت کیفری در قانون جایگزین کنیم، ولی متأسفانه تا کنون نتیجه‌ای نگرفتیم. ایران کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته، پس باید مفاد آن را هم بپذیرد.»

به دنبال اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران که وزارت کشور محمود احمدی‌نژاد را پیروز آن اعلام کرد، موج گسترده‌ای از معترضان به این نتیجه که معتقد بودند رأی آنها نادیده گرفته شده است با تجمع در خیابان‌های تهران و سایر شهرهای ایران مخالفت خود را نشان دادند.

تجمع معترضان به انتخابات در خیابان‌ها با برخورد نیروی انتظامی، نیروهای پلیس، لباس شخصی‌ها و بسیج همراه بود و به دنبال آن عده زیادی بازداشت و به زندان منتقل شدند.

اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، پیشتر اعلام کرده بود که در رویدادهای پس از انتخابات ۲۲ خردادماه بیش از هزار نفر تنها توسط نیروهای ناجا بازداشت شدند. در هیچ یک از گزارش‌های رسمی اشاره‌ای به تعداد احتمالی بازداشت‌شدگان زیر ۱۸ سال نشده است.

## وضعیت در دآور صدها هزار کودک بی پناه در ایران

واحد مرکزی خبر: از 350 هزار یتیم شناسایی شده در کشور 150 هزار نفر آنان بدون حامی هستند. سرپرست کمیته امداد امام خمینی در مراسم معارفه مدیرکل کمیته امداد امام خمینی چهارمحال و بختیاری با اشاره به اینکه تنها 2 سوم ایتام کشور دارای حامی هستند افزود در طرح اکرام ایتام در ماه رمضان تلاش می شود هیچ یتیمی بدون حامی نباشد.

## 64 درصد دانش آموزان مبتلا به ناهنجاریهای قامتی هستند

سرپرست اداره کل تربیت بدنی آموزش و پرورش میانگین ناهنجاری اسکلتی و قامتی در بین دانش آموزان را بر اساس یک پژوهش «64 درصد» اعلام کرد. رضا رفیعانی در گفتگو با ایسنا، افزود: طبق یافته‌های پژوهش‌های مختلف، به دلیل فقدان تحرک لازم ناهنجاری‌های قامتی در میان دانش آموزان دختر بیش از پسران است. سرپرست اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به این که به دلیل کمبود فضای تحرک، ناهنجاریهای اسکلتی و قامتی در دانش آموزان شهری بیش از دانش آموزان روستایی است، انواع ناهنجاری قامتی دانش آموزان را تحت عناوینی چون «سر به جلو»، «شانه نامتقارن»، «پشت کج»، «پشت گرد»، «پشت گود»، «پشت صاف»، «زانوی ضربدری»، «زانوی پرانتزی»، «کف

پای صاف» و «شست کج» عنوان و تاکید کرد: وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت باید هر چه سریع‌تر برای پیشگیری از ناهنجاری‌های قامتی دانش‌آموزان چاره‌ای بیندیشند.

رفیعانی یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در ناهنجاری‌های قامتی تأثیرگذار باشد را نیز کمبود مربیان متخصص تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش نام برد و یادآور شد: وجود مربیان متخصص در آموزش و پرورش می‌تواند کاهش درصد ناهنجاری‌های قامتی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد، زیرا اگر مربیان این ناهنجاری‌ها را بموقع شناسایی کنند و دانش‌آموزان را به کلنیک‌های حرکات اصلاحی و مراکز تربیت بدنی و تندرستی ارجاع دهند، می‌توان این ناهنجاری‌ها را در دانش‌آموزان کنترل کرد. وی همچنین از کمبود 12 هزار معلم ورزش در مدارس در شرایط فعلی خبر داد و با بیان این که در حال حاضر 21 هزار معلم تربیت بدنی در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه فعالیت می‌کنند، گفت: اگر بنا بود که ما قانون سه ساعته شدن زنگ ورزش در مقاطع راهنمایی و متوسطه را اجرایی می‌کردیم، این تعداد به 19 هزار نفر می‌رسید و اگر بنا بود این موضوع در هر سه مقطعی تحصیلی لحاظ شود، این کمبود از مرز 29 هزار نفر هم می‌گذشت.

## گزارش تکان دهنده تایمز از تجاوز به رضا نوجوان 15 ساله در زندان

تایمز انگلیس با همکاری عفو بین الملل و منابع معتبر خود گزارش کاملی از تجاوز به بازشدگان را فاش ساخته است. در این گزارش آمده رضا نوجوان 15 ساله ای است که در مرکز ایران، در یک خانه امن پناه گرفته است اما به تائید پزشک معالج، قصد خودکشی دارد.

وی به همراه عده ای نوجوان هم سن و سال خود که حتی هنوز به سن رای دادن هم نرسیده اند در تجمعی دستگیر شده و در زندان بارها مورد تجاوز وحشیانه و تحقیر جنسی قرار گرفته اند. مجله تایمز تحقیرهای جنسی علیه این زندانیان را معادل و یا بدتر از آنچه می داند که جمهوری اسلامی ایران ایالات متحده را برای ارتکاب آن در زندان ابوغریب ملامت نموده است.

این نوجوان که نام وی، محل اقامت و نام پزشک معالج وی نزد تایمز محفوظ است می گوید در روز اول در بازداشتگاه نامعلوم (سپاه یا بسیج) سه نفر لباس شخصی به وی حمله کرده اند و یکی او را به زور نگه داشته، یکی رویش نشسته و دیگری روی وی ادرار نموده و سپس به طرز وحشیانه ای به

وی تجاوز کرده اند. وی در طول مدت زندان (حدود 20 روز) بارها مورد تجاوز قرار گرفته است، حتی پس از انتقال به بازداشتگاه رسمی نیروی انتظامی. رضا برای خودکشی در زندان سر به زمین کوبیده است.

او شاهد تجاوز به چندین نفر دیگر نیز بوده و به شهادت پزشک معالج و تائید نماینده عفو بین الملل در ایران، ادعاهای رضا مبنی بر تجاوز، جراحات جسمی، آسیبهای روحی و تحقیرهای جنسی با واقعیات منطبق می باشد.

رضا شاهد زنده مهدی کروی، افشاگر تجاوز به زندانیان دربند می باشد.

تجاوز کنندگان به رضا مرتبا می گفته اند این کارها را در راه خدا انجام می دهیم و سزای معترضین به نظام اسلامی همین است.

گویا صورت وی را در مدفوع فرو کرده اند و در اعتراض به تجاوز، بازجوی وی دوباره به او تجاوز نموده است. رضا می گوید زندانیان نوجوان را مجبور به "عمل جنسی با یکدیگر" نیز نموده اند و گفته اند با این عمل "پاک می شوید".

در نهایت رضا با وثیقه ای در حدود 70 میلیون تومان در دادگاه انقلاب و با سپردن تعهد مبنی بر عدم افشاکگری در مورد این رفتارهای وحشیانه آزاد شده است. در بیمارستان، نوجوان شانزده ساله دیگری که از وی به عنوان سردسته نام برده شده در اثر شدت جراحات به شهادت رسید. شخصیتهای این گزارش با بیان این واقعیات جان خود را به خطر انداخته و خانواده رضا قصد خروج از کشور دارند.

## تبعید یک شهروند 17 ساله بانه ای به زاهدان

بانه: شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بانه یک نوجوان بانه ای به نام زانا حقانی به زاهدان تبعید کرد.

خبرگزاری دیدبان حقوق بشر کردستان: زانا حقانی نوجوان 17 ساله بانه ای که پیشتر با وثیقه 20 میلیون تومانی از زندان آزاد شده بود توسط شعبه اول دلدگاه انقلاب شهرستان بانه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دو سال تبعید آزاد در شهرستان زاهدان محکوم گردید.

## 1/5 تا 3 میلیون کودک با دارا بودن سن لازم، در مدرسه حضور

### ندارند

مطابق ماده 79 قانون کار جمهوری اسلامی ایران به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام ممنوع است و نیز طبق بند ماده 32 پیمان نامه جهانی حقوق کودک که ایران نیز از امضاءکنندگان آن است باید حقوق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هر گونه کاری که ممکن است زیان بار باشد، خللی در تحصیلش وارد آورد و به سلامتی یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی او آسیب برساند به رسمیت بشناسد."

سعید مدنی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با "ایلنا" با بیان این مطلب گفت: کار کودک به طور اساسی دارای چند ویژگی است و بر آن اساس از کار بزرگسالان تفکیک شده و از آن زاویه نیز مورد نقد قرار می‌گیرد که عبارتند از؛ کارهایی که به لحاظ روانی، جسمانی، اجتماعی خطرناک و آسیب‌زا باشد و تناسبی میان نوع کار و سن کودک وجود نداشته باشد و نیز کاری که مانع تحصیل کودک شود؛ به این معنی که کار مانع از حضور در مدرسه شود و یا به دلیل فعالیت‌های سنگین، فرصتی برای مرور درس‌ها وجود نباشد و کودک از این زاویه متضرر شود. وی افزود: کار کودک از زاویه‌های گوناگون مورد بحث قرار گرفته و به طور مشخص در کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است و 168 کشور عضو کنوانسیون نیز آن را تأیید کرده‌اند.

مدنی در ادامه گفت: بند دو ماده 32 این پیمان‌نامه تأکید می‌کند که به منظور جلوگیری از ضررهای کار کودکان لازم است اقدامات ویژه‌ای از سوی کشورها صورت بگیرد، همچون حداقل سن برای انجام برخی از کارها از سوی کودکان. همچنین نکته دوم اینجاست که کشورها متعهد شده‌اند مقررات مناسبی برای کار کودکان در نظر بگیرند که شامل ساعات کار، شرایط شغل و ... می‌شود.

این جامعه‌شناس تأکید کرد: تعهد سوم کشورها از جمله ایران وضع مجازات‌های مناسب برای افرادی است که کودکان را وادار به انجام کار می‌کنند.

"آمارهای رسمی بیانگر این موضوع است که حدود 3/1 درصد کودکان ایرانی بین شش تا 14 ساله به کار اشتغال دارند که این رقم در مناطق شهری پنج درصد و در مناطق روستایی به 4/2 درصد می‌رسد."

این جامعه‌شناس گفت:

در گزارش‌های سالنامه آمار تأیید شده که برخلاف قانون کار کودکان 10 تا 14 ساله مشغول به کارند و همین‌طور تعداد کودکان کار 14 تا 18 ساله نیز رو به افزایش است.

وی افزود: مطابق ماده 188 قانون کار ایران کودکان اجازه فعالیت در کارگاه‌های خانوادگی را بدون رعایت سن کار دارا هستند.

مدنی افزود: از سوی دیگر در ماده 84 قانون کار به صراحت بیان شده است که چنانچه کاری سلامت و اخلاق کودکان را در معرض تهدید قرار بدهد، ممنوع است. با وجود این موارد یاد شده، متأسفانه بخش قابل توجهی از جمعیت کودکان به کار مشغول هستند که تنها آمار برخی از این کودکان در سرشماری‌ها وجود دارد و بخش قابل توجهی از آن وجود ندارد.

مدنی با اشاره به اینکه تعداد کودکان پسر شاغل بیش از دخترچه‌ها است، اظهار داشت: این فزونی آمار به این علت است که اغلب دخترچه‌ها در خانه به کار بدون دستمزد مشغول هستند همچون



روستاها که بخش قابل توجهی از کارگران قالیباف را دختران تشکیل می‌دهند. و به همین دلیل کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند.

### کودکان کار نان‌آور خانواده‌های خود هستند

این جامعه‌شناس گفت: اولین و مهم‌ترین عامل به وجود آمدن کودکان کار، فقر است و بر اساس گزارش سازمان جهانی کار کودکان، 34 تا 37 درصد از منابع مورد نیاز خانواده‌ها را تامین می‌کنند و کار آنان برای خانواده‌هایشان بسیار حیاتی است.

مدنی تاکید کرد: این نکته را نیز باید در نظر گرفت که فقر تنها عامل نیست؛ بلکه فرهنگ‌ها و باورهای نادرست موجود نیز زمینه اشتغال کودکان را فراهم می‌کند.

وی در ادامه گفت: تصویری که در گذشته در روستاها وجود داشته است حکم می‌کرده که پسر بچه‌ها باید پابه‌پای پدران در مزارع کار کنند. هنوز هم برخی از منابع فرهنگی این موضوع را تائید می‌کنند که کودکان دینی به والدین دارند که از طریق کار کردن باید آن را ادا کنند.

### 1.5 تا سه میلیون کودک در سن مدرسه در مدارس حضور ندارند

مدنی تصریح کرد: مساله دیگری که در ایران مطرح است و تا حد زیادی مورد تاکید قرار گرفته است در دسترس نبودن امکانات تحصیلی برخی کودکان از ابتدا و یا افت تحصیلی و ریزش بچه‌های در سن مدرسه در رده‌های بالا است.

وی افزود: بر اساس آمارهای موجود 1/5 تا سه میلیون کودک در سن مدرسه در مدارس حضور ندارند و جذب بازار کار می‌شوند و از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

این جامعه‌شناس در ادامه گفت: از یک زاویه دیگر علت کار کودکان تمایل کارفرماست؛ زیرا کودکان دستمزد کم‌تری دریافت می‌کنند. برخی کارفرمایان تمایل دارند از کودکان سوءاستفاده کنند و آنان را با مبالغ کم‌تری استخدام کنند.

### وزارت کار جلوی کار کودکان را بگیرد

وی با اشاره به وضعیت کار کودکان تصریح کرد: این مساله نیز همچون دیگر مسائل اجتماعی کم و بیش بلامتکلیف باقی مانده و با وجود متولیان متعدد باید گفت که هیچ‌کدام از آنان اقدام جدی به عمل نمی‌آورند.

مدنی در ادامه گفت: وزارت کار جدی‌ترین و اصلی‌ترین نهادی است که باید از کار کودکان ممانعت به عمل آورد اما به طور دائم شاهد افزایش آمار این کودکان هستیم. پس از وزارت کار نیز لازمست سازمان بهزیستی با تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های فقیر از کار کودکان جلوگیری کند.

به گزارش "ایلنا"، فریده غیرت حقوق‌دان و وکیل دادگستری نیز در این رابطه اظهار داشت: اغلب کودکان کار متعلق به زنان و مردان افغان هستند و یا ملیتی خارج از ایران را دارا هستند. این

کودکان حمایت‌های قانونی لازم را دارا نیستند و هیچ توجهی به وضعیت تحصیلی این کودکان به عمل نمی‌آید.

وی با اشاره به وضعیت معیشتی این کودکان تصریح کرد: این کودکان با حداقل امکانات امرار معاش می‌کنند و در معرض خطرهای بسیار قرار دارند و از نظر آسیب‌های اخلاقی و جسمانی نیز تهدید می‌شوند، در نتیجه نباید انتظار داشت نسل آینده، نسل مطلوبی باشد.

این حقوق‌دان در ادامه گفت: افزایش آمار طلاق و مبتلایان به اعتیاد که گریبانگیر بسیاری از خانواده‌ها در سطوح پایین می‌شود معضلاتی هستند که منجر به طلاق زوجین و به وجود آمدن هزاران ناهنجاری دیگر می‌شود.

این وکیل دادگستری تصریح کرد: بهزیستی و انجمن‌های حمایت از کودکان کار وظیفه حمایت از این افراد را برعهده دارند اما این ارگان‌ها پاسخگویی عده زیاد کودکان کار نیست، زیرا بسیاری از این کودکان در آلودگی‌ها و فضاهای بسیار بد به صورت گروهی روزگار می‌گذرانند و حتی به دام اعتیاد نیز کشیده می‌شوند.

## بهزیستی استان انگیزه ای برای سامان دهی کودکان خیابانی ندارد

معاون سیاسی-امنیتی استانداری تهران در اولین جلسه ستاد ساماندهی کودکان خیابانی گفت: بهزیستی استان تهران نه تنها توان کافی برای سامان دهی کودکان خیابانی ندارد، بلکه انگیزه ای نیز برای پیگیری مسأله ندارد.

به گزارش ایسنا، عبدالله روشن افزود:

با وجود آن که بیشترین مسوولیت سامان دهی کودکان خیابانی با بهزیستی استان تهران است، ولی آنان از حضور در اولین جلسه ستاد سامان دهی کودکان خیابانی نیز سرباز زده اند. وی به آمادگی و پیگیری مداوم دیگر دستگاه های اجرایی و انتظامی در این خصوص اشاره و تصریح کرد: شهرداری تهران آمادگی خود را برای جذب، شناسایی و نگهداری موقت 21 روزه کودکان خیابانی و تأمین مراکز نگهداری موقت اعلام کرده است.

روشن خاطرنشان کرد: عدم حضور مدیرکل بهزیستی استان تهران را در اولین جلسه ستاد سامان دهی کودکان خیابانی پیگیری خواهیم کرد. معاون سیاسی-امنیتی استانداری تهران طرح سامان دهی کودکان خیابانی را اولین مرحله از طرح جامع سامان دهی آسیب دیدگان اجتماعی استان تهران خواند و یادآور شد: هم اکنون در دو مرکز یاسر و مرکز شوش کودکان خیابانی جمع آوری شده از سوی گشت های شهرداری تهران و نیروی انتظامی اسکان داده میشوند.

روشن ادامه داد: با این وجود، بهزیستی استان تهران نمیتواند به دلیل عدم توان مالی کافی از این امکانات به شکل کامل استفاده کند. وی با بیان این که کودکان خیابانی آسیب پذیرترین اقشار جامعه اند، چرا که توان دفاع از خود را در برابر مشکلات اجتماعی ندارند، افزود: برخی از این کودکان مورد سوء استفاده های مختلف قرار دارند و اگر هرچه زودتر طرح سامان دهی اجرا نشود ممکن است به سمت گروه های بزه کار اجتماعی سوق یابند. منبع: روزنامه آفتاب

## آسیب های اجتماعی دغدغه ای که هنوز به بحران تبدیل نشده است



مدیر کل آسیب اجتماعی سازمان بهزیستی آقای موسوی همچنین در ادامه گزارش خود به آمار جنسیت 98 درصد از کودکان کار و خیابان وارد شده به مراکز ساماندهی این کودکان در بهزیستی را پسر و مابقی را دختر خواند و بیان کرد: 26 درصد این کودکان را اتباع بیگانه تشکیل می دادند که ساماندهی کودکان کار خارجی بی هویت از عمده مشکلات بهزیستی در ارائه خدمات به آنها به شمار می رود و چرا که براساس قوانین بهزیستی مجاز به ارائه خدمات به کودکانی است که دارای کارت هویت هستند چرا که در صورت بروز اتفاقی برای آنان، مقصر شناخته می شود. بنابراین برای رفع این مشکل دستگاه های مربوطه باید وارد عمل شوند.

موسوی چک درصد کودکان خارجی بی هویت در برخی استان ها را تا 80 درصد اعلام و اضافه کرد: دفتر امور اتباع بیگانه باید ساز و کاری در راستای ساماندهی این کودکان بیندیشد تا مداخلات بهتر صورت گیرد.

به گفته وی 85/4 درصد کودکان کار و خیابان، بدسرپرست هستند که 76 درصد آنها پس از مداخلات بهزیستی به خانواده ارجاع داده شده اند و برای 18 درصد نیز فرصت اشتغال ایجاد شده است. مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سیاست سال جاری بهزیستی را توانمندسازی کودکان کار و خیابان نامیده و در این باره توضیح داد: طرحی در این رابطه تدوین و به شورای اجتماعی کشور ارسال شده چرا که چرخه ورود سالانه 10 هزار کودک به مراکز حاکی است نمی توان مانع کار این کودکان شد، لذا می توان با تدوین طرحی قانونمند علاوه بر اشتغال زایی برای آنها، امکانات دیگری چون ارائه غذا، حمام، آموزش ... را به این کودکان عرضه کرد. وی 212 نفر از مجموع کودکان کار و خیابان پذیرش شده در مراکز بهزیستی را دختر و 11 هزار و 863 نفر را پسر معرفی و اظهار کرد: بیش از 8 هزار و 900 نفر از این کودکان ایرانی و بیش از 3 هزار نفر افغانی، 13 نفر نیز از اتباع سایر کشورها بودند.

### کودکان خیابانی فعلا در خیابان ها بمانند

ساماندهی کودکان خیابانی توسط شهرداری بدون ارائه بودجه ای به این سازمان، مصوبه ی آخرین جلسه شورای اجتماعی کشور است که اعضای شورای شهر، مسئولان وزارت کشور، از جزییات آن اظهار بی اطلاعی می کنند. احمد نوریان معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، در این مورد اعلام کرد که این معاونت در جریان جزییات این مصوبه نبوده و مانند رسانه ها به تازگی از آن مطلع شده است.

به همین دلیل هر گونه اظهار نظر مخالف یا موافقی را به بعد از جلسه ای موکول می کند که به گفته وی قرر است به زودی میان مسئولان شهرداری و وزارت کشور و سازمان بهزیستی تشکیل شود.

مرتضی طلایی، عضو کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران هم، این مسئله را مرتبط با کمیسیون خودش نمی داند و قول می دهد به محض اطلاع به ما خبر بدهد. خسرو دانشجو، سخنگوی شورای شهر، اظهار بی اطلاعی کرده و توصیه می کند با اعضای کمیسیون فرهنگی شورا تماس بگیریم. اما انتظار می رفت مسئولان وزارت کشور که پیشنهاد دهنده این طرح بوده اند، درباره جزئیات آن توضیح دهند. دفتر ایوبی، معاون اجتماعی وزارت کشور، اعلام کرد که او در این باره نظری نمیدهد. صبور مدیر دبیرخانه شورای اجتماعی کشور هم با اشاره به این که طرح خام است و فعلا فقط کلیات آن مطرح شده، از بررسی مجدد آن خبر داد، تا آخر این هفته این موضوع مجددا در شورای اجتماعی شهر بررسی می شود، بنابراین به صلاح است تا زمانی که طرح جدی نشده است، درباره آن اظهار نظر نکنیم. تا کنون فقط پیشنهادی ارائه شده که باید بررسی شود.



شهرداری ساماندهی این کودکان کار را به عهده گرفته، اعلام کرده است: با توجه به امکانات، توان اجرایی و منابع مالی قابل توجهی که شهرداری دارد مسئولیت ساماندهی کودکان خیابانی را در تهران به عهده بگیرد اما این کار باید زیر نظر سازمان بهزیستی و براساس سیاست های ابلاغی این سازمان باشد.

به عبارتی اواخر هفته گذشته در حالی که مطبوعات در تعطیلات آخر هفته بسر می بردند معاون اجتماعی سازمان بهزیستی از مصوبه ای خبر داد که براساس آن شهرداری متولی ساماندهی کودکان خیابانی می شود اما در مقابل تمام هزینه های اجرای طرح بر عهده شهرداری است و آنها بودجه این وظیفه را صرف نظارت می کنند.

حال سوال این جاست که اگر چنین مصوبه ای وجود دارد چرا مسئولان دخیل در این امر ابزار بی اطلاعی کرده و حتی صبوری مدیر دبیرخانه شورای اجتماعی کشور اعلام می کند این موضوع در

حد یک پیشنهاد خام است<به عبارتی گویا هنوز مسئولان دولتی خود نمی دانند که آنچه بهزیستی اعلام کرده مصوبه شورای اجتماعی وزارت کشور بوده یا یک پیشنهاد خام. از طرفی این سوال باقی است که چرا با گذشت یک هفته از اعلام رسمی این خبر در رسانه ها نه مسئولان رده بالای وزارت کشور و نه اعضای شورای شهر و حتی مسئولان شهرداری از جزئیات آن بی اطلاع هستند. حال آنکه عجیب است اگر تصور کنیم در جلسه ای بدون حضور نمایندگان از سوی این سه بخش چنین تصمیم مهمی گرفته شده است.

در این میان نگاهی مجدد به اظهارات معاون اجتماعی بهزیستی، قابل توجه است. به گفته وی، شهرداری تهران موظف می شود که براساس سیاست های مشخص سازمان بهزیستی؛ در مناطق مختلف شهر هزینه های اجرای این طرح اعم از هزینه آموزش پرسنل، استخدام نیروی متخصص و فراهم کردن مکان نگهداری این کودکان را برعهده بگیرد.

سید محمدی در همین حال که از تفویض اختیار در این باره به شهرداری خبر داد، در انتقاداتی تند اقدامات اخیر در این باره به شهرداری در مورد جمع آوری کودکان خیابانی را کاملا بدون توجه خواند این اقدامات که بدون هماهنگی با سازمان بهزیستی انجام شده است، هیچ توجیهی ندارد و قرار است از این پس شهرداری تهران براساس سیاست های سازمان بهزیستی به ساماندهی کودکان خیابانی بپردازد.

مسئولان بهزیستی در حالی این اظهارات را مطرح کرده اند که بیشتر از دو سال است که شهرداری به طور مستمر ساماندهی کودکان کاتر و خیابان و جمع آوری متکدیان را برعهده دارد. در این مدت هم شهردار تهران بارها بر حفظ شان و منزلت کودکان کار و خیابان تاکید کرده است. سال گذشته در روزکارگر معاون شهرداری تهران با ارائه طرح بلند مدت ساماندهی کودکان کار و خیابان برنامه مناسب بودن وضع این حوزه تاکید کرد شعاری که امسال در سازمان های بین المللی برای این روز مطرح کرده اند در جهانی شایسته برای کودکان جهانی بدون خشنونت است ولی متاسفانه با وجود این شعار زیبا شاهد انواع خشنونت های جسمی و روانی علیه کودکان در این دنیای به اصطلاح مدرن هستیم.

به هر حال معضل کودکان کار و خیابان به تنهایی از سوی یک سازمان قابل حل نیست و در این راه همکاری همه سازمان ها و ادارات مربوطه لازم است. با این حال سازمان بهزیستی، بدون پیش بینی هیچ بودجه ای تمام مسولیت های ساماندهی این کودکان و اسکان آنها را به صورت یک طرفه به شهرداری واگذار کرده است. حال سوال این است که آیا با این شرایط قیم مابانه امکان شهرداری برای تامین بودجه این طرح بزرگ به مشکل بر نمی خورد. اما برخورد برخی مسئولان مربوطه در شهرداری در این باره جالب است. در حالی که تمام عملکردشان از طرف بهزیستی زیر سؤال رفته



و بدون در نظر گرفتن مواضع آنها؛ طرحتی به این سازمان دیکته شده ادعا می کنند برای حل مسئله و جلوگیری از جوسازی ترجیح می دهند فعلا به هیچ سوالی پاسخ ندهند.  
خیابان ها، همدم شبانه روزی کودکان کار (29)



امروزه در اکثر نقاط جهان پدیده کودکان خیابانی و بیخانمان مساله ای بحرانی شده است. به طوری که احساس نگرانی شدیدی را در کل جامعه در برداشته است. هرچند در برخی از کشورها با تخصیص دادن مقرری و امداد تا حدودی میزان نگرانی کودکان خیابانی و افراد بی خانمان کاهش داده است اما به محدود بودن و مقطعی بودن خدمات آنها دوباره به سوی خیابان کشیده می شوند. این کودکان به همان اندازه ای که مورد غفلت بوده اند، به حاشیه نیز رانده شده اند. در واقع کودکان در نظریه مفهوم پردازی های جامعه شناختی به دلیل موقعیت تابع و تحت سلطه کودکان همواره در حاشیه توجه بوده اند. بدین معنا که کودکان به عنوان بزرگسالان آینده ای نگریسته می شدند که می بایست نقشی را که آنان می خواهند ایفا کنند و کمتر به عنوان آنچه که هستند مورد توجه قرار می گرفتند. در واقع نیازها و علایق کودکان همواره علام خطری برای بزرگسالان و به عنوان مساله اجتماعی تلقی می شد که می بایست چاره جویی شود.

تحولات پس از جنگ جهانی دوم، توجه سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و کمیسیون های متعدد آن را به مقوله آسیب پذیران جنگ به ویژه زنان و کودکان، کودکان آسیب دیده، سوء استفاده نظامی از کودکان در جنگ، قاچاق کودکان برای فروش در بازار کار و... را افزایش داد.

در دنیای امروز کشورهای زیادی هستند که در آنها کودکان به کار تمام یا نیمه وقت و اغلب در شرایط طاقت فرسا، اشتغال دارند. استفاده از کار کودک از نظر اخلاقی تجاوز آشکار به حقوق آنها محسوب می شود. چه بسا نتیجه کار کودک، محرومیت از تحصیل، لطمه های اجتماعی و بیماری ها و اختلال رشد جسمی و روانی است.

اصلاح کودکان کار یک اطلاق کلی است که توسط سازمان های بین المللی برای تو صیف و وضعیت گروه کثیری از کودکان کار می رود که فرایند رشد و سلامت آنان از ابعاد جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی و در معرض خطر و تاخیر قرار گرفته و به اشکال مختلف مورد اذیت، آزار و بهره کشی قرار می گیرند و بیشتر مشاغلی که کودکان کار به آن اشتغال دارند شغل های کاذب به شمار می روند مثل باربری، دستفروشی، واکس زدن کفش یا کارهای ممنوع مثل کار در کارگاه های زیرزمینی تاریک و نمور.

از نظر قانون کار و هیچ کارفرمایی حق بکارگیری آنان را ندارد و از منظر قانون استخدام کشوری که شامل نیروی کار شاغل در بخش دولتی می گردد، افراد زیر 18 سال به دلیل قرار گرفتن در سن تحصیل و به تعبیری کودکی از اشتغال منع شده اند.

کار کودکان بیشتر در کشورهای در حال توسعه جهان رواج دارد، جایی که میلیون ها کودک در سنین پایینی (5-14) با هدف امرار معاش خود و خانواده به کار مشغول هستند.

کار کودکان ممکن است شکل عادی کارمزد و در کارخانه ها، معادن مزارع و بخش های خدماتی را داشته باشد یا ممکن است به صورت آزاد و کسب و کار خیابانی باشد. کار آنها ممکن است نیمه وقت یا تمام وقت و فصلی یا کارگر دائم باشد. ممکن است این کودکان دستمزد خود را به صورت جنسی یا پولی بگیرند، یا اساسا کارکن خانوادگی بی مزد باشند. عده ای ممکن است اصلا مزد نگیرند و تنها برای سرپناه و محلی جهت حمایت یا برای غذایی بخور و نمیر کار می کنند.

در بین 49 کشور در حال توسعه 35 درصد جمعیت جهان در بیش از 30 کشور زندگی می کنند در این کشورها قریب 19 درصد کودکان واقع در سنین 5 تا 14 سالگی مشغول به کار هستند. شواهد حاکی است به دلیل منع قانونی به کارگیری و اشتغال کودکان، اولاً مشاغل مربوط به کار کودکان به اصطلاح از مشاغل سیاه و با حداقل مهارت و صرفاً فیزیکی است، دوم اینکه با حداقل مزد، بیشترین بهره کشی از نظر حجم کار، فشردگی میزان کار، نوع کار و سختی و زیان آور بودن آن و همچنین ساعات و روزهای کار کودکان صورت می گیرد و سوم اینکه در شرایط ناامن، با کمترین

ایمنی در برابر حوادث کار و بدترین وضعیت بهداشتی در برابر بیماری های شغلی کار کودکان صورت می گیرد ولی علی رغم منع قانونی اشتغال کودکان در کشور، آمارهای رسمی گویای 12 درصد فعالیت اقتصادی کودکان می باشد که البته فقط از زاویه فعال بودن اقتصادی تعریف شده است. بنابراین آنچنان خسته و فرسوده می شوند که نه فرصتی برای انجام تکالیفشان دارند و نه زمانی برای استراحت، برای کودکان کار و خیابانی، روزهای تعطیل و غیر تعطیل معنا ندارد.

آنها هیچ استراحتی ندارد، در واقع فقط جسمشان نیست که خسته می شود بلکه در معرض انواع خطرها و آسیب های جسمی قرار دارد.

در سال های اخیر تحقیقات و مطالعات صورت گرفته توسط سازمان بهزیستی نشان می دهد در سال 83، هشت هزار و 475 نفر، سال 84، هفت هزار و 433 نفر و در سال گذشته شش هزار و 164 نفر در مراکز ساماندهی کودکان کار و خیابانی پذیرش شدند.

از این تعداد 35 درصد کودکان بی سواد، 34 درصد دارای تحصیلات ابتدایی 24 درصد دارای تحصیلات راهنمایی بودند، نکته جالب این جاست که یک چهارم کودکان پذیرش شده در مراکز مشغول تحصیل هستند و علاوه بر تحصیل در خیابان ها نیز کار می کنند. از این تعداد 20 درصد آنها هیچ ارتباطی با خانواده خود نداشته و 20 درصد نیز ماهانه یا هر چند ماه یک بار با خانواده ارتباط داشتند. همچنین تنها 60 درصد از کودکان خیابانی هر روز خانواده خود را می بینند.

محققان معتقدند که زندگی در خیابان ذاتا جرم خیز است. فرصت هایی برای مجرم فراهم می کند که دست به اعمال خلاف بزند تا زنده بماند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می دهد بین فعالیت غیرقانونی و مدت زمان زندگی در خیابان ارتباط وجود دارد. به طور کلی هر چه مدت زمان زندگی در خیابان طولانی تر باشد افراد بیشتر در گیر جرم و جنایت میشوند.

افزایش جرم و جنایت این موضوع را تایید و حمایت می کند که جرم ممکن است به عنوان یک راهبرد حیاتی برای مواجه شدن با فشارهای اقتصادی و اجتماعی کودکان خیابانی و بی خانمان باشد، البته باید توجه داشت که تاکید بیش از حد روی جرم و انحراف و مواد مخدر در میان نوجوانان ممکن است موجب شود غفلت خانواده و شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه که مقدم تر هستند نادیده گرفته شود.

## افزایش 4 برابری کودک آزاری در آذربایجان غربی



سرویس اجتماعی: میزان کودک آزاری در سطح استان آذربایجان غربی نسبت به مدت زمان مشابه سال گذشته چهار برابر افزایش یافته است.

جواد جهانگیری معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی آذربایجان غربی ، ضمن اعلام این خبر اظهار داشت :

از ابتدای سال جاری تاکنون 21 مورد کودک آزاری به سازمان بهزیستی استان گزارش شده که این میزان در مدت زمان مشابه سال گذشته فقط 5 مورد بوده است.

جهانگیری بیشترین آسیب دیدگان را کودکان زیر 13 سال عنوان نمود و افزود دختران زیر 9 سال و پسران بالای 9 سال بیشترین موارد کودک آزاری جسمی ، جنسی و روانی را تشکیل میدهند.

وی مناطقی را که کودک آزاری در آن بیشتر به چشم می خورد حاشیه شهرها بیان کرد و گفت :  
به دلیل فقر و محرومیت مالی و معنوی خانواده های حاشیه نشین ، میزان کودک آزاری در این مناطق بیشتر است.

## قتل یک کاسبکار و زخمی نمودن یک کودک توسط مأموران رژیم

روز پنجم شهریورماه، گروهی از پاسداران و مزدوران رژیم به فرماندهی "افسر رضایی" در نزدیکی روستای "میردهی" سقز یک دستگاه اتومبیل حامل کاسبکاران را به گلوله بستند. خبرگزاری کردستان گزارش داد، بر اثر این اقدام، فردی به نام حسین، اهل بوکان جان خود را از دست داد و کودک 8 ساله‌ای به نام عمر اهل سقز نیز به شدت زخمی شد. مردم روستای نامبرده پس از این حادثه، با یورش به مزدوران رژیم، آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده و اجازه ندادند اموال کاسبکاران را توقیف نمایند. خبرگزاری کردستان همچنین گزارش داد، در ادامه فشار مأموران رژیم بر کاسبکاران، روز ششم شهریورماه این نیروها در نزدیکی روستای "گوزهرش" سلماس 50 رأس از اسب‌های کاسبکاران را کشتار نمودند. در مناطق بانه و سردشت نیز نیروهای رژیم چندین رأس اسب متعلق به کاسبکاران را کشته و خسارات مادی سنگینی به آنان وارد نموده‌اند.

## شکنجه کودک پنج ساله تا سرحد مرگ



محمد جعفري؛ پرونده مردی که متهم است پسر پنج ساله همسرش را تا سرحد مرگ شکنجه کرده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه ارسال شد.

تلخی های زندگی مهدی از همان روز تولدش آغاز شد. چند روز پس از به دنیا آمدن او بود که درگیری های پدر و مادرش شروع شد و این دعوا تا یک سالگی مهدی ادامه پیدا کرد. در همان سال اول بود که والدین نوزاد تصمیم گرفتند از هم جدا شوند. پس از آن حضانت کودک یک ساله به مادرش سپرده شد. اما مخارج زندگی روی دوش مادر مهدی سنگینی می کرد و او نمی توانست مشکلات را حل کند. برای همین مجبور شد پس از مدتی با مرد دیگری ازدواج کند. مادر مهدی فکر می کرد همسر دومش می تواند مرد زندگی او و نوازشگر فرزند خردسالش باشد اما پس از چندی مهر پدری به کین ناپدری تبدیل شد و تن رنجور و زخم خورده مهدی را روی تخت بیمارستان نشانده. به گزارش خبرنگار ما چندی قبل ماموران کلانتری رازی که از وقوع درگیری در یکی از بیمارستان ها مطلع شده بودند، خود را به آنجا رساندند و مسوولان بیمارستان اعلام کردند مردی که این نزاع را راه انداخته، دقایقی پیش گریخته است. تحقیقات برای روشن شدن علت این درگیری فاش کرد مرد عصبانی ساعتی قبل همراه با همسرش پسر بچه یی حدوداً پنج ساله به نام مهدی را که شرایط وخیمی دارد، به بیمارستان رسانده اما به خاطر نحوه رسیدگی و شیوه درمان پزشکان با آنان درگیر شده و ماموران حراست بیمارستان را وادار کرده پلیس را در جریان قرار دهند. از سوی دیگر سوپروایزر بیمارستان که علائمی مثل سوختگی، کبودی و خون مردگی را در چند نقطه از بدن کودک مشاهده کرده بود، آنها را ناشی از خشونت و کودک آزاری تشخیص داد و از ماموران خواست ماجرا را پیگیری کنند. به این ترتیب علاوه بر پرونده درگیری، پرونده یی دیگر نیز با موضوع کودک آزاری تشکیل و برای رسیدگی به داسرای ناحیه 11 تهران ارجاع شد. بازپرس

کشیک دادسرا پس از بررسی محتویات پرونده از آنجا که گزارش سوپروایزر بیمارستان تا حدودی نگران کننده بود و از سوی مردی که مهدی را به بیمارستان رسانده از آنجا گریخته بود، دستور داد پس از انجام مراحل مقدماتی درمان، پسرک از سوی متخصصان پزشکی قانونی معاینه شود تا نوع، میزان و علت دقیق آسیب های وی مشخص شود. در همین حال مادر مهدی که از همان دقایق اولیه بر بالین فرزندش بود، اعلام کرد مردی که از بیمارستان فرار کرده ناپدری مهدی است. او گفت شوهرش که مردی خشن و عصبی است، مهدی را آنقدر کتک زده و تا سرحد مرگ شکنجه داده که کارش به بیمارستان کشیده است. با توجه به اظهارات این زن ماموران ناپدری سنگدل را در خانه اش به دام انداختند و او را به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی به کلانتری منتقل کردند. این مرد که یاسر نام دارد، در اولین مرحله از تحقیقات با رد کردن اتهامش گفت مهدی را کتک نزده است. این مرد گفت؛ من بیرون از خانه بودم که همسرم تماس گرفت و گفت بچه از روی دوچرخه سقوط کرده و بیهوش شده است. من هم فوراً خودم را به خانه رساندم و به اتفاق همسر مهدی را به بیمارستان بردیم اما در آنجا پزشکان رسیدگی خوبی به مهدی نکردند به همین دلیل با آنان درگیر شدم و وقتی فهمیدم پای پلیس در میان است، از آنجا فرار کردم.

گفته های این مرد با گزارش پزشکی قانونی و اظهارات مادر مهدی مغایرت داشت. در گزارش پزشکی قانونی در مورد وضعیت کودک پنج ساله نوشته شده بود؛ کودک دچار خونریزی مغزی شده و از اختلالات هوشیاری رنج می برد. چشم او دچار خونریزی شده و سوختگی های شدیدی روی چندین عضو او به چشم می خورد و پسرک توانایی حرکت ندارد. در این گزارش همچنین آمده بود برخی جراحات کهنه و قدیمی است و نشان می دهد پسرک مدت ها تحت شکنجه و آزار قرار داشته اما در آخرین مورد تاب نیاورده و از فرط ضعف و ناتوانی بیهوش شده است. این بررسی نشان می داد مهدی در دفع ادرار نیز دچار مشکل است و اختیاری از خود ندارد. این گزارش کافی بود تا رسیدگی به پرونده کودک آزاری با جدیت بیشتری ادامه یابد. از این رو پرونده از سوی علیرضا اربابی فر بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه 11 مورد رسیدگی قرار گرفت و وی ضمن احضار مادر مهدی دستور داد ناپدری او نیز از زندان به دادسرا منتقل شود.

در جلسه بازپرسی مادر مهدی در مورد چگونگی آشنایی با شوهرش گفت؛ با شوهر اولم مشکلات زیادی داشتم و همه زندگی مان پر از درگیری و کشمکش بود. صبر کردم تا پسر یک ساله شود. با خودم گفتم شاید با بزرگ شدن مهدی مشکلات ما نیز حل شود اما مشکلات مان قابل حل نبود تا اینکه از همدیگر جدا شدیم و من نگهداری مهدی را برعهده گرفتم. بعد از آن یک خانه کوچک اجاره کردم و همراه با پسر در آنجا ساکن شدیم. تا اینکه پس از مدتی یاسر که در نزدیکی خانه مان کار می کرد، به من ابراز علاقه کرد و به خواستگاری ام آمد. شرط من برای زندگی با او این بود که از

مهدی نگهداری کنیم. یاسر هم این شرط را پذیرفت و به این ترتیب بدون هیچ مراسمی به یک دفترخانه رفتیم و عقد کردیم. یاسر ابتدا رفتار خوبی با پسر من داشت اما به تدریج برخوردهای خشن اش آغاز شد. هر وقت صدای مهدی را می شنید، عصبانی می شد و او را به باد کتک می گرفت. وقتی من دخالت می کردم تا پسر من را از زیر مشت و لگدهای ناپدری اش بیرون بکشم، مرا هم کتک می زد.

به دنبال این اظهارات بازپرس اربابی فر از یاسر خواست درباره گفته های همسرش توضیح دهد. او که همچنان شکنجه کردن پسرک را انکار می کرد، گفت؛ روز حادثه من در خانه نبودم وقتی همسر من با من تماس گرفت و به منزل بازگشتم با اورژانس تماس گرفتم اما به من گفتند بهتر است پیش از رسیدن آمبولانس، بچه را خودمان به یک بیمارستان برسانیم.

بعد از آنکه به بیمارستان رفتیم، پزشکان وقت را تلف کردند و به مهدی توجه زیادی نکردند. به همین دلیل من هم به آنها اعتراض کردم و با آنها درگیر شدم. این مرد درباره سوختگی های مهدی گفت؛ حدود چهار ماه قبل مهدی در حالی که لباس بر تن نداشت، از دستشویی بیرون آمد. همسر من در حال آشپزی بود که مقداری روغن داغ روی پاهای مهدی پاشید و قسمتی از پاهای او سوخت. وقتی از این مرد درباره اینکه آیا تا به حال مهدی را تنبیه کرده یا خیر سوال شد، او جواب داد چند ماه قبل او گستاخی و بی ادبی کرد و من هم او را کتک زدم. ناپدری مهدی همچنین مدعی شد به مهدی محبت های زیادی کرده است. او در این باره گفت؛ من خیلی مهدی را دوست دارم چون همسر من با مهدی در خانه اجاره یی به سختی زندگی می کردند و من هم در نزدیکی منزل آنها در یک شرکت کار می کردم. وقتی از وضعیت زندگی آنها باخبر شدم به خواستگاری رفتم و آنها را پیش خودم آوردم تا سر و سامان بگیرند.

چند روز بعد از بازداشت ناپدری سنگدل، پدر واقعی مهدی که از وضعیت پسرش مطلع شده بود به دادسرا رفت و ضمن شکایت از یاسر خواستار مجازات او شد. وی گفت؛ هرچند من از یاسر شکایت دارم، اما مقصر اصلی همسر سابقم است. او در حق پسرمان بد کرد و کاری کرد که او در پنج سالگی به خاطر شکنجه های ناپدری کارش به بیمارستان بکشد. در چنین شرایطی بازپرس اربابی فر با بررسی مدارک و شواهد موجود یاسر را در جراحات وارده بر مهدی مقصر تشخیص داد و پرونده را برای تصمیم گیری نهایی به دادگاه فرستاد.



## فیلم، فریاد کودکان به دنیا آمده و بزرگ شده در زندان های جمهوری اسلامی

کودکان به دنیا آمده و بزرگ شده در زندان های جمهوری اسلامی، هنوز کودکی و مادر خویش را فریاد میکنند.

فیلم کامل را در لینک زیر میتوانید ببینید: "فیلم مستندی از سی سال شکنجه و تجاوز و جنایت در جمهوری اسلامی ایران از جوزف اکرمی"

توجه! فیلم حاوی صحنه های تکان دهنده می باشد!

[/http://www.movie.article19film.com](http://www.movie.article19film.com)

## نقض سیستماتیک حقوق کودکان در ایران

پرداختن به مقوله حقوق کودکان، عنوان یکی از بنیادی‌ترین مبانی حقوق بشر و لزوم حمایت از قانون بعنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی، واجد اهمیت فراوانی است که متأسفانه آنچنان که باید، از سوی فعالین حقوق بشر مورد توجه قرار نمی‌گیرد. گویی عناوین و جنبه‌های دهان‌پُرکن‌تری همیشه وجود دارد که بیشتر به مذاق خوش می‌آید، غافل از اینکه بی‌توجهی به حقوق این قشر عظیم و آسیب‌پذیر، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را به جامعه و آینده کشور وارد نماید

رعایت و احترام به حقوق کودکان، وظیفه و مسئولیتی بسیار مهم و خطیر است که بر عهده دولت‌ها و نهادهای قانونگذاری و اجرایی کشورها نهاده شده است. بطوری که 13 ماده از 54 ماده کنوانسیون حقوق کودک، بصورت مستقیم، به وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال کودکان پرداخته است. دولت جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ 14 مهرماه سال 1370، پیمان جهانی حقوق کودک را امضاء کرد و در اسفندماه سال 1372، به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب شورای اسلامی رسید، به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گردید. الحاق مذکور، مشروط بر آن است که مفاد کنوانسیون، در هر مورد و هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، یا قرار بگیرد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد. در همین راستا، شورای نگهبان در نامه شماره 57/60 خود در تاریخ 1372/11/4، موارد خلاف شرع را به شرح ذیل به مجلس اعلام نمود:

2 بند 1 ماده 1

بند 1 و 2 ماده 13

بند 1 و 3 ماده 14

بند 2 ماده 15

هر چند این اقدام، یعنی امضاء کنوانسیون، می‌توانست گام مهمی در جهت احقاق و تضمین حقوق کودکان تلقی گردد اما، پذیرش مشروط این کنوانسیون توسط دولت جمهوری اسلامی ایران و گنجاندن و افزودن تبصره‌هایی به مواد آن، از جمله تعریف کودک، عدم تبعیض بین کودکان، رعایت منافع کودک، حق کسب هویت، حق زیستن با والدین، حق ورود یا ترک کشور به منظور پیوستن به والدین، ممنوعیت رفتار خشن با کودکان، حقوق کودکان پناهنده، کمک به کودکان معلول، حق برخورداری از بالاترین استاندارد و زندگی مناسب، حق آموزش و تحصیل... عملاً اجرایی کنوانسیون حقوق کودک در ایران را با مشکل مواجه کرده و موجبات نقض پیایی حقوق کودکان و توجیه کاستی‌های قانونی موجود برای حمایت از حقوق کودکان را فراهم آورده است.

همچنین طبق ماده 4 کنوانسیون حقوق کودک (کشورهای طرف کنوانسیون، باید اقدامات اجرایی و قانونی لازم را جهت تحقق حقوق شناخته شده در این کنوانسیون، معمول دارند.) اما شاهدیم که دولت جمهوری اسلامی ایران، حتی در این زمینه، به مواردی از قبیل گنجاندن پیمان‌نامه حقوق کودک در قوانین اساسی، تعیین هیئت‌های نظارت و اجرای کنوانسیون در استان‌ها و شهرستان‌ها هیچ اقدامی انجام نداده است. هر چند گستره‌ی نقض حقوق کودکان در ایران بسیار وسیع‌تر از موارد صرفاً حقوقی است اما، به نظر می‌رسد کمبودهای قانونی موجود برای حمایت از حقوق کودکان و خشونت‌های قانونی و سیستماتیک، زمینه ساز افزایش نقض حقوق کودکان از جنبه‌های گوناگون می‌شود. بر این مبنا، پرداختن به ضعف‌ها و نارسایی‌های قوانین داخلی و تعارضات آن با مفاد کنوانسیون حقوق کودک، ضروری است.

### تعیین سن بلوغ، مهمترین مسئله حقوق کودکان .

سن بلوغ زمانی است که از آن پس، کودک دوران کودکی و به اصطلاح بی‌مسئولیتی را پشت سر گذارده و با ورود به دنیای بزرگسالان، در برابر قانون، مسئول شناخته می‌شود. به موجب مفاد تبصره‌ی ذیل ماده 1210 قانون مدنی اصلاحی 1361، سن بلوغ در پسر 15 سال تمام قمری و در دختر 9 سال تمام قمری است و حال آنکه مفاد ماده 1 کنوانسیون حقوق کودک، مقرر می‌دارد "منظور از کودک، افراد انسانی زیر 18 سال است." این تلقی در خصوص سن بلوغ در قانون مدنی و تعارض آشکار آن با ماده 1 کنوانسیون مذکور زمینه را برای اعمال مجازات‌های بسیار سنگین و خشن مانند اعدام، شلاق، قطع اعضای بدن و سنگسار که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است، در مورد کودکان فراهم می‌کند و کودکانی که مرتکب هر کدام از جرایم احصاء شده، که مستوجب کیفرهای پیش‌گفته است می‌شوند، به هیچ عنوان مورد تخفیف یا استثناء قرار نمی‌گیرند و بدون توجه به وضعیت رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی‌شان، مانند بزرگسالان، مسئول شناخته شده و مجازات می‌شوند.

این در حالی است که به نظر بسیاری از حقوق دانان، سن تکلیف، صرفاً تابع بلوغ جنسی نیست و در احکام و مقررات شرعی نیز، بلوغ و عقل توأمان مطرح شده است و بر این اساس است که سن کیفری را نیز، باید بر مبنای رشد لحاظ کرد نه بلوغ. در قانون مدنی که به تصویب فقها رسیده است، میان رشد و بلوغ تمایز نهاده‌اند، اما این تمایز در مجازاتها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. طبق ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک و بند 5 ماده 6 میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی که جمهوری اسلامی ایران آنها را پذیرفته و تصویب نموده است، اعدام افراد زیر 18 سال ممنوع شده و متعهد شده است که مجازات اعدام را در مورد جرم‌هایی که توسط افراد زیر 18 سال انجام می‌گیرد، اعمال نکند. طبق ماده 9 قانون مدنی این میثاق و کنوانسیون در حکم قوانین داخلی به شمار می‌آید، اما متأسفانه شاهدیم که طبق آمارها، ایران، رتبه‌ی نخست در اعدام کودکان را از آن خود نموده و به رقم اعتراضات سازمانهای بین‌المللی و فعالین حقوق بشر، همچنان به این اعدام‌ها ادامه می‌دهد.

از دیگر آثار و تبعات زیان‌بار تعیین 9 سالگی در دختران و 15 سالگی در پسران به عنوان سن بلوغ، خطر قرار گرفتن آنان در معرض ازدواجهای زودرس و اجباری است. طبق ماده 1041 قانون مدنی اصلاحی 1361، نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. همچنین در ذیل این ماده تصریح شده است که " عقد نکاح قبل از بلوغ، با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه" و بدین ترتیب، سن قانونی ازدواج بار دیگر در دختران به 8 سال و 9 ماه شمسی و در پسران به 14 سال و 8 ماه شمسی تقلیل داده شد. 19 سال بعد در سال 1380، با تلاشهای مداوم مدافعین حقوق بشر و همچنین با حمایت نهادهای بین‌المللی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده 1041 قانون مدنی را به شرح زیر اصلاح نمود:

"عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام شمسی، منوط به اذن ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه، با تشخیص دادگاه مصلح" بدین ترتیب پس از سالها، سن قانونی ازدواج دختران ایرانی، کمی افزایش یافت و با این حال، تازه به 13 سال رسید.

با کمی دقت مشخص می‌شود که کودکان ایرانی نه تنها در معرض ازدواجهای اجباری زودرس در سنین 13 و 15 سالگی قرار دارند، بلکه پیش از آن نیز پدر و جد پدری این کودکان با استفاده از اختیارات قانونی خود، می‌توانند آنان را حتی از بدو تولد، به عقد ازدواج دیگری در آورند مشروط بر آنکه مصلحت این کودکان در نظر گرفته شود!

از دیگر موارد نقض سیستماتیک و قانونی حقوق کودکان در ایران، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

1- به موجب ماده 1179 قانون مدنی ایران "ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب نمایند". تأکید قانون‌گذار بر اینکه تنبیه باید در حدود متعارف اعمال گردد، بی‌آنکه تعریف و ضابطه مشخص از عبارت "در حدود متعارف" ارائه نمایند، علاوه بر اینکه هیچ کمکی به جلوگیری از اعمال خشونت علیه کودکان نمی‌کند، عملاً باعث آسیب‌پذیرتر شدن کودکان می‌گردد. در این خصوص بد نیست به این سؤال اندیشید که آیا حد متعارف تنبیه در یک خانواده روستایی کم سواد با یک خانواده شهری تحصیل کرده یکسان است؟

2- مطابق ماده 220 قانون مجازات اسلامی "هرگاه پدر و جد پدری، فرزندش را بکشد، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل و تعزیر محکوم می‌شود." به نظر می‌رسد این ماده نیز در تعارض کامل با موازین حقوق بشر و معاهداتی است که جمهوری اسلامی ایران به آن پیوسته است، زیرا این ماده صراحتاً مجوز قتل کودکان از سوی والدین را صادر نموده و حق حیات و امنیت کودکان را به خطر می‌اندازد.

3- ماده 976 قانون مدنی در 7 بند، اشخاصی را که تابعیت ایرانی دارند را احصاء نموده و کودکانی را که از پدری غیر ایرانی و مادری ایرانی در خاک بیگانه متولد می‌شوند را از شمول تابعیت ایرانی خارج می‌کند. به بیان دیگر، مطابق قوانین، برای کسب تابعیت ایرانی، تنها تابعیت پدر مؤثر در موضوع است و نسب مادری فاقد تأثیر می‌باشد. این امر آثار و تبعات سویی را برای این کودکان به همراه دارد زیرا، وقتی همراه مادرانشان به ایران باز می‌گردند، برای تحصیل تابعیت ایرانی باید تا سن 18 سالگی در ایران زندگی کنند و یکسال پس از آن را نیز به اراده خود در خاک ایران سپری کنند و آنگاه در سن 19 سالگی، تقاضای کسب تابعیت ایرانی نمایند. این کودکان تا قبل از 19 سالگی، شناسنامه ندارند، از حق آموزش و پرورش و دیگر حقوق شهروندی اتباع ایرانی محرومند.

4- مطابق ماده 1167 قانون مدنی "طفل متولد از زنا، ملحق به زانی نمی‌شود." قانون مدنی ایران، برای این کودکان هیچگونه حقی قائل نشده است و آنها که حاصل روابط نامشروع پدر و مادر خود هستند، از حقوق شهروندی از جمله حق تابعیت، ارث و نفقه محرومند. در واقع این کودکان، تاوان جرمی را پس می‌دهند که پدر و مادرشان مرتکب شده‌اند!

سخن آخر: مواردی که ذکر شد، تنها گوشه کوچکی از ضعفها و نارسایی‌های حقوقی که زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌های موجود در سطح جامعه است. بسیاری از کودکان ما از نعمت آموزش محرومند، بسیاری از کودکان ما مورد تجاوز و بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند، بسیاری از کودکان ما به خاطر فقر و بدبختی، در بدترین شرایط به کار گماشته می‌شوند، بسیاری از کودکان ما فاقد شناسنامه و هویت‌اند.....

همه‌ی اینها، نشانگر لزوم تغییر و اصلاح جدی قانون کنونی یا مطابقت آن با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر است. یادمان نرود که فردای سرزمینمان را همین کودکان می‌سازند. به هوش باشیم.

## دو جوان به دلیل ارتکاب جرم در کودکی در آستانه اعدام قرار دارند



محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر: در ساعت 21:30 مورخه 1382/12/20 از طریق بیمارستان تامین اجتماعی شهریار اطلاع داده شد که در جریان یک درگیری، شخصی به نام رحمان درخشان مجروح و به قتل رسیده است در روز 82/12/21 رضا دستگیر می شود. وی در اولین تحقیق اظهار می نمایدکه: « ... مقتول مرا دائما اذیت می کرد در تاریخ 82/12/20 حدود

ساعت 8 شب از سر کار بر می گشتم مقتول جلوی مرا گرفت و با مشت مرا زد بعد من هم با چاقو ایشان را زدم و فرار کردم ...» در تاریخ 82/12/28 رضا مجدداً مورد بازجویی قرار گرفته و اظهار می دارد: «... وقتی رحمان درخشان جلوی من آمد و مرا زد من افتادم و پاشدم ولی او باز هم مرا می زد که من هم چاقو را در آوردم که او را بترسانم، نمی دانم چه شد که چاقو را به او زدم ولی خیلی ترسیده بودم و او رفت به یک خیابان دیگر و من هم رفتم و بعداً فهمیدم که فوت کرده است...» باز جویهای مختلفی از رضا در طول دادرسی صورت گرفت و ایشان بدون کوچکترین تعارضی گفته های خود را تکرار کرد. ولی آنچه که مورد توجه واقع نگردید و در مراحل تحقیقات مقدماتی نیز به آن پرداخته نشد. سن کم و بیماری روحی و روانی رضا بود پس از صدور حکم بدوی و تایید آن توسط دیوانعالی کشور، زمانیکه پرونده مراحل استیذان و درخواست اعاده دادرسی را می گذراند در تاریخ 1386/4/19 پزشکی قانونی نامه ای صادر و صراحتاً اعلام می دارد که: «... محکوم علیه در هنگام ارتکاب جرم مطروحه قبلاً به علائمی از اختلال خلقی از نوع افسردگی و عدم کنترل تکانه مبتلا بوده است..»

رضا در زمان ارتکاب جرم 16 سال بیش تر نداشت. مسلماً افرادی که در این سن بسر می برند آسیب پذیر بوده و با کمتر تحریکی کنترل خود را از دست داده و به آنچه که انجام می دهند آگاه و مطلع نیستند بنابراین در اینکه کودکان عمد و اراده ای در نتیجه جرم داشته باشند می بایست تردید نمود مضافاً به اینکه در مانحن فیه همانطور که مرقوم گردید و نظریه پزشکی قانونی نیز دلالت دارد؛ رضا دچار بیماری روحی و روانی بوده و عدم کنترل تکانه در وی مشهود بوده است که این دو در کنار یکدیگر واقعیت کتمان شده ای را آشکار می سازند و آن اینکه هیچگونه عمدی در انجام عمل نوعاً کشنده ( اگر عمل را نوعاً کشنده فرض کنیم ) در رضا نمایان نبوده و دلیلی نیز در پرونده نسبت به عمدی بودن عمل ارتكابی وجود ندارد.

دو نفر از قضات شعبه 74 دادگاه کیفری استان، موضوع قصاص نفس را در عملکرد رضا منتفی دانسته ولی در اقلیت بودن آنها باعث در معرض قصاص نفس بودن رضا گردید. ولی نظریه ارائه شده توسط آنان چنان قابل تامل و قوی است که نمی توان به راحتی از کنار آن گذشت. قضات این شعبه چنین نظر داده اند: «... با توجه به سن نوجوانی متهم ( 16 سالگی ) و حالات روحی و روانی وی که دچار افسردگی بوده است بطور قطع چنین افرادی در رفتار و کردار و عکس العمل های آنی قادر به تصمیم گیری منطقی و معقول نیستند و به خصوص در مقابل تهاجم و درگیری به شدت عکس العمل احساسی و غیر کنترل شده از خود نشان می دهند.» این دو قاضی شعبه تمام جوانب امر را در نظر گرفته و مشخص است که به دقت پرونده اتهامی رضا را خوانده و به این نتیجه رسیده اند که وی مستحق قصاص نفس نیست.

در مراحل مختلف رسیدگی تنها شاهد ماجرا آقای صیاد پاداشی اعلام کرده است که رحمان درخشان (مقتول) نشسته بود و رضا پاداشی را دید بلند شد به طرف او رفت و به او رسید شروع به زدن رضا پاداشی نمود رضا پاداشی نیز چاقو در آورد...» ملاحظه می گردد که ابتدا مقتول با عصبانیت به سمت رضا رفته و شروع به درگیری می نماید در این حالت رضا با توجه به شرایط خاصی که مرقوم گردید از خود دفاع می نماید و این بدیهی است که هر شخص دیگری با خصوصیات توصیفی دست به چنین عملی می زند رضا نیز در یک حالت دفاعی در مقابل هجومی که از طرف مقتول شده، قرار داشته است.

این نکته در قسمت بند چهارم نظریه اقلیت نیز ذکر شد به این صورت که: «حسب تحقیقات بعمل آمده، خاصه صیاد پاداشی در اظهارات خود بیان داشته است که مرحوم مقتول به وی گیر داده و پس از دیدن متهم بلند شده و به او سیلی زده است و متهم برای تلافی او را دنبال کرده است بنابراین قدر متیقن ابتدا مقتول شروع به درگیری نموده است در این حالت منطقی است که متهم از خود انفعالی نشان دهد. در واقع دلیل جز اینکه بپذیریم متهم در یک حالت دفاعی قرار گرفته است بطور قطع دیگری در پرونده موجود نیست البته هر چند درگیری مقتول با یک ضرب بوده است. به عبارت دیگر از نظر دلالت عرفی نیز در وضعیتی که شخصی به انسانی سیلی می زند، مضروب حالت دفاعی و جبران بخود می گیرد بنابر این با توجه به سن کم متهم و حالات روحی و افسردگی وی نباید انتظار داشت که متهم در مقابل سیلی مقتول که او را دچار هیجان و استرس نموده است (و گویا در گذشته نیز درگیری بین ایشان بوده است) یک مقابله و دفاعی قابل قبول از خود نشان می داد همانطور که متهم خود نیز اقرار دارد از چاقو جهت ترساندن، مرتب استفاده کرده است ولیکن از آنجائیکه فاقد مهارت حرفه ای چاقو کشیدن بوده، به جای خط انداختن کارد را به شکم مقتول وارد کرده است و قابل تامل اینکه فقط همین ضربه را زده است. (که این خود نشان از عدم عمد در انجام عمل بوده است)....»

در حال حاضر پرونده رضا با تایید شعبه هفتم دیوانعالی کشور جهت اجرای حکم به اجرای احکام دادسرای ویژه امور جنایی ارسال شده است. بارها با فراد خیر به منزل اولیاءدم رفته و درخواست بخشش نیز کرده ایم که به دلیل بی بضاعتی مالی خانواده رضا فعلا رضایت میسر نشده است و سرپرست اجرای احکام نیز اخیرا از این خانواده دعوت به عمل آورده تا رضایت دهند ولی آنان درخواست مبلغ یکصد و پنجاه میلیون تومان کرده اند که خانواده رضا تنها توانسته اند شصت میلیون تومان مهیا کنند.



## ماجرای پرونده حسین حقی

حسین حقی متولد بیست پنجم شهریور ماه سال هزار سیصد و شصت و پنج است. سنش در هنگام وقوع جرم و نزاع دسته جمعی حدود شانزده سال بوده است ، درگیری و نزاعی که منجر به کشته شدن مرحوم مهدی خلیلی می گردد در تاریخ 1382/5/21 به وقوع پیوست .

سن کم ، بی تجربگی ، غرور جوانی ، فشار های روحی و روانی حاکم بر نامبرده و هزاران عیب دیگر که در کودکان کنونی جامعه به وضوح میتوان دید باعث شد تا حسین در حالی که به هیچ وجه آغاز کننده درگیری نبوده ، وارد معرکه ای شود که عاقبتش انتساب اتهام قتل عمد به وی باشد. او وقتی می بیند دوستانش به نامهای سعید و ابراهیم و امراله و چند نفر دیگر در حال نزاع هستند بدو به نیت فصل خصومت و نزاع، میان آنها می رود و متعاقباً وقتی می بیند مقتول در دستش شیلنگی که سر آن آهنی وجود داشت و با آن هجوم آورده و دوستان دیگرش نیز در معرض خطر قرار دارند ، در حالیکه چند نفر در نزاع چاقو و شیشه شکسته نوشابه در دست داشتند یک قطعه ورقه گالوانیزه ای که در جیب داشت را در آورده و می خواهد که مقتول او را رها کند ولی با ادامه هجوم ، حسین متوجه عملکرد خود نمی شود و وقتی چشم باز می کند متوجه فریاد اهالی محل می شود که می گویند :

« قاتل را بگیرید » در حالی که دیگر متهمین نیز مسلح به آلات قتاله بوده اند .

در این پرونده ایرادات بسیاری وجود دارد که باعث می شود در ارتکاب جرم قتل به وسیله حسین شک و شبهه ایجاد شود و به این دلیل شعبه 27 دیوانعالی کشور در دادنامه اصداری خود حصول علم برای قاضی محترم محکمه با وجود زمینه مناسب جهت حصول علم از طریق متعارف که عمدتاً اقرار و اعترافات صریح و مشروحه اولیه متهم می باشد را علت ابرام حکم شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران قلمداد می کند، نه دلایل متقن و مبرهن بر اثبات مجرمیت حسین .

آنچه که مسلم است اینکه حسین در دادگاه منکر هرگونه ایراد ضربی به مقتول شده و قبل از آن در دادرسی تحت فشار های روحی و بعلت صغر سن اتهام وارده را می پذیرد بی آنکه بداند نتیجه پذیرش اتهام در آینده چه خواهد شد او در درگیری ای بوده که همگی به سر و کله همدیگر می زدند و دست بردار معرکه ساختگی خویش نبوده اند بنابراین لازم و مفید بود تا صحنه درگیری و نزاع به صورت جامع و کامل بازسازی شود و در حضور شهود و متهمین واقعیت روشن گردد متأسفانه ریاست محترم شعبه 71 در جلسه 87/11/20 به قسمتی از روزنامه ای اشاره کرده که گویا از زبان حسین به دروغ اظهاراتی را قید نموده بود این اظهارات دقیقاً خلاف واقع و محتویات پرونده است که حسین آنرا تکذیب نموده است از طرفی در واقع دور از عدالت است که قضات دادگاه، به استناد مطالبی آنهم کذب در نشریات حکم به قصاص نفس نوجوانی را صادر نمایند که در سن 17 سالگی بازداشت شده است .

در این پرونده، تعارض در گفته های شهود و مطلعین وجود دارد چرا که اولاً نتیجه گواهی پزشکی قانونی در این پرونده دارای ابهام اساسی مبنی بر اینکه قطر تیزی به چه مقدار بوده و آیا ضرب توسط شیشه یا چاقو یا ورقه گالوانیزه وارد گردیده یا خیر می باشد و لازم است کمیسیون پزشکی قانونی تشکیل و نوع آلت قتاله را مشخص کند ثانیاً به صورت روشن مشخص نیست که در دست حسین حقی ورقه گالوانیزه بوده یا چاقو این خود نشاندهنده عدم صحت اظهارات متهمین و شهود در گناهکاری حسین حقی می باشد که چون نوع جرم دارای اهمیت فراوان به دلیل مجازات مقرر می باشد توجه و ملاحظه به آن لازم و ضروری است در حالیکه نویسنده دادنامه صادره چون هدفش صدور حکم به قصاص نفس رضا بوده است موضوع ورقه گالوانیزه و چاقو را به گونه ای در حکم خود حلاجی نموده که بتواند نتیجه ای به ضرر حسین گیرد و در نهایت اعلام کند که اصلاً شئی برنده چاقو بوده است هر چند حسین منکر اصابت جسمی به بدن مقتول است .

پرونده حسین حقی در حال حاضر با تایید و قطعی شدن دادنامه صادره بدوی در اجرای احکام دادرسی ویژه امور جنایی بوده و قرار است با پرونده رضا پاداشی جهت استیذان به نظر ریاست قوه قضاییه برد. در صورتی که آقای لاریجانی اذن به اجرای حکم قصاص نفس دهند. احکام صادره، در صورت عدم رضایت اولیاءدم به اجرا گذارده خواهد شد.

محمد مصطفایی مدافع بی دفاعان

پنج هزار کودک کار و خیابان در تهران



رئیس سازمان بهزیستی تهران گفت: پنج هزار کودک کار و خیابان در این استان وجود دارد. به گزارش شبکه خبر و به نقل از تابناک، دکتر "ظاهر رستمی" تصریح کرد: 90 درصد از کودکان کار و خیابان متعلق به شهرستان های تهران هستند.

وی گفت: در حال حاضر، پنج هزار کودک کار و خیابان در سطح تهران وجود دارد که قرار است در سال جاری ساماندهی شوند.

دکتر "رستمی" افزود: بیشتر این کودکان اهل شهرستان های تابعه تهران هستند که در سطح پایتخت، توسط شهرداری یا بهزیستی، شناسایی و یا جذب می شوند.

وی گفت: اگر چه فقط 10 درصد از این کودکان در تهران و جنوب آن زندگی می کنند، اما نباید از ساماندهی و تنظیم یک برنامه مطلوب کاری برای زیر پوشش قرار دادن آنان، غافل بود.

رئیس سازمان بهزیستی تهران افزود: کودکان کار و خیابان در سال جاری با افزایش و یا کاهش روبرو نبوده و این افراد در سه مرکز جدید که از سوی سازمان بهزیستی استان تهران در دست احداث است، ساماندهی می شوند.

وی گفت: ظرفیت مرکز "یاسر" به 100 نفر افزایش یافته، مرکز "بعثت" برای نگهداری کودکان خیابانی راه اندازی شده و مرکز "ولنجک" نیز در حال راه اندازی است.

رئیس سازمان بهزیستی تهران افزود: کودکان کار و خیابان، یک نوع پدیده اجتماعی، که بیشتر در گروه سنی 15 سال هستند.

وی اضافه کرد: این کودکان به دستفروشی کالاهای گوناگون در خیابان و چهار راه های پایتخت، می پردازند.

**کمپین دفاع از حقوق کودکان خیابانی**

زندگی کودکان خیابانی در جامعه ایران به یک پدیده دردناک تبدیل شده است. افزایش بی وقفه کودکان فراری، زندگی خیابانی و بیهوله نشینی از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک هرروزه وسعت بیشتری به خود میگیرد.

خشونت، بیحقوقی، محروم بودن از بهداشت، سوء تغذیه، نداشتن سرپناه، تحقیر، سوء استفاده جنسی، اعتیاد و ایدز زندگی هزاران کودک خیابانی را تهدید و تباہ میکند. این وضعیت فلاکت بار و غیر انسانی نباید ادامه پیدا کند، باید این کودکان را مورد حمایت قرار دهیم و برای نجات آنها از این زندگی جهنمی تلاش کنیم. کودکان باید از یک زندگی شایسته و انسانی برخوردار شوند.

کانون دفاع از حقوق کودکان همه انسانهای شریف و مدافع حقوق کودک را به اعتراض علیه این بیحقوقی و پشتیبانی از مطالبات این کمپین فرا می خواند.

1- باید همه کودکان فراری و خیابانی بدون هیچ تهدید و یا بازخواستی مورد حمایت قانونی و تامین اجتماعی قرار گیرند.

2- مسکن، تغذیه مناسب، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش رایگان و امکانات رفاهی مناسب باید فوری در اختیار این کودکان قرار گیرد.

3- هرگونه خشونت، تحقیر، فروش و قاچاق کودکان جنایت علیه بشریت محسوب و بشدت محکوم است.

4- اعدام و محاکمه کودکان ممنوع باید گردد.

5- دولت باید بدون هیچ عذر و بهانه ای زندگی کودکان خیابانی را سامان دهی کند و کلیه مفاد پیمان جهانی حقوق کودک را در مورد آنان رعایت و عملی نماید.

[comment+] برای پشتیبانی و همبستگی خود با این کمپین اینجا را کلیک کنید و نام خانوادگی خود را برای ما بفرستید [-comment#] [comment count]

**100 هزار کودک حق رفتن به مدرسه را ندارند**



مدرسه اتوبوسی

در حالیکه هیچ گزارش رسمی از تعداد کودکان بدون شناسنامه در کشور وجود ندارد ، اما برخی تخمین ها در نهاد های غیررسمی حاکی از 100 هزار کودک بدون شناسنامه در کشور است. به گزارش خبرنگار اجتماعی جهان تعداد کودکان بدون شناسنامه در ایران از 30 هزار تا 100 هزار گزارش شده است.

با این حال تاکنون هیچ گزارش رسمی در خصوص رد یا تأیید این آمار منتشر نشده است. هرچند از تعداد دقیق کودکان بدون شناسنامه گزارشی در دسترس نیست اما نگرانی اصلی این است که نهادی هم برای هویت دار کردن این کودکان وجود نداشته باشد.

کودکان بدون شناسنامه می توانند کودک حاصل از روابط نامشروع، کودکان ازدواج موقت ، کودکان حاصل از ازدواج با اتباع بیگانه و مواردی از این دست باشد.

از آنجائیکه در آستانه بازگشایی مدارس هستیم و کودکان بدون شناسنامه هم نمی توانند به مدرسه بروند، لازم است دولت محترم به این پرسش پاسخ دهد که متولی حمایت از حقوق کودکان مخصوصا در این مورد خاص چه نهادی است و اگر نهادی در این رابطه وجود دارد توضیح دهد چه کاری در این رابطه صورت داده است و چرا نسبت به ارائه گزارش در این موضوع تا به حال کوتاهی شده است.

## گزارش تصویری مدرسه اتوبوسی در گنبد کاووس

در پی انتشار گزارشهای خبرگزاری مهر مبنی بر وضعیت نامناسب محل تحصیل 27 دانش آموز عشایر منطقه گنبد کاووس از سوی وزارت آموزش و پرورش دستور تهیه دو واحد مدرسه پیش ساخته مورد تاکید قرار گرفت. این دانش آموزان روز سه شنبه با تحقق این دستور ذوق زده و از اینکه آرزوی دیرینه شان مبنی بر داشتن فضای آموزشی مناسب برآورده شده، خوشحال هستند.







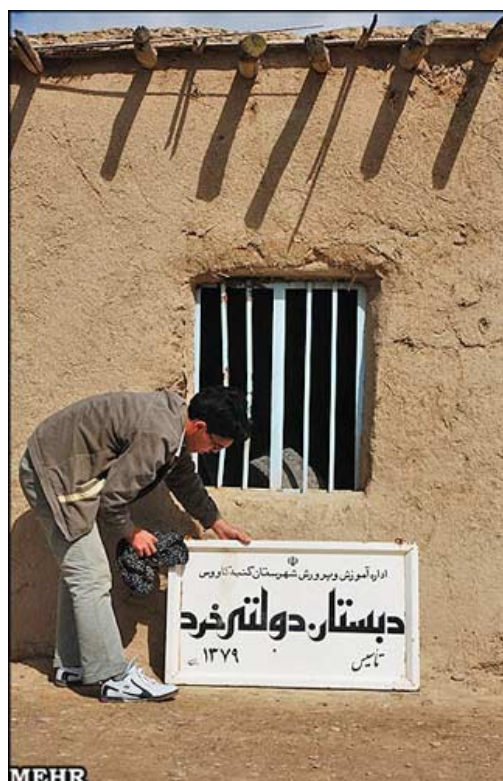
مدرسه اتوبوسی



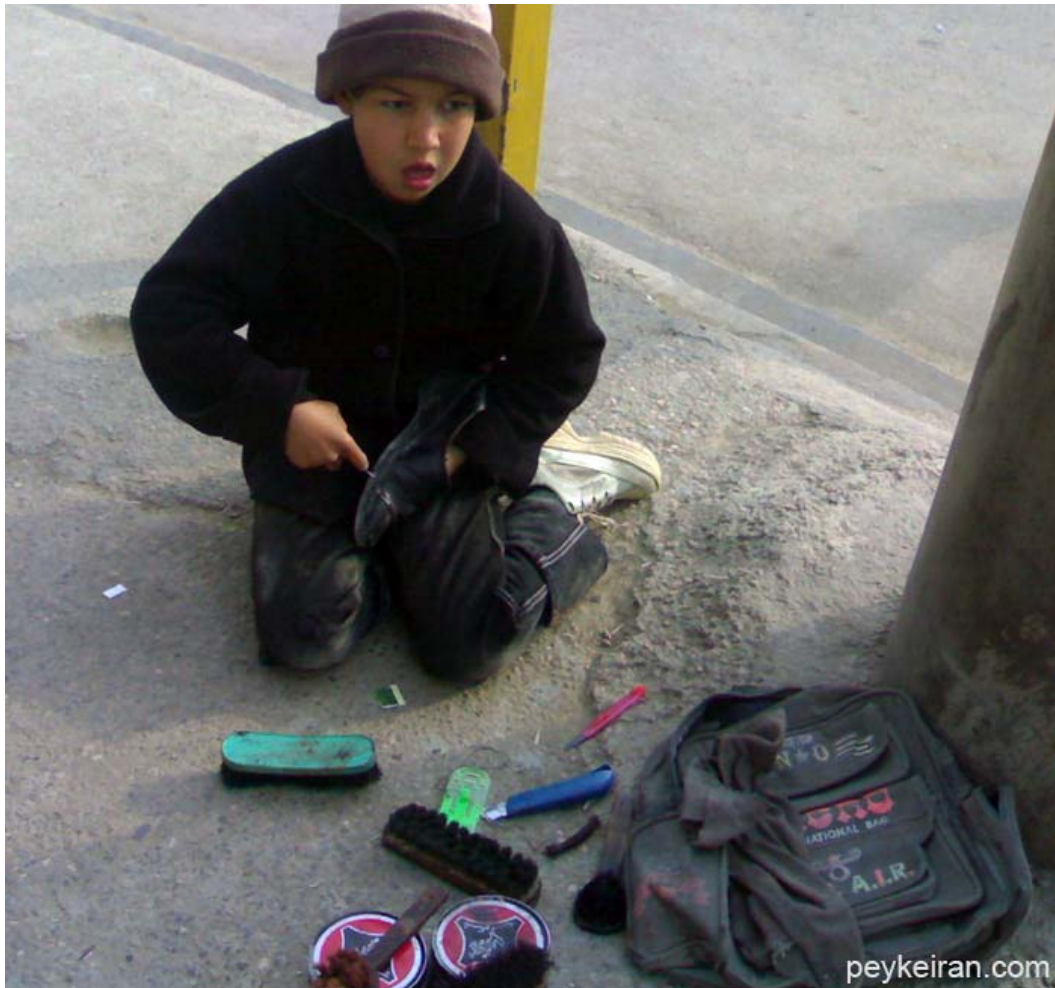


مدرسه اتوبوسی





## نان آوران كوچك در معرض خطر



كودكان خياباني، نان آوران كوچكي هستند كه مجبورند براي تأمين معاش خود و خانواده ساعات طولاني كار كنند و به جاي رفتن به مدرسه، بازي با همسالان و ديدن برنامه كودك، در خيابانها پرسه بزنند تا بتوانند پاسخگوي نيازهاي خانواده باشند.

خبرگزاری هرانا: کودکان خیابانی محصول خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها تنش وجود دارد و روابط میان اعضای نامناسب و جایگاه افراد در آن مشخص نیست، برخی از این خانواده‌ها یا عملاً زمینه اختلال را دارا هستند یا با توجه به مشکلات و ناسازگاری‌هایشان دچار اختلال می‌شوند. به گزارش فارس، یافته‌های سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است، به دلیل سوءاستفاده جنسی از این کودکان بیماری‌های غیرقابل درمان از جمله ایدز در آن‌ها مشاهده می‌شود.

### **وضعیت روانی کودکان خیابانی حتی از کودکان طلاق نیز بدتر است**

بهاره فضیلت، یک دانشجو رشته مشاوره در خصوص کودکان خیابانی می‌گوید: با دیدن این کودکان بسیار متأثر می‌شوم و هر گاه فرصت داشته باشم با آن‌ها صحبت کرده و نصیحتشان می‌کنم. وی ادامه می‌دهد: وضعیت روانی کودکان خیابانی حتی از کودکان طلاق نیز بدتر بوده و این در حالی است که فرزندان این گونه خانواده‌ها دچار رشد زودرس یا تأخیر در رشد می‌شوند. این دانشجو بیان می‌کند: باید مسئولان جایی را برای حمایت از این افراد ایجاد کنند تا کودکان با سنین کم به خیابان نیایند.

### **\* برنامه‌های آموزشی کودکان خیابانی را به انسان‌های شایسته تبدیل می‌کند**

سهیل نادری، یک کارمند دولت اظهار می‌دارد: با برنامه‌های حمایتی و آموزشی می‌توان کودکان خیابانی را به انسان‌هایی شایسته و اعضای از اجتماع تبدیل کرد که دارای حقوق و آینده هستند. وی ادامه می‌دهد: اطلاعات جمع‌آوری شده از کودکان خیابانی، آشکار می‌کند که بعضی اوقات آن‌ها به عمد جرائم کوچکی را مرتکب می‌شوند تا به وسیله پلیس دستگیر و به کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار فرستاده شوند.

نادری اضافه می‌کند: اکثر خانواده‌های آن‌ها مایل به پذیرفتن این کودکان نیستند یا خود به دلیل ارتباط ضعیف با اعضای خانواده از بازگشت به خانه امتناع می‌کنند و این امر موجب می‌شود تا تعداد زیادی از این کودکان دوباره به خیابان‌ها باز گردند.

وی در ادامه بیان می‌دارد: رسانه‌ها از طریق پرداختن به مسئله کودکان خیابانی در ابعاد گسترده، نمایش زندگی کودکان خیابانی و مصاحبه با صاحب‌نظران می‌توانند نقش مؤثری را در کاهش آسیب‌های پیش رو این کودکان داشته باشد.

برخی از روان‌شناسان معتقدند که درآمدهای خوب و کم زحمت، فرار از قید و بندهای حاکم بر خانواده باعث تقویت این انگیزه در برخی از افراد می‌شود که زندگی در خیابان را به زندگی در کنار خانواده ترجیح دهند و به صورت بچه‌های ولگرد و بی‌خانمان در خیابان پرسه می‌زنند.

### **\* کودکان خیابانی دارای خانواده‌های بی‌ثبات هستند**

مرتضی فرجی، یک فارغ‌التحصیل رشته مددکاری می‌گوید: کلیه افراد زیر 18 سالی که بنا به دلایل اقتصادی و اجتماعی مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند جزء کودکان خیابانی محسوب می‌شوند.

وی می‌افزاید: این کودکان شامل سه دسته می‌شوند، کودکانی که هیچ‌گونه ارتباطی با خانواده خود ندارند، کودکانی که هر از چندگاهی با خانواده خود در ارتباط هستند و کودکانی که به همراه خانواده خود در خیابان کار و زندگی می‌کنند.

این مددکار در خصوص عوامل مؤثر در افزایش کودکان خیابانی اظهار می‌دارد: بی‌ثباتی در نظام خانواده، درگیری والدین و اعضای خانواده، ارتباط ضعیف والدین و فرزندان، انحرافات والدین و جمعیت زیاد خانواده موجب افزایش تعداد کودکان خیابانی می‌شود.

فرجی بیان می‌کند: مسئولان باید برای رفع مشکلات این کودکان اقدام کنند و مکانی را برای حمایت از کودکان خیابانی که بی‌سرپرست هستند، ایجاد کنند.

### \* فروش فال و آدامس فروشی از مشاغل کودکان خیابانی

مشاغلی که این کودکان عموماً به آن اشتغال دارند عبارتند از وزن‌کشی، فروش فال، تکدی‌گری، بادکنک و آدامس فروشی و پاک کردن شیشه اتومبیل‌هاست.

خطراتی که در خصوص این مشاغل کودکان دختر و پسر خیابانی را تهدید می‌کند شامل گرایش به آسیب‌های اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر، سوءاستفاده جنسی، استفاده از این کودکان در حمل قاچاق، سرقت و توزیع مواد مخدر و قرار گرفتن در باندهای فساد است.

### \* پیوستن به شبکه‌های قاچاق از جمله آسیب‌های پیش روی کودکان خیابانی

دبیرکل رهایی از آسیب‌های اجتماعی در این خصوص اظهار می‌دارد: در حال حاضر آسیب‌های فراوانی از جمله دختران فراری، زنان بدسرپرست و کودکان خیابانی جامعه را تهدید می‌کند.

وی می‌افزاید: در تمام ساعات شبانه‌روز انواع و اقسام کودکان خیابانی را مشاهده می‌کنیم که به نوعی هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین می‌کنند، کودکان خیابانی به شبکه‌هایی می‌پیوندند که در ازای دستمزد کم مجبورند برای آن‌ها درآمدزایی کنند.

احمدیان با تأکید بر این که تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است، بیان می‌کند: دولت به تنهایی قادر به فرهنگ‌سازی و کنترل آسیب‌ها نیست؛ در نتیجه بهترین راه، سپردن کار به دست مردم البته با نظارت دولت است.

وی اظهار می‌دارد: بین نهاد خانواده و فرزندان به دلایل مختلف، فاصله افتاده است که باید با فرهنگ‌سازی به موقع و آموزش‌های لازم، این کودکان را به خانواده برگرداند و خانواده‌ها را نیز به پذیرش کودکان مجاب کرد.

احمدیان با تأکید بر ضرورت پیشگیری از آسیب‌ها می‌افزاید: رسانه‌ها نقش مؤثری در اطلاع‌رسانی به موقع و مفید و در نتیجه پیشگیری از آسیب‌ها را دارند.

### \* کودکان خیابانی امنیت اجتماعی را در گروه‌های نابهنجار جست‌وجو می‌کنند

سیدجواد آرامی، یک روان‌شناس در خصوص وضعیت کودکان خیابانی می‌گوید: روابط اجتماعی مناسبی در این خانواده‌ها وجود ندارد از این رو این کودکان در روابط اجتماعی با دیگران دچار اختلال می‌شوند؛ در نتیجه امکان تمرین نقش‌های اجتماعی مختلف برای آن‌ها مهیا نمی‌شود. این روان‌شناس پیوستن به گروه‌های مختلف نابهنجار را از آسیب‌های جدی می‌داند که متوجه کودکان خیابانی است و اضافه می‌کند: این کودکان حمایت و امنیت اجتماعی را که در خانواده خود کسب نکرده‌اند.

وی با اشاره به نقش معنویت در کاهش آسیب‌ها اظهار می‌دارد: خانواده‌هایی که به اصول اخلاقی ثابتی پایبندند و حرمت‌های اخلاقی را نسبت به هم رعایت می‌کنند و این حس را نیز به کودکانشان انتقال می‌دهند، کمتر دچار چنین آسیب‌هایی می‌شوند.

آرامی با تأکید بر ضرورت برخوردهای مناسب جامعه با این دسته از کودکان بیان می‌کند: اگر در جامعه به شیوه مناسب با این کودکان برخورد نشود، به دلیل این که در خانواده کانون گرمی نداشته‌اند و در جامعه نیز به این آرامش نمی‌رسند، رفتارهای نامناسب خود را ادامه می‌دهند.

وی با بیان این که تنها نیاز این کودکان، تغذیه، پوشاک و رسیدگی به وضعیت جسمانی آن‌ها نیست، می‌افزاید: سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مربوطه باید از روش‌های تخصصی برای درمان اساسی این کودکان استفاده کنند.

این روان‌شناس با اشاره به این که باید شرایطی را به وجود آورد تا پدیده کودکان خیابانی به وجود نیاید، تصریح می‌کند: این کار از طریق شناسایی و حمایت از خانواده‌هایی که در معرض آسیب قرار دارند، میسر است.

وی به نقش اساسی رسانه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: رسانه‌ها در افزایش دانش عمومی نقش مؤثری دارند چرا که از طریق آگاهی دادن به موقع از اضافه شدن خانواده‌های سالم به خانواده‌های آسیب دیده جلوگیری می‌کنند.

### \* اغلب کودکان خیابانی مورد سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی قرار می‌گیرند

سیدحسن زائری اظهار می‌دارد: کودکان خیابانی به دلیل سرخوردگی‌های اجتماعی به بزهکاری و جرم‌گرایی پیدا می‌کنند و اغلب مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و با باندهای فساد همکاری می‌کنند.

رئیس کانون کارشناسان خدمات مددکاری با تأکید بر این که اغلب کودکان خیابانی مورد سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی قرار می‌گیرند، بیان می‌کند: بیش‌تر این کودکان با باندهای فساد و توزیع مواد مخدر همکاری می‌کنند.

وی یکی دیگر از مشکلات کودکان خیابانی را بهره‌کشی‌های اقتصادی از آن‌ها می‌داند و می‌افزاید: این کودکان مجبورند در مکان‌های فاقد مجوز رسمی و با دستمزد کم کار کنند. زائری ادامه می‌دهد: باندهایی وجود دارد که این کودکان را برای تکدی استخدام کرده و با پرداخت مبلغی ناچیز در ماه، آن‌ها را وادار به گدایی در خیابان‌ها می‌کنند. وی اضافه می‌کند:

با حمایت از خانواده‌هایی که ممکن است کودکانشان به دلیل وضعیت اقتصادی نامناسب مجبور به کار شوند، می‌توان از بروز بعضی از این آسیب‌ها جلوگیری کرد.

رئیس کانون کارشناسان خدمات مددکاری با تأکید بر این که محرومیت از تحصیل یکی دیگر از آسیب‌هایی است که این کودکان با آن مواجهند، تصریح می‌کند: عدم تحصیل موجب می‌شود این کودکان در بزرگسالی نیز شغل مناسبی نداشته باشند و حرفه قبلی خود یعنی تکدی و بزهکاری را ادامه دهند.

وی در ادامه اظهار می‌دارد: اعتیاد پدر و مادر، اختلاف بین والدین، طلاق، زندانی شدن پدر، عدم کنترل مناسب در خانواده و وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها از جمله دلایلی است که کودکان را وادار به ترک خانه می‌کند.

زائری با تأکید بر لزوم همکاری سازمان بهزیستی و شهرداری در راستای کاهش آسیب در کودکان خیابانی، بیان می‌کند: سازمان بهزیستی از طریق آموزش‌های مناسب از جمله آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش شغل و حرفه مناسب می‌تواند نقش مؤثری را در کاهش آسیب در این دسته از کودکان ایفا کند.

### \*سرنوشت غم‌انگیزی کودکان خیابانی را تهدید می‌کند

محمود ساعتچی می‌گوید: از جمله مشکلات مهمی که موجب نگرانی جامعه شده است، سرنوشت غم‌انگیزی است که کودکان خیابانی را تهدید می‌کند.

وی اظهار می‌دارد: فقر، بیکاری والدین، نبود محیطی مطلوب برای زندگی، خشونت و بیماری‌های روانی والدین و فشار گروه همسالان از جمله عواملی است که موجب افزایش کودکان خیابانی می‌شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بیان می‌کند: کودکان خیابانی با مشکلات فراوانی همچون تغذیه و بهداشت نامناسب و ضعف در تعلیم و تربیت مواجهند.



ساعتچی می‌افزاید: از آن‌جا که این کودکان فرصتی برای یادگیری و فراگرفتن مهارت‌های اجتماعی ندارند هم خود در معرض آسیب‌های فراوانی قرار می‌گیرند و هم زمینه قربانی شدن دیگران را فراهم می‌کنند.

وی با بیان این که یکی از آسیب‌های جدی که زندگی کودکان خیابانی را تهدید می‌کند، پیوستن آن‌ها به باندهای خلاف است، تصریح می‌کند: از آن‌جا که این کودکان فرصتی پیدا نمی‌کنند تا از لحاظ روانی و جسمانی پرورش یابند، به سمت باندهایی سوق داده می‌شوند تا از آن‌ها برای توزیع مواد مخدر و انجام انواع جرایم استفاده کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به نقش مهم و اساسی سازمان بهزیستی و شهرداری در کمک به کودکان خیابانی بیان می‌کند: از آن‌جا که این پدیده موجب بروز مشکلات فراوانی از جمله اعتیاد و جرم و جنایت می‌شود، لازم است آن‌ها به طور جدی حمایت شوند؛ بر این اساس مسئولان و نهادهای ذیربط باید به طور جدی این آسیب را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. وی اظهار می‌دارد: هر عضوی از جامعه در هر جایگاه و سمتی که باشد، نسبت به آینده این کودکان مسئول است و با عزم همگانی می‌توان برای کاهش این گونه‌ها آسیب‌ها قدم برداشت.

## پلیس کودک 9ساله یی را به اتهام 28 فقره سرقت دستگیر کرد

یک حقوقدان؛ بازداشت اطفال غیرقانونی است



گروه حوادث؛ فرمانده انتظامی ورامین دیروز از بازداشت کودکی 9ساله به جرم سرقت خبر داد. دستگیری این پسر بچه توسط پلیس در حالی صورت گرفته که مطابق قانون، اطفال فاقد مسولیت کیفری هستند و ماده 49 قانون مجازات اسلامی به صراحت خاطرنشان کرده است؛ اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسولیت کیفری هستند.

با این وجود سرهنگ احمد قاسم آبادی- فرمانده نیروی انتظامی ورامین- ضمن اعلام خبر دستگیری این کودک که «مرتضی ع» معرفی شده است با تکان دهنده خواندن اعترافات او گفت؛ «در پرونده این سارق 9ساله 28 فقره سرقت منزل و مغازه با ارزش ریالی 140 میلیون ریال وجود دارد.» در همین حال مرکز اطلاع رسانی نیروی انتظامی استان تهران نیز عکسی را منتشر کرد که در آن مرتضی مانند مجرمان بزرگسال پلاکاردی را در دست گرفته و نام و اتهامش در آن نوشته شده است. سرهنگ احمد قاسم آبادی فرمانده انتظامی شهرستان ورامین درباره این پرونده گفت؛ هفته گذشته فردی با مراجعه به کلانتری 11 ورامین، شکایتی علیه شاگرد کارگاه خیاطی خود ارائه داد مبنی بر اینکه وی در زمانی که شاکي در منزلش حضور نداشته تعدادی از لوازم خانگی منزل را که در طبقه بالایی کارگاه بود به سرقت برده است.

گروه حوادث؛ فرمانده انتظامی ورامین دیروز از بازداشت کودکی 9ساله به جرم سرقت خبر داد. دستگیری این پسر بچه توسط پلیس در حالی صورت گرفته که مطابق قانون، اطفال فاقد مسولیت کیفری هستند و ماده 49 قانون مجازات اسلامی به صراحت خاطرنشان کرده است؛ اطفال در صورت ارتکاب جرم میرا از مسولیت کیفری هستند. با این وجود سرهنگ احمد قاسم آبادی- فرمانده نیروی انتظامی ورامین- ضمن اعلام خبر دستگیری این کودک که «مرتضی ع» معرفی شده است با تکان دهنده خواندن اعترافات او گفت؛ «در پرونده این سارق 9ساله 28 فقره سرقت منزل و مغازه با ارزش ریالی 140 میلیون ریال وجود دارد.» در همین حال مرکز اطلاع رسانی نیروی انتظامی استان تهران نیز عکسی را منتشر کرد که در آن مرتضی مانند مجرمان بزرگسال پلاکاردی را در دست گرفته و نام و اتهامش در آن نوشته شده است.

سرهنگ احمد قاسم آبادی فرمانده انتظامی شهرستان ورامین درباره این پرونده گفت؛ هفته گذشته فردی با مراجعه به کلانتری 11 ورامین، شکایتی علیه شاگرد کارگاه خیاطی خود ارائه داد مبنی بر اینکه وی در زمانی که شاکي در منزلش حضور نداشته تعدادی از لوازم خانگی منزل را که در طبقه بالایی کارگاه بود به سرقت برده است.

فرمانده انتظامی شهرستان ورامین ادامه داد؛ با احضار شاگرد 9 ساله که «مرتضی ع» نام دارد، وی در همان تحقیقات اولیه به سرقت لوازم منزل صاحبکار و انتقال آنها به منزل پدری اش اعتراف کرد و ماموران با بازرسی از محل مورد نظر اموال مسروقه را کشف کردند و به مالباخته تحویل دادند. قاسم آبادی تصریح کرد؛ با توجه به اینکه احتمال داده می شد این متهم افغان مرتکب سرقت های دیگری نیز شده باشد از وی بازجویی های بیشتری انجام شد و او به 16 فقره سرقت منزل و 12 فقره سرقت مغازه دیگر در ورامین اعتراف کرد.

رئیس پلیس ورامین اظهار کرد؛ پس از اعترافات تکان دهنده کودک 9ساله، ماموران برای اطمینان از اظهارات وی به بازسازی صحنه سرقت ها پرداختند که با همکاری متهم آدرس های اعلامی از سوی وی شناسایی و با محرز شدن سرقت از این مکان ها، همگی مالباختگان شناسایی شدند.

سرهنگ قاسم آبادی اذعان داشت؛ براساس اظهارات سارق دستگیر شده، وی سرقت از مغازه ها را در ساعات تعطیلی و آخر شب با شکستن و بازکردن قفل در مغازه ها انجام می داد و منازلی را که از آنها لوازم به سرقت می برد، قبلاً شناسایی می کرد و پس از اطمینان از نبود صاحبخانه، لوازم باارزش و کم حجم را مورد دستبرد قرار داده و با همدستی مادرش به فروش می رساند.

رئیس پلیس ورامین خاطرنشان کرد؛ در ادامه پیگیری ها مادر متهم به اداره آگاهی احضار و از چگونگی سرقت های فرزندش از وی تحقیق شد. او به رغم اینکه بر اساس اظهارات «مرتضی» از ماجرا باخبر بود، اظهار بی اطلاعی کرد و از همکاری با ماموران امتناع کرد و از طرفی با ترفندهای مختلف قصد داشت کودک 9 ساله خود را وادار کند اعترافاتش را پس بگیرد اما با دستور بازپرس پرونده وی نیز به اتهام همدستی با سارق دستگیر شد.

قاسم آبادی با اشاره به اینکه براساس بررسی های انجام شده و اظهارات مالباختگان ارزش ریالی سرقت های انجام شده توسط متهم از منازل حدود 40 میلیون ریال و از مغازه ها حدود 100 میلیون ریال است، گفت؛ بررسی ها در این رابطه برای دستگیری سایر متهمان فراری ادامه دارد.

رئیس پلیس ورامین در پایان اظهاراتش به تحلیل این پرونده پرداخت و گفت؛ در تحلیل این پرونده می توان به دو موضوع اشاره کرد؛ یکی حضور اتباع غیرمجاز در شهرهای استان تهران است که در میزان جرائم این استان تاثیرگذار بوده اند، به طوری که این افراد با این نگرش که هیچ گونه اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست، با جسارت خاصی به ارتکاب جرائم مختلف اعم از جنایی و عادی می پردازند و بعد سن متهم است که با ریشه یابی ماجرا می توان گفت عواملی همچون عدم تربیت و کنترل صحیح فرزند، فقر مالی و در کنار آن فقر فرهنگی و علمی خانواده، باعث شد این کودک به یک سارق حرفه یی منزل و مغازه تبدیل شود.

در عین حال محمد مصطفایی- وکیل دادگستری- با غیرقانونی خواندن بازداشت پسر 9 ساله به خبرنگار ما گفت؛ حتی اگر یک طفل سرقت های مکرر انجام داده و به کرات اعمال خلاف قانون مرتکب شده باشد باز هم بازداشت او خلاف قانون است زیرا ماده 49 قانون مجازات اسلامی اطفال را از مسوولیت کیفری میرا دانسته بنابراین اگر پسر زیر 18 سال یا دختری کمتر از 9 سال مرتکب هر عملی شود نمی توان او را دستگیر کرد. همچنین کودکانی را که به سن شرعی رسیده اند اما زیر 18 سال دارند نیز نمی توان مانند بزرگسالان دستگیر کرد و باید آنها را در محلی نگهداری کرد که به شکل بازداشت نباشد. در واقع باید آنان را به کانون اصلاح و تربیت فرستاد.

وي افزود؛ «مطابق قانون اگر طفلي به فردي خسارتي وارد کند ولي او موظف به جبران اين خسارت است چرا که پدر وقتي حضانت کودک را بر عهده مي گيرد مسوول تربيت و نگهداري از اوست. حتي اگر ولي تمکن جبران خسارت عمل طفل خود را نداشته باشد باز هم نمي توان مسووليتي را متوجه طفل دانست.»

اين حقوقدان خاطرنشان کرد؛ در اين موارد دادرسي تهران بايد به اين موضوع رسيدگي کند که آيا والدين صلاحيت نگهداري از کودک را دارند يا خير و اگر نداشته باشند طفل بايد به بهزيستي معرفي شود.

## اتحاديه اروپا خواهان لغو مجازات اعدام برای نوجوانان در ايران شد

فیلم، اعدام

اتحاديه اروپا مصرا از رژيم ايران خواست که از اعدام سه نوجوان در کشور خودداری کند. رئيس سوئدی شورای اتحاديه اروپا روز سه شنبه، ۸ سپتامبر، در استکهلم اظهار داشت، اين مردان جوان در زمان ارتکاب جرم به سن قانونی نرسیده بودند. اتحاديه اروپا ضمن ابراز نگرانی از اعدام نوجوانان، اعلام کرد، اين عمل مخالف مقررات کنوانسيون بين المللی است. ايران کنوانسيون های بين المللی را امضاء کرده و متعهد به اجرای آن است. همزمان در اعلاميه اتحاديه اروپا «ادامه اجرای مجازات اعدام» مورد انتقاد شديد قرار گرفته است. در سال گذشته در ايران ۳۴۶ مورد مجازات

اعدام به اجرا گذاشته شده است. این بیشترین تعداد اعدام‌ها بعد از چین در جهان است. بنا به نظر سازمان عفو بین الملل، ایران در اعدام نوجوانان در جهان رتبه اول را دارد.

لینک فیلم اعدام در ایران +18

<http://www.youtube.com/watch?v=jwArN5kywck>

## فال حافظ دارم - فال بخريد

صفیه سعیدی 15ساله- کلاس پنجم

شب تاریک، زیر نور ماه، کنار سایه آدم‌ها نشسته بود، آدم‌هایی که از کنارش می‌گذشتند، با صدای سرما زده و آرامش می‌گفت فال دارم ... فال حافظ، فال بخريد .  
ساعت یازده بود. هنوز یک فال نفروخته بود. صدای دندانهایش که بهم می‌خورد را می‌شنیدم. آهی کشیدم و گفتم: کودک ده ساله که باید در رختخواب باشد در خیابان است و مانند مردی بیست ساله کار می‌کند. با خودم گفتم شاید جسم او کوچک باشد، اما روح او در برابر این همه مشکلات بزرگ شده. که می‌داند در دل او چه می‌گذرد. پیش او رفتم و به دستان کوچکش نگاه کردم، اما او خوشش نیامد و برگشت. از او پرسیدم تو مدرسه می‌روی؟ گفت: نه! گفتم چرا کار می‌کنی؟ گفت بخاطر مشکلات خانواده ام. گفتم اسمت چیست؟ گفت محسن.....

تلاش برای نجات نوجوان محکوم به اعدام



جلسه ای با حضور مسئولان شهری و فعالان حقوق بشر برای اخذ رضایت از خانواده مقتول و نجات جان نوجوان محکوم به اعدام در شهر لوشان برگزار شد.

روز پنجشنبه مورخ 19 شهریورماه، به همت واحد حقوق کودک مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و با حضور امام جمعه لوشان، اعضای شورای اسلامی شهر لوشان، تنی چند از مادران صلح جلسه ای در منزل پدری مقتول (ولی الله پیرمردوند چگینی) در شهر لوشان از توابع شهرستان رودبار با هدف اخذ رضایت از خانواده مقتول و نجات نوجوان محکوم به اعدام برگزار شد.

در این جلسه ابتدا امام جمعه شهرستان لوشان حجت الاسلام بابایی با تاکید بر آموزه های دین اسلام در خصوص بخشش و گذشت، حکایاتی از امامان این مذهب در خصوص بخشش برای حضار تعریف کردند و از پدر و مادر ولی الله چگینی خواستند که با توجه به شب های قدر و اهمیت این شبها گذشت کنند تا خداوند هم در رحمت را بیش از پیش به سوی ایشان باز کند.

در ادامه اعضای مجموعه و مادران صلح تلاش کردند تا ضمن همدردی با خانواده مقتول، با استنادات عقلی و حقوقی در مورد چگونگی اتفاق قتل در سنین نوجوانی و همینطور ندامت زندانی، رضایت مادر مقتول و سایر اعضای خانواده را با تکیه بر بزرگواری و بخشندگی و نیاز جامعه اخذ کنند.

هر چند علیرغم همه تلاش های صورت گرفته متأسفانه خانواده مقتول کماکان بر موضع خود مبتنی بر قصاص نوجوان زندانی تاکید کردند، ولی تلاش ها برای نجات جان نوجوان محکوم به اعدام که در حال حاضر نیز فاقد وکیل مدافع است ادامه خواهد داشت.

لازم به ذکر است، ولی الله پیرمردوند چگینی طی یک نزاع کودکانه در سال 82 با ضربه چاقو توسط ابراهیم گودرزوند چگینی کشته شد. در هنگام این نزاع هر دوی آنها 17 سال سن داشتند. طبق

ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

در ضمن در بند 6 ماده ی 5 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً حکم اعدام برای کودکان زیر 18 سال ممنوع اعلام شده است. ولی هم اکنون پرونده ابراهیم گودرزوند چگینی در مرحله استیذان قرار دارد و پس از استیذان ریاست قوه قضائیه، در صورت عدم رضایت اولیای دم، حکم قصاص نفس وی اجرا خواهد شد.

**مصرف مواد مخدر در مدارس از دوره راهنمایی شروع می شود**





نتایج یک تحقیق علمی در زمینه مبارزه با مواد مخدر نشان می دهد که دوره نوجوانی بحرانی ترین زمان جهت شروع سوء مصرف مواد مخدر است و از این رو مدارس راهنمایی و دبیرستان محیطهای طبیعی برای شروع استفاده از این مواد هستند.

به گزارش خبرنگار مهر، این تحقیق علمی که توسط دو کارشناس مواد مخدر داریوش و کورش امینی زیر نظر دکتر غلامعلی افروز صورت گرفته آمده است: مدارس موفقترین مکان برای اجرای برنامه پیشگیری از اعتیاد هستند و بسیاری از صاحب نظران معتقدند که مدارس علاوه بر دنبال کردن رسالت خویش در تدریس علوم مختلف باید زمینه آموزش داروها را به عنوان برنامه آموزشی-بهداشتی مدنظر قرار دهند.

طبق این تحقیق، مسئله سوء مصرف مواد مخدر به عنوان یک مشکل بهداشتی سدی در راه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است و در برنامه های پیشگیری باید تمام اشکال سوء مصرف مواد که شامل مصرف سیگار و تنباکو، ماری جوانا، ترکیبهای تریاک، الکل و... قرار گیرد.

همچنین برنامه های پیشگیری باید در برگیرنده مهارتهایی در جهت مقابله با مصرف مواد، تقویت ارزشهای فردی برای مقابله با داروها و گسترش مهارتهای اجتماعی و زندگی باشد که برخی از این مهارتها عبارتند از: توانایی برقراری ارتباط های اجتماعی، روابط موثر با گروههای همتا، شایستگی فردی و قاطعیت و... یافته های این پژوهش نشان می دهد: برنامه های پیشگیری برای نوجوانان باید به صورت تعاملی و طولانی مدت اجرا شوند و والدین آنها باید در این برنامه ها شرکت کنند. مطرح شدن مواردی مانند واقعتهای موجود در زمینه مواد و عوارض آنها با مشارکت والدین، فرصتی برای بحثهای خانوادگی پیرامون مصرف مواد و خط مشیهای خانواده در زمینه پیشگیری از سوء مصرف مواد ایجاد می کند.

رویکردهای پیشگیری در مدارس باید به چهار شکل اشاعه اطلاعات، آموزش عاطفی، تاثیر اجتماعی و تقویت شایستگی است. اشاعه اطلاعات بخش عمده رویکردهای سنتی در جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد، برنامه های طراحی شده به منظور اشاعه اطلاعات در زمینه مواد، اثرهای فارماکولوژیکی و عوارض ناخوشایند سوء مصرف مواد است. پیشفرض این رویکرد آن است که علت اصلی سوء مصرف مواد، فقدان اطلاعات در مورد خطرهای مصرف مواد است.

یکی از روشهای رویکرد اشاعه اطلاعات، استفاده از تکنیکهای شعله ور کننده ترس یا روشهای ترساندن به وسیله اغراق کردن در مورد خطرهای سوء مصرف مواد است. طرفداران این روشها معتقدند ترس می تواند منجر به شکل گیری انگیزه برای اجتناب از مصرف مواد شوند. اما برخی دیگر از صاحب نظران معتقدند بعضی از روشهای آموزشی می توانند تاثیر معکوس نیز داشته باشند و منجر به افزایش مصرف مواد در برخی از نوجوانان آسیب پذیر شوند چون استرس ناشی از خطرهای مصرف مواد می تواند برخی از طالبان هیجان را به خود جلب کند و یا منجر به شعله ور شدن کنجکاوی برای یکبار امتحان کردن مواد شود.

آموزش عاطفی یکی دیگر از روشهای پیشگیری از سوء مصرف مواد که سالهاست مورد استفاده قرار می گیرد، رویکرد رشد و تکامل عاطفی است. در این روش فرض بر این است که علت سوء مصرف مواد در بین نوجوانان فقدان عزت نفس است. بنابراین تمرکز اصلی این روش روی ادراکهای مثبت خود و پذیرش اعتماد به نفس است.

بر اساس این تحقیق، ارزشیابی نتایج حاصل از بکارگیری رویکردهای آموزشی و عاطفی مانند روش اشاعه اطلاعات به تنهایی ناامید کننده است و این روشها به تنهایی قادر نیستند رفتار دانش آموزان را تحت تاثیر قرار دهند.

## مرگ پسر 14 ساله پایان شرطبندی 500 تومانی

ساعت 22 هجدهم شهریورماه امسال، وقوع قتل يك نوجوان در بیمارستان امام حسین به ماموران گزارش شد. بنا بر اطلاعات اولیه به‌دست آمده، این قتل در بیمارستان اوستا واقع در میدان چاچی رخ داده بود.

با اعلام این موضوع، بررسی‌های بعدی نشان داد که ساعت 20:40 همان روز مقتول به‌نام امید با فردی به‌نام محمد 17 ساله مشغول قمار در پارک بوده که سر شرطبندی پانصد تومانی با هم درگیر شدند. در جریان این درگیری خونین، محمد چاقویی که در جورابش داشته را بیرون آورده و يك ضربه به شکم و دو ضربه به سینه امید 14 ساله زده است.

محمد خودش امید را به بیمارستان رسانده و سپس از محل رفته بود.

روز بعد ماموران به خانه متهم به قتل رفتند و درحالی‌که محمد در خانه نبوده متوجه شدند، او همراه پدرش در حال آمدن به سمت خانه است که بلافاصله ماموران در محل متهم را دستگیر و به اداره ویژه قتل پلیس آگاهی منتقل کردند.

محمد پس از دستگیری به قتل امید اعتراف کرد و به ماموران گفت، چاقویی که در جورابش مخفی کرده، چاقوی آشپزخانه بوده که معمولاً همراهش است.

## نگرانی اروپا از اعدام قریب‌الوقوع سه نوجوان

اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه‌ای از اعدام قریب‌الوقوع به‌نود شجاعی، رضا پاداشی و حسین حقی ابراز نگرانی کرد.

به گزارش رادیو زمانه، سوئد که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، در بیانیه‌ای که دهم سپتامبر منتشر کرده، از به اجرا گذاشته شدن حکم اعدام این سه نوجوان ابراز نگرانی کرده است.

این اتحادیه، اعدام افراد زیر ۱۸ سال در ایران را نقض آشکار تعهدات بین‌المللی از سوی جمهوری اسلامی به خصوص پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون مربوط به حقوق کودکان دانسته و آن را محکوم کرده است.

ایران در سه سال گذشته بیش از ۲۶ نوجوان را به جرم قتل، اعدام کرده است.

قوه قضائیه ایران چندی پیش با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرد که از این پس مجازات اعدام برای افرادی که مرتکب جرایمی غیر از قتل شده‌اند، در نظر گرفته نخواهد شد.

اتحادیه اروپا: «هر گونه قصور و نارسایی در اجرای عادلانه حکم مجازات اعدام، حاکی از پایان دادن به یک زندگی به صورت غیرقابل جبران و غیرقابل بازگشت است»

در این بیانیه از مقام‌های جمهوری اسلامی خواسته شده که از قوانین بین‌المللی تبعیت کرده و اعدام بهنود شجاعی، رضا پاداشی و حسین حقی و تمام کسانی که در زمان صغر سن مرتکب جرم شده‌اند، را متوقف کند. اتحادیه اروپا همچنین صدور «گسترده» احکام اعدام و اجرای این احکام در جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده است.

این اتحادیه در بیانیه خود آورده است: «هر گونه قصور و نارسایی در اجرای عادلانه حکم مجازات اعدام، حاکی از پایان دادن به یک زندگی به صورت غیرقابل جبران و غیرقابل بازگشت است.» ریاست اتحادیه اروپا از مقام‌های ایرانی خواسته که احکام اعدام را لغو کنند.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۸ میلادی ۲۴۶ نفر را به دار آویخت که این آمار، ایران را در جهان از نظر تعداد اعدام‌ها پس از چین قرار می‌دهد.

ایران در سال جاری میلادی تاکنون بیش از ۲۲۰ نفر را به جرم‌های گوناگون اعدام کرده است. اعدام‌ها در ایران در شرایطی ادامه دارد که فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در گزارش ۶۰ صفحه‌ای خود درباره اعدام‌ها در جمهوری اسلامی که چندی پیش منتشر کرده، کاربرد مجازات اعدام در ایران را به عنوان بخشی از سیاست دولتی «سرکوب با هدف ایجاد وحشت» در میان مردم، محکوم کرده است.

گفتنی است، این سه نفر، در سن زیر ۱۸ سال، مرتکب قتل شده و به اعدام محکوم شده‌اند.

### قتل دلخراش دختر سه‌ساله به‌دست پدر

مرد معتاد با ضربات محکم دست و پا کودک سه ساله اش، ستاره را به قتل رساند. به گزارش ایلنا، ساعت 17 هفتم تیرماه امسال، وقوع مرگ مشکوک در درمانگاه محمدرسول‌الله بومهن به پلیس گزارش شد. مرگ مشکوک مربوط به نخرنجه‌ای سه ساله به‌نام ستاره بود که بر روی بدنش آثار کبودی و سوختگی قابل‌مشاهده بود و از دهانش نیز ماده سیاه‌رنگی شبیه به سوخته تریاک بیرون شده بود.

او از سوی پدر و مادرش به درمانگاه منتقل شده بود. با اعلام مشکوک بودن این کرگ، بازپرس شعبه هفتم دادرسی امور جنایی دستور پیگیری موضوع را به کارآگاهان اداره ویژه قتل پلیس آگاه داد و در ادامه نیز جسد ستاره برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

پدر و مادر دختر بچه که اعلام می‌کردند فرزندشان از پله‌ها افتاده تا اعلام نظر پزشکی قانونی آزاد شدند اما وقتی نظر پزشکی قانونی مبنی بر مرگ ستاره بر اثر عفونت، پارگی روده و عوارض ناشی از آن، پدر 26 ساله و مادر 24 ساله او بازداشت شدند.

پدر کودک در جریان بازجویی‌ها پلیسی گفت: شب حادثه از سر کار آمدم که دخترم دل‌درد داشت و جیغ و داد می‌کرد. دیگر سر و صدایش خسته‌ام کرده بود، برای همین یک سیلی زیر گوشش زدم. بعد هم در حالیکه بغلش کرده بودم محکم به زمین انداختمش و یک لگد به پهلویش زدم.

باقدر در ادامه اعترافات هولناک خود به ماموران گفت: بعد از آن هم زانویم را رویش گذاشتم. شب‌های قبل هم با آتش کبریت و کتک، تنبیهش می‌کردم اما همسرم هیچ نقشی در تنبیه او نداشت.

همسر باقر اما به ماموران گفت که باقر معتاد به شیشه است و بر اثر مصرف مواد ستاره را کتک می‌زده است.

با اعترافات صریح متهم به قتل، باقر و همسرش با قرار قانونی بازداشت شدند.

### سالانه 350 کودک مبتلا به فنیل کتوری در ایران متولد می‌شوند

واشنگتن، 15 سپتامبر (تلویزیون واشنگتن) – قائم مقام انجمن PKU، نبود سیستم غربالگری اختلال PKU در ایران را عامل اصلی «تولد سالانه 350 کودک مبتلا به این عارضه در جامعه» عنوان می‌کند. در این بیماری، شخص به علت نداشتن و یا کمبود یک آنزیم کبدی، قادر به تجزیه پروتئینی به اسم فنیل آلانین نمی‌باشد. و در نتیجه با مصرف مواد غذایی، میزان مواد سمی در خون بالا رفته و

به مگر آسیب می رساند و بسته به شدت بیماری، تشنج، کوچک ماندن دور سر، تاخیر در رشد، عدم توانایی در نشستن، راه رفتن و گفتار بروز می کند

روز سه شنبه در گفتگویی با علیرضا معصومی، تعداد کودکان مبتلا به فنیل کتونوری در ایران را سالانه 350 کودک اعلام کرد. به گفته قائم مقام انجمن PKU به علت «ناشناخته بودن این بیماری در سراسر ایران، کمتر پزشکی قادر به تشخیص آن در سن پائین است و در برخی موارد این امکان وجود دارد که بیماری پس از يك سال تشخیص داده شود و حتی افرادی وجود دارند که در 5 و 6 سالگی PKU آن‌ها تشخیص داده شده است.» این در حالیست که بنا به اظهارات معصومی، «برخلاف ایران، در کشورهای همسایه، کودکانی که با این مشکل به دنیا می آیند، زندگی نسبتاً عادی را می‌گذرانند؛ می‌توانند دانشگاه بروند، ازدواج کنند و بچه‌های سالمی داشته باشند.

وی در ادامه با اشاره به اینکه کودکان PKU که دیر بیماری‌شان تشخیص داده می‌شود، دچار «نقص ژنتیکی صعب‌العلاج» می‌شوند و فقط می‌توان از «پیشروی آسیب جلوگیری کرد»، ادامه داد: «با يك تست کم تر از 6 هزار تومان PKU قابل تشخیص است اما متأسفانه این تست در ایران فقط در چند استان انجام می‌شود.» وی «دردآورترین» موضوع در رابطه با ابتلا به این بیماری را این موضوع عنوان می‌کند که «با مراقبت هائی ساده می‌توان از بروز آن پیشگیری کرد.

قائم‌مقام انجمن PKU با بیان اینکه «تا به امروز برای این موضوع در کشور کار اساسی نشده است»، به خبرنگار فارس گفت: «برای این کودکان شیر خشک مخصوصی وجود دارد که دولت بیش از 90 درصد هزینه‌های شیرخشک مخصوص را می‌پردازد. در حالی که بیمه آن را نمی‌پردازد.»

دکتر معصومی با اشاره به اینکه بیماران مبتلا به فنیل کتونوری تا آخر عمر خود نباید به لبنیات، گوشت و خشکبار لب بزنند، یکی دیگر از مشکلات این بیماران در ایران را «نبود مرکزی برای تولید یا عرضه نان، آرد، برنج و بیسکوئیت مخصوص این بیماران» ذکر کرد.

گران‌بودن و در دسترس نبودن خدمات توانبخشی» برای این مبتلایان، یکی دیگر از معضلاتی است که خانواده‌های این افراد با آن دست به گریبان هستند. قائم مقام انجمن PKU با بیان این مشکل، اعلام کرد، «بیش از 90 درصد مشکلات مبتلایان به PKU با 3 موضوع تغذیه، توانبخشی و شیرخشک مخصوص حل می‌شود.» وی همچنین خاطرنشان کرد: «تعدادی از این کودکان که آسیب آن‌ها جدی است باید در مراکز شبانه‌روزی نگهداری شوند اما هزینه‌های این مراکز نسبت به اقتصاد خانواده بسیار بالاست و عملاً خانواده‌ها نمی‌توانند از این مراکز استفاده کنند.»

به گزارش وبلاگ تخصصی بیماری فنیل کتونوری در ایران، آمارها حکایت از آن دارد که «در ایران به علت ازدواج‌های فامیلی و نزدیکی با کشور ترکیه از هر 5000 تولد یک بیمار فنیل

کتونوری به دنیا می آید. با این تخمین بیش از 6000 بیمار مبتلا به PKU در ایران وجود دارد که اغلب بعلت عدم تشخیص به موقع و نبود آزمایشگاه های مخصوص به این بیماری مبتلا شده اند» در حال حاضر در انجمن حمایت از بیماران فنیل کتونوری بالغ بر «۸۰۰» پرونده از این بیماران وجود دارد که سهم عمده ای از این بیماران ساکن در استان های تهران، فارس، کرمانشاه و اصفهان هستند، و اکثر آنها نیز از قشر پائین و با در آمد زیر خط فقر می باشند.»

### ضرورت تعیین تکلیف کودکان بدون شناسنامه

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان گفت: کودکان کولی و اجاره ای که به دلیل نداشتن شناسنامه، بدون هویت مانده اند به حمایت سازمان های مسئول در این زمینه دارند.

جاوید سبحانی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، به معضل دیگری از ناحیه کودکان کار اشاره و تاکید کرد: کودکان غربتی، کولی و اجاره ای که تکدی گری سبکی از زندگی شان شده، دست مزد حاصل از کار و تکدی گری شان نصیب خودشان نمی شود

وی با اشاره به این معضل افزود: اغلب این کودکان تبعه دوگانه و افغانی - ایرانی داشته و فاقد شناسنامه و هویت اند که اعلام می شود 70 هزار مورد از عمده این گونه کودکان در مناطق شرقی کشور مستقر هستند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان آمار این گونه کودکان غربتی را متفاوت دانست و یادآور شد: تعداد این نوع کودکان بی هویت در کلان شهرهایی که خصلت توریستی دارند زیاد است و عمده معضل آنها نداشتن شناسنامه است، به همین دلیل مورد پذیرش جامعه از جمله خانواده و مدرسه قرار نمی گیرند و در چارچوب گروه های شبه سازمان سازمان یافته فعالیت می کنند.

سبحانی ادامه داد: شناسنامه دار نبودن کودکان کولی که اغلب به کار اسپند دودکنی، شیشه پاک کنی و ... مشغول اند باعث شده که خانواده هایشان کودکان را از تحصیل محروم کرده و آنها را به امرار و معاش مجبور کنند چرا که تعداد زاد و ولد اغلب این خانواده ها زیاد است.

وی تعدادی از این کودکان را حاصل ازدواج های نامشروع و موقت دانست و یادآور شد: این قبیل کودکان نیز اغلب شناسنامه ندارند و موجودیت آنها از سوی خانواده هایشان هم پذیرفتنی نیست. سبحانی با بیان این که باید تعداد واقعی این قبیل کودکان روشن شده و برایشان شناسنامه تهیه شود، تصریح کرد: باید برای حل این معضل يك راه قانونی به وجود آمده و با شناسنامه دار کردن این

کودکان، خانواده‌هایشان را ملزم کنند تا موجودیت بچه را بپذیرند تا به این وسیله کودک و نوجوان بتواند از خدمات بهداشتی، درمانی و تحصیلی نیز استفاده کنند.

به گفته عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان شناسنامه‌دار شدن این کودکان بی‌هویت، راه فرار از قانون توسط خانواده‌ها را سد کرده و برای رعایت قانون بهانه به دست والدین می‌دهد. وی با اشاره به کودکان تبعه افغانی - ایرانی نیز عنوان کرد: باید تکلیف این قبیل خانواده‌ها که تبعه ایرانی - افغانی دارند مشخص شود تا با روشن شدن تابعیت آنها، بتوان برایشان تصمیم‌گیری کرد.

سبحانی در مورد کودکانی که حاصل ازدواج‌های موقت و یا روابط نامشروع هستند نیز گفت: باید یک بار برای همیشه تکلیف این قبیل کودکان برای دسترسی آنها به حقوق اولیه‌شان روشن شود. وی پیشنهاد داد: لازم است تا یک کارگروه متشکل از سازمان‌هایی که برای دفاع از حقوق کودکان کار می‌کنند تا پیگیر حقوق از دست رفته کودکان اجاره‌ای و کولی باشند تا با مشخص شدن تعداد این کودکان، راهکار اجرایی حل معضلات آنها روشن شود چرا که اگر چه آمارها حکایت از عدم وجود چنین افرادی در جامعه است اما در امور روزمره و عادی چنین معضلی به چشم می‌آید.



## 90 درصد از کودکان کار و خیابان متعلق به شهرستان های تهران

### هستند.

رئیس سازمان بهزیستی تهران گفت: پنج هزار کودک کار و خیابان در این استان وجود دارد. به گزارش شبکه خبر و به نقل از تابناک، دکتر "ظاهر رستمی" تصریح کرد: 90 درصد از کودکان کار و خیابان متعلق به شهرستان های تهران هستند.

وی گفت: در حال حاضر، پنج هزار کودک کار و خیابان در سطح تهران وجود دارد که قرار است در سال جاری ساماندهی شوند.

دکتر "رستمی" افزود: بیشتر این کودکان اهل شهرستان های تابعه تهران هستند که در سطح پایتخت، توسط شهرداری یا بهزیستی، شناسایی و یا جذب می شوند. وی گفت: اگر چه فقط 10 درصد از این کودکان در تهران و جنوب آن زندگی می کنند، اما نباید از ساماندهی و تنظیم یک برنامه مطلوب کاری برای زیر پوشش قرار دادن آنان، غافل بود.

رئیس سازمان بهزیستی تهران افزود: کودکان کار و خیابان در سال جاری با افزایش و یا کاهش روبرو نبوده و این افراد در سه مرکز جدید که از سوی سازمان بهزیستی استان تهران در دست احداث است، ساماندهی می شوند.

وی گفت: ظرفیت مرکز "یاسر" به 100 نفر افزایش یافته، مرکز "بعثت" برای نگهداری کودکان خیابانی راه اندازی شده و مرکز "ولنجک" نیز در حال راه اندازی است.

رئیس سازمان بهزیستی تهران افزود: کودکان کار و خیابان، یک نوع پدیده اجتماعی، که بیشتر در گروه سنی 15 سال هستند.

وی اضافه کرد: این کودکان به دستفروشی کالاهای گوناگون در خیابان و چهار راه های پایتخت، می پردازند.

### کودک 3 ساله طعمه گرگ شد

مدیر کل محیط زیست استان همدان از حمله گرگ به کودک 3 ساله خبر داد و گفت: در حال حاضر محیط زیست استان همدان برای پیدا کردن گرگ‌ها در این منطقه در حال آماده باش هستند. قربانعلی محمدپور با اعلام این خبر، گفت: از تاریخ 88/4/9 در استان همدان شهرستان بهار در مناطق مختلف شاهد حمله گرگ به افراد محلی هستیم. از کودک 2 ساله تا فرد 60 ساله مورد حمله گرگ‌ها قرار گرفته‌اند.

وی گفت: در تاریخ 88/6/17 کودک 3 ساله‌ای به نام زینب یعقوبی در شهرستان بهار مجدداً مورد حمله یک قلاده گرگ قرار گرفت.

مدیر کل محیط زیست استان همدان ادامه داد: زمانی که مادر این کودک در اراضی کشاورزی پشت منزل خود مشغول کار بود، کودک 3 ساله‌اش به همراه برادر 9 ساله‌اش مشغول بازی بودند که متوجه حضور گرگ شدند.

وی گفت: پسر 9 ساله به گمان این که سگ به آنها در حال نزدیک شدن است به مادرش اطلاع داد تا برای دور کردن سگ اقدام کند. زمانی که مادر اقدام کرد متوجه شد که گرگ کودکش را به دهان گرفته و فرار کرده است.

محمدپور گفت: با صدای فریادهای مادر مردم محلی به کمک می‌روند، اما گرگ بیرون از اراضی کودک را از ناحیه گلو خفه و شکم کودک را پاره می‌کند و او را می‌خورد.

وي با ابراز تأسف از اتفاق رخ داده، گفت: با توجه به اتفاقات اخير و حمله گرگ‌ها به مردم مناطق مختلف در استان همدان، تیم‌هاي محیط زیست به همراه نیروي بسیج شبانه‌روزي در حال گشت‌زني و براي جلوگیری از حضور گرگ‌ها هستند.

مدیر محیط زیست استان همدان تصریح کرد: تیم‌هایی از میرشکاران محلي، میرشکاران شهرداری، محیط زیست و گارد حفاظت محیط زیست استان همدان تشکیل شده و با بیش از 100 نفر نیرو منطقه را براي گرگ‌ها نا امن کرده و اقدام به راه‌اندازي تله‌گرگ یا تله- قفس براي شکار گونه گرگ در اراضي کشاورزي کرده‌اند.

محمدپور گفت: این گونه گرگ به نام علمي *canis lupus* يکي از گونه‌هاي سگ‌سانان است که به علت خاصي شرایط زندگي، نحوه زیست و تغذیه همواره مورد توجه است و در ايران فقط همین گونه وجود دارد.

وي درباره علت نزدیک شدن گرگ‌ها به مناطق مسکوني گفت: خشکسالي‌هاي پي‌درپي، کمبود طعمه‌هاي طبیعی، خشک شدن منابع آبي در زیستگاه‌ها مانند تالاب‌ها و برکه‌ها، امکان تغذیه در کنار مرغداری‌ها، عدم دفن صحیح زباله و تخریب زیستگاه‌هاي طبیعی مانند کشت اراضي تا دامنه کوه‌ها از جمله عواملی است که باعث شده تا گرگ‌ها به مناطق مسکوني نزدیک شوند.

محمدپور با هشدار به مردم استان همدان به ویژه مناطقي که سابقه بروز چنین حوادثي در آنها وجود دارد، گفت: خانواده‌ها و کشاورزان باید به شدت مراقب کودکان و فرزندان خود باشند، حتي در زمان تفریح نیز باید از کودکان خود به شدت حفاظت کنند.

مدیر کل محیط زیست استان همدان با رد شایعه رهاسازي گرگ‌ها توسط محیط زیست گفت: هر گونه رهاسازي و نگهداري گونه گرگ در استان همدان و سایر استان‌هاي کشور را به شدت تکذیب می‌کنم، محیط زیست همواره در زمینه دفع و دور کردن حیوانات وحشي از مناطق مسکوني اقدامات موثري را انجام داده است.

وي در ادامه از کشاورزان و مردم محلي خواست تا نسبت به دفع صحیح زباله‌ها اقدام کنند و زمینه را براي نزدیکی گرگ‌ها به مناطق مسکوني فراهم نکنند.

## چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل در حسرت میز و نیمکت مدرسه

کاش مسئولانی که این روزها در مورد استاندارد نبودن لوازم تحریرهای مزین شده به طرح جومونگ و مرد عنکبوتی هشدارهایی را به والدین و حتی معلم‌ها می‌دهند، بدانند که سخن گفتن از لوکس‌ترین معضلات شاهکار نبوده و مسائل مهم‌تری وجود دارد که می‌تواند لبخندی را به گوشه لب کودکی بازمانده از تحصیل بنشانند. آنچه که مهم بوده پرداختن مسئولان به معضلات قدیمی و تاسف بار کشور از جمله وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل است که شاید بودن یا نبودن چنین معضلی در جامعه ریشه در توسعه‌یافتگی یا نیافتگی کشور داشته باشد.

زنگ مدرسه برای کودکان بازمانده از تحصیل به صدا در نمی‌آید  
چهره پسر بچه و یفرفروش به روی کودکی که داخل یک اتوبوس با کیف مدرسه نونوارش سرگرم است، خیره می‌ماند وقتی به خودش می‌آید که راننده اتوبوس بلیط‌های مسافران را جمع کرده و آماده حرکت شده است.

پسرک و یفرفروش که پاتوق همیشگی‌اش برای فروش و یفرفروش شکلاتی، اسکاج و سیم ظرف‌شویی ترمینال خاوران است، کودکی خود را فراموش کرده و همچنان کیسه بزرگ پر از بار را به دوش

می‌کشد.

دختر بچه هفت ساله که با مهارت دخترانه‌ای در سر چهارراه‌ها فال حافظ می‌فروشد، خودش را سمیرا معرفی می‌کند و به محض فروش يك فال حافظ که علاوه بر دریافت پول آن يك شکلات هم دریافت می‌کند لبخند شیرینی می‌زند و می‌گوید کار پدرم مدت‌هاست که تق و لق شده و از من و برادرم خواسته که اگر می‌خواهیم امسال برای مدرسه ثبت‌نام شویم باید خرج کیف و کتابمان را خودمان درآوریم.

سمیرا فال‌ها را بالا و پایین می‌کند: «فقط دو روز دیگر تا اول مهر مانده اما پدرم هنوز برای ثبت‌نام من و برادرم اقدام نکرده است، البته بابا، سه سال است که به برادرم همین حرف را می‌زند اما هنوز از ثبت‌نام و مدرسه رفتن او خبری نیست»

سمیرا خنده شیرینی سر می‌دهد و با زدن يك چشمک بچه‌گانه می‌گوید: راستش داداش حسن هم قید درس را زده و بیشتر به فکر پول درآوردن است اما بعضی وقت‌ها که صدای بلندگوهایی مدارس را می‌شنود، ناراحت می‌شود.

### کوتاهی مسئولان در ورائی آمارهای کهنه

به گزارش خبرنگار ایلنا، سال‌های سال است که در آستانه بازگشایی مدارس، در لابلای خبرهای مربوط به اول مهر، توصیه‌های وزارت آموزش و پرورش، توصیه به والدین برای خرید کیف و مداد استاندارد مطالبی هم به کودکان خارج از چرخه تحصیل که گویی خارج از حیطه توجه مسئولان نیز هستند، اختصاص پیدا می‌کند.

اگرچه بعد از آمار مربوط به سرشماری سال 85 آمار جدیدی برای بررسی این موضوع در دسترس نیست اما همین آمار نیز تنها منبع کارشناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی بوده که می‌توانند به آن استناد کنند و پیرامون آن هشدار به مسئولان دهند تا شاید از خواب غفلت بیدار شوند.

فرشید یزدانی - مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران - در گفت‌وگو با ایلنا، به کودکان مهجور مانده از تحصیل اشاره می‌کند و می‌گوید وجود آمار تولید 10 میلیون بی‌سواد در جامعه و به دنبال آن شروع کار نهضت سوادآموزی در کشور نشان‌دهنده وجود يك آسیب بنیادین و جدی در ساختار نظام آموزش و پرورش است چراکه متاثر بودن این نظام اجتماعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور باعث شده که مطابق با آخرین آمارگیری مرکز آمار کشور در سرشماری سال 85 حدود سه و نیم میلیون کودک در سنین تحصیل، خارج از این چرخه قرار می‌گیرند.

او این معضل را برای کشور هشدار و فاجعه جدی می‌داند و ادامه می‌دهد متأسفانه مجموعه نهادها و سیاست‌گذاران تأثیرگذار در دولت نیز به فکر جدی برای برنامه‌ریزی جهت حل این معضل نیستند به

گونه‌ای که رویکردهای مغایر بحث نظام آموزشی کشور از جمله رویکرد خصوصی‌سازی نیز منجر شده تا نظام آموزشی ما دچار يك بیماری دیگر نیز بشود.

مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان، هیات امنایی کردن مدارس را يك آفت بزرگ معرفی می‌کند و می‌گوید: کوچک کردن آموزش و پرورش با چنین رویکردي آینده خوبی را متصور نمی‌سازد و کودکان فقیر را از تحصیل محروم می‌کند.

او یادآور می‌شود: آموزش و پرورش اعلام می‌کند که قصد دارد، نزدیک به 30 درصد از واحدهای آموزشی را به تعاونی‌ها بدهد و در واقع دولت با عملی کردن چنین تصمیمی مانند آن است که شانه از زیر بار مسئولیت خود خالی کند چرا که وظیفه دولت آن است که بخشی از درآمد های خود را به این حوزه اختصاص دهد، نه آنکه با خصوصی سازی و هیات امنایی کردن این موضوع اجتماعی، تیشه به ریشه آموزش بزند.

### بهزیستی: آمار نداریم

حال که سه و نیم میلیون کودک خارج از تحصیل، آن هم بر اساس آمارهای سه سال گذشته در کشور وجود دارد، چه ارگان، سازمان و مسئولی در این زمینه پاسخگو است؟

غیر از آن است که همه ساله در آستانه بازگشایی مدارس آماری در این زمینه به خورد رسانه‌ها داده شده و بعد از يك هفته تمام معضل به فراموشی سپرده می‌شود؟

این روزها دیگر مسئولان در کنار پاس‌کاری مشکلات، عمده مسائل را به گردن آمارها می‌اندازند و سکوت می‌کنند.

سید حسن موسوی چلک - مدیر کل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور - در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در مورد آمار و بررسی‌های جدید پیرامون کودکان بازمانده از تحصیل در کشور تاکید می‌کند: چون سیستم ثبت دقیقی از این مسئله وجود ندارد، هر آماری هم که در این ارتباط اعلام شود، اشتباه است.

یزدانی مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان در این ارتباط به خبرنگار ایلنا می‌گوید: حداقل کاری که بهزیستی می‌تواند در این حوزه انجام دهد، این است که به آمارهای آخرین سرشماری در سال 85 مراجعه و بر این اساس يك تخمین حدودی بزنند اما نگاه بهزیستی نه تنها به این حوزه بلکه نسبت به کلیه آسیب‌های اجتماعی غیرفعال و منفعلانه بوده است چرا که امکانات و بودجه کافی این کار را ندارد.

**شاید مسئولان کودکان را ریز می‌بینند**

با وجود آنکه 30 درصد جمعیت کشور را کودکان تشکیل می‌دهند اما آمارهای اصلی در حوزه تعداد کودکان خارج از تحصیل خلا جدی دارد و هر سازمانی که در این ارتباط اقدامی را انجام داده و یا آماری را منتشر کرده به صورت مقطعی بوده است.

جاوید سبحانی - عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان - در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، می‌گوید: این روزها استناد کردن به آمار سرشماری سال 85 اشتباه و غلط است چرا که این آمار نسبت به سه سال گذشته تغییراتی داشته و به طور حتم تعداد این کودکان بیشتر شده است.

به گفته سبحانی مشکل آمار در این معضل تبدیل به یک مشکل عمومی شده و مهم‌تر از آن عدم توجه به ملاحظات کودکان در بستر سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است به طوری که در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و جامعه کمتر ملاحظات مخصوص کودکان در نظر گرفته شده است. مدارس امسال هم با تشریفات خاص خود و درآوردن صدای زنگ آن توسط هر یک از مسئولان انجام می‌شود اما این آغاز به پایانی دیگر ختم می‌شود.

حال که صدای زنگ مدارس به گوش بیش از چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل نمی‌رسد، کاش صدای این فاجعه در کشور به گوش مسئولان برسد.

## فقر در ایران کودکان را از تحصیل باز می دارد



همزمان با بازگشایی مدارس در ایران اعلام شد که بر اساس آمار سرشماری سال ۸۵ حدود چهار میلیون کودک در این کشور به دلایل متعدد از تحصیل بازمانده اند. با وجود آنکه ۳۰ درصد جمعیت ایران را کودکان تشکیل می دهند به اعتقاد کارشناسان، امکانات در حوزه تحصیل برای کودکان ایرانی کم است. در عین حال گفته می شود که آمار دقیقی از تعداد کودکان بازمانده از تحصیل وجود ندارد.

شیرزاد عبداللهی، کارشناس آموزش، با تائید این موضوع که آمار رسمی از کودکان بازمانده از تحصیل در ایران وجود ندارد می گوید "مراجع مستقل و غیر آموزش و پرورشی امکان این که در این مورد آماری تهیه کنند را ندارند. این کودکان گروههای مختلفی را شامل می شوند از جمله کودکانی که اصولاً به مدرسه نمی روند و آنهایی که ضمن تحصیل ترک تحصیل می کنند. پوشش کودکان شش ساله ما هم ۱۰۰ درصد نیست و طبق آمار رسمی ۹۵ درصد است."



گروه دیگری از دست اندکاران امر نیز معتقدند آمارهای رسمی که منتشر می شود نمی تواند تمام کودکان بازمانده از تحصیل را شامل شود و اعلام چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل را شامل کودکان کار نمی دانند.

سعید مدنی کارشناس مسائل اجتماعی نیز این آمار را شامل حداقل کودکان بازمانده از تحصیل می داند و می گوید "یکی از دلایل اصلی بازماندن از تحصیل، ورود زودتر به بازار کار است. اغلب این جمعیت شامل کودکانی می شود که به سنی رسیده اند که می توانند بخشی از مخارج خانواده را تامین کنند. بخشی از این گروه هم مربوط به کودکانی است که به دلیل ضعف هایی که داشتند نتوانستند در نظام آموزشی عمومی تحصیل را ادامه دهند."

به گفته کارشناسان مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در وضعیت تحصیلی این کودکان نقش اساسی ایفا می کند.

آقای عبداللہی در این خصوص توضیح می دهد "در مناطق دو زبانه مثل کردستان و آذربایجان بیشترین افت تحصیلی و ترک تحصیل در دوره ابتدایی است به دلیل اینکه کودکان فرصت حضور در دوره آمادگی پیش از دبستان را ندارند. و مفهوم سازی و یادگیری زبان فارسی نیز برای آنها دشوار است."

آقای عبداللہی افزود "همچنین دخترانی که باید برای تحصیل از روستا مهاجرت کنند و خانواده به آنها اجازه انتقال نمی دانند نیز باید در این گروه قرار داد. تعدادی از کودکان نیز در دروه راهنمایی به دلیل فقر ترک تحصیل می کنند شاید از هر ۱۰۰ دانش آموز ۲۰ تا ۳۰ درصد به دوره متوسطه نمی رسند."

در حالی که مسائل مختلف در عدم تحصیل کودکان موثر است اما صاحب نظران می گویند نقش دولت ها و مدیریت این مشکلات در کاهش آمار کودکان بازمانده از تحصیل نقش اساسی دارد. براساس قانون، تحصیل دانش آموزان تا پایان دوره راهنمایی اجباری است. در صورتی که اولیا کودک مانع تحصیل شوند، طبق قانون جریمه نقدی می شوند. اما برخی از اهالی فن نیز معتقدند نهادهای مختلف دولتی که مسئولیت این امر را به عهده دارند از توانایی و قاطعیت لازم برخوردار نیستند.

به اعتقاد کارشناسان فرهنگ سازی و تامین خانواده های کم درآمد می تواند به کاهش کودکان بازمانده از تحصیل کمک کند. اما در عین حال دولت باید به دنبال راهی برای کنترل و یا رسیدگی به وضعیت کودکان باشد که هم اکنون از تحصیل بازمانده اند.

## فقر در ایران کودکان را از تحصیل باز می دارد



عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران گفت:

آمارهای مربوط به وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل نظام جامعی نداشته و «خلا» جدی دارند. جاوید سبحانی در گفت و گو با ایلنا، در مورد کودکان و نوجوانان از چرخه تحصیل در کشور تاکید کرد: وقتی بر اساس آمارهای موجود، 10 تا 12 میلیون جمعیت زیر خط فقر در کشور وجود دارد و در این میان متوسط جمعیت زیر 18 سال و لازم التحصیل نیز 30 درصد است، به این ترتیب 4/3 میلیون نفر کودک در معرض خط فقر مطلق در کشور وجود دارد.

او در پاسخ به این سؤال که چه تعداد کودک و نوجوان در سال تحصیلی جدید از تحصیل دور می مانند تصریح کرد: آنچه که از سوی برخی از سازمان ها و مراجع غیردولتی و حتی مسوولان مربوطه اعلام می شود از طریق آمار رسمی کشور و آخرین سرشماری به دست آمده که بر این اساس در سرشماری سال 85، سه میلیون و 500 هزار کودک در سنین واجد تحصیل در کشور وجود دارد که از چرخه تحصیل خارج شده اند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با بیان این که آمار نسبت به سال 85 تغییراتی داشته و به طور حتم تعداد این کودکان مهاجر مانده از تحصیل بیشتر است، یادآور شد: با این وجود در سیاست گذاری های کلان کشور و جامعه کمتر ملاحظات خاص کودکان در نظر گرفته شده و در بحث های آماری که وضعیت کودکان را نشان می دهد، کمتر به مسایل کودکان رسیدگی شده است.

سبحانی خاطر نشان کرد: با وجود آنکه 30 درصد جمعیت کشور را کودکان تشکیل می دهند اما آمارهای رسمی در حوزه تعداد کودکان خارج از تحصیل «خلا» جدی دارد و هر سازمانی که در این ارتباط اقداماتی را انجام داده و یا آماری منتشر کرده به صورت مقطعی بوده و بنا به مسئولیت خود آمار داده است. به گفته عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان مشکل آمار در این بخش تبدیل به یک مشکل عمومی شده و مهم تر از آن عدم توجه به ملاحظات کودکان در بستر سیاست گذاری های کلان کشور است.

## فقر مطلق 4 میلیون کودک ایرانی



عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران گفت: آمارهای مربوط به وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل نظام جامعی نداشته و خلا» جدی دارند. جاوید سبحانی در گفت و گو با ایلنا، در مورد کودکان و نوجوانان از چرخه تحصیل در کشور تاکید کرد: وقتی بر اساس آمارهای موجود، ۱۰ تا ۱۲ میلیون جمعیت زیر خط فقر در کشور وجود دارد و در این میان متوسط جمعیت زیر ۱۸ سال و لازم التحصیل نیز ۳۰ درصد است، به این ترتیب ۳/۴ میلیون نفر کودک در معرض خط فقر

مطلق در کشور وجود دارد. او در پاسخ به این سؤال که چه تعداد کودک و نوجوان در سال تحصیلی جدید از تحصیل دور می مانند تصریح کرد: آنچه که از سوی برخی از سازمان ها و مراجع غیردولتی و حتی مسوولان مربوطه اعلام می شود از طریق آمار رسمی کشور و آخرین سرشماری به دست آمده که بر این اساس در سرشماری سال ۸۵، سه میلیون و ۵۰۰ هزار کودک در سنین واجد تحصیل در کشور وجود دارد که از چرخه تحصیل خارج شده اند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با بیان این که آمار نسبت به سال ۸۵ تغییراتی داشته و به طور حتم تعداد این کودکان مهجور مانده از تحصیل بیشتر است، یادآور شد: با این وجود در سیاست گذاری های کلان کشور و جامعه کمتر ملاحظات خاص کودکان در نظر گرفته شده و در بحث های آماری که وضعیت کودکان را نشان می دهد، کمتر به مسایل کودکان رسیدگی شده است. سبحانی خاطر نشان کرد: با وجود آنکه ۳۰ درصد جمعیت کشور را کودکان تشکیل می دهند اما آمارهای رسمی در حوزه تعداد کودکان خارج از تحصیل «خلا» جدی دارد و هر سازمانی که در این ارتباط اقداماتی را انجام داده و یا آماری منتشر کرده به صورت مقطعی بوده و بنا به مسئولیت خود آمار داده است. به گفته عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان مشکل آمار در این بخش تبدیل به یک مشکل عمومی شده و مهم تر از آن عدم توجه به ملاحظات کودکان در بستر سیاست گذاری های کلان کشور است.

## لایحه جدید قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست



از 35 سال پیش که قانون فرزندخواندگی تصویب شده، این قانون در حال اجراست. با توجه به نیاز تغییر آن بر اساس گذشت زمان، لایحه جدید قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست با تغییرات زیادی نسبت به قانون قبلی تدوین شده و پس از تصویب در کمیسیون اجتماعی و کمیسیون‌های فرعی مجلس، آماده طرح در صحن علنی مجلس است.

خبرگزاری هرانا: از 35 سال پیش که قانون فرزندخواندگی تصویب شده، این قانون در حال اجراست در حالی که با گذشت زمان نیاز به تغییر در آن احساس می‌شود.

به همین منظور لایحه جدید قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست با تغییرات زیادی نسبت به قانون قبلی تدوین شده و پس از تصویب در کمیسیون اجتماعی و کمیسیون‌های فرعی مجلس، آماده طرح در صحن علنی مجلس است.

حمیدرضا الوند، سرپرست دفتر شبه خانواده بهزیستی گفت: قانون قبلی با عنوان قانون سرپرستی کودکان بود اما عنوان لایحه جدید قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان است به طوری که سن فرزندخواندگی که در قانون قبلی 12 سال بود در قانون جدید به 18 سال افزایش می‌یابد.

به گزارش فارس، الوند گفت: براساس اسلام، فرزندخوانده ارث نمی‌برد اما در قانون جدید برای اینکه از تأمین آینده فرزندخوانده در آینده مطمئن شویم، اخذ ضمانت‌هایی از والدین جدید الزامی شده

است، این ضمانت‌ها می‌تواند با تملیک بخشی از دارایی والدین به نام کودک باشد یا اینکه بخشی از اموال والدین بعد از مرگ به کودک برسد، البته این تضمین صرفاً به صورت واگذاری اموال نیست و ممکن است ضمانت‌های دیگری نیز از جمله بیمه عمر کودک از سوی والدین ارائه شود که سازمان بهزیستی را قانع کند.

او همچنین اضافه کرد: در قانون قبلی فقط امکان سپردن سرپرستی دائم یک فرزند به والدین جدید بود و امکان سرپرستی موقت مطابق قانون وجود نداشت، فقط ماده 187 قانون مدنی به موضوع امین موقت و سرپرست موقت اشاره کرده بود که بسیاری از قضات هم آن را قبول نداشتند و به آن عمل نمی‌کردند؛ اما در قانون جدید هم موضوع سرپرست موقت و در واقع امین موقت قانونی شده و هم شمول فرزندخواندگی بیشتر شده است. در قانون فعلی، فرزندخوانده فقط به والدینی داده می‌شود که حداقل 5 سال از ازدواج آنها گذشته باشد و صاحب فرزند نشده باشند، اما در لایحه جدید در صورت تصویب در مجلس باز هم اولویت اول با این گروه است اما در اولویت دوم خانواده‌هایی که یک فرزند داشته باشند اما به علی دیگر صاحب فرزند نمی‌شوند نیز می‌توانند فرزندخوانده بگیرند.

به گفته او، گروه سومی که در اولویت بعدی دریافت فرزندخوانده قرار می‌گیرند، زنان و دختران مجردی هستند که از موقعیت و جایگاه مطلوب اقتصادی و اجتماعی برخوردارند اما به هر علت ازدواج نکرده‌اند. این گروه در اولویت سوم این قانون قرار گرفته‌اند و شناسنامه نسبیت کودک به نام فامیل مادر برای کودک صادر می‌شود. الوند ادامه داد: در قانون قبلی کودکانی قابل واگذاری از سوی بهزیستی بودند که 3 سال از سرپرستی آنها در بهزیستی گذشته باشد اما این زمان در قانون جدید به 2 سال کاهش می‌یابد. مسئله مهم دیگری که در این لایحه به آن توجه شده، مسئله امین موقت است؛ چرا که به گفته الوند، اکنون درصد زیادی از کودکان صاحب پدر، مادر یا جد پدری هستند که به هر دلیل به علت زندان بودن آنها، طلاق و نداشتن صلاحیت در بهزیستی نگهداری می‌شوند و مطابق قانون امکان واگذاری آنها به صورت امین موقت به یک خانواده خیر وجود ندارد.

## وزارت کار کودکان بازمانده از تحصیل را امری حاشیه‌ای قلمداد

### می‌کند!

خبرگزاری هرانا: يك جامعه شناس و نقاد حوزه اجتماعي گفت: وزارت کار هیچ گزارش مستندي از وضعیت کودکان به طور خاص ندارد و معضل بازماندگان از چرخه تحصیل را امری حاشیه‌ای می‌داند.

به گزارش اینلنا، سعید مدنی به زوایای مورد بررسی پیرامون کودکان خارج از چرخه تحصیل اشاره و تاکید کرد عمدتاً کودکانی که در شرایط اقتصادی و اجتماعی نابه سامانی قرار داشته و متعلق به خانواده‌های کم درآمد هستند، از چرخه تحصیل خارج شده و به منظور کمک خرج بودن خانواده خود، به ناچار زودتر از سن قانونی وارد بازار کار می‌شوند.

وی با بیان اینکه دلیل کلان این معضل به شرایط اقتصادی و اجتماعی بازمی‌گردد و دلیل جزئی‌تر به نا کار آمدی نظام آموزشی کشور مربوط می‌شود افزود: مرکز آمار همواره در سرشماری‌های انجام داده به کودکان 10 الی 14 ساله و کودکان 14 الی 18 ساله اشاره می‌کند که انواع مشاغل حضور دارند، این در حالی است که کار برای کودکان 10 الی 14 ساله ممنوع بوده و پذیرش کار برای کودکان 14 الی 18 ساله نیز مشروط به شرایطی پذیرفته شده است اما علی‌رغم صراحت قانون کار، در این زمینه تخلفاتی صورت می‌گیرد.

### ناکار آمدی وزارت آموزش و پرورش

این آسیب‌شناس اجتماعی با اشاره به آمار سرشماری سال 85 و اعلام 3/5 میلیون کودک خارج شده از چرخه تحصیل در این آمار، مهم‌ترین علت وجود معضل بازماندگی از تحصیل از سوی کودکان را وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانسته و تصریح کرد: از سویی دیگر سازمان‌های حمایتی و وظیفه خود را در قبال این کودکان و خانواده‌هایشان به درستی انجام نداده و آنان را به طور واقعی تحت پوشش قرار نداده‌اند.



وي به زاويه ديگري از اين بحث از جمله کارکرد نظام آموزشي کشور اشاره کرده و باريشه‌يابي آن خاطر نشان کرد: در حال حاضر بزرگترین وزارتخانه در کشور وزارت آموزش و پرورش بود که تعداد دستگاه‌هاي مرتبط با اين نظام آموزشي نیز گسترده است و در اين میان نهضت سوادآموزي نیز که کارهاي زمين مانده وزارت آموزش و پرورش را انجام مي دهد نیز در کنار اين نظام آموزشي فعال است، اما وجود 3/5 ميليون کودک خارج از تحصيل نشان دهنده ناکارآمدی سیستم وزارت آموزش و پرورش است که اولويت‌بندي دقيقی از مباحث آموزشي نداشته و بخش عمده درآمد خود را صرف اقدامات نه چندان مهم و بدون اولويت مي‌کند.

### کودک خارج از چتر آموزش، مانعي براي توسعه کشور

به گفته مدني جامعه شناس، اين وزارتخانه بدون توجه به تبعات و آثار ناکارآمد حاصل از تحت پوشش مساوي قرار ندادن کودکان از خدمات آموزشي باعث شده که وضعيت فاجعه‌بار امروز همچنان ادامه يابد چرا که حتي براي بررسي ميزان کودکان بازمانده از تحصيل نبايد به آمار سرشماری سال 85 مراجعه کرد.

وي با بيان اين مطلب که مهم‌ترین منبع قابل سرمايه‌گذاري براي رشد و توسعه‌يافتگی در کشورها آموزش است، عنوان کرد: وقتي تعداد قابل توجهي از کودکان و نوجوانان واجد شرايط تحصيل که آینده‌ساز مملکت به حساب مي‌آیند، زیر چتر آموزش و پرورش قرار نگرفته و بدون کوچک‌ترین آموزشی وارد چرخه کار شوند، نه تنها عامل توسعه‌يافتگی کشور محسوب نمی‌شود، بلکه مانعي جدي بر سر راه سیر توسعه کشور قرار مي‌گیرد.

### تهدیدات سوءاستفاده جنسي و جسمي کودکان وارد شده به کار زودرس

به گفته اين جامعه‌شناس کودکانی که پیش از آغاز سن کار «18 سالگی» وارد بازار کار می‌شوند از مهارت‌هاي کافي اشتغال برخوردار نبوده و احتمال دارد که اين کودکان به دليل ابتلا به کار زودرس، در معرض تهدیدات از جمله سوء استفاده‌هاي جسمي و جنسي حاصل از روابط اجتماعي زودرس قرار گرفته و يا به مشاغل پست آلوده شوند.

وي با بيان اين‌که رابطه معناداري میان عدم حضور کودکان واجد شرايط تحصيل در مدرسه و تمایل آنها به جرم و بزه وجود دارد، ادامه داد: اين گروه از کودکان مستعد بزه‌کاري و بزه‌ديدگی هستند چرا که با عدم دسترسي به منابع کافي براي ايجاد زندگي بهتر و عدم برخورداري آنان از رشد اجتماعي قادر به دفاع و حمايت از خود در برابر انواع سوءاستفاده‌ها نيستند.

### گزارش مستندي از وضعيت کودکان بازمانده از تحصيل موجود نيست

مدني با اشاره به عدم تحت پوشش قرار گرفتن اين دسته از کودکان از سوي سازمان‌هاي حمايت‌گر يادآور شد: وزارت کار که متولي اصلي نظارت بر کار است نه تنها هيچ گزارش مستندي از

وضعیت کودکان کار ندارد بلکه بازرسان این وزارتخانه تنها برای نظارت بر وضعیت گروه‌های بزرگسال متمرکز شده و بر شرایط کار کودکان نظارتی ندارند به طوری که کارفرمایان هم مسائل و شرایط کودکان را از این بازرسان مخفی نگاه می‌دارند.

### **ساعت کار کودکان کار با ساعت تحصیلاتشان هماهنگ شود**

این آسیب‌شناس اجتماعی نقش سازمان بهزیستی در حل این معضل را چندان مهم ندانسته و ادامه داد: سازمان بهزیستی تنها بعد از وقوع مشکل می‌تواند اقدام کند اما دایره امکانات این سازمان برای مداخله همه‌جانبه در امور کودکان محدود است و این تصور که سازمان بهزیستی می‌تواند جمعیت سه و نیم میلیونی کودکان مهاجر مانده از تحصیل را تحت پوشش قرار دهد خطا است.

وی با بیان این‌که سازمان‌های حمایتی می‌توانند زمینه‌های لازم را برای ورود این کودکان به آموزش فراهم کنند تأکید کرد: چنانچه در برخی از مناطق محروم مدارس مناسبی برای ادامه تحصیل کودکان وجود ندارد و یا در مناطق شهری کشور ساعات کار کودکان اجازه تحصیل به آنها نمی‌دهد باید شرایطی فراهم شود که کودکان بعد از ساعت کار بتوانند ادامه تحصیل دهند اما در حال حاضر از این منظر با کاستی‌های زیادی روبرو هستیم.

## **سوءاستفاده از کودکان، بسیج دانش‌آموزی؛ رواج خشونت بین کودکان**



کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، عضویت افراد زیر هجده سال در نهادهای نظامی و شبه نظامی را ممنوع کرده اما در ایران بیش از چهار و نیم میلیون دانش‌آموز عضو بسیج هستند. علی طایفی جامعه‌شناس این را سوءاستفاده از کودکان می‌داند.

آذرماه سال ۱۳۵۸ آیت‌الله خمینی دستور تشکیل نهادی با نام بسیج مستضعفین را صادر کرد. بعد از ایجاد این نهاد، پایگاه‌های بسیج در مساجد، ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس تشکیل شد. با شروع جنگ ایران و عراق، بسیج مستضعفین زیر نظر سپاه پاسداران قرار گرفت و تبدیل به یک واحد شبه نظامی شد.

در جنگ هشت ساله ایران و عراق، طبق آمار رسمی بیش از ۵۵۰ هزار دانش‌آموز از طریق همین نهاد به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. از میان آنان ۳۶ هزار نفر کشته و مفقود، بیش از ۲۸۵۳ نفر معلول و بیش از ۲۴۳۳ نفر نیز به اسارت نیروهای عراقی درآمدند.

این در حالی است که براساس یکی از معاهدات کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ، حداقل سن ثبت‌نام و مشارکت افراد در عملیات نظامی، ۱۸ سال تعیین شده است. دکتر علی طایفی جامعه‌شناس مقیم سوئد می‌گوید شرکت دادن کودکان در جنگ، تحت نام بسیج دانش‌آموزی یا نیروی داوطلب، مغایر با کنوانسیون حقوق کودک است و از مصادیق خشونت علیه کودکان محسوب می‌شود.

وی همچنین استفاده از افراد زیر ۱۸ سال در بسیج برای سرکوب تظاهرات خیابانی را نیز مانند شرکت دادن کودکان در جنگ می‌داند.

دوچپه‌وله: آقای طایفی در جریان ناآرامی‌های بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، یکی از مسایلی که شاید کمتر به آن توجه شد، مسئله‌ای بود که تحت عنوان «سوءاستفاده از کودکان» در برخی جاها و در برخی از سایت‌ها به آن اشاره شد و از آنجا نشأت گرفت که مشاهده شده بود، برخی از نیروهای لباس شخصی، افراد زیر ۱۸ سال بودند. آیا یک چنین پدیده‌ای در ایران جدید است یا مسبوق به سابقه است؟

علی طایفی: من هم گزارش‌هایی از این دست را دیده‌ام. واقعیت این است که چنین حرکت یا جریانی در ایران مأخذ ایدئولوژیک دارد که از ابتدای انقلاب توسط آیت‌الله خمینی با طرح تز «بسیج ۲۰ میلیونی» مطرح شد. در طول ۳۰ سال یا سه دهه‌ی حکومت جمهوری اسلامی در ایران ما شاهد هستیم که همچنان نهاد بسیج در کشور رو به توسعه است و بویژه این طرح را در حوزه‌های دانش‌آموزی و سنین زیر ۱۸ سال هم تعمیم داده‌اند. به طوری که شاید در این ارتباط بشود به آمارهای مشخصی هم اشاره کرد که اصلاً چه اتفاقی افتاد. من به این نکته هم اشاره کنم که ما در در دوره‌ی جنگ ۸ ساله با عراق، شاهد بودیم که بیش از ۵۵۰ هزار دانش‌آموز به جبهه اعزام شدند که قریب به بیش از ۳۶ هزار نفر آنها کشته شدند و حدود ۳۲ هزار نفر هم معلول و جانباز شدند که البته امروز دیگر جزو بزرگسالان هستند و از نظر جامعه جزو آسیب‌دیدگان تلقی می‌شوند.

ولی این مواردی که شما به آن اشاره کردید و همین طور مسئله‌ی لباس شخصی‌ها، از جانب مسئولان عنوان می‌شود که اینها نیروهای داوطلب هستند و در خیلی از کشورهای حتماً پیشرفته‌ی دنیا حتماً در برخی از کشورهای اروپایی هم رسم است که از نیروهای داوطلب زیر ۱۸ سال برای کمک‌رسانی و امداد در مناطق جنگ‌زده ثبت نام به عمل می‌آورند. از طرف نیروهای جمهوری اسلامی هم چنین توجیهی عنوان می‌شود. چقدر این توجیه قابل قبول است؟

اساساً بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک، بویژه ماده‌ی ۱۹، هرگونه سوءاستفاده‌ی نظامی و یا هر نوع خشونت جسمی علیه کودکان ممنوع است و ایران هم عضو و متعهد به اجرای مضامین این کنوانسیون شده است. طبق این معاهده، اجازه‌ی بهره‌برداری و جلب مشارکت و حتماً تشویق کودکان برای حضور در عرصه‌هایی که سبب‌ساز خشونت جسمی علیه آنها و آسیب‌دیدگی جسمی و روحی برای آنها می‌شود داده نشده است و مشخصاً این دولتها هستند که موظف به انجام این امر هستند. ولی متأسفانه در دولت جمهوری اسلامی، ما شاهد هستیم که تحت عنوان بسیج دانش‌آموزی و بسیج داوطلبانه یا نیروهای داوطلب نظامی به دلایل متعدد از جمله بهره‌برداری‌های ایدئولوژیک، سیاسی و مشروعیت مردمی‌ای که می‌خواهد به دنبال آن برای خودش کسب کند و در نهایت ایجاد ارباب و گسترش ابزارها و نیروهای کنترل در جامعه، می‌بینیم که از این نیروها کمک می‌گیرد و جوانان و کودکان زیر ۱۸ سال را در واقع به حضور در این میادین تشویق می‌کند.

پس به‌زعم شما اصلاً نهادی تحت عنوان «بسیج دانش‌آموزی» می‌تواند مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی باشد، درست است؟

به‌طور مشخص می‌گویم، مثلاً الان آمار اعلام می‌کنند که در بیش از ۷۰۰ حوزه آموزشی یعنی مدرسه، در مقاطع تحصیلی مختلف، بیش از چهار میلیون و ششصد هزار دانش‌آموز عضو عادی و فعال بسیج دانش‌آموزی هستند. این رقم کمی نیست! یعنی بیش از ۴/۵ میلیون نفر دانش‌آموزی که امروز در دفاتر بسیجی مشغول به فعالیت هستند. اغلب اینها را دسته‌بندی هم کرده‌اند. یعنی اینقدر این طرح نهادینه شده، که الان در دبستان با عنوان «طرح امیدان» در راهنمایی با عنوان «طرح پویندگان» و در دبیرستان با عنوان «طرح پیشگامان» مطرح است. حتا نقاب بسیجی را هم از روی اینها برداشته‌اند، ولی در واقع تحت عنوان ستاد بسیج دانش‌آموزی مسئولیت طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی برای مجموعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و از جمله فعالیت‌های آموزشی نظامی را به‌عهده دارند. وقتی که کودکی در سن دبستان، در سن راهنمایی و در سن دبیرستان وارد این عرصه می‌شود و آموزش نظامی می‌بیند و نحوه‌ی استفاده از اسلحه، تیراندازی و حتا مشق‌های نظامی تمرین می‌کند یا آموزش‌های سخت جسمی می‌بیند، اساساً نطفه‌های خشونت‌ورزی را در جامعه تقویت می‌کنند. صرف‌نظر از این که متأسفانه در شرایط خاص از جمله بعد از انتخابات، چنانچه گفتیم، از اینها برای سرکوب و ارباب جوانان بهره‌برداری سیاسی هم می‌کنند. چون می‌دانید که این جوانان یا این کودکانی که زیر ۱۸ سال هستند، بویژه در سنین دبیرستان، به راحتی می‌توانند مورد ابزار دست و یا سوءاستفاده و تحت تأثیر یک فضای روحی، احساسی و شور و هیجانی قرار بگیرند که طبیعت دوران سنین کودکی هم هست.

در این میان نقش سازمانها و نهادهای بین‌المللی چیست، بخصوص آنهایی که در ایران نمایندگی دارند مثل یونیسف؟ آیا هیچ وقت تا بحال اعتراضی از سوی اینها به دولت جمهوری اسلامی شده است؟ من یک انتقاد جدی نسبت به نهادهای دیده‌بان حقوق بشر و به ویژه حقوق کودک در ایران دارم. از جمله سازمان بزرگ و وابسته به سازمان ملل که یونیسف نام دارد و بعد انجمن حقوق کودک در ایران که البته انجمن حقوق کودک انصافاً در جای خودش بسیار فعال است ولی هر دو نهادی که اشاره کردم متأسفانه نسبت به مقوله‌ی خشونت نظامی علیه کودکان یا بهره‌برداری و سوءاستفاده از کودکان در عرصه‌های نظامی سکوت کرده‌اند و این موضوع را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. انتظار بر این است که دیده‌بان‌هایی از این دست که در زمینه‌ی حقوق کودک در ایران فعالیت می‌کنند، بویژه با توجه به کمیت و کیفیت بزرگی که این پدیده در ایران دارد، به این موضوع بیش از پیش توجه کنند.

در این مورد شما خودتان هم گزارشی را بعد از انتخابات نوشته بودید و در این مورد به یونیسف هشدار داده بودید. آیا جوابی به این گزارش شما داده شد؟

من از طریق یک ایمیل برای یونیسف گزارشی ارسال کردم. نه تنها امسال در همین اتفاقات اخیر، بلکه در سالهای پیش هم در ارتباط با بحث بسیج دانش‌آموزی در ایران گزارش مبسوطی تهیه و ارسال کردم. متأسفانه بازخوردی از طرف آنها دریافت نکردم و آنها هیچ واکنشی نه تنها به من، بلکه در عرصه‌ی جامعه و در حوزه‌ی عمومی هم انعکاس ندادند. یعنی کمترین اعتراض یا گزارشی در ارتباط با مقوله‌ی سوءاستفاده‌ی نظامی از کودکان از سوی یونیسف منتشر نشده است و ما شاهد این هستیم که این موضوع مورد بایکوت خبری قرار می‌گیرد. شاید دلایلی سیاسی یا مسایل دیگری باشد که من از آنها بی‌خبر هستم.

در جامعه‌ای مثل جامعه‌ی ایران، که همان طور که شما اشاره کردید حتی در مدارس برای پیوستن دانش‌آموزان به نیرویی تحت عنوان بسیج تبلیغ هم می‌شود، نقش خانواده چقدر می‌تواند پررنگ باشد در این که نوجوانان و دانش‌آموزان، به سمت فعالیت‌های نظامی سوق داده نشوند؟ بی‌تردید در فضایی که فضای ایدئولوژیک است، طبیعی است که حکومتها و دولت‌های ایدئولوژیک هواداران خاص خودشان را دارند که اصطلاحاً به آنها می‌گویند «کلینتالیست‌ها» (وابستگان حکومت) یعنی کسانی که به اشکال مختلف حامیان یک دولت هستند. از باورداشت‌ها و پیوندهای ایدئولوژیک که با دولت و یا نهاد حکومتی و قدرت دارند، تا امکانات رفاهی و بهره‌برداری خاص رفاهی، تفریحی و امکانات و فرصت‌هایی که احیاناً ممکن است از قبل ارتباط‌گیری و حمایت از نهاد دولت از آنان بهره‌مند بشوند. بسیج دانش‌آموزی هم از زمره‌ی همین موارد است. بخشی از این خانواده‌ها به دلیل باورداشت‌هایی که مردم به نظام اسلامی و شرعی و حکومت دینی و مسایلی از این دست دارند، طبیعی است که کودکانشان را از این که در این میادین حضور پیدا کنند، منع نمی‌کنند. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که خانواده‌ها عمدتاً به دلیل امکانات رفاهی و تفریحی که از قبل حضور بچه‌هایشان در بسیج به دست می‌آورند، به مشارکت در این نهاد مایل می‌شوند و در عضویت کودکانشان در بسیج منعی ایجاد نمی‌کنند. بویژه می‌دانید که علاوه بر امکانات رفاهی که به اینها می‌دهند، مثلاً سفرهای توریستی به شهرهای مختلف یا امکاناتی که برای آموزش اینها فراهم می‌کنند و اوقات فراغت اضافه‌ای که برای اینها قائل می‌شوند، حتی در بچه‌ها ایجاد رقابت می‌کنند مثلاً کودکان می‌بینند که امکانی دارند برای این که فردا برای کنکور و ورود به دانشگاه از سهمیه‌های دانشگاهی بسیج برای ورود به دانشگاه استفاده کنند و در میدان رقابت از امکانات بهتر و بیشتری برخوردار بشوند. لذا با توجه به همه‌ی اینها خانواده‌ها متأسفانه در این مسیر مشارکت می‌کنند، ولی بی‌تردید نقش دولت‌ها در این زمینه چنانچه در کنوانسیون‌های جهانی هم مطرح شده، بیشتر و مسئولیت آنها بیش از خود

خانواده‌ها است. به دلیل این که مسئولیت روی دولتهاست که برای عدم خشونت‌ورزی و جذب و ایجاد فضاهای خشونت‌آفرین یا آسیب‌پذیر برای کودکان زمینه‌سازی کنند.

در حوادث و ناآرامی‌های اخیر پس از انتخابات ما شاهد بودیم که بنابه گزارش‌هایی که از منابع رسمی هم طبیعتاً تأیید نشده است حداقل یک نوجوان ۱۵ ساله مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. روزنامه‌ی تایمز هم گزارش مفصلی در این مورد داد. یک بحث دیگر که از آنسو مطرح شد این بود که اصلاً خانواده‌ها نباید اجازه می‌دادند که کودکان زیر ۱۸ سالشان در این ناآرامی‌ها شرکت بکنند. شما نظرتان در این مورد چیست؟

واقعیت این است که این یک توالی فساد یا تباهی ذهنی است که اساساً پایه‌هایش را دولت جمهوری اسلامی بویژه در عصر حاضر گذاشته است. زمانی که ما فضای خشونت را فراهم می‌کنیم، نزدیک به ۵ میلیون دانش‌آموز را به طور فعال و غیرفعال وارد حوزه‌های خشونت‌ورزی در جامعه می‌کنیم، طبیعی است که خانواده‌ها هم در این زمینه ناآگاهانه وارد میدان می‌شوند. ما حتا در بین همین جنبش به اصطلاح مدنی یا «سبز» که امروز در خیابانها بعد از انتخابات می‌بینیم، چنانچه اشاره کردید، می‌بینیم که خانواده‌ها به‌عنوان گاه تفریح و گاه آموزش مشارکت سیاسی به کودکان، فرزندانشان را به میداين می‌آورند. این کودکان وقتی می‌آیند، طبیعتاً بیش از هر کس دیگری آسیب‌پذیر هستند، بویژه کودکان دختر. و ما شاهد هستیم که یک نفر هم که مورد تجاوز قرار گرفته و البته ارقام دیگر هم در اختیار ما نیست، چون آمار بسیاری از اینها بیرون نیامده است. لذا همه‌ی اینها در واقع توالی فساد این موضوع است که ما نگاهمان نسبت به مقوله‌ی کودک و کودکی و حقوق کودک هنوز نگاهی بیولوژیک است. کودک را ابزار دست و جزو اموال عمومی یا اموال شخصی خودمان تلقی می‌کنیم. دولتها جزو اموال عمومی تلقی کنند و به‌ر شکل می‌خواهند از آن بهره‌برداری کنند.

خانواده‌ها هم متأسفانه به همین ترتیب در سطح خرد آنان را جزو اموال خودشان تلقی می‌کنند و به‌ر شکلی که احیاناً دامنه‌ی عقل و تجربه‌شان کمک می‌کند، از آنها در فضاهای اجتماعی یا سیاسی و حتا گاه نظامی استفاده و سوءاستفاده می‌کنند.

و پیامدهای چنین سوءاستفاده‌هایی بر روی کودکان که می‌شود گفت مشخص است، برکل جامعه چه خواهد بود؟

ما بی‌تردید نه تنها نسل امروز کودک را از رشد طبیعی و صلح‌جویانه و آرام که لازمه‌ی رشد یک کودک در یک فضای فرهنگی و آرام است، محروم می‌کنیم، بلکه یکی از مهم‌ترین بلايا و تبعاتی که دارد و نسل امروز این را نمی‌بیند، تولید و پرورش یا توسعه‌ی خشونت‌ورزی در نسل آینده است. کودکانی که امروز در میداين مختلف مدارس یا مساجد، احیاناً در فضاهای نظامی حضور پیدا می‌کنند و آموزش نظامی می‌بینند و فکر می‌کنند که استفاده از ابزار اسلحه در مواقع خاص مجاز

است، از جمله مسایل شرعی، حمله به یک نیروی نظامی بیگانه یا مثلاً سرکوب عوامل دگراندیشی که با نظام اسلامی سازگار نیستند، زمینه‌های پاسخگویی از روش‌های خشونت را برای این کودک فراهم می‌شود و خشونت‌ورزی را به نحوی در جامعه نهادینه می‌کند. من فکر می‌کنم دولت جمهوری اسلامی و مردم در مرتبه‌ی دوم نسبت به کودکان مسئولیت دارند. ما در جامعه‌ی امروز که صلح را ترویج می‌کند، چنانچه جنبش امروز هم این را ترویج می‌کند، چون یک جنبش مسالمت‌جویانه است، دنبال این هستیم که صلح و آرامش را در جامعه توسعه بدهیم، باید برای آینده‌ی خودمان هم فرهنگ صلح و آرامش و مدارا را گسترش بدهیم ولی متأسفانه با این فرهنگ، میل به تعصب‌ورزی، مدارای اندک و در واقع میل به خشونت در جامعه را ترویج خواهیم داد.

### بار دیگر فرسودگی یک ساختمان دیگر از مراکز نگهداری کودکان

ساختمان "انجمن حمایت از کودکان کار" که در آستانه‌ی ماه مهر به منظور آماده‌سازی و زیباسازی فضای آموزشی مورد تعمیر و رنگ‌آمیزی قرار گرفته بود، در حین انجام عملیات ساختمانی با مشکل ریزش چاه مواجه شد.

خوشبختانه این اتفاق در زمان تعطیلات تابستانی 10 روزه‌ی کودکان عضو انجمن صورت گرفت. ساختمان "انجمن حمایت از کودکان کار" جزو بافت فرسوده محسوب می‌شود که با توجه به محدودیت‌های مالی، هنوز اقدام برای ساخت فضای آموزشی استاندارد و ایمن امکان‌پذیر نیست. این در حالیست که انجمن چندین بار در طی سال به منظور ایمن‌سازی، اقدام به تعمیرات ساختمانی می‌نماید که علاوه بر صرف هزینه‌های مالی، هر بار بخشی از فضای آموزشی در طی مدت تعمیرات غیر قابل استفاده می‌گردد.



امید است در آینده‌ای نزدیک با کمک حامیان "کودکان کار" بتوانیم با ساخت بنائی مناسب، امکان حمایت و تحصیل برای کودکان بیشتری را فراهم آوریم.

## قانون کار ایران مستعد برده کشی از کودکان است



عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران گفت: در قانون کار کشور، برده‌کشی از کودکان سهل‌الوصول بوده و حتی مستعد این اقدام است.

جاوید سبحانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به وجود تعداد بی‌شماری از کودکان گاراژی و کودکانی که به نوعی در کارگاه‌ها کار کرده و ناشناخته مانده‌اند، تاکید کرد: وزارت کار و امور اجتماعی باید برای حمایت از نیروی کار جوان و به این بهانه اصلی، نظارت جدی بر کارگاه‌ها اعمال کند تا از وضعیت کودکان و نوجوانانی که در کارگاه‌های گوناگون کار می‌کنند، مطلع شود.

وی افزود: این در حالی است که این نظارت ضعیف بوده و یا در ارتباط با تعداد کودکانی که در وضعیت سخت کاری قرار دارند، گزارش درست و دقیقی که در معرض افکار عمومی قرار گیرد، منعکس نمی‌شود، اما غیرقابل انکار است که در اغلب کارگاه‌ها برخلاف قانون کار کشور، کودکان زیر 15 سال کار می‌کنند که این اقدام غیرقانونی است.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار ایران با اشاره به انواعی از کار کودکان و نوجوانان زیر 18 سال که کارفرمای مشخصی ندارند، تصریح کرد: کارهای خانگی از جمله قالبیافی، سبزی‌خردکنی، قندشکنی، پاک کردن و بسته‌بندی حبوبات از جمله مشاغل است که اغلب

کودکان کار به آن اشتغال داشته و به دلیل نداشتن کارفرمای مشخص و کار کردن در خانه، از به حساب آمدن در آمارهای مربوطه محروم هستند.

وی ادامه داد: وقتی مطابق با قانون کار از نظارت بر کارگاه‌هایی که زیر پنج نفر کارکن دارند، سرباز زده شده پس معضل کودکان گاراژی، کارگاهی و خانگی به قوانین کار کشور هم بازمی‌گردد و زمینه برده‌کشی از کودکان را فراهم می‌کند.

به گفته سبحانی، با وجود قوانین این چنینی، برده‌کشی از کودکان سهل‌الوصول و ارزان قیمت بوده و استفاده از کودکان نیازمند، برای کارفرما نیز منفعت‌هایی را دارد چرا که تقاضا برای کار کردن این دسته از کودکان خارج از تحصیل و نیازمند زیاد بوده و به‌دنبال آن عرضه برای کار نیز زیاد است.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران با اشاره به کار کودکان در بخش‌های خرده‌کالایی از جمله کارگاه‌های تولیدی پوشاک، جوراب، بسته‌بندی مواد غذایی و... نیز، عنوان کرد: قوانین کار شامل کودکان و نوجوانان شاغل در این مراکز نیز نمی‌شود و عمده شاغلان در این مراکز نیز زنان و کودکان نوجوانی هستند که بیشتر آنها به چشم نیامده و از چرخه شمارش خارج‌اند، به طوری که کار سخت و زیان‌آور آنها، با شرایط روحی، جسمانی و سلامت کودکان سازگار نیست.

## گرسنگی و اعتیاد در مدارس



در میان هیاهوی تبلیغاتی دولت حاکم بر ایران، داده‌های آماری کشور، و همچنین سخنان دست‌اندرکاران عرصه آموزش و پرورش، بی هیچ تعبیر و تفسیری می‌توانند نشانگر موقعیت فلاکت‌باری باشد که بر فضای تعلیم و تربیت کشور حاکم است. سایت رسمی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که "حدود بیست هزار دانش‌آموز در کشور در دام اعتیاد گرفتار آمده‌اند." شهرزادنیوز: در میان هیاهوی تبلیغاتی دولت حاکم بر ایران، داده‌های آماری کشور، و همچنین سخنان دست‌اندرکاران عرصه آموزش و پرورش، بی هیچ تعبیر و تفسیری می‌توانند نشانگر موقعیت فلاکت‌باری باشند که بر فضای تعلیم و تربیت کشور حاکم است.

سایت رسمی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که "حدود بیست هزار دانش‌آموز در کشور در دام اعتیاد گرفتار آمده‌اند." به عبارتی دیگر، از هر صد دانش‌آموز ایرانی یک تن معتاد است. توضیح بیشتر این‌که شانزده درصد معتادان کشور زیر بیست سال سن دارند. سایت مجلس تأکید کرده که این آمار دقیق نیست و عده معتادان در واقع بیشتر از این است.

دولت احمدی‌نژاد در مبارزه با مواد مخدر طی حکمی باجناب خود، اسماعیل احمدی مقدم، را با حفظ سمت خویش در پُست "فرمانده نیروی انتظامی"، به "دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر" منصوب کرد. دولت اما در نخستین اقدام، بودجه پیشگیری از اعتیاد را از 20 میلیارد تومان به دو میلیارد تومان کاهش داد.

سایت مجلس همچنین اعلام داشت که "مصرف مواد مخدر به خصوص تریاک و مشتقات آن به عنوان پرمصرفترین ماده مخدر و پس از آن حشیش، و در نهایت هروئین و قرص‌های روانگردان از پرمصرفترین مواد مخدر در ایران هستند."

در سال‌های اخیر استعمال قرص‌های شیمیایی که از ژاپن و تایلند وارد می‌شوند در میان جوانان بسیار شایع شده. این قرص‌ها که در بسیاری مواقع ارزان‌تر از سیگار هستند و آسان‌تر نیز بدست می‌آیند، تا کنون تلفات جانی زیادی به همراه داشته است.

### دانش‌آموزان گرسنه

موضوع گرسنگی دانش‌آموزان و بی‌هوش شدن آنان هنگام درس خبری بود که از چند سال پیش در نشریات طرح شد و هنوز مورد بحث است. گرسنگی دانش‌آموزان در مناطق فقیرنشین کشور از جمله سیستان و بلوچستان حادثتر از دیگر مناطق است.

لیلا عیوض‌زاده، عضو "انجمن تغذیه ایران"، در گفتگو با "خبرگزاری مهر" اعلام داشت: "بیش از 50 درصد دانش‌آموزان کشور صبحانه نخورده به مدرسه می‌روند". این در حالی‌ست که فقط "36 درصد کودکان از همه گروه‌های غذایی مصرف می‌کنند".

دکتر مهین آذر، متخصص غذا و تغذیه، از "پایگاه اطلاع‌رسانی تغذیه و سلامت" اعلام داشت: "مساله سوءتغذیه، به ویژه در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی (دبستانی) بسیار شایع است و بیشترین میزان سوءتغذیه از نوع سوءتغذیه گذشته و از دست‌دهی وزن است". به روایتی دیگر سوءتغذیه دانش‌آموزان زمینه‌ای اجتماعی و دیرینه دارد.

مهین آذر می‌گوید: "یکی از مشکلات تغذیه‌ای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران کم‌خونی فقر آهن می‌باشد که شایع‌ترین کمبود تغذیه‌ای در کودکان سنین پیش‌دبستانی و نوجوانی است که منجر به عوارض زیادی از جمله رشد ناکافی، تغییرات رفتاری، افت تحصیلی و ابتلا به عفونت‌ها می‌شود. از مشکلات دیگر تغذیه‌ای دانش‌آموزان کم‌وزنی، اضافه وزن، کوتاه قدی، کمبودهای ریزمغذی‌ها و آغاز پوسیدگی دندان‌ها را در هر دو دوران می‌توان نام برد".

ایران در سال 1352 تغذیه مدارس خود را با 7/6 میلیون نفر تحت پوشش با ارایه شیر و بیسکویت یا نان شیرینی برای تامین 10 درصد کالری و 25 درصد پروتئین مورد نیاز آغاز کرد. در آن زمان اولویت خرید مواد غذایی را کیفیت تغذیه‌ای، در دسترس بودن و سهولت نگهداری عنوان کردند. برنامه تغذیه رایگان ایران به دلایلی چند شکست خورد و متوقف شد. حدود چهار تا پنج سال پیش تغذیه مدارس با شیر انجام گرفت که آن هم موفق نبود و متوقف شد. امسال تصمیم گرفته شده است که علاوه بر شیر، قرص نان غنی شده با "فولات" به دانش‌آموزان داده شود

### مدارس دو نوبته

در سال گذشته چهار میلیون دانش‌آموز به علت کمبود فضای تحصیلی مجبور بوده‌اند در نوبت دوم مدارس به تحصیل خویش ادامه دهند. در کل 150 هزار کلاس درس در 26 هزار مدرسه کشور دونوبته بودند.

رئیس "سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور" در همین رابطه اعلام داشت هم اکنون 20 هزار مدرسه احتیاج به تعمیر دارند.

معاون "عمرانی وزیر آموزش و پرورش" در رابطه با تأسیس مدارس جدید گفت: "در ساخت مدرسه نیز نگاه اسلامی داریم... باید فضای اسلامی برای دانش‌آموزان کشور آماده کنیم". (به نقل از کمیته دفاع از حقوق کودک، 5 تیر 1387)

کمبود بودجه وزارت آموزش و پرورش امری است که طی سی سال گذشته همیشه مطرح بوده است. فیروز رضایی، رییس سازمان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، در مصاحبه با ایرنا در این زمینه می‌گوید: "متوسط سرانه دانش‌آموزی برای مقاطع سه‌گانه تحصیلی در این استان ۱۱۰ هزار ریال است" و می‌افزاید که "این رقم برای حمل یک بشکه نفت در زمستان به مدارس روستایی آذربایجان شرقی هم کافی نیست".

### مدارس خصوصی

چند سالی است که دولت تحت عنوان "مدارس غیرانتفاعی"، خلاف مصوبات قانون اساسی کشور، به مدارس خصوصی امکان حضور در فضای آموزشی کشور داده است. هم اکنون یک میلیون و صد و پنجاه هزار دانش‌آموز در 15809 مدرسه غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند. در حالی که بسیاری از مدارس دونوبته برگزار می‌شوند، رضا مومنین، مدیر کل مدارس غیردولتی اعلام کرد: "هم اکنون چهارصد هزار صندلی خالی در مدارس غیرانتفاعی کشور وجود دارد".

مدارس غیرانتفاعی در واقع مدارسی خصوصی هستند که با شهریه‌ای بالا و امکاناتی بهتر در سطح کشور فعالیت دارند.

## شیوع شیخ سر بین دانش‌آموزان تهرانی

سایت حکومتی فارس: عضو انجمن متخصصان پوست و مو ایران نسبت به شیوع شپش سر به ویژه در بین دانش‌آموزان تهرانی هشدار داد.

مجتبی امیری با اشاره به اینکه شپش‌ها را جزء حشرات بدون بال به حساب می‌آورند اظهار داشت: شپش‌ها بر حسب شکل ظاهری و محلی که در انسان ایجاد بیماری می‌کنند به 3 دسته شپش سر، تنه و عانه (ناحیه تناسلی) تقسیم می‌شوند. نوع اول و دوم تا حدودی به هم شبیه هستند ولی شپش عانه معمولاً بدن گردتری دارد، تیره‌تر و شبیه خر چنگ است. وی با بیان اینکه شپش‌ها می‌توانند ناقل برخی از بیماری‌های عفونی مانند تیفوس، تب راجعه و تب خندق هم باشند، تصریح کرد: این حشرات وقتی وارد بدن می‌شوند طول عمر حدود یک ماهه دارند و پس از بیرون آمدن از تخم و گذشت 10 روز به شپش بالغ تبدیل می‌شوند و روزانه 8 تا 10 تخم می‌گذارند.

امیری افزود: شپش سر شایع‌تر از 2 نوع دیگر است و معمولاً در دختر بچه‌ها دیده می‌شود ولی در پسر بچه‌ها با موهای بلند نیز می‌تواند ایجاد بیماری کند.

این متخصص پوست و مو با بیان اینکه شپش سر بیشتر در ناحیه پشت سر و پشت گوش‌ها ایجاد بیماری می‌کند، ادامه داد: علامت این عارضه خارش شدید و بدون علت سر است که بر اثر خارش شدید گاهی اوقات ممکن است عفونت پوستی و زرد زخم ناحیه پشت سر و پشت گوش هم ایجاد شود. وی با اشاره به اینکه متأسفانه در 2 سال اخیر شپش سر فوق‌العاده در تهران شایع شده است، گفت: شپش را یک مشکل بهداشتی نباید دانست بلکه بیشتر یک مشکل فرهنگی است. چرا که فرد مبتلا اگر به موقع مراجعه و درمان کند و از اقدامات پیشگیرانه بهره‌بردارد از انتقال آن به دیگران جلوگیری می‌شود که متأسفانه به علت کم‌توجهی، وقتی فردی مبتلا می‌شود در محیط مدرسه یا کار به راحتی این حشره را که حرکت می‌کند به دیگری منتقل می‌کند.

وی اضافه کرد: زمانی فرد متوجه شپش سر می‌شود که دچار خارش‌های شدید شده است و چند ماه از بیماری‌اش گذشته و ده‌ها نفر را مبتلا کرده است. لذا مشکلی که الان در تهران مشاهده می‌کنیم به همین علت است.

امیری یادآور شد: شپش تنه معمولاً در کسانی که لباس خود را دیر به دیر عوض می‌کنند دیده می‌شود. لذا تقریباً نادر است و شپش ناحیه عانه هم مانند شپش تنه به ندرت دیده می‌شود.

عضو انجمن متخصصان پوست و مو ایران با بیان اینکه شپش‌ها درمان راحتی دارند، تصریح کرد: این درمان ساده می‌تواند از انتقال بیماری جلوگیری کند و برای درمان همه اعضای خانواده باید درمان شوند. وی با اشاره به اینکه برای درمان شپش سر نیازی به تراشیدن موی دختران نیست و به راحتی با یک شامپو درمان می‌شود، تأکید کرد: علامت هشدار دهنده‌ای عارضه، خارش‌های هشداردهنده در ناحیه سر است و در معاینه وقتی موی سر این بچه‌ها مشاهده می‌شود زواید

سفیدرنگی به نام رشک به موی آنها چسبیده است که در واقع تخم شپش است و فرق آن با پوسته یا شوره سر این است که این رشک به مو چسبیده شده و با فشار ملایم موی سر جدا نمی‌شود و برعکس پوسته سر به راحتی توسط دست جدا می‌شود.

امیری گفت: به دلیل اینکه شپش از خون پوست انسان تغذیه می‌کند و خارج از بدن انسان می‌میرد نیازی به استریل کردن لباس وجود ندارد. وی افزود: تخمگذاری این شپش در همان موی سطح پوست است و با رشد مو این تخم با مو بالا می‌آید. لذا وقتی مو معاینه می‌شود می‌بینیم که در سطح 5 تا 10 سانتی‌متری سطح پوست رشک دیده می‌شود و این مشاهده به معنای این است که این فرد 5 تا 6 ماه است که به شپش سر مبتلاست. چرا که هر ماه فقط یک تا 1/5 سانتی متر مو رشد می‌کند.

این متخصص پوست و مو خاطر نشان کرد: برای درمان شپش سر شامپویی به نام لیندان استفاده می‌شود که 5 تا 10 دقیقه روی سر می‌ماند و بعد شسته می‌شود و 7 تا 10 روز پس از مصرف، نیاز به مصرف دوباره دارد. مصرف این شامپو در کودکان زیر 6 سال و مادران بادر ممنوع است و برای آنها شامپوهای جدیدتری باید استفاده کرد که باید با تجویز پزشک انجام شود.

امیری با بیان اینکه بعد از یکبار استفاده از شامپو قدرت انتقال شپش از بین می‌رود، اظهار داشت: پس از مصرف شامپو رفتن افراد به مدرسه و مهدکودک بلامانع است و نیازی به منع کردن فرد از رفتن به مدرسه و مهدکودک وجود ندارد.

وی با اشاره به اینکه تکرار مصرف شامپو پس از یک هفته به دلیل از بین بردن تخم‌های چسبیده به مو است، گفت: توصیه می‌شود یک روز پس از مصرف شامپو موهای سر با سرکه سفید خیس و با شانه‌های دندان‌ریز تخم‌های شپش از سر خارج شود.

## نوجوانی دیگر در آستانه اعدام

حسین علی پور متولد 7 تیرماه 1368، به جرم قتل که در 16 سالگی (شهریور 84) مرتکب شده است، هم اکنون در زندان لاکان رشت زندانی است و با تأیید شدن حکم قصاص اعدام خواهد شد. به گزارش واحد حقوق کودک مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در غروب روز 19 شهریور ماه سال 84، حسین علی پور و یکی از دوستانش به نام مهدی اسدی با فردی به نام مسعود پروانه درگیر شدند که در این درگیری متاسفانه مسعود جان باخته است و حسین علی پور به جرم قتل به قصاص و دوستش به 10 سال حبس محکوم شده اند و تلافیهای بسیار وکیل تسخیری ایشان تا این لحظه نتوانسته است روی رای دادگاه تأثیر بگذارد و هم اکنون پرونده جهت تأیید به دیوان عالی فرستاده شده است.

طبق ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است. در ضمن در بند 6 ماده 5 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً حکم اعدام برای کودکان زیر 18 سال ممنوع اعلام شده است. علیرغم این مهم کشور ایران بالاترین میزان اعدام کودکان را در جهان داراست.

## نصب دوربین های مدار بسته در مدارس

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش گفت: بر اساس آخرین تصمیم شورای عالی آموزش و پرورش، نصب دوربین های مدار بسته در کلاس های درس به ویژه مدارس دخترانه ممنوع و فقط در راهروها و حیاط مدرسه مجاز است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، مهدی نوید ادهم در جمع خبرنگاران گفت: کار گروهی با دستور وزیر وقت آموزش و پرورش تشکیل و درباره نحوه استفاده از دوربین های مدار بسته در مدارس جلساتی برگزار شد.

وی افزود: در این جلسات دیدگاههای کارشناسان و مسئولان آموزش و پرورش درباره استفاده از دوربین های مدار بسته نقد و بررسی شد و موافقان و مخالفان دیدگاههای خود را مطرح کردند.



وی گفت: بعضی از کارشناسان استفاده از دوربین های مدار بسته را برای حراست و حفاظت فیزیکی از محیط مدرسه قابل قبول می دانند اما گروهی معتقدند حضور دوربین در مدرسه و بخصوص کلاس درس فضای طبیعی تعلیم و تربیت را تحت تاثیر قرار می دهد.

نوید ادهم تصریح کرد: این کار گروه هنوز برای استفاده از دوربین های مدار بسته در مدارس تصمیم قطعی نگرفته است ولی براساس مصوبات قبلی آموزش و پرورش استفاده از دوربین های مدار بسته در کلاس های درس ممنوع و فقط برای حفاظت فیزیکی از محیط مدرسه در راهروها و حیاط مدرسه مجاز است.

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش همچنین از منتفی شدن تعطیلی مدارس ابتدایی در روزهای پنج شنبه خبر داد.

### هزاران کودک بی شناسنامه به تکدی گری مشغولند



ایلنا: عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان گفت: کودکان کولی و اجاره‌ای که به دلیل نداشتن شناسنامه، بدون هویت مانده‌اند به حمایت سازمان‌های مسئول در این زمینه دارند.

جاوید سبحانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، به معضل دیگری از ناحیه کودکان کار اشاره و تأکید کرد: کودکان غربتی، کولی و اجاره‌ای که تکدی‌گری سبکی از زندگی‌شان شده، دست‌مزد حاصل از کار و تکدی‌گری‌شان نصیب خودشان نمی‌شود.

وی با اشاره به این معضل افزود: اغلب این کودکان تبعه دوگانه و افغانی - ایرانی داشته و فاقد شناسنامه و هویت‌اند که اعلام می‌شود 70 هزار مورد از عمده این‌گونه کودکان در مناطق شرقی کشور مستقر هستند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان آمار این‌گونه کودکان غربتی را متفاوت دانست و یادآور شد: تعداد این نوع کودکان بی‌هویت در کلان‌شهرهایی که خصلت توریستی دارند زیاد است و عمده معضل آنها نداشتن شناسنامه است، به همین دلیل مورد پذیرش جامعه از جمله خانواده و مدرسه قرار نمی‌گیرند و در چارچوب گروه‌های شبه‌سازمان سازمان یافته فعالیت می‌کنند.

سبحانی ادامه داد: شناسنامه‌دار نبودن کودکان کولی که اغلب به کار اسپند دودکنی، شیشه‌پاک‌کنی و ... مشغول‌اند باعث شده که خانواده‌هایشان کودکان را از تحصیل محروم کرده و آنها را به امرار و معاش مجبور کنند چرا که تعداد زاد و ولد اغلب این خانواده‌ها زیاد است.

وی تعدادی از این کودکان را حاصل ازدواج‌های نامشروع و موقت دانست و یادآور شد: این قبیل کودکان نیز اغلب شناسنامه ندارند و موجودیت آنها از سوی خانواده‌هایشان هم پذیرفتنی نیست.

سبحانی با بیان این‌که باید تعداد واقعی این قبیل کودکان روشن شده و برایشان شناسنامه تهیه شود، تصریح کرد: باید برای حل این معضل یک راه قانونی به وجود آمده و با شناسنامه‌دار کردن این کودکان، خانواده‌هایشان را ملزم کنند تا موجودیت بچه را بپذیرند تا به این وسیله کودک و نوجوان بتواند از خدمات بهداشتی، درمانی و تحصیلی نیز استفاده کنند.

به گفته عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان شناسنامه‌دار شدن این کودکان بی‌هویت، راه فرار از قانون توسط خانواده‌ها را سد کرده و برای رعایت قانون بهانه به دست والدین می‌دهد. وی با اشاره به کودکان تبعه افغانی - ایرانی نیز عنوان کرد: باید تکلیف این قبیل خانواده‌ها که تبعه ایرانی - افغانی دارند مشخص شود تا با روشن شدن تابعیت آنها، بتوان برایشان تصمیم‌گیری کرد. سبحانی در مورد کودکانی که حاصل ازدواج‌های موقت و یا روابط نامشروع هستند نیز گفت: باید یک بار برای همیشه تکلیف این قبیل کودکان برای دسترسی آنها به حقوق اولیه‌شان روشن شود. وی پیشنهاد داد: لازم است تا یک کارگروه متشکل از سازمان‌هایی که برای دفاع از حقوق کودکان کار می‌کنند تا پیگیر حقوق از دست رفته کودکان اجاره‌ای و کولی باشند تا با مشخص شدن تعداد این کودکان، راهکار اجرایی حل معضلات آنها روشن شود چرا که اگر چه آمارها حکایت از عدم وجود چنین افرادی در جامعه است اما در امور روزمره و عادی چنین معضلی به چشم می‌آید.

## از رواج پدیده فرزند کشی جلوگیری شود

به مقامهای قانون گذاری و قضایی کشور

پدیده غیر انسانی فرزند کشی بویژه دختر کشی سالهای سال است همانند جنایتی فاقد عقوبت و بدون مجازات قربانی می گیرد و در شرایط حاضر نیز پایانی برای آن متصور نیست بطور نمونه طی چند ماه گذشته تنها در یکی از استانهای جنوبی کشور خبرها و گزارشهایی از وقوع چندین فقره دخترکشی منتشر شده است. در یک رویداد حزن انگیز پدر 60 ساله بنام غلام دخترش "ارزو"ی 32 ساله را بدلیل داشتن سوی ظن از پای در آورده است. در یک واقعه دلخراش دیگر سعید 45 ساله فرزندش "مینا"ی 16 ساله را بدلیل اقدام به فرار از خانه به گلوله بسته و حق حیات را از دختر جوانش گرفته است و در رویدادی سومی در ماه گذشته، مربوط به کشف بقایای جسد دختر 15 ساله بنام مهناز در بیابانهای جغین که توسط یعقوب پدر 45 ساله وی به دلیل رابطه پنهانی با پسر مورد علاقه اش به طرز فجیع به قتل رسید و جسد این نوجوان در بیابان رها شده بود.

متأسفانه این قبیل جنایات تنها به استانهای جنوبی و یا حاشیه ای محدود نمیشود و بلکه همزمان در تهران پایتخت نیز عباس پدری 50 ساله دختر 19 ساله اش بنام بی نظیر (نسرین) را به اتهام ارتباط عاطفی با پسری جوان با اسلحه شکاری به قتل میرساند. این در حالی است که قوانین مجازات جدی

برای اینگونه جنایات در نظر نگرفته است و همانگونه که در خبرها آمده است هفته گذشته شعبه 113 دادگاه کیفری استان تهران پدر نسرین را مطابق ماده 220 قانون مجازات اسلامی در مورد قتل فرزندش از مجازات معاف و اعلام نمود تنها از آن جهت که جنایت وی به اخلال در نظم جامعه گزارش شده، برابر ماده 612 همان قانون از جنبه عمومی به 3 سال حبس محکوم کرده است.

رواج پدیده فرزند کشی و افزایش خشونت های خانوادگی در کشور تاسف و تاثیر شدید سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان را برانگیخته و این سازمان بر این نظر است که قتل فرزندان به ویژه دخترانی که عموماً در اثر تعصبات ناموسی، مذهبی، خانوادگی و یا موارد چون سوءظن و اشتباه و اعتیاد روی می دهد، بدلیل فقدان قوانین بازدارنده لازم و ضروری و خلا قانونی، و همچنین وجود قوانین تبعیض آمیز پدر سالارانه به جنایاتی بدون عقوبت و مجازات تبدیل شده است.

به نظر این سازمان پدیده فرزند کشی که از پیگرد و مجازات جدی قانونی مصون مانده است جنایتی افسار گسیخته و نفرت آور است که روح جامعه را آزرده ساخته و افکار و اذهان عمومی و احساسات هر انسانی را جریحه دار نموده است.

از این رو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان از دستگاه های قانون گذاری و قضایی کشور درخواست میکند نسبت به ابطال قوانینی که متضمن آزادی عمل و یا مصونیت از مجازات مرتکبین به اینگونه اعمال غیر انسانی است، اقدام عاجل نموده و همزمان با انجام تمهیدات حقوق قانونی و قضایی ضروری و تعیین و اجرای مجازات های مناسب برای والدین و پدران که فرزندان شان را به قتل میرساند از رشد و گسترش این پدیده شوم و انزجار بر انگیز در جامعه به طور جدی جلوگیری بعمل آورد.

تهران: شنبه 18 مهر ماه 1388/ دهم اکتبر 2009

دبیر خانه سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

## نامه وکیل دادگستری به لاریجانی در مورد توقف اعدام اطفال زیر 18 سال

به نام خداوند جان آفرین

ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت الله صادق لاریجانی

با سلام و عرض ادب،

احتراما، از طریق برخی از دوایر اجرای احکام کیفری، منجمله دادرسی امور جنایی تهران و همچنین دادرسی امور جنایی شیراز، مقرر شده است تا تعدادی از موکلینم که در سن کمتر از هجده سالگی، به اتهام ارتکاب جرم قتل بازداشت و راهی زندان شده اند در روزهای آینده، به پای چوبه دار رفته و اعدام گردند. این در حالی است که صدور حکم قصاص نفس و اجرای آن بنا به دلایل ذیل، فاقد وجاهت بوده ولیکن، قضات محاکم دادگستری، به دلایل نامعلومی با نادیده گرفتن مفاد قانون و به ناحق، مجازات مرگ را برای این دست از کودکان اعمال می نمایند.

1. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی در قانون مجازات عمومی مصوب سال 1308 و 1352 افرادی که در سن کمتر از 18 سالگی مرتکب جرمهای سنگینی مانند قتل، حمل مواد مخدر و غیره می شدند تنها به مجازاتهای بازدارنده و قابل بازگشت به جامعه محکوم می گردیدند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اینکه توقع بر این بود تا رفعت اسلامی شامل حال مردم ایران زمین به خصوص کودکان گردد. به یکباره رویه قضایی و مقررات قانونی تغییر کرد. دادگاهها به استناد ماده 49 قانون مجازات اسلامی، سن مسئولیت کیفری را بدون آنکه میزان آن محرز و مشخص گردد بلوغ شرعی دانسته و چون در مجموعه مقررات کیفری سن مشخصی به عنوان بلوغ شرعی تعیین نگردید، مبنای صدور احکام خود را مفاد ماده 1210 قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته و بر این اساس، دخترانی که به سن 9 سال تمام قمری! و پسرانی که به سن 15 سال تمام قمری! رسیده باشند را بالغ فرض کرده و آنان را در جرایمی مانند قتل به مجازات مرگ محکوم می نموده و می نمایند.

2. این رویه همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال 1372 کنوانسیون حقوق کودک در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. چون اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا مفاد این کنوانسیون را پذیرفته و برای خود لازم الاجرا دانستند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز

در جلسه 182 و در تاریخ 1372/10/19 طی ماده واحده ای مفاد آن را با اکثریت آراء به تصویب رساندند. ماده واحده کنوانسیون حقوق کودک منوط به این شرط شد که هرگاه مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الاتباع نباشد.

3. به خوبی مستحضرید که طبق اصل نود و ششم قانون اساسی، تنها مرجع تشخیص مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی، با احکام اسلامی، اکثریت فقهای شورای نگهبان و در خصوص قانون اساسی، اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. به همین منظور این کنوانسیون پس از تصویب، به شورای نگهبان ارسال شد. چون نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بدوا تمام مواد مندرج در کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته بودند شورای محترم نگهبان در تاریخ 1372/11/4 تشکیل جلسه داد و طی نظریه شماره 5760 خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام نمودند که: « شما همه اصول این کنوانسیون را پذیرفته اید، در آینده ممکن است برخی از اصول آن را بگویید اگر مخالف شرع بود، ما آن را نخواهیم پذیرفت. لذا در آن اصول صراحت را می طلبیدند که به صراحت گفته شود که ما کدام اصول را نمی پذیریم.» سپس اعضای شورای نگهبان، موارد خلاف شرع را اعلام داشتند. در نظریه مذکور آمده است: « بند یک ماده 12، بندهای یک و دو ماده 13، بندهای یک و سه ماده 14 و بند 15 و بند یک ماده 16 و بند دال قسمت یک ماده 29 مغایر موازین شرع شناخته شد.» بنابراین نظریه و با توجه به ماده 9 قانون مدنی که عهود بین المللی را در صورتی که طبق قانون اساسی، تصویب و منعقد شده باشد در حکم قانون دانسته است، تمام مراجع قضایی مکلفند که دیگر مواد کنوانسیون را اجرا نمایند.

4. از جمله موادی که قابلیت اجرا داشته و شورای نگهبان نیز ایرادی بر آن وارد ننموده است. ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک است. در این ماده مقرر گردیده که: « ... مجازات سلب حیات (اعدام) یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب شده اند اعمال گردد.» این ماده در حکم قانون، در حال حاضر به فراموشی سپرده شده و هیچ مرجع قضایی به آن ترتیب اثر نمی دهد. عدم توجه به این ماده در حکم قانون باعث شده است تا وجه نظام جمهوری اسلامی ایران با در صدر قرار گرفتن کشورمان در آمار اعدام اطفال زیر 18 سال مخدوش گردد. در حال حاضر تنها پنج کشور از کشورهای جهان، اطفالی را که کمتر از 18 سال مرتکب جرم شوند را به اعدام محکوم می نماید. بنا به آمار غیر رسمی از سال 1386 تاکنون 35 کودک در جهان، به دار آویخته شده اند که 29 مورد در ایران، 2 مورد در عربستان، 2 مورد در سودان، 1 مورد در پاکستان و 1 مورد نیز در یمن بوده است. اما چهار کشور اخیرالذکر در دو سال گذشته هیچ کودکی را اعدام ننموده است. این آمار نشان می دهد که در کنار تذکر بر عدم استتکاف مراجع قضایی از اعمال ماده

37 کنوانسیون حقوق کودک، می‌طلبد که در ایران نیز به دلیل ضرورت و نیاز جوامع بشری و حساسیت و اهمیت موضوع، افرادی که در سن کمتر از 18 سال مرتکب جرم شده‌اند اعدام یا قصاص نگردند.

اینجانب تاکنون وکالت 36 نفر از این دست کودکان را به صورت رایگان پذیرفته و تحقیق‌های مفصلی در خصوص مواد قانونی مرتبط با اعمال آنها و وضعیت روحی و روانی‌شان نموده‌ام. با مشورت بسیاری از بزرگان علم حقوق و اساتید دانشگاه، در جمع بندی تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌ام که افرادی که در سن کمتر از 18 سال مرتکب جرم می‌شوند به هیچ عنوان مستحق مرگ یا حبس ابد نیستند. از این تعداد موکلینم متاسفانه سه نفر به نامهای بهنام زارع در شیراز، دل آرام دارابی در رشت و سید محمد حجازی در اصفهان، بدون آنکه اینجانب از زمان اجرای حکمشان اطلاع داشته باشم برخلاف آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام و قصاص، به دار آویخته شده و جانشان برخلاف ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک گرفته شد. هشت نفر از آنها به انحاء مختلف از مرگ نجات یافته و به جامعه بازگشته‌اند و در حال حاضر بهنود شجاعی و صفر انگوتی هر دو از طریق اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران و محمدرضا حدادی، محمد جاهدی، رحیم احمدی کمال آبادی و امیر امرالهی از طریق اجرای احکام دادرسی امور جنایی شیراز و بهمن سلیمیان از طریق دادرسی اصفهان و نیز شخص دیگری به نام عباس حسینی از طریق اجرای احکام دادرسی مشهد به زودی اعدام می‌گردند. مقرر شده است تا سه نفر از موکلینم به نامهای بهنود شجاعی، صفر انگوتی و محمد رضا حدادی که در سن کمتر از 15 سالگی بازداشت و راهی زندان شده‌اند در چند روز آینده به پای چوبه دار رفته و جانشان گرفته شود.

ریاست محترم قوه قضاییه؛

در این نامه کوتاه، مجالی برای تشریح و تبیین اصول و مبانی غیر قانونی، اخلاقی، غیر شرعی و عدم استحقاق اعمال مجازات اعدام و قصاص برای اطفالی که در کمتر از 18 سال مرتکب جرم شده‌اند، نیست. اما در کنار درخواست ملاقات با حضرتعالی پیرامون این موضوع مهم و اساسی، خاطر نشان می‌نمایم که اگر تاکنون مراجع قضایی، قانون را در موارد گفته شده، سر لوحه تصمیم خود قرار نداده‌اند. حضرتعالی با تاملی عمیق در این خصوص ترتیبی اتخاذ فرمایید که کودکان زیر 18 سال بتوانند اگر هم مرتکب عملی برخلاف قانون می‌شوند به جامعه بازگردند. با توضیحات فوق، محرز و مسلم است که قضات دادگستری لااقل در خصوص اطفالی که تاکنون به اعدام محکوم نموده‌اند به قانون عمل نکرده و نگرشی متفاوت با واقعیت‌های حقوقی داشته‌اند. اما امروز که شما در جایگاه و مسند ریاست قوه قضاییه به عنوان قاضی القضاات تکیه زده‌اید توقع بر این است که با توقف اجرای احکام اعدام یا قصاص کودکان، نگذارید اشتباهات دیگران تکرار شود. نظام جمهوری

اسلامی ایران نظامی مقدس و دارای جایگاهی رفیع است که نمی بایست وجهه آن با اعمال مقررات برخلاف حقوق بشر مخدوش گردد.

یقین دارم که به صرف اعدام و ازبین بردن مجرم، جامعه اصلاح نخواهد شد. کودکان افراد آسیب پذیری هستند که نیاز به مراقبت های ویژه دارند. آنان نه با قصد مجرمانه قتل، مرتکب جرم می شوند و نه جرم ارتكابی آنها سازمان یافته و مخل نظم و امنیت جامعه است. کودکان نادانسته و بدون انگیزه به قتلگاه رفته و سر از زندان در می آورند. آنان نیاز به حمایت دارند و نمی توان به طریق گرفتن جان آنها به جای حل کردن مساله و دست یابی به ریشه های اعمال مجرمانه آنها، صورت مساله را با اعدامشان پاک کرد.

در انتها به عنوان وکیل بسیاری از محکومین به اعدام اطفال زیر 18 سال، در آستانه فرا رسیدن روز جهانی حقوق کودک، مجددا اعلام می کنم که هیچ یک از موکلینم، مستحق اعدام و قصاص نبوده و نیستند. لذا به دلیل نزدیک بودن زمان اجرای حکم تعدادی از آنان خواستار رسیدگی به این موضوع و توقف عملیات اجرای اعدام آنان می باشم. اینجانب با این عقیده که جان آدمی ارزشمندترین مخلوقات خداوند است سعی نموده ام که در دو سال گذشته با مساعدت بسیاری از فعالان حقوق مدنی و حتی مسئولین دولتی، جان ده نفر از کودکان را از مرگ نجات دهم. ولی آنچه مهم است نگرش و عملکرد مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در زدودن این مجازات ناصحیح در سیستم قضایی کشورمان است که انشاءالله با درایت حضرتعالی این معطل، مرتفع می گردد.

با تقدیم احترام محمد مصطفایی وکیل بسیاری از کودکان در معرض اعدام



## در آستانه روز جهانی کودک 8 نو جوان در معرض خطر اعدام

در آستانه روز جهانی کودک و در آستانه روز جهانی علیه اعدام، رژیم جنایتکار و آدم کش جمهوری اسلامی قصد دارد جان 8 نوجوان را بگیرد.

بهنود شجاعی و صفر انگوتی در تهران، محمد رضا حدادی، محمد جاهدی، رحیم احمدی کمال آبادی و امیر امراللهی در شیراز، بهمن سلیمیان در اصفهان و عباس حسینی در مشهد قرار است بزودی اعدام شوند. گفته میشود بهنود شجاعی، محمد رضا حدادی و صفر انگوتی در چند روز آینده اعدام میشوند

جمهوری اسلامی در طول حیاط ننگینش تلاش کرده است تا با اعدام، زندان و شکنجه، صدای مردم جان به لب رسیده را خاموش و ساکت کند. زمینه سازی های اخیر برای اعدام نوجوانان، هر گونه قتل، آدم کشی و تجاوز در زندانها برای این است که جلو فرو ریختن ستونهای نظام در حال سقوطش را بگیرد. حکومت اسلامی در چند ماه گذشته حرکت اعتراضی، پرشور و انقلابی مردم برای سرنگونی این نظام سراپا جنایت را دیده است. مردم مبارز و انقلابی در ایران با اعتراضات شبانروزی خود خواب را از چشم این آدمکشان گرفته اند. برقرار کردن جرثقیل و طناب دار بخاطر ترس و وحشتی است که سراپای پیکر رژیم اسلامی را فراگرفته است اما خشم و نفرت مردم برای خاتمه دادن به جهنم سی ساله این رژیم می رود تا بساط این آدمکشان را یکبار برای همیشه برچیند. جوانان، مردم آزادیخواه!

با اعتراض یکپارچه و متحدانه خود باید جلو این اعدام ها را گرفت. باید به خیابانها آمد و به این اعمال ضد بشری قاطعانه اعتراض کرد. نهاد کودکان مقدمند از همه سازمانها و نهادهای انساندوست و مدافع حقوق انسان می خواهد که به این توحش قرون وسطائی حکومت اسلامی اعتراض کنند. نباید گذاشت که رژیم اسلامی این هشت نو جوان را اعدام کند. ما مردم، ما زنان و مردان آزادیخواه می توانیم با اعتراضات گسترده خود علیه جنایتکاران حکومت اسلامی مانع از اعدام این 8 نوجوان بشویم. باید از همین امروز تا دهم اکتبر برای لغو احکام این 8 نوجوان و برای لغو مجازات اعدام بویژه اعدام کودکان و نوجوانان، به خیابانها بیائیم و صدای اعتراض خود را با نه به حکومت اسلامی و نه به اعدام به گوش جهانیان برسانیم و نگذاریم جمهوری اسلامی این نوجوانان را اعدام کند.

نهاد کودکان مقدمند 4 اکتبر 2009 12مهر 1388

محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر:

## دو نوجوان به زودی اعدام میشوند، نمی دانم به کجا پناه ببرم

بهنود شجاعی 88/7/19 و صفر انگوتی 88/7/29 اعدام خواهند شد.

بهنود شجاعی در ماههای گذشته، چندین بار پای چوبه دار رفته و بنا به درخواست بسیاری از افراد خیر با دستور توقف عملیات اجرایی، اجرای حکم صادره توسط ریاست محترم قوه قضاییه متوقف می گردد تا رضایت اولیاءدم اخذ و این نوجوان از مرگ رهایی یابد. تا اینکه به دفعات تعدادی از افراد - چه مشهور و چه غیر مشهور - به نزد اولیاء محترم دم رفته تا بتوانند با مذاکره رضایت آنها را جلب کنند پس از بحث و تبادل نظر مفصل، در نهایت افرادی از جمله عزت الله انتظامی، پرویز پرستویی، سید محمد مجابی، دکتر محمود گلزاری و رضویان در تاریخ 87/4/17 به منزل اولیاء دم رفتند در این جلسه مذاکرات مفصلی در خصوص موضوع صورت پذیرفت؛

در پایان این جلسه اولیاء محترم دم (مادر و پدر مقتول) صراحتاً گذشت خود را از قصاص و به دار آویختن بهنود شجاعی اعلام داشته و صراحتاً عفو از قصاص نمودند؛ بر این اساس آقایان عزت الله انتظامی، پرویز پرستویی و پور احمد برای آنکه مبلغی بعنوان دیه به اولیاء دم پرداخت کنند تا تقدیر

و تشکری بر این گذشت باشد، به صورت مشترک حسابی افتتاح و از مردم درخواست شد تا کمکه‌های خود را به این حساب واریز نمایند. این امر در حال انجام بود تا اینکه بازپرس شعبه اول دادرسی امور جنایی تهران جناب آقای شاملو گویا با شکایت اولیاء دم، دستور مسدود نمودن حساب مشترک را داده و مقرر می‌نمایند تا این هنرمندان احضار شوند؛ احضار هنرمندان بعنوان متهم، باعث ایجاد جو متشنجی در کشور می‌گردد به گونه‌ای که پرونده به دستور دادستان تهران از ید بازپرس شاملو خارج و با رسیدگی در دادرسی کارکنان دولت قرار منع تعقیب صادر می‌شود؛ چرا که افتتاح حساب بانکی صرفاً در راستای رضایت اعلامی بوده است.

در این خصوص ماده 229 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌نماید: «در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا موثر در اثبات آن، گواهی گواهان باشد برابر مواد زیر (منظور ماده 230) عمل می‌شود در بند الف صراحتاً موضوع «عفو از قصاص» ذکر شده و حد نصاب اثبات عفو از قصاص را با گواهی دو مرد اعلام نموده است.

در تاریخ 1384/5/28 زمانی که موکل 17 سال بیشتر نداشت به این طریق نزاعی در ونک پارک تهران رخ می‌دهد که یکی از دوستان موکل به نام حسام با وی تماس می‌گیرد و موضوع اختلاف خود با فردی به نام امید را مطرح می‌کند موکل برای حل و فصل اختلاف آنان وارد ماجرا می‌شود موکل به محل وقوع جنایت می‌رود و می‌بیند مقتول با دوستش در حال جر و بحث می‌باشد موکل آنها را جدا می‌کند و در حین برگشت مقتول به موکل ناسزا می‌گوید درگیری بین این دو آغاز می‌شود موکل ادعا می‌کند که در دست مقتول چاقو بوده است وی برای دفاع از خود تکه شیشه‌ای تهیه و در شدت درگیری با شیشه‌ای که در دست داشت یک بریدگی بر روی سینه مقتول ایجاد می‌کند و متواری می‌شود. پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و تحقیقات مقدماتی آغاز می‌گردد و در نهایت موکل بنا به درخواست اولیاء دم محکوم به مرگ می‌گردد.

موکل به دادنامه صادره از شعبه 74 دادگاه کیفری استان اعتراض می‌کند و اعلام می‌دارد که تنها یک ضربه چاقو به مقتول زده و بیش این ضربه‌ای وارد نکرده و بارها منکر ارتکاب جرم قتل عمد شده است لیکن قضات شعبه 33 دیوانعالی کشور نیز ترتیب اثر نداده و حکم صادره را طبق دادنامه شماره 134 در مورخه 1386/4/9 تایید می‌نمایند تایید این دادنامه در حالی است که ایرادات بسیاری در پرونده وجود دارد که تعدادی از آنها را به اختصار بر می‌شمارم:

اولاً- در گواهی پزشکی قانونی جراحتهای وارد به مقتول ذکر شده و علت تامه مرگ نیز عنوان شده است لیکن ادعای موکل که عنوان نموده، تنها یک ضربه به مقتول زده است ترتیب اثر نداده نشده است در این مورد لازم و ضروری بود تا مرجع رسیدگی کننده به پرونده، از پزشکی قانونی استعلام می‌نمود که آیا بریدگیهای وارد شده به مقتول هر دو بر اثر اصابت یک جسم برنده می‌باشد یا از دو

جسم تیز و برنده استفاده شده است. مطمئناً در صورتی که پزشکی قانونی گواهی می نمود یا نماید که از دو جسم برنده استفاده شده است نشان می دهد شخص دیگری نیز در هنگام درگیری سلاح سرد در دست داشته است و این موضوع تاثیر بسزایی در مسئولیت کیفری موکل دارد.

ثانیا- موکل از بدو دستگیری و در مراحل دادرسی، اذعان داشته که با شیشه به مقتول آنها تنها یک ضربه وارد نموده است. برخی از شهود نیز اظهارات موکل را گواهی نموده اند این موضوع می بایست توسط پزشکان پزشکی قانونی مورد بررسی قرار می گرفت که بریدگی ایجاد شده توسط چه نوع جسم برنده ای، ایجاد شده است که متأسفانه تحقیقات در این زمینه تنها در چارچوب بازجویی از شهود صورت گرفته، شهودی که اظهارات متعارضشان، شهادت را از عداد دلایل خارج می کند.

ثالثا- یکی از مواردی که رافع مسئولیت کیفری متهمین یا مجرمین می باشد موضوع دفاع مشروع است متأسفانه مرجع رسیدگی کننده به پرونده در این خصوص نیز هیچگونه تحقیقی به عمل نیاورده است بر مرجع قضایی است که هم دلایل به نفع متهم و هم دلایل به ضرر او را جمع آوری کند در این پرونده دلایل بسیاری وجود دارد که نشان می دهد موکل در مقام دفاع مشروع حتی آن یک ضربه چاقوی مورد ادعای خود را وارد نموده است هر چند او از کرده خویش پشیمان بوده و تقاضای عفو و بخشش از اولیاء دم را دارد.

### در خصوص پرونده صفر انگوتی

در ساعت 21 مورخ 1386/1/4 در پی تماس تلفنی به مرکز فوریت‌های پلیس، موضوع یک درگیری در خیابان بهشت نظرآباد هشتگرد گزارش می شود که شخصی به نام مهدی رضایی از ناحیه گردن مجروح شده است صفر انگوتی پس از یک روز متواری بودن عذاب وجدان گرفته، و اعلام می دارد در درگیری که با مرحوم مهدی داشته، از چاقو استفاده نموده که بر اثر سهل انگاری اینجانب چاقو به گردن وی اصابت و متأسفانه با برخورد مقتول به خودرو وانت، چاقو به گردنش فرو می رود. صفر انگوتی متولد 1368/6/29 می باشد که در زمان ارتکاب جرم 17 ساله بوده است او در تشریح حادثه می گوید:

« ساعت حدود 7:30 تا 8 شب بود که با دوستانم به نامهای محمد، مصطفی، سیروس و اسماعیل در حال قدم زدن در خیابان طالقانی بودیم چند دقیقه ای گشتیم یکی از دوستانم گفت از خیابان نگارستان برویم به آخر کوچه که رسیدیم دو نفر ایستاده بودند یکی مقتول بود که با فاطمه ( دختر مورد علاقه من صحبت می کرد) و دیگری از دوستان مقتول به نام مجتبی بود. تا فاطمه من را دید مخفی شد و یک آن محل را ترک کرد مهدی به طرف من آمد و گفت چه می خواهی و من گفتم آدم احوال پرسسی کنم به من گفت سوار موتور شو می خواهم ببرم جایی و من هم نترسیدم و سوار شدم مسافت کوتاهی حرکت کردیم موتور را نگه داشت گویا مست هم بود به من گفت پررو شدی و بعد حرفهای

نامربوطی زد با هم درگیر شدیم و دوستانم آمدند و ما را جدا کردند خیلی ترسیده بودم به منزل رفتم و برای اینکه برابم اتفاقی نیافتد با یک عدد چاقوی دست ساز داشتم برداشتم و به کمرم بستم آمدم بیرون از خانه به طرف منزل یکی از دوستانم رفتم در راه بودم که از پشت صدای موتوری را شنیدم برگشتم دیدم مقتول به سرعت به طرف من می آید از ترسم چاقو را در آوردم بدون آنکه قصد ضربه زدن داشته باشم به او گفتم وایستا ببینم حرف حسابت چیه ولی او نیاستاد و به طرف من آمد من دستم را به طرفش بردم. اصلا نفهمیدم چطور شد اصلا فکر نمی کردم چاقو به وی اصابت کرده باشد ولی از شانس بد من چاقو به یقه پیراهنش خورده بود و مقتول تعادلش را از دست داده و به وانتی که در نزدیکی ما بود برخورد کرد و ته چاقو نیز با برخورد به وانت به گردن مقتول فر رفته بود م نمی دانستم باید چه کار کنم صحنه را رها کردم و ناخواسته دویدم و به خرابه ای رسیدم تا ساعت 12 شب آنجا بودم به سمت منزل فاطمه رفتم و به پدر فاطمه گفتم من به خاطر دخترشما یک نفر را با چاقو زدم او به من گفت فرار کن. من به سمت خیابان بانک صادرات رفتم و تعدادی از دوستانم را دیدم از آنها مقداری پول گرفتم و به سمت حرم حضرت معصومه در قم رفتم عذاب وجدان داشتم بعد از راز و نیاز کردن تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم به منزل آمدم و با پدرم به پاسگاه رفتم و خودم را معرفی کردم.»

صفر انگوتی انگیزه ارتکاب جرم را چنین می گوید که عاشق فاطمه 14 ساله بوده در روز حادثه فقط به خاطر اینکه مقتول با دختر مورد علاقه من در حال صحبت کردن بود با او درگیر شده است فاطمه بیش از 14 سال سن نداشته و صفر او را چندین بار در محله خود دیده و به وی علاقه مند شده بود.

متأسفانه یک نزاع بچه گانه سرنوشت دو نوجوان را چنان تغییر می دهد که یکی دار فانی را وداع می گوید و دیگری در زندان بسر برده و در انتظار تصمیم قضات شعبه 71 کیفری استان تهران می باشد.

پس از نزاع منجر به قتل پرونده ای در شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی نظرآباد تشکیل و تحقیقات قضایی آغاز می گردد متأسفانه پس از اینکه صفر خود را معرفی می کند پرونده، به سرعت و بدون در نظر گرفتن حقوق متهم مبنی بر اینکه دلایل به نفع او هم جمه آوری شود آخرین دفاع از صفر اخذ و قرار مجرمیت و کیفرخواست علیه ایشان صادر می گردد.

موکل نه تنها فاقد هر گونه انگیزه مجرمانه بوده، بلکه به هیچ عنوان قصد و نیت کشتن مرحوم مهدی رضایی را نداشته است او در هنگام ارتکاب جرم فاقد رشد عقلانی بوده و نمی توانسته به خوبی در مورد اقدامات خود تفکر کند بنابراین زمانی که می بیند مقتول با دختر مورد علاقه اش در حال گفتگوست از حالت عادی خارج شده و تمرکز خود را از دست می دهد موکل در این هنگام به سمت

مقتول و دختر مورد علاقه اش به نام فاطمه اصغری می رود با جدال لفظی بین خود و متوفی، مقتول موکل را سوار بر موتور کرده، او را به محل خلوتی جهت فراهم کردن شروع یک نزاع دو نفره می برد ولی باز برگشته و موکل را پیاده می کند موکل به خانه می رود و در هنگام خروج از خانه، چون احتمال می داده که مقتول مجدداً برای ایجاد درگیری با دوستانش برگردد چاقوی دست سازی که در منزل موجود بود را بر می دارد. برداشتن چاقو از منزل به دلیل وضعیت محله ای است که موکل در آنجا (نظرآباد هشتگرد) سکونت داشته و نیز کوله فکری او بوده است. به هر حال این نوجوان، به جایی می رود که سرنوشتش در آنجا به طرز ناراحت کننده ای تغییر می کند. در محل وقوع جرم ایستاده بود که در یک لحظه موتورسیکلتی را می بیند که مرحوم راکب آن بود و به طرفش می آید موکل برای ترساندن مهدی فکرش به چاقو فرو رفته، چاقو را خارج و به سمت مقتول رها می کند بدون آنکه عمداً عملی انجام دهد که چاقو به بدن متوفی فرو رود.

چاقوی استفاده شده، همانطور که در رای نیز آمده است و در پرونده مضبوط می باشد از وزن سنگینی برخوردار است سنگین بودن وزن این چاقو و حالت نشستن راکب در حالی که دستانش به فرمان مسلط بود جایگاه مناسب را برای قرار گرفتن کارد روی شانه متوفی ایجاد می کند. در این زمان چاقو به گردن مرحوم فرو نمی رود ولی زمانی که مرحوم تعادل خود را از دست می دهد به خودروی وانتی که در آن محل پارک شده بود اصابت می کند و دقیقاً در همین زمان انتهای چاقو با بدنه خودرو درگیر و فشار بدنی موکل به نوک چاقو باعث فرو رفتن چاقو به گردن مرحوم می گردد. ( آثار اصابت دسته چاقو بر روی خودروی وانت موجود بود ولی باز پرس رسیدگی کننده به پرونده، هیچگون توجهی به آن ننمود و این موضوع با اهمیت در پرونده درج نگردید؟)

حقیقت به شرح یاد شده، توسط شاهدین مطرح شده و موکل نیز در تمام مراحل دادرسی عنوان نموده که اصلاً قصد قتل نداشته است ولی متأسفانه نتوانسته به خوبی از خود دفاع و چگونگی ماجرا را به خوبی شرح دهد مضافاً به اینکه آلت قتاله به گونه ای است که اجازه دفاع مقبول به موکل را نمی دهد ولی بر مرجع قضایی است که تحقیقی جامع و کامل نموده و در جهت ادعاهای موکل نیز قدم بردارد نه اینکه به صرف فرو رفتن کارد به گردن، و اقرار شخص به داشتن چاقو و پرتاب آن، وی را ناعادلانه به قصاص نفس محکوم کند در حالی که واقعاً موکل هیچ انگیزه ای برای قتل نداشت و از طرفی پس از آنکه از محل جرم فرار کرد با گذشت یک روز آنهم اقامت در حرم مطهر حضرت معصومه (س) خود را به دست قانون می سپارد تا وجدانش، آرام شود. بنابراین عادلانه نیست فردی که از بدو امر واقعیت را عنوان نموده، خود را معرفی و اظهار ندامت کرده، بدون استماع اظهارات مطروحه، وی را به مرگ محکوم نماییم.

خوشبختانه بر قضات محترم رسیدگی کننده به پرونده مسلم و محرز شده است که موکل قصد قتل نداشته و عملی که مرتکب شده، نوعاً کشنده می باشد و به همین لحاظ او را به استناد بند ب ماده 206 که مقرر می نماید هر کس عالماً عملی را انجام دهد که آن عمل نوعاً کشنده باشد ولی قصد قتل نداشته باشد قتل عمد محسوب می گردد به قصاص نفس محکوم نموده اند در حالی که مذاقه در محتویات پرونده به خوبی نشان می دهد که موکل هیچگونه عمدی هم در عمل نوعاً کشنده نداشته و بر حسب اتفاق و یک عامل خارجی دیگر چاقو به گردن مقتول فرو رفته است بنابراین نمی توان عمل وی را مصداق بند ب ماده 206 قانون مجازات اسلامی دانست چرا که عمل وی مشمول جرم قتل غیر عمد می باشد.

### **قلبم می سوزد و نمی توانم نفس بکشم کودکان و هنگامه شهیدی ها منتظر یاری تو اند**

جند شبی است که شبها توان خوابیدن ندارم. این ماه قرار است سه نفر از موکلینم اعدام شوند. نمی دانم به کجا پناه ببرم و فریاد دادخواهی این نوجوانان را به چه کس و یا نهادی بگویم. بهنود شجاعی، صفر انگوتی محمدرضا حدادی نامه ای به آقای لاریجانی نوشتم و از ایشان خواستم که اعدام اطفال زیر ۱۸ سال را متوقف کند. نمی دانم آیا ترتیب اثر داده می شود یا این نوجوانان پرپر خواهند شد. حاضرم التماس کنم که آنان اعدام نشوند.

نمی توانم بخوابم. تا می خواهم چشمهایم را ببندم خواب چوبه دار را با آن طناب لعنتیش می بینم. خدایا به این نوجوانان کمک کن. تو خود می دانی که آنان مستحق مرگ نیستند. هر کدام از آنها به دفعات به پای چوبه دار کشیده شده اند و در هر بار لطفت شامل حالشان شد و حکم اعدامشان متوقف شد. خدایا از تو می خواهم که در دل مسئولان کشورمان و اولیاءدم مقتولین، نوری افکنده تا آنان از اعدام کودکان بپرهیزند. خدایا فقط می توانم به تو پناه برم. آنان را کمکشان کن.

تمام فکر و ذکرم این نوجوانان بی پناه شده است. امروز هم با اینکه قرار بازداشت موقت خانم هنگامه شهیدی به قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی تبدیل شد. باز هم افسرده بودم. ساعت ۱۰ صبح به دادگاه انقلاب رفتم. می دانستم که قرار است هنگامه شهیدی به بازپرسی اعزام شود. سر ساعت زنی رنج کشیده را دیدم. صورتش همچون کچ سفید بود. لباس و چادر زندان بر تن داشت. مادرش مدام گریه می کرد و خواهرش دلداری می داد. بغض در گلویم طاقت دیدن این صحنه دلخراش را نداشت. تا من را دید گلابی کرد که چرا به ملاقاتش نرفتم. از شرایط بد زندان گفت. از ..... نمی توانست روی پای خود بیاستد. مادر مهربانش به فکر خوراک کودکش بود. آب پرتغالی به هنگامه داد. گفت هنگامه عزیزم بخور. هنگامه مات و مبهوت بود و تنها به یک سو خیره شده بود. نمیدانم چه بر سر این زن گذشته است. فقط می دانم دیگر تحمل زندان را ندارد. خیلی هایی که از زندان آزاد شده بودند می گفتند که شرایط هنگامه اصلاً خوب نیست و نیاز به حمایت دارد. وکالتنامه ای را که نوشته بود به این

زن رنج کشیده دادم و با دستان بی رمق و لرزانش امضا کرد. می گفت دیگر نمی توانم طاقت بیاورم آقای مصطفایی تو رو به خدا کاری کنید. من هم تنها می توانستم بگویم که توکل به خدا کند. مادرش مدام گریه می کرد. فضای اتاق بازپرسی خیلی سنگین شده بود. عجب حالی داشتم. اعدام بچه ها کم بود این هم اضافه شد. هر بار می خواهم خودم را به نفهمی بزنم ولی نمی توانم. بازپرس پرونده، اوراق پرونده را کمی بررسی کرد و در برگی چهار اتهام را به هنگامه شهیدی تفهیم کرد. اجتماع و شرکت در راهپیمایی به قصد بر هم زدن امنیت کشور، اخلال در نظم عمومی، تبلیغ علیه نظام و توهین به ریاست جمهوری اتهام موکلم بود. هنگامه از خود دفاع کرد. او تمام اتهامات را رد کرد و منکر هر گونه انجام گناهی شد. او گفت تنها در راهپیمایی ۲۵ و ۲۷ خرداد آنهم به دلیل شغلم و اینکه آقایان موسوی و کروبی حضور داشتند شرکت کرده بودند. هنگامه هم روزنامه نگار بود و هم مشاور شاخه بانوان آقای کروبی. مدتی گذشت و بازپرس پرونده، که خوشبختانه دارای برخورد خوبی است و به صحبت‌های اربابان رجوع توجه می کند شروع به نوشتن کرد. قرار بازداشت موقت هنگامه به قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی تبدیل شد. روحیه موکلم تغییر کرد نور آزادی را داشت لمس می کرد. او به زندان رفت تا کسانی که بیرون از زندان هستند ندای آزادی را به گوشش برسانند. هنگامه چند روز دیگر آزاد خواهد شد.

به امید روزی که آرامش برای تمام مردمان کشورمان حکومت کند و آزادی برای همگان مهیا شود. به امید روزی که مجازات اعدام نداشته باشیم و خشونت ریشه کن شود.

سکوت در مورد حضور دختران 14 ساله در جبهه‌ی جنگ ایران و عراق (70)

شهلا طالبزاده، از زنانی که در جنگ ایران و عراق در خط مقدم حضور داشت، در مصاحبه با ایلنا از اجحاف به آنان سخن گفت. وی در این رابطه اظهار داشت، در تصویر پس از جنگ زنان را فقط در صحنه‌های امدادی و پشت جبهه‌ها نشان دادند، در صورتی که زنان در خط مقدم جبهه‌ها حضور داشتند، در آشپزخانه‌هایی که بمب روی سرشان می‌بارید، در حمل مهماتی که جعبه‌های شصت کیلویی بود، حتی زن‌هایی به اسارت گرفته شدند، اما متأسفانه کسی از این حرف‌ها نمی‌زند. وی همچنین از حضور دختران 14 ساله در جبهه‌ها سخن گفت.



## سه نوجوان و یک زن و مرد در آستانه‌ی اعدام

با وجود اعتراض‌های گسترده به اجرای حکم خشونت‌آمیز اعدام چه از طرف گروه‌های مدافع حقوق بشر داخلی و چه نهادهای خارجی، این قبیل احکام به ویژه در مورد کودکان و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از 18 سال سن داشته‌اند اجرا شده و می‌شود. به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با وجود تغییر و تحول در راس دستگاه قضایی امید می‌رفت که در زمینه‌ی اجرای احکام اعدام دست‌کم روند کم‌تری به خود ببیند. اما نه تنها چنین نشده بلکه پرونده‌های باقی مانده در دوره‌ی قبل دستگاه قضایی که در موردشان حکم اعدام صادر شده به روی میز آمده و هر روز اخبار نگران‌کننده‌ی در مورد احتمال اجرای حکم اعدام به گوش می‌رسد.

### بهنود شجاعی برای پنجمین بار برای اعدام شدن حاضر می‌شود

شنبه ۱۸ مهرماه برابر است با ۱۰ اکتبر یعنی روز جهانی مقابله با حکم اعدام و یکشنبه ۱۹ مهر، روزی است که بهنود شجاعی قرار است برای پنجمین بار آماده‌ی اعدام شود. بهنود شجاعی نوجوانی است که در ۱۷ سالگی در جریان یک نزاع خیابانی در تهران مرتکب قتل شده بود. با وجود ابهامات موجود در پرونده‌ی بهنود شجاعی و تلاش‌های انجام شده در خصوص توقف و لغو حکم اعدام وی که در زیر سن 18 سالگی مرتکب قتل شده است، بار دیگر پرونده‌ی وی به جریان افتاده است. این در حالی است که تا کنون چهار بار پرونده‌ی وی برای اجرای حکم اعدام روی میز اجرا رفته است، اما هر بار با تلاش‌های وکلا و خانواده‌ی و فعالین حقوق بشر به تاخیر افتاده است.

آخرین بار در مرداد ماه 1388 اجرای حکم بهنود شجاعی به جریان افتاد که با تلاش‌های صورت گرفته به تاخیر افتاد. اما در روزهای اخیر باز هم این پرونده‌ی این نوجوان به جریان افتاده است و قرار است 19 مهرماه اجرا شود. بهنود شجاعی هم‌اکنون در زندان رجایی‌شهر است. وکیل پرتلاش او محمد مصطفایی در کمال غم و اندوهی دردناک برای او می‌نویسد «او مادر نداشت. پدرش هم کاری به کارش نداشت.

یقین دارم که انسانی که مادر نداشته باشد هیچ کس را ندارد. نمی‌دانم برای بهنود شجاعی چه می‌گذرد. او امشب در بند نوجوانان زندان رجایی‌شهر روی تختش دراز کشیده و مرده‌ای بیش نیست. او الان دستهایش را پشت سرش گره کرده و به آسمان می‌نگرد. آسمان او سقف سفیدی است که سالها بدون ستاره و ماه و خورشید می‌بیندش.

باور کنید بهنود مرده است. تصور کنید که امشب به شما بگویند که چند روز دیگر زنده نخواهید ماند.» او در پایان از همه می‌خواهد که او را کمک کنند.

او می‌نویسد «تو رو به خدا کمکش کنید. برای بهنود و مقتول در روز یکشنبه ساعت ۴ صبح در مقابل زندان اوین شمع روشن کنید.» با وجود همه‌ی این‌ها امیدواریم که در ساعت ذکر شده برای بهنود شمع تولدی دوباره را روشن کنیم.

### حسین علی پور متولد 7 تیرماه 1368

حسین علی پور متولد 7 تیرماه 1368، به جرم قتل که در 16 سالگی مرتکب شده است که در آستانه‌ی اعدام قرار دارد. وی هم‌اکنون در زندان لاکان رشت زندانی است و با تأیید شدن حکم قصاص اعدام خواهد شد.

در غروب روز 19 شهریور ماه سال 84، حسین علی پور و یکی از دوستان‌اش به نام مهدی اسدی با فردی به نام مسعود پروانه درگیر شدند که در این درگیری متأسفانه مسعود جان می‌بازد و حسین علی پور به جرم قتل به قصاص و دوست‌اش به 10 سال حبس محکوم می‌شوند. تلاش‌های بسیار وکیل تسخیری ارجمند او به نتیجه‌ی نمی‌رسد و سرانجام حکم قصاص این جوان اکنون 2 ساله تأیید شده است.

این نوجوان در آخرین تلاش‌ها برای زنده ماندن در نامه‌ی سرگشاده به خانواده‌ی مقتول می‌نویسد: «اگر پی بردن به اشتباه و خطا ندامت و پشیمانی است و زدودن از گناه توبه است پس به عظمت الله من از نادمین و توبه‌کنندگانم یکی از ابزارهای اعمال قانون در جامعه زندان است که خاطیان جهت اصلاح بدانجا هدایت می‌شوند مطمئناً اگر طول مدت حبس با جرم و سن و سال من سازگار باشد عاقبت با گرفتاری مشکلات فراوان به سر می‌برم. علی‌ایحال از شما برادر عزیز و بزرگوار

استدعا دارم حقیر را مورد عفو گذشت اغماض قرار داده تا با آزادی عمری دعا گوی شما و خانواده بزرگوارتان باشم. امیدوارم مرا مورد عنایت لطف خودتان قرار دهید.»

### صفر انگوتی یک نوجوان 20 ساله‌ی دیگر

صفر انگوتی متولد 1368/6/29 است که در زمان ارتکاب جرم تنها 17 سال سن داشته است و اکنون در آستانه‌ی اعدام است. مورخ 1386/1/4 صفر انگوتی در طی یک درگیری به طور ناخواسته مهدی رضایی را با چاقو از ناحیه‌ی گردن مجروح می‌کند که متأسفانه منجر به فوت این جوان می‌شود. وی پس از یک روز متواری بودن با عذاب وجدان در آن سن خود را به پلیس معرفی می‌کند. صفر انگوتی انگیزه ارتکاب جرم را چنین می‌گوید که عاشق فاطمه 14 ساله بوده در روز حادثه فقط به خاطر اینکه مقتول با دختر مورد علاقه من در حال صحبت کردن بوده با او درگیر شده است. فاطمه بیش از 14 سال سن نداشته و صفر او را چندین بار در محله خود دیده و به وی علاقه مند شده بود. محمد مصطفایی که وکالت انگوتی را هم بر عهده دارد می‌گوید: «متأسفانه یک نزاع بچه‌گانه سرنوشت دو نوجوان را چنان تغییر می‌دهد که یکی دار فانی را وداع می‌گوید و دیگری در زندان بسر برده و در انتظار تصمیم قضات شعبه 71 کیفری استان تهران می‌باشد.» اما این نزاع بچه‌گانه از طرف دستگاه قضایی جریمه‌ی سنگین و مهلک به دنبال دارد. حکمی که در مورد افراد بزرگسال صادر می‌شود و قضات دستگاه قضایی به سن این نوجوان هیچ توجهی نمی‌کنند.

مصطفایی در نوشته‌اش در این مورد می‌گوید «موکل نه تنها فاقد هر گونه انگیزه‌ی مجرمانه بوده، بلکه به هیچ عنوان قصد و نیت کشتن مرحوم مهدی رضایی را نداشته، او در هنگام ارتکاب جرم فاقد رشد عقلانی بوده و نمی‌توانسته به خوبی در مورد اقدامات خود تفکر کند. بنابراین زمانی که می‌بیند مقتول با دختر مورد علاقه‌اش در حال گفت‌وگو است از حالت عادی خارج شده و تمرکز خود را از دست می‌دهد...»

### احتمال اجرای حکم سنگسار در تبریز

رحیم محمدی بامداد 14 مهرماه در زندان تبریز بدون این‌که خانواده و وکلای‌اش از اجرای حکم او خبر داشته باشند به چوبه‌ی دار سپرده شد. این جوان به همراه همسرش سال گذشته در دادگاه تبریز و به حکم پنج قاضی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر و کیفری استان تبریز به مجازات اعدام و سنگسار محکوم شدند. با تایید دو قاضی شعبه 27 دیوانعالی کشور، حکم آنها آماده اجر بود که رحیم محمدی به دار آویخته شد.

با توجه به این‌که اجرای این حکم بدون اطلاع خانواده و وکیل وی محمد مصطفایی صورت گرفته است بیم آن می‌رود که کبری بابایی همسر رحیم محمدی نیز مورد اجرای حکم قرار بگیرد و حکم خشونت‌آمیز سنگسار در مورد وی اجرا شود.

### احتمال اجرای حکم اعدام برای اکرم مهدوی

اکرم مهدوی در سال ۸۲ به اتهام قتل شوهر ۷۴ ساله‌اش بازداشت و چهار سال است که در زندان به سر می‌برد. دادگاه برای او حکم اعدام صادر کرده و دیوانعالی کشور این حکم را تأیید کرده است. اکرم مهدوی دوبار ازدواج کرده که هر دو ازدواج در سنین پائین و ناخواسته انجام گرفته است و اقدام او به ارتکاب قتل ناشی از رشد خشم و خشونت در خانواده در پی یک ازدواج اجباری است. دادسرای جنایی، طی تماس تلفنی با خانواده‌ی شاکی اکرم مهدوی از اجرای حکم اعدام وی در یکشنبه‌ی هفته‌ی بعد خبر داده است و از آنان خواسته است که ساعت ۳ بامداد یکشنبه هفته‌ی بعد با حضور در زندان اوین شاهد اجرای حکم اعدام باشند.

این در حالی است که این موضوع به مینا جعفری وکیل اکرم مهدوی ابلاغ نشده است. در پی‌گیری‌های خانم جعفری، قاضی اجرای احکام جنایی صحبت‌های خانواده‌ی شاکی را تکذیب کرده است.

## روز جهانی کودک و ده ها نوجوان ایرانی در پای چوبه‌ی دار

در حالی که آمار دقیقی از نوجوانانی که حکم اعدام دریافت کرده‌اند، وجود ندارد، تنها 35 پرونده از آنان در اختیار محمد مصطفایی، وکیل دادگستری است. به گفته‌ی وی، موکلانش در سن کمتر از 18 سالگی به اتهام ارتکاب جرم قتل بازداشت و راهی زندان شده‌اند تا در روزهای آینده به پای چوبه‌ی دار رفته و اعدام شوند.

به گفته‌ی مصطفایی ایران بخش عمده‌ی کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته است که یکی از ماده‌های آن، ماده‌ی 37 است. این ماده مجازات اعدام یا حبس ابد را برای افرادی که زیر 18 سال جرمی مرتکب شده‌اند، ممنوع کرده است.

طبق گزارشات رسمی از سال 86 تاکنون 35 نوجوان زیر هجده سال در جهان به دار آویخته شده‌اند، از این تعداد 29 نفر در ایران، دو نفر در عربستان سعودی، دو نفر در سودان، یک نفر در پاکستان و یک نفر در یمن بوده است.

### یونیسف: میلیون ها کودک قربانی خشونت و استثمار

میلیون‌ها دختر و پسر در جهان قربانی خشونت و استثمار، یا تجارت انسان هستند و بیش از یک میلیون کودک در زندان‌ها نگهداری می‌شوند. این مطلب را یونیسف در گزارشی به مناسبت روز جهانی کودک اعلام کرد.

بنابراین گزارش، حدود 150 میلیون کودک زیر 15 سال، برای گذران زندگی، مجبور به کارند و امکان رفتن به مدرسه را ندارند. افزون بر آن بیش از 18 میلیون کودک جزو خانواده‌هایی هستند که به علت جنگ یا فجایع طبیعی از موطن خود رانده شده‌اند.

دختران مورد ستم و آزار مضاعف نیز قرار می‌گیرند. آنها در حداقل 29 کشور جهان در معرض خطر ناقص‌سازی جنسی‌اند. میزان ازدواج دختران خردسال در کشورهای نیجر، چاد و مالی بیش از 70 درصد و در بنگلادش و گینه جمهوری آفرقای مرکزی بیش از 60 درصد است.

"آن ونه مان"، رئیس یونیسف در رابطه با این گزارش تصریح کرد، جامعه‌ای که جوان‌ترین اعضایش مجبور به ازدواج شوند، مورد استثمار جنسی قرار گیرند و ابتدایی‌ترین حقوق‌شان از آنان سلب شود، قادر به توسعه و پیشرفت نخواهد بود.

## باید با صدای بلند اعلام کنیم آمار کودکان کار روبه افزایش است

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران گفت: وقتی ایران با امضای مقابله‌نامه منع بدترین اشکال کار برای کودکان آن را عملیاتی نمی‌کند، این مقابله‌نامه به حال کودکان فایده‌ای ندارد. فاطمه قاسمزاده در گفت‌وگو با ایلنا که به مناسبت روز جهانی کودک صورت گرفت در ارتباط با آمار مربوط به کودکان کار در ایران تاکید کرد: متأسفانه مجبوریم که در آستانه روز جهانی کودک با صدای بلند به مسئولان اعلام کنیم که تعداد کودکان مجبور به کار رو به گسترش بوده و مسئولان برای این مسئله چاره‌اندیشی کنند

او با بیان این‌که نداشتن آمار مشخص در این ارتباط به تنهایی گویای عدم توجه مسئولان به مشکلات کودکان کار است، ادامه داد: اگر شهرداری بهزیستی و وزارت رفاه آماري را در مورد کودکان کار ارائه می‌دهند، تنها مربوط به بخشی از کودکان بوده که قابل مشاهده و دسترسی هستند اما واقعیت‌های موجود فراتر از آمارهای ارائه شده است.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران یادآور شد: اینکه اعلام می‌شود رقم کودکان کار در خیابان 20-30 هزار نفر است آمار کذب بوده و حقیقت ندارد چرا که آمار کودکانی که به مراکز خدماتی - حمایتی کودکان مراجعه کرده و خود را معرفی می‌کنند بیشتر بوده به طوری که یکی از مراکز قبلاً حدود 150 کودک را تحت حمایت قرار می‌داده در حالی که چند روز اخیر اعلام کرده در حال حاضر 950 کودک را تحت پوشش قرار می‌دهد.

### وجود بیش از دو میلیون کودک کار در ایران

قاسمزاده به آمارها پرداخت و به ایلنا گفت: باید بر اساس آمارهای موجود تفاوت تعداد بچه‌های زیر 18 سال و تعداد کودکانی که به مدرسه می‌روند بررسی شود چرا که آن دسته از کودکان بازمانده از

تحصیل مشغول به کار هستند و حتی درصد کمی از این تعداد بچه‌هایی زیر شش سال بوده که مشغول کار هستند.

اودامه داد: بر اساس سرشماری سال 80 تعداد کودکان زیر 18 سال 24 میلیون بوده که از این تعداد 18 میلیون برای مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند. در عین حال در سرشماری سال 85 مشخص شده که حدود 18 میلیون کودک زیر 18 سال در کشور وجود دارد که حدود 15 میلیون از آنها برای مدرسه ثبت‌نام شده‌اند که با وجود تفاوت سه میلیونی می‌توان اعلام کرد که ایران بیش از دو میلیون کودک کار دارد.

### یک میلیون کودک هرگز به مدرسه نمی‌روند

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران تصریح کرد: کودکان کار از اساسی‌ترین حق خود که آموزش بوده محروم می‌شوند به طوری که یک میلیون از کودکان با وجود آنکه باید برای رفتن به مدرسه اقدام کنند همچنان مشغول به کار هستند و مطابق با آخرین آمارها سه میلیون کودک بازمانده از تحصیل و ترک تحصیل کرده وجود دارد که به دلیل فشارهای اقتصادی موجود و خانواده خود، راهی جز اشتغال ندارد.

قاسم زاده ادامه داد: آموزش و پرورش 95 درصد کودکان را تحت پوشش خود قرار داده و 5 درصد باقی مانده شامل همان کودکانی می‌شوند که هرگز روی مدرسه را نمی‌بینند که اگرچه این آمار نسبت به برخی کشورهای جهان سوم آمار خوبی است. اما با وجود تاکید وزارت آموزش و پرورش در دفتر «آموزش برای همه» که بر روی آموزش همگانی اصرار داشته، این رقم‌ها هم تاسف دارد که اعلام کنیم حدود چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران به کودکان بالای 15 سال اشاره و خاطر نشان کرد: در قانون کار به کودکان و نوجوانان تحت عنوان کارگران نوجوان تعدادی مواد قانونی اختصاص داده شده که بر این اساس یک پرونده پزشکی برای کودکان تشکیل می‌شود و مطابق با آن کودک سالی یک بار معاینه پزشکی می‌شود اما این مسئله به کودک کمکی نکرده و از مشکلات کودک کم نمی‌کند. او با بیان اینکه آن بخش از قانون کار که به ساعات کار کودکان، ارایه خدمات بهداشتی و منع کار دشوار برای کودکان اختصاص دارد، نیاز به تغییر اساسی دارد عنوان کرد: اگرچه منع کارهای دشوار برای کودکان در قوانین اشاره شده اما علاوه بر ناقص بودن قوانین به همین قانون ناقص هم عمل نمی‌شود.

قاسم زاده ادامه داد: اگرچه ایران پای مقابله‌نامه «منع بدترین اشکال کار برای کودکان» را پذیرفته اما در عمل به آن عمل نکرده و شاهد کار گسترده کودکان در مراکزی هستیم که به سلامت آنها آسیب

جدي وارد مي‌کند. علي‌رغم اينکه در مقابله‌نامه طي چند ماده اشاره شده که اگر کودکان مجبور به کار بودند، کارهايي به سلامت آنها آسيب نرساند انجام دهند.

به گفته عضو کمیته هماهنگي شبکه ياري کودکان ايران جمهوري اسلامي ايران به طور صوري پاي اين مقابله‌نامه را امضا کرده و حتي پيرامون آن مانور تبليغاتي هم مي‌دهد اما وقتي اين مقابله‌نامه به طور صوري امضا شده که به پاي اجرا هم نمي‌رود، کمک شاياني به کودکان مجبور به کار نمي‌کند. بايد مطابق با اين مقابله‌نامه نوع کار کودک عوض شده و کودک بتواند همراه با کار به تحصيل نيز بپردازد اما اغلب کودکان کار فاقد اين شرايط هستند و در کنار کار کردن به بخشي از حقوق مسلم خود براي تحصيل هم نمي‌رسند.

## نامه نوجوان محکوم به اعدام به اوليای دم

حسين علي پور متولد 7 تيرماه 1368، به جرم قتلي که در 16 سالگی (شهریور 84) مرتکب شده است، هم اکنون در زندان لاكان رشت زندانی است و با تائيد شدن حکم قصاص اعدام خواهد شد. به گزارش واحد حقوق کودک مجموعه فعالان حقوق بشر در ايران، اين نوجوان محکوم به اعدام با ارسال نامه ای سرگشاده به خانواده مقتول درخواست بخشش و نجات خود از چوبه دار را دارد که متن مذکور عیناً به همراه تصوير در پی می آید:

جناب آقای مقصود پروانه

سلام عليكم. پس از عرض ادب و ارادتمندی اميدوارم حال آن بزرگوار خوب بوده باشد. جناب آقای پروانه من یک جوانی 16 ساله بودم که دارای عقل کامل نبودم و سخت از کرده خود پشیمان نادم هستم.

اگر پی بردن به اشتباه و خطا ندامت و پشیمانی است و زدودن از گناه توبه است پس به عظمت الله من از نادمین و توبه کنندگانم. یکی از ابزارهای اعمال قانون در جامعه زندان است که خاطیان جهت اصلاح بدانجا هدایت می شوند مطمئناً اگر طول مدت حبس با جرم و سن و سال من سازگار باشد عاقبت با گرفتاری مشکلات فراوان به سر می برم. علی ایحال از شما برادر عزیز و بزرگوار استدعا دارم حقیر را مورد عفو گذشت اغماض قرار داده تا با آزادی عمری دعا گوی شما و خانواده بزرگوارتان باشم. اميدوارم مرا مورد عنایت لطف خودتان قرار دهید. وسلام.

با شایسته ترین احترامات ارادتمند کوچک شما / حسين علي پور



## فیلم، روز جهانی کودک و روز کودکان گل فروش



[http://www.youtube.com/watch?v=3\\_sX29FHhxc](http://www.youtube.com/watch?v=3_sX29FHhxc)

## آیا روز جهانی کودک با روز جهانی اعدام در جمهوری اسلامی پیوند خورده است ؟

جمهوری اسلامی در سال 1994 کنوانسیون حقوق کودک را امضاء نمود و به یکی از حمایت کنندگان فعال آن نیز درآمد، ولی از آنجائیکه در جمهوری اسلامی هیچ ارزش و احترامی در رابطه با حقوق انسان ها وجود ندارد، می توان عضو فعال کنوانسیون حقوق کودک بود و در کمتر از 10 سال نزدیک به 50 نفر کودک و نوجوان کمتر از 18 سال را به چوبه دار سپرد و بیشتر از صد و چند نفر دیگرشان را در انتظار اعدام نگاه داشت.

این بچه های اعدام شده و در انتظار اعدام جدای از حدود دو میلیون نفر بچه هائی نیستند که امروزه در جمهوری اسلامی در زمره "بچه های آسیب پذیر" قرار داشته اند و بیشتر همان بچه هائی هستند که با نام بچه های خیابانی و بچه های کار به راحتی از کنار آنها می گذرند:

§ بچه هائی هستند که از تحصیل محروم می باشند  
§ بچه هائی که مجبور هستند در عین بچگی نان آور خانواده خود باشند  
§ بچه های که مورد سوء استفاده در باند های قاچاق موادمخدر واقع می شوند و گاه خود نیز به دام اعتیاد می افتند

§ بچه هائی که هیچگونه سر پناهی ندارند  
§ بچه هائی که در زباله ها بدنبال غذا می گردند و در همانجا بیئوته می کنند  
§ بچه هائی که در کوچه ها و خیابان ها و پارک ها می خوابند  
§ بچه هائی که در بیشتر موارد مورد تجاوز قرار می گیرند و....  
اعدام فاجعه زندگی و زنده هاست، فاجعه زندگی است که زندگی فرد را به پایان می برد و فاجعه زنده هاست که بنیان و اساس جامعه را به ویرانی سوق می دهد.

بدون تردید زمان به خود آمدن است، زمان " کمی هم که شده به فکر نشستن" است. سی سال سیاه است که از شروع جمهوری اسلامی تا کنون یکی از فاجعه بار ترین مجازات ها با نام "سنگسار" در ایران انجام می شود، اجرای حکم مرگی که به جوامع بدوی تعلق داشته است و امروزه اگرچه هنوز هم در قانون بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد ولی در بیشتر همان کشورها نیز اجرا نمی شود.

ایران و ایرانی بودن و افتخار به تمدن و منشور کوروش کبیر کردن تنها شعار نمی تواند باشد، نمی توان از سازمان ملل متحد و بنی آدم اعضای یک پیکرند سخن گفت و در مقابل آنهائیکه انسان ها را به دار می آویزند و تبعیض را تا پای چوبه های دار هم اعمال می کنند و برای زنان هیچگونه حقی قائل نمی شوند و ندیده انگاشتن حقوق انسانی را حتی در اعدام آنها نیز اعمال می کنند، ساکت بود.

مواد 300 و 301 قانون مجازات اسلامی که ارزش زن ایرانی را نصف ارزش یک مرد می شناسد، برای زنان و امروز حتا برای کودکان دختری که در زندان نگاهداشته می شوند تا به سن 18 سالگی برسند و سپس به چوبه دار سپرده شوند نیز بالاترین بی حرمتی ها و سرشکستگی ها در جامعه جهانی است که می تواند برای ما در سال های آغازین قرن بیست و یکم و امروز ایران ننگ آور و حقارت بار باشد.

با امید به روزی که اعدام از جامعه ما رخت بر بندد و بچه های ما که آینده سازان فردای ما هستند آینده روشنی را پیش رو داشته باشند و با امید به حرکت های آزادی خواهانه تمامی ما ایرانیان که افق های بسیار روشن آن هر روز بیشتر و بیشتر به چشم می خورد و می رود که در آینده ای بسیار نزدیک به آزادی نائل آمده و بر خواست های صد ساله خود جامعه عمل ببوشاند.

حسین لاجوردی      انجمن پژوهشگران ایران

محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر:

## بهنود شجاعی به قرنطینه زندان اوین منتقل شد



امروز صبح بهنود شجاعی برای ششمین مرتبه به قرنطینه زندان اوین منتقل شد تا مراحل اجرای حکم اعدام را در تنهایی خود مرور کند. برای اولین بار که بهنود را به پای چوبه دار بردند. چهار جوان دیگر هم همراهش بود. او اعدام نشد ولی چهار جوان دیگر به پای چوبه دار رفته و مجری حکم طناب دار را بر گردن آنها انداخت و بهنود لرزش های بدن آنان را دید و ترس و وحشتش هزار

برابر شد. تا یک ساعت دیگر بهنود پدرش را خواهد دید. به هر جایی که لازم بود سر زدیم و التماس کردیم و موارد غیر قانونی بودن اجرای حکم را گفتیم ولی متأسفانه گوش شنوایی پیدا نکردیم. شاید تا لحظاتی دیگر در خروجی های خبرگزاریها، خبر توقف اعدام را ببینیم. و من امیدوارم چنین باشد. اصلاً باورم نمی شود که بهنود بی مادر تا ساعاتی دیگر اعدام خواهد شد.



امروز ساعت ۳ صبح خبر داده اند که در زندان اوین باشم ای کاش افرادی باشند که بتوانند از با خانواده اولیاءدم صحبت کنند و آنها را متقاعد کنند که جلوی اجرای حکم را بگیرند و گذشت کنند. بهنود و این نوجوانان بی پناه را را تنها نگذارید.

## با وجود تجمع صدها نفر در مقابل زندان برای متوقف کردن حکم بهنود شجاعی اعدام شد



میگویند بهنود روی پای مادر مقتول افتاد و التماس کرد، میگویند خواهر مقتول هم روی پای مادرش افتاد تا نگذارد بهنود اعدام شود، میگویند برادر مقتول لحظه آخر رضایت داد و پدرش نیز ساکت بود و گفتند مادر مقتول یک نه محکم گفت و صندلی را از زیر پای بهنود کشید و بهنود در هوا رها شد ، با طنابی دور گردن.

و اما قانونی که اجازه ی قساوت به مردمان بدهد ، توسط انسانها و برای امنیت انسانها آورده نشده. قانونی که حق سنگدلی به انسانها بدهد ، قانون پلیدی است که مناسب جامعه ی انسانی نیست. با قوانینی که سرنوشت مردم را به دست انسانهای کینه توز میدهد مبارزه کنیم. مبارزه بر علیه اعدام ، مبارزه برای احقاق حقوق بشر است.

آری بهنود شجاعی نوجوانی که پیش تر محکوم به اعدام شده بود، علیرغم مخالفت نهادهای بین المللی و درخواست های مکرر فعالان حقوق بشر در داخل سرانجام شامگاه امروز در زندان اوین به دار آویخته شد.

اعدام بهنود شجاعی در حالی بود که تعدادی از مردم و فعالان حقوق بشر و نیز مادر سهراب اعرابی و نیز خانواده ندا آقا سلطان در برابر زندان اوین حضور یافته بودند و تا با درخواست عفو از خانواده مقتول از اعدام این نوجوان جلوگیری کنند.

اما سرانجام علیرغم این درخواست ها پدر و مادر مقتول رضایت نداده و حکم این نوجوان در سحرگاه به اجرا درآمد.

محمد اولیائی فرد وکیل این نوجوان اعدامی در این رابطه گفت: "حتی در لحظات آخر، هنگامی که بهنود میان آسمان و زمین دست و پا می‌زد، به آن‌ها گفتم هنوز هم دیر نشده، می‌توانید رضایت دهید، تا من زیرپاهایش را بگیرم و با تنفس مصنوعی به زندگی برش گردانیم، با این حال آنها راضی نشدند."

محمد مصطفائی، از فعالین حقوق بشر و وکلای برخی دیگر از کودکان اعدامی نیز در همین رابطه در مطلبی در وبلاگ خود نوشت:  
دیشب حافظ گفتم:

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم  
خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم  
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست  
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم  
عیان نشد که چرا آدم کجا رفتم  
دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم

منتظر بودم تا زمان بگذرد و به درب زندان اوین روم حدود ساعت ۲:۳۰ دقیقه با کوهیار قرار گذاشتم و به سمت زندان اوین رفتیم. حدود ۲۰۰ نفر از فعالان حقوق اجتماعی و تعدادی مادر داغدیده هم حضور داشتند. منتظر بودیم که اولیاءدم به زندان بیایند. بعد از گذشت یک ساعت مادر و پدر احسان (مقتول) را به همراه برادر و خواهرش دیدیم. جمعیت به سمت وی رفتند تا آنان را از اعدام بهنود منع کنند.

مدتی گذشت و مادر و پدرش گفت که ما گذشت می‌کنیم. جو بسیار سنگینی حاکم شده بود. درب زندان باز شد. اولیاءدم من و آقای اولیایی فر به داخل رفتیم. مدتی در سالن انتظار ایستادیم. فکر می‌کردیم که اولیاءدم گذشت خواند نمود و بهنود اعدام نخواهد شد. مدتی گذشت صدای دعاهای فعالان از بیرون زندان به گوش می‌رسید.

بعد از چند دقیقه وارد سالن دیگری شدیم. بهنود یا تعدادی از مسئولین زندان هم حضور داشتند. وقتی اولیاءدم به داخل رفت. بهنود به دست و پای آنها افتاد و خواهش و التماس کرد که او را نکشند.

سرپرست اجرای احکام صورتجلسه اجرا را تنظیم کرد. چند نفر از مسئولین زندان، من و آقای اولیایی فر به سمت اولیاء دم رفتیم از آنها خواستیم و التماس کردیم که بهنود را اعدام نکنند. مادر مقتول گفت من الان نمی توانم فکر کنم باید طناب دار را به گردن بهنود ببندم. بعد از چند دقیقه صدای اذان به گوش رسید. بهنود به اتاقی رفت تا آخرین نماز زندگی اش را بخواند. او رفت تا از خداوند خود طلب مغفرت کند. پس از اتمام نماز همگی به محوطه زندان رفتیم. تمام بدنم می لرزید و نمی دانستم که عاقبت این پسر بی مادر چه خواهد شد. بهنود وقتی به دست و پای مادر و پدر مقتول افتاد به مادر مقتول می گفت که من مادر دارم تو رو به خدا شما مادری کنید و من را اعدام نکنید. همگی به سالن دیگر رفتیم.

در سالن چهار پایه مستطیل شکل آهنی وجود داشت که بالای آن طناب دار پلاستیکی آبی رنگی نصب کرده بودند. اولیاءدم داخل رفتند و پس از مدتی بهنود را به آن سالن کذایی بردند. سالنی که اعدامها در آنجا صورت می گرفت. من تا به حال ندیده و نشنیده بودم که اجرای احکام یک نفر را به صورت خاص در زندان اوین اعدام کند. ولی برایم تعجب انگیز بود که چرا بهنود به تنهایی اعدام می شد. شاید این هم از بدقابالی او بود که تنها به آسمان رود. کسانی که آنجا بودند باز هم از مادر و پدر بهنود خواهش کردند و گفتند اگر با خدا معامله کنید زیان نخواهید دید. مادر مقتول گفت باید طناب دار را به گردن بهنود ببندارید. بهنود به بالای چوبه دار رفت و طناب را به گردنش انداختند. چند ثانیه ای نگذشت که مادر و پدر مقتول به سمت چارپایه رفتند و آن را از زیر پای بهنود کشیدند.

### بهنود به ملکوت اعلی پیوست.

طاقت دیدن این صحنه را نداشتم. تا چارپایه از زیر پای بهنود کشیده شد تمام اطراف سیاه شده بود. امروز دیگر بهنود در زندان و بین دوستان خود نیست. جای خالی بهنود را احساس می کنند. من تمام تلاش خودم را کردم ولی هیچ فایده ای نداشت. باز هم عقیده دارم او مستحق مرگ نبود. او نمی بایست اعدام شود. ولی اعدام شد.

### اعدام

=====

تجمع صدها نفر در مقابل زندان برای متوقف کردن حکم اعدام بهنود شجاعی بنابه گزارشات رسید، صدها نفر از مردم تهران در اعتراض به احتمال اجرای حکم اعدام بهنود شجاعی در مقابل زندان اوین تجمع کردند.

بامداد روز یکشنبه 19 مهرماه از ساعت 01:00 به بعد مردم به سوی درب جنوبی زندان اوین که پشت دیوارهای آن قصد اجرای حکم اعدام بهنود شجاعی را دارند گرد هم آمدند. و هر لحظه بر تعداد

تجمع کنندگان افزوده می شود. در میان تجمع کنندگان مادران شهدای اعتراضات اخیر مردم ایران دیده می شوند.

خانم پروین فهیمی مادر شهید راه آزادی همراه با سایر مادران قصد دارند که با خانواده مقتول صحبت کنند و از آنها بخواهند که با رضایت خود جان بهنود شجاعی را نجات دهند. همچنین آقای عبدالهی یکی از کارکنان دفتر یونیسف در تهران به جمع مردم در مقابل زندان اوین پیوستند. جمعیتی که در مقابل درب جنوبی اوین تجمع کرده بودند بیش از 500 نفر تخمین زده می شد. لحظه به لحظه بر تعداد تجمع کنندگان افزوده می شود.

هر 2 وکیل بهنود شجاعی آقای محمد مصطفایی و محمد اولیائی فر در مقابل درب زندان اوین حضور دارند .

از لحظاتی پیش 2 ماشین نیروی انتظامی در حال گشت زدن هستند.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

19 مهر 1388 برابر با 11 اکتبر 2009



## اعدام بهنود: گزارشی از تجمع خانواده های سهراب اعرابی و ندا

### آقاسلطان در برابر زندان اوین

تجمع خانواده های سهراب اعرابی و ندا آقاسلطان به همراه جمعی از فعالان حقوق بشر با درخواست لغو اعدام بهنود شجاعی در برابر زندان اوین

عقربه های ساعت برای جوانی که قرار است سپیده دم فردا را نبیند، به تندی حرکت می کنند و او در انتظار یک کلام، یک خبر یا یک حکم است. "توقف اجرای حکم اعدام". بخشش خانواده مقتول. این اولین بار نیست که بهنود شجاعی، تا پای چوبه دار می رود و در آخرین لحظه، حکم به بازگشت او به سلول صادر می شود. از سال 84 تا سال 88، 4 سال است که زندگی بهنود در کابوس سلول انفرادی، چوبه دار، طناب و آن لحظه ی آخر گذشته است. لحظه ای که دیگر جانی در بدن نیست. امشب نیز، چنان شبی است. بهنود هم اکنون در سلول انفرادی، ساعت ها و ثانیه های باقیمانده را می شمارد و در دلش امید دارد که فردا بتواند خورشید را در آسمان زندان ببیند.

امشب ساعت 2 نیمه شب، جمعی از فعالان حقوق بشر، مخالفان مجازات اعدام و همچنین خانواده های سهراب اعرابی و ندا صالی آقا سلطان از جان باختگان حوادث پس از انتخابات، در برابر زندان اوین جمع می شوند تا از خانواده مقتول بخواهند، جان بهنود را در برابر جان پسرشان نگیرند. امشب نیز، دل هایی با نگرانی در برابر زندان اوین حضور پیدا می کنند، تا شاید فردا که به خانه باز می گردند، دلخوش باشند که جوانی را به زندگی بازگردانده اند.

بهنود شجاعی جوان 21 ساله، که به جرم ارتکاب قتل در 17 سالگی در شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران به مجازات اعدام محکوم شده است، سحرگاه روز یکشنبه 19 مهرماه در زندان اوین به پای چوبه های دار خواهد رفت.

محمد اولیایی فرد یکی از وکلای این نوجوان محکوم به اعدام در این رابطه می گوید: "در ارتباط با حکم موکل اینجانب که قرار است در سحرگاه یکشنبه به اجرا درآید، هیچ ابلاغیه ای دریافت نکرده ام. طبق آیین نامه اجرای احکام قصاص، می بایست 48 ساعت قبل از اجرای حکم، وکیل مدافع

ابلاغیه‌ی اجرای حکم را دریافت کند که عدم ارسال آن تخلف محسوب می‌شود و بنده به عنوان وکیل مدافع بهنود شجاعی در این رابطه مراتب اعتراض خود را به دادستان تهران اعلام کرده‌ام."

وی در ادامه می‌افزاید " ما تا به این لحظه سعی در جلب رضایت اولیای دم داشته‌ایم، اما با توجه به اعلام وقت ناگهانی اجرای حکم دچار کمبود وقت هستیم. از طرف دیگر در نامه‌ای به ریاست محترم قوه قضاییه، آیت الله لاریجانی خواستار توقف اجرای حکم شده‌ایم که امیدواریم با این مسئله موافقت به عمل آید. از طرف دیگر درخواست اعاده‌ی دادرسی در دیوان عالی کشور را هم مطرح کرده ایم که در صورت پذیرش اعاده‌ی دادرسی در آن مرجع، قانوناً می‌بایست اجرای حکم متوقف شود. از آنجا که برای اولین بار مدارک جدیدی در رابطه با پرونده به دست آمده قاعدتاً باید با درخواست اعاده‌ی دادرسی در دیوان عالی کشور موافقت شود."

اولیایی فرد در رابطه با ایرادات حقوقی وارد بر اجرای حکم می‌گوید: "از آنجا که موکل من یک بار مورد عفو قرار گرفته و فتاوی نیز در خصوص عدم امکان رجوع از عفو وجود دارد، اجرای این حکم هم از نظر حقوقی و هم از نظر ماهیت پرونده دچار ایرادات فراوانی است."

وی در پایان می‌گوید: "طبق ماده ی 37 کنوانسیون حقوق کودک، صدور احکام یا مجازات طالب حیات برای افراد زیر 18 سال ممنوع است و مجلس شورای اسلامی نیز در سال 1379 این کنوانسیون را به امضا رسانیده و به تایید شورای نگهبان هم رسیده است، طبق ماده 9 قانون مدنی، این کنوانسیون در حکم قانون است و اجرای آن الزامی است، البته لازم به یاد آوری است که بهنود شجاعی یک بار مورد عفو قرار گرفته و شهود کافی نیز برای اثبات این مسئله وجود دارد و 4 مرجع تقلید هم عفو را تایید کرده‌اند"

صدا گرفته بود، تنها گفت تمام شد، بهنود اعدام شد









دیشب غوغایی بود، نه هیچ کس به فکر سیاست بود، نه به فکر خود، تنها همه به واسطه احساس انسان دوستی، خواب را بر خود حرام کرده بودند و ساعاتی پس از نیمه شب را در مقابل زندان اوین انتظار می کشیدند که شاید بتوانند از اولیای دم یک نوجوان دیگر، رضایت بگیرند و شادی را به خانه ی آن نوجوان بازگردانند.

حدود ساعت 2 بامداد به زندان اوین رسیدیم، در ابتدا حدود 50 نفر از مادران صلح، فعالین حقوق بشر، هنرمندان و ... حضور داشتند و هر لحظه بر تعداد آن ها افزوده می شد. بعد از چند دقیقه، آقای اولیایی فر، یکی از وکلای بهنود به آن جا رسید، خانواده بهنود را معرفی کرد و همین طور، فردی که به نمایندگی از یونیسف در جمع حضور داشت.

همه امیدوار بودند، هیچ کس از غم صحبت نمی کرد، بی صبرانه منتظر بودند که اولیای دم بیایند و خبر بخشش آن ها، همه را مدهوش کند، آسمان بخندد و صبح را با خنده و جشن به خانه بازگردند.

بعد از ساعتی، آقای مصطفایی، دیگر وکیل پرونده هم رسید، همین طور بر تعداد افزوده می شد، تا حدود ساعت 4 که بیش از 200 نفر از همه قشرهای مردم جلوی زندان حضور داشتند. حدود ساعت 4 بود یا زودتر که خانواده احسان (مقتول) به در زندان رسیدند، با این که چندین بار تاکید شده بود که هیچ کس هجوم نبرد، باز همه از شوق، یا امید این که اثر بگذارند هجوم بردند، به جلوی در کوچک زندان رسیدیم، جایی که برای بسیار خبر خوش می آورد، یاد دوستانی افتادم که برای آزادیشان در زندان جمع شده بودیم و از آن در بیرون آمده بودند. هیجان وصف ناپذیری بود، همه امید داشتند و ... پدر احسان لب به سخن گشود، گریه می کرد، گفت من هم پدر هستم، گوشه دلم کشته شده، همه تنها هم دردی می کردند، برادر احسان، عصبانی بود و فقط می گفت برادر کوچکم کشته شده، پدرم را رها کنید، هر کسی سراغ مادر احسان را می گرفت، خواهر احسان مانع می شد و می گفت، مریض است، رهایش کنید، همه تنها فریاد می زدند، ببخشش، هر لحظه در میان شیون و ناراحتی سکوتی همه جا را فرا می گرفت که گوش فلک را کر می کرد. مادر سهراب اعرابی جلو رفت، گفت من یک ماه جلوی این زندان معطل شدم، هر روز به من امید دادند که فرزندم زنده است، تا در روز آخر فهمیدم کشته شده، من هم داغ دارم، به حرمت خون های ریخته شده ببخش، اما نبخشید!

در آخر پدر باز لب به سخن گشود، گفت می بخشم، بگذارید بروم داخل، نمی توانم فکر کنم. پدر و مادر احسان به همراه آقای اولیایی فر و آقای مصطفایی به داخل زندان رفتند، لحظه ی غریبی بود، هر کسی کاری می کرد که این لحظات مرگ بار سریع تر بگذرند، همه امید داشتند و می گفتند پدر می بخشد، عده ای دست به دعا بردند و امن یجب می خواندند، عده ای زیارت عاشورا، عده ای سیگار دود می کردند و عده دیگری می گفتند چند روز دیگر صفر انگوتی اعدام می شود، مبادا فراموشش کنیم. راه های جدید برای گرفتن رضایت از اولیای دم به ذهن ها می رسید، ساعت گذشت. در کنار کوهیار گودرزی و دکتر فیروزی ایستاده بودم، تنها به ذهنم رسید که ببینم اذان صبح چه ساعتی است، که شاید بتوانیم انتظارمان را تخمین بزنیم تا چه ساعتی باید صبر کنیم که خبر شادی بخش رهایی بهنود از دیوارهای زندان به گوشمان برسد، 192 را گرفتم و متوجه شدم اذان صبح گفته شده و تا طلوع آفتاب 1 ساعت زمان باقیست، ساعت 5 و پنج دقیقه صبح بود، چند دقیقه بعد شیونی بلند شد، تا آن لحظه هر چه تلفن همراه آقای اولیایی یا آقای مصطفایی را می گرفتیم جواب نمی دادند، شیون که بلند شد تلفن ها را دوباره به دست گرفتیم، من به آقای اولیایی زنگ زدم و کوهیار به آقای مصطفایی، خبر یکسان بود، صدای گرفته و بغض آلود که جرات گریه شدن ندارد، نمی دانم پای تلفن خداحافظی کردم یا نه، تنها یادم می آید نمی دانستم چه کاری باید انجام دهم، نمی دانستم به کجای این شب تیره باید

بیاویزم، تنها پای تلفن گفته شد، "تمام شد".

دیگر یادم می آید که تنها صدای شیون می شنیدیم، گریه بود، فریاد بود، نگاهم به دنبال پدر بهنود رفت، از این سو به آن سو، پدر بهنود گریه نمی کرد، سرگشته بود، گم کرده ای داشت، یادم می آید از این سو به آن سو می دوید، آرام راه می رفت، شاید نمی خواست باور کند که امروز پسر جگر گوشه اش هم باید به کنار مادر خود برود و آن جا آرام بگیرد. شاید نمی خواست باور کند که قرار است جسد بی جان او از زندان بیرون بیاید، شاید نمی خواست باور کند که ...

محمد مصطفایی و محمد اولیایی فر از در کوچک زندان بیرون آمدند، خبرشان همانی بود که بود، گریه نمی کردند و در نگاهشان پیدا بود که اگر تاب داشتند چنان فریادی می کشیدند که گوش فلک کر شود و آسمان به دست و پای آن ها بیافتد، بعد از چند دقیقه، انگار تازه باور کرده بودند، شروع کردند به گریه کردن، نمی دانم در آن لحظات، آن مادر و پدر که صندلی را از زیر پای جوانی می کشیدند به چه فکر می کردند.

یک نفر از میان جمعیت امان خواست که سخن بگوید، فریاد زد که بهنود اول راه است، بهنود را فراموش نکنیم، تا بتوانیم دیگران را نجات دهیم، صفر انگوتی در آستانه اعدام است، کاری کنیم که او اعدام نشود.

همه با هم آماده می شویم، صفر انگوتی ده روز دیگر پای چوبه دار می رد، نگذاریم او را اعدام کنند مراسم تشییع جنازه بهنود شجاعی فردا برگزار می شود (81)

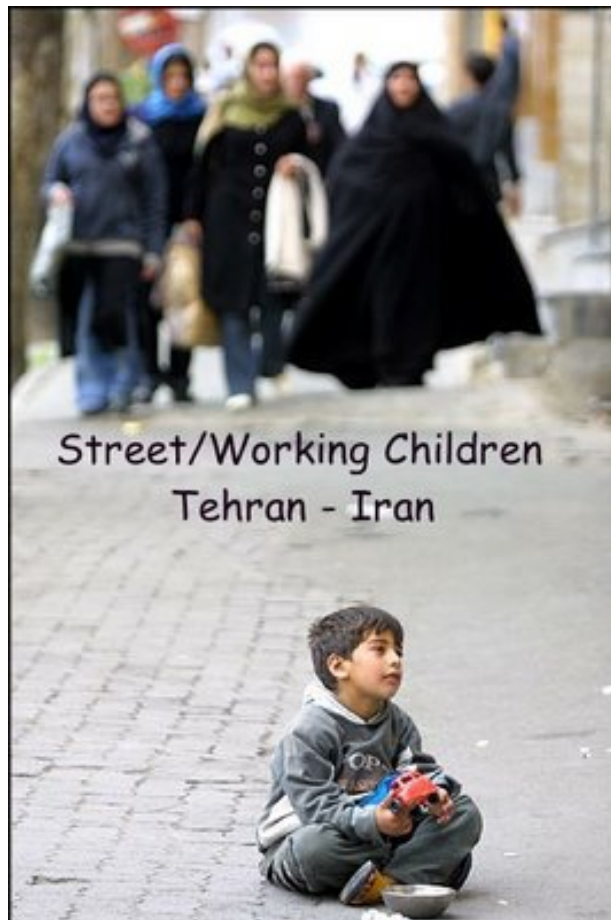
پیکر بهنود شجاعی صبح فردا، سه شنبه 21 شهریورماه، در قطعه ۱۰۳، ردیف ۴۹ شماره قبر ۱۴ دفن خواهد شد.

پدر بهنود شجاعی، که فرزندش به دلیل ارتکاب قتلی ناخواسته در نوجوانی به اعدام محکوم شده بود و در پی صدور این حکم وی را بامداد روز گذشته پس از تحمل چهارسال زندان و عدم رضایت ولی دم روز گذشته اعدام کردند؛ پیکر بی جان فرزند رنج کشیده اش را از پزشکی قانونی تحویل گرفت و قرار است صبح فردا، سه شنبه 12 مهرماه، ساعت ۸:۳۰ دقیقه وی را به خاک بسپارند.

به گزارش خبرگزاری هرانا و به گفته ی محمد مصطفایی وکیل بهنود شجاعی، خانواده ی وی از نشانی انتهای شیخ بهایی جنوبی، خیابان ۶۴ غربی، مجتمع یاس، پلاک ۴ به سمت غسلخانه بهشت زهرا رفته و سپس پیکر بهنود را در قطعه ۱۰۳، ردیف ۴۹ شماره قبر ۱۴ دفن خواهند کرد.



## به جاي جمع آوري نان آوران كوچك، فقر را از بين ببريد



شهرداری بعد از جمع آوری کودکان کار آنها را چند روز نگهداری و یا کودکان کار شهرستان ها را به محل سکونتشان انتقال می دهد و بعد از مدتی مطابق با آنچه که از زبان این کودکان شنیده می شود، رها شده و به چرخه کار بازمی گردد.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری ایران با انتقاد از عملکرد نیروی انتظامی و شهرداری برای جمع آوری کودکان کار و خیابان گفت: جمع آوری کودکان کار با هزینه سرسام آوری که دارد بی نتیجه بوده و چاره کار نیست.

به گزارش هرانا، فاطمه قاسم زاده در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، در مورد اقدامات گسترده و مقطعی شهرداری و نیروی انتظامی برای جمع آوری کودکان کار و خیابان تاکید کرد: شهرداری بعد از جمع آوری کودکان کار آنها را چند روز نگهداری و یا کودکان کار شهرستان ها را به محل سکونتشان انتقال می دهد و بعد از مدتی مطابق با آنچه که از زبان این کودکان شنیده می شود، رها شده و به چرخه کار بازمی گردد. عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران ادامه داد: کودکان کار می گویند که وقتی خانواده هایشان در جریان اقدامات مربوط به جمع آوری کودکان کار قرار می

گیرند، جلوي کار کودکان را براي يك مقطع کوتاه می‌گیرند و می‌گویند بعد از اینکه آب‌ها از آسیاب افتاد دوباره به خیابان بروید. او با اشاره به هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به جمع‌آوری این کودکان تاکید کرد: نیروی انتظامی و شهرداری که هر از چند گاهی چنین اقدامی را آغاز می‌کنند و هر بار هزینه‌های زیادی را برای جمع‌آوری صرف می‌کنند که اگر این هزینه در جای دیگری برای کودکان صرف شود، کمک بهتری به حساب می‌آید.

به گفته قاسم‌زاده چرخه جمع‌آوری کودکان با وجود آنکه کار بی‌فایده‌ای است، ناقص بوده به طوری که این ماموران به سراغ کارگاه‌های زیرزمینی و کوره‌پزخانه‌هایی که از شمول قانون کار خارج است نمی‌روند و کودکان را به طور ظاهری جمع کرده و قصدشان این است که چهره شهر از وجود چنین کودکانی پاک شود.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران عنوان کرد: جمع‌آوری کودکان کار جز ترساندن آنها، تضعیف روحیه‌شان و وقفه در کار پرتلاششان، نتیجه دیگری ندارد.

او با بیان اینکه سازمان‌های غیردولتی هرگز قصد ندارند که این کودکان را از چرخه کار خارج کنند یادآور شد: علت پرداختن این کودکان به کار فقر در خانواده‌ها بوده به طوری که تا وقتی فقر از بین نرود. معضل کودکان کار هم از بین نمی‌رود، بهتر است مسئولاتی که به فکر جمع‌آوری این کودکان هستند، به جای آجر کردن نان پرزحمت آنها، کودکان را آموزش داده و حمایت کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، مسئولان بهزیستی هفته گذشته اعلام کرده‌اند که 70 درصد کودکان خیابانی امسال ساماندهی می‌شوند و فاز بعدی این اقدام ساماندهی کودکان دست‌فروش در نظر گرفته شده است. این در حالی است که مشخص نیست چه تعداد از این 70 درصد در گذشته يك بار ساماندهی شده و یا هر کدام چندین بار در چرخه اقدامات ساماندهی مسئولان قرار گرفته است. بر اساس اعلام این مسئولان ساماندهی کودکان دست‌فروش در دست مطالعه این سازمان است، این در حالی است که سازمان بهزیستی هنوز آمار مشخصی از تعداد این کودکان و سایر کودکان کار و خیابان در دست ندارد و آرایه آمارهای مربوطه در این مورد را به سایر نهادها ارجاع می‌دهد.

## اجرای حکم اعدام عباس حسینی متخلف خردسال به تعویق افتاد

اجرای حکم اعدام متخلف خردسال، عباس حسینی، که قرار بود امروز انجام شود، به تعویق افتاد. بنا به گزارش رادیو بین المللی فرانسه، اجرای حکم اعدام متخلف خردسال، عباس حسینی، که قرار بود امروز انجام شود، به تعویق افتاد. این گزارش اطلاعات بیشتری در زمینه علت تعویق این حکم نداده است. به گزارش هرانا به نقل از سازمان حقوق بشر ایران، عباس حسینی، پناهنده افغان تبار، متهم به قتل نفس در سن 17 سالگی، محکوم به اعدام شد. ایران کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به حقوق کودکان را که حکم اعدام برای متخلفین زیر سن قانونی 18 سال را ممنوع کرده است، قبول کرده و به تصویب رسانده است. با این وجود ایران از جمله اولین کشورهایی است که متخلفین خردسال را اعدام می نماید.

## محکومیت صدور حکم اعدام برای سه متهم بدنبال دادگاه های نمایشی پس از انتخابات

۱۹ مهرماه ۱۳۸۸ - کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران حکم اعدام سه متهمی را که ادعا می شود در اعتراضات سیاسی پس از انتخابات ۲۲ خردادماه فعالیت داشتند، محکوم کرد، و نگرانی های جدی خود را در مورد احتمال سایر احکام اعدام سیاسی ابراز داشت. در روز ۱۸ مهرماه، بشیری راد؛ از مقامات دادگستری تهران به خبرگزاری ایسنا گفت که دو متهم با نام های اختصاری (م. ز) و (الف. پ) بخاطر فعالیت هایشان در انجمن پادشاهی ایران که یک گروه

اپوزیسیون خارج از کشور است، حکم اعدام دریافت کرده اند. بشیری راد همچنین گفت که نفر سومی نیز به اعدام محکوم شده که نام او (ن. ع) است و متهم به همکاری با گروه اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران می باشد.

هر چند این سه نفر به همراه صدها بازداشت شدگان دیگر که به دامن زدن به اعتراضات پس از انتخابات متهم شده اند، به دادگاه برده شدند، اما کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران معتقد است که این سه محکوم به اعدام هیچ نقشی در اعتراضات پس از انتخابات نداشتند. دو متهم مرتبط با انجمن پادشاهی ایران قبل از انتخابات بازداشت شده بودند.

در کیفرخواست محمد رضا علی زمانی که در زیر آمده؛ که مقامات از او به عنوان (م.ز) نام برده اند، تاکید شده است که او قبل از اینکه دست به هیچ اقدامی بزند بازداشت شده بود.

در کیفرخواست، اتهام محمد رضا علی زمانی محاربه اعلام شد و مجازات اعدام با این حکم تقاضا شده بود. مبنای اتهام محاربه زمانی، عضویت در انجمن پادشاهی ایران، ادعای شرکت در جلساتی در عراق با جاسوسان امریکایی و دریافت پول از کسی در امریکا، با هدف به راه اندازی آشوب اجتماعی در ایران است. کیفرخواست ارائه شده توسط دادستان عمومی؛ سعید مرتضوی بر ادعاهای اعتراضات زمانی در ارتباط با جاسوسان امریکایی مبتنی است که گویای آن است که زمانی قبل از اینکه دست به اقدامی بزند، بازداشت شده است.

ارون رودز؛ سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در مورد پرونده علی زمانی گفت: "کیفرخواست پر از تناقض است که هم فرد را به اقدامی متهم می کند و هم اعلام می کند که هیچ اقدامی صورت نگرفته است، نشان می دهد که این دادگاه ها چقدر ماهیت سیاسی دارند. شروع کردن به حکم اعدام دادن از یک گروه پادشاهی یا مرتبط با مجاهدین خلق و مرتبط کردن آنها به نا آرامی های پس از انتخابات که هیچ شواهدی در این زمینه ارائه نشده، حکایت از یک راهبرد روابط عمومی ای دارد که برای صدور احکام اعدام برای فعالین سیاسی مقدمه چینی می کند."

ارون رودز در مورد امکان چنین احکامی برای سایرین گفت: "کاملاً می توان تعداد بسیار زیادی از شهروندان بی گناه را نیز مثل همین موارد بر اساس اعتراضات اجباری در به راه انداختن نا آرامی های اجتماعی به کمک ماموران خارجی یا مجاهدین خلق، متهم و با کیفرخواست های کلیشه ای که مشخصاً توسط وزارت اطلاعات تهیه شده، محکوم کرد."

مشخصاً می توان به پرونده عاطفه نبوی؛ فعال دانشجویی که از ادامه تحصیل محروم شده و در روز ۲۵ خرداد ماه در خیابان آزادی بازداشت شد، اشاره کرد. عاطفه با ادعای ارتباط با مجاهدین خلق به محاربه متهم شده است. اما به گفته وکیل عاطفه؛ نسرین ستوده، هیچ سندی در پرونده عاطفه در اثبات

این ارتباط وجود ندارد. تنها شاهد ذکر شده این ارتباط این است که برخی از خویشاوندان او در پایگاه اشرف در عراق بودند.

در باره نتایج دادگاه هایی که برای بیش از ۱۰۰ نفر از معترضین و اطلاع طلبان در ایران برگزار شده است، هیچ اطلاعات روشنی داده نمی شود. در اوایل مهرماه اعلام شد که برای ۲۰ نفر از متهمین حکم صادر شده است اما هیچ اطلاعاتی در باره نام این متهمین و احکام آنها ارائه نشد. اخبار رسیده نشان می دهد که برای مردم عادی ای که در اعتراضات شرکت کرده بودند احکام زندان از شش ماه تا ۵ سال صادر شده است.

سربسته نگهداشتن ماجرای بازداشت صدها فعال سیاسی در ایران و صدور احکام اعدام و اجرای اعدام های برنامه ریزی شده همه باعث می شود که نگرانی ها بیشتر شدت بگیرند. در ۱۹ مهر ماه، بهنود شجاعی که در ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود، در زندان اوین در تهران به دار آویخته شد. فعالان اجتماعی در ایران برای توقف اعدام بهنود کمپین تشکیل داده بودند. ایران تنها کشوری است که در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ میلادی اقدام به اعدام نوجوانان کرد.

در طی پنجاه روز پس از انتخابات ۲۲ خرداد ماه، ۱۱۵ نفر در ایران اعدام شدند و مقامات ایرانی هرگز در باره نام این افراد و جرایم آنها اطلاعاتی منتشر نکردند. سازمان عفو بین الملل اعلام کرده است که حداقل ۱۲ نفر از جمله اعضای اقلیت ها و نوجوانان بزهکار در ایران در معرض اعدام قریب الوقوع هستند.

ارون رودز در باره احکام اعدام گفت: “صدور احکام مرگ و اعدام دگراندیشان و معترضینی که فعالیت های قانونی و مسالمت آمیز آنها جرم تلقی شده بدون اینکه هیچ مبنایی بجز اعترافات اجباری و شواهد کذب داشته باشد و می تواند موجی از مجازات اعدام را بدنبال داشته باشد، نقض جدی حقوق بشر است.”

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران همچنان بر توصیه خود مبنی بر اعزام نماینده ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت بازداشت شدگان سیاسی در ایران و حصول اطمینان از رعایت آئین دادرسی بین المللی و الزامات قانونی حقوق بشر توسط مقامات ایرانی تاکید می کند.

---

متن کامل کیفرخواست محمدرضا علی زمانی

بسمه تعالی

رب بما انعمت علیّ فلن اكون ظهیراً للمجرمین

کیفرخواست

با سلام

در این پرونده آقای محمدرضا علی‌زمانی، فرزند اسماعیل ۳۷ ساله اهل و ساکن اسلام شهر متهم است به:

۱- محاربه از طریق عضویت و فعالیت مؤثر در راستای پیشبرد اهداف گروهک تروریستی انجمن پادشاهی ایران؛

۲- توهین به مقدسات؛

۳- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛

۴- تبنانی و اجتماع با هدف اقدام علیه امنیت داخلی کشور؛

۵- خروج غیرقانونی از کشور؛

بدین شرح که متهم مزبور از طریق شبکه ماهواره‌ای «یور تی وی» با گروهک انجمن پادشاهی ایران آشنا شده و ضمن برقراری ارتباط با عناصر این شبکه از جمله «دردانه فولادوند» و «فرود فولادوند» دچار گرایش‌های ضد دینی شده.

نامبرده که دارای سوابق کیفری در خصوص جعل مهرهای سپاه و قوه قضائیه است به همراهی متهمان «حامد روحی نژاد» و «احمد کریمی» اقدام به تهیه یک CD حاوی مطالب تبلیغی علیه نظام و توهین آمیز نسبت به مقدسات نموده و با تکثیر انبوه این CD اقدام به توزیع آن در سطح شهر تهران می‌نمایند.

سپس متهم با خروج غیرقانونی از کشور به عراق عزیمت می‌نماید و در منطقه «عنکاوه» شهر «اربیل» عراق به مقر نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه مراجعه و با برگزاری جلسه با یکی از نیروهای آمریکایی به نام «فرانک» اطلاعاتی در قالب عکس و گزارش در خصوص اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران به نیروهای مزبور ارائه و مبالغی دریافت می‌کند.

در ادامه با برقراری ارتباط با «جمشید» در آمریکا و از عوامل انجمن پادشاهی ایران و اخذ ۲۰۰۰ دلار از وی طرح ساخت بمب‌های شیمیایی را از نامبرده دریافت و به یکی از مرتب‌ترین خود در ایران ارسال می‌نماید و در چندین مصاحبه رادیویی با «جمشید» که از «رادیو تندر» پخش شده است اقدام به توهین به ائمه معصومین (س) و مقدسات می‌نماید.

متهم مزبور سپس در جلسه‌ای در «دهوک» عراق با واسطه «داود باغستانی» با دو افسر نظامی آمریکا به نام «مایکل» و «روبرت» ملاقات و اطلاعاتی در خصوص اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و مشخصات بعضی از مسئولین حکومتی به آنها ارائه با هدف ترور می‌کند.

مشارکت با مشارکت در طرح «سلمان» که طی آن مشخصات نیروهای بسیجی شناسایی و به انجمن پادشاهی ایران تحویل داده می‌شود اقدام به مبادله اطلاعات با گروهک انجمن پادشاهی ایران می‌کند و با بازگشت به ایران با هدف اخلال و اغتشاش در انتخابات و ایام پس از انتخابات از طریق خط‌دهی

نیروهای آمریکایی و گروهک انجمن پادشاهی ایران اقدام به برقراری ارتباطات گسترده و فعالیت‌هایی نموده که قبل از هر گونه اقدامی توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) دستگیر شده است.

علی‌هذا با عنایت به اقرار صریح متهم طی تحقیقات قضایی انجام شده در دادسرای امنیت و اطلاعات و مستندات موجود مجرمیت متهم محرز و با انطباق عمل متهم با مواد ۵۱۳، ۵۰۰، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۷، ۱۸۶، ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۴ قانون گذرنامه با رعایت مواد ۴۲-۴۶-۴۷ محاکمه و اشد مجازات متهم مورد تقاضا می‌باشد.

سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران

### **فردا با بهنود وداع میکنیم! /**

مراسم تشییع جنازه بهنود، سه شنبه 21 مهر

دعوت کمیته بین‌المللی علیه اعدام برای حضور گسترده در مراسم وداع با بهنود شجاعی امروز پدر بهنود پیکر بهنود را از پزشکی قانونی حکومت جنایتکار اسلامی تحویل گرفت. اعدام بهنود در ایران و در دنیا موجی از خشم و انزجار را علیه حکومت اسلامی دامن زده است. چه بیرحمانه و چه سبعانه این نوجوان را کشتند و این جنایت متأسفانه اولین و یا آخرین جنایات این حکومت نیست.

دنیا امروز میدانند که اینها که در ایران حاکم هستند، قاتلین مردم ایران هستند. در پرونده سیاه اینها قتل هزاران نفر ثبت شده و بویژه قتل صدها کودک و نوجوان. کودکانی که با يك قفل پلاستیکی بر گردن،

روانه میدانهای مین شدند و جان باختند، کودکانی که در زندانها اعدام شدند و کودکانی که قربانی فقر و ناداری و بی حقوقی و تجاوز به حقوق اولیه خود شدند. اینها باید سرنگون شوند و جنایت بیرحمانه روز گذشته و قتل بهنود يك دليل محکم دیگر است که حکومت اسلامی باید سرنگون شود!

فردا با غم و درد عمیقی بهنود آخرین قربانی خودمان را بدرقه میکنیم! باید هر کدام از ما میتوانیم در این مراسم همراه پدر دردمند بهنود و خانواده او باشیم. باید نشان دهیم آنها را در این روزهای سخت تنها نمیگذاریم، باید به دنیا اعلام کنیم که از قتل این کودکان و نوجوانان منزجر و از حکومت اسلامی متنفریم.

کمیته بین المللی علیه اعدام دعوت میکند که فردا در دنیا، در هر جایی که هستید، با روشن کردن شمع، با پخش موزیک و صحبت کردن از بهنود و گرامیداشت یاد او، به یاد همه کودکان اعدام شده، مراسم برگزار کنید. عکس بهنود و دلارا دارابی و ندا و سهراب را در دست گرفته و در مراکز شهرهای بزرگ در اروپا و کانادا و امریکا و در هر جایی که هستید، یاد بهنود و جوانان جانباخته را گرامی بدارید.

بویژه از همه عزیزان در تهران و شهرهای اطراف دعوت میکنیم که راس ساعت هشت و نیم فردا سه شنبه از نشانی انتهای شیخ بهایی جنوبی، خیابان ۶۴ غربی، مجتمع یاس پلاک ۴ به سمت بهشت زهرا رفته و در این مراسم شرکت کنند. پیکر بهنود را در قطعه ۱۰۳ ردیف ۴۹ قبر ۱۴ دفن خواهند کرد.

خانواده بهنود را تنها نگذارید!

کمیته بین المللی علیه اعدام      اکتبر ۲۰۰۹



## فرانسه محکومیت احکام اعدام و به دار آویختن بهنود شجاعی را محکوم کرد

وزارت امور خارجه فرانسه در روز دوشنبه از اخبار مربوط به صدور احکام جدید اعدام در جمهوری اسلامی برای شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم ابراز نگرانی کرد.

برنارو والرو (Bernard Valero)، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه در بیانیه ای اعلام کرد خبر صدور احکام جدید اعدام پس از خبر صدور حکم اعدام برای محمدرضا علی - زمانی اعلام می شود و فرانسه این احکام را قویاً محکوم می کند. سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه در این بیانیه افزوده است که فرانسه افزون بر این اجرای حکم اعدام بهنود شجاعی در روزیکشنبه را نیز که به خاطر ارتکاب قتل پیش از رسیدن به سن هژده سالگی محکوم به مرگ شده بود محکوم می کند. در این بیانیه تأکید شده است که فرانسه و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا مجازات اعدام را در هر اوضاع و احوالی محکوم می کنند.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که محمدرضا علی- زمانی در روز هشتم ماه اوت در همان روزی که خانم کلوتیلد رییس شهروند فرانسوی متهم به جاسوسی به دادگاه آورده شده بود در دادگاه حاضر بود. خانم رییس که ۲۴ ساله است و در دانشگاه اصفهان فرانسه تدریس می کرده است به خاطر عکس گرفتن از تظاهرات مردم دستگیر و به جاسوسی متهم شده است اما در حال حاضر به

قید وثیقه آزاد و در سفارت فرانسه در تهران در انتظار صدور حکم به سر می برد. در پایان این گزارش بر این نکته انگشت گذارده شده است که با اعدام بهنود شجاعی در روز یکشنبه، شمار اعدام شدگان در جمهوری اسلامی ایران در ده ماه اخیر به ۲۳۱ نفر رسیده است. در جمهوری اسلامی ایران یک سلسله از جرائم مختلف از قتل و تجاوز گرفته تا قاچاق مواد مخدر و زنا مشمول مجازات اعدام هستند. رادیو فرانسه

## حقوق کودک و میزان رعایت آن در ایران

مصاحبه واحد حقوق کودک با محمد مصطفایی وکیل فعال در حوزه کودک  
واحد حقوق کودک مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با محمد مصطفایی، فعال حقوق بشر و وکیل دادگستری که پرونده تعداد زیادی از نوجوانان محکوم به اعدام را بر عهده دارد در خصوص حقوق کودک و میزان رعایت آن با عنایت به کنوانسیون بین المللی حقوق کودک به گفتگو نشسته است که عینا در پی می آید :

از دیدگاه حقوق تا چه حد به حقوق کودک در ایران اهمیت داده می شود؟ (منظور تمام حقوق که در کنوانسیون بین المللی حقوق کودک)

به نظر من و آن طوری که تاریخ نشان داده در این 3 دهه ای که ما در آن بودیم یا حتی قبل از انقلاب کمتر توجهی به حقوق کودکان شده. حقوق کودکان آن طور که باید و شاید نه مورد توجه مسئولین قرار گرفته و نه حتی خانواده ها. خوب ما در جامعه می بینیم که وضعیت کودکان ما در حال حاضر به چه صورتی است. ما همچنان کودکان کار را داریم کودکانی داریم که مورد آزار و اذیت خانواده های خودشان قرار می گیرند و کودکانی داریم که مورد کم لطفی و بی مهری دولت قرار می گیرند. و اگر بخواهیم جمع بندی کنیم به نظر من کودکان آن حقوقی که باید داشته باشند و نسبت به آنها ارائه شود و آن اولویت هایی که باید برایشان در نظر گرفته شود را نه ما در دولت دیدیم که وجود داشته باشد و نه در جاهای دیگری از دستگاه های حکومتی از جمله دستگاه تقنینی. ما این انتظار را همیشه

از دستگاه تقنینی داریم که بخواهد مصوبه ای را در مورد حقوق کودکان به تصویب برساند و برای آنها امتیازهایی را قائل شود و مسئولین اجرایی بخواهند آن را اجرا کنند. کمتر پیش آمده که ما در قوانین داخلیمان به حقوق کودکان اهمیت دهیم. ولی مهم ترین مصوبه ای که مجلس گذرانده در مورد حقوق کودکان و آن هم برمی گردد به مصوبات بین المللی، کنوانسیون حقوق کودک است در کنوانسیون حقوق کودک، مقررات خیلی خوبی درج شده و اهمیت ها و اولویتهایی به حقوق کودکان داده شده که ما کمتر در قوانین دیگرمان شاهد آن هستیم و اگر هم بخواهند مسئولین حتی مفاد این کنوانسیون را عمل کنند خوب خیلی از معضلاتی که کودکان دارند و در حال حاضر ما شاهد آن هستیم را می تواند برطرف کنند یعنی این اختیار را دستگاه تقنینی (قانونگذار) به دیگران به خصوص مسئولین داده که بخواهند از کنوانسیون حقوق کودک متابعت کنند و تمام مقرراتی که بر خلاف شرع نیست را اجرا کنند آنهایی که بر خلاف شرع نیست را هم شورای نگهبان طی نظریه ای اعلام کرده و هیچ ابهامی در اجرای این کنوانسیون وجود ندارد.

آیا عدم آگاهی خانواده ها و سازمان ها باعث عدم اجرای مفاد کنوانسیون شده؟ یا عدم آگاهی اطفال؟

چرا با وجود کنوانسیون، مسائل نقض حقوق کودک اتفاق می افتد (مثل کودک آزاری)؟

در مورد کنوانسیون برخی از افراد از جمله مسئولین عقیده دارند که ما می توانیم به کنوانسیون اهمیت ندهیم چون جرئی از قوانین داخلی ما نیست و یا اینکه بالاخره ضعف هایی در برخی دستگاه های اجرایی وجود دارد که به گونه ای استتکاف می کنند از اجرای کنوانسیون. ولی به هر حال می شود در دولت کارهایی انجام داد از جمله تقویت انجمن های حمایت از حقوق کودکان که در ایران کم هم نیستند یا فراهم کردن امکانی برای افراد که بتوانند با تاسیس انجمنها بتوانند قدمی بردارند برای حفظ حقوق کودکان. اما ما کمتر می بینیم در موردحقوق کودک به خصوص در مورد مسائل و مواردی که در کنوانسیون است توجهی شود.

در قضیه اعدام های زیر 18 سال وضعیت به چه صورت است؟

من قبل از اینکه به این سوال پاسخ بدم بهتر است ببینیم جایگاه کنوانسیون حقوق کودک در کشور ما به چه صورتی است. کنوانسیون حقوق کودک به دلیل ضرورت و اهمیتی که در جامعه و سطح بین الملل احساس میشد توسط اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا پذیرفته شده و ایران هم در سال 1372 این کنوانسیون را با شرطی پذیرفته است. در دی ماه سال 72 کنوانسیون وارد صحن علنی مجلس شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با یک ماده واحده ای تصویب شد که گفتند اگر در آینده یا حال مقرراتی از کنوانسیون خلاف شرع شناخته شد آن ماده قابلیت اجرا ندارد.

شورای نگهبان در بهمن ماه همان سال هم طی نظریه ای موارد خلاف را مشخص کرد که من در خیلی جاها آن را عنوان کردم:

• بند 1 ماده 12 " از سوی حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد" که گفتند خلاف شرع است یعنی آزادی عقیده را برای کودکان خلاف شرع دانستند.

• بند 1 ماده 13 " کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله‌ی انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد." که آزادی بیان را هم خلاف شرع دانستند.

• بند 2 ماده 13 اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:

(الف) بخاطر حفظ حقوق یا شهرت فردی دیگر. (ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی و یا سلامتی جامعه." بند 1 ماده 14 که در مورد آزادی اندیشه و عقیده و مذهب برای کودکان است. "حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند."

• بند 3 ماده 14 "آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنهم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد."

• بند 2 ماده 15 "اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد." که باز هم در مورد مسائل مذهبی است.

• بند 1 ماده 16 " محدودی شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند." که این را دهم از موارد غیر شرعی دانستند و گفتند خانواده ها می توانند به صورت خود سرانه در امور خصوصی دخالت کنند.

• ماده 29 " حکومت های عضو پیمان تایید می کنند که تربیت باید: (الف) شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید. (ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد. (ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین ها را تقویت کند. (د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق ها و گروههای قومی یا ملی\_ مذهبی، آماده کند. (ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند. (2) این ماده و ماده 28 اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلاق یا خدشه در آزادی

شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند 1، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند. " این را هم برخلاف شرع دانستند. اینها مواردی بودند در کنوانسیون حقوق کودک که برخلاف شرع دانسته شدند ولی موارد خیلی مهمی هستند در کنوانسیون حقوق کودک که برخلاف شرع هم دانسته نشدند ولی به آنها اهمیت هم داده نمی شود.

در کنوانسیون حقوق کودک چیزی که خیلی ارزش دارد این است که برای کودکان اهمیت و ارزش خاصی قائل شده و برای آنها امکانات خاصی در نظر گرفتند یعنی دقیقاً با توجه به روحیه کودکان و خصوصیات اخلاقی و رفتاری آنها از لحاظ روانشناسی و جامعه شناسی مورد تحقیق و بررسی قرار دادند و یک جمع بندی کردند که حاصل آن جمع بندی کنوانسیون حقوق کودک است و به خاطر همین است که از طرف کشورها مورد قبول قرار گرفته است. در مورد ماده 37 آن هم که در خصوص حق حیات برای کودکان است خوب چون روی این کنوانسیون کسانی کار کردند که دانشمند بودند و مدت ها و دهه های مختلف روی حقوق کودکان کار کردند و آمارهای مختلفی داشتند و در نهایت با توجه به شرایط و خصوصیات کودکان این مقررات تصویب شده. بنابراین وقتی می گوئیم کودک کسی است که سنش کمتر از 18 سال است یعنی واقعاً شخص زیر 18 سال از آن اراده ای که افراد بزرگسال برخوردار هستند برخوردار نیستند. بنابراین زمانی که ما می گوئیم کسی فاقد اراده است مثل مجنون. ما در مجنون می گوئیم، جنون رافع مسئولیت کیفری است یعنی کسی که جنون داشته باشد به دلیل اینکه تسلطی روی اعمالش ندارد او را نمی توانیم مجازات کنیم یا کسی که مسلوب الاختیار می شود به وسیله خوردن مشروبات الکلی. یا ما در قانون مجازات اسلامی در ماده 49 گفتیم اطفال رافع مسئولیت کیفری هستند ولی قید مشخصی را برای اطفال در نظر نگرفتیم و این یکی از خلل هایی است که در قوانین ما وجود دارد و جزو ابهاماتی است که باید حل شود. ما دقیقاً نگفتیم اطفال در چه سنی دارای مسئولیت کیفری می شوند ما مسئولیت حقوق آنها را مشخص کردیم گفتیم اگر دختری بالای 9 سال و پسری بالای 15 سال باشد طبق ماده 1210 مدنی اینها مسئولیت مدنی دارند یعنی بالغ محسوب می شود. اما آمدند تقسیم کردند گفتند ما بالغ داریم و رشید داریم. رشید کسی است که سنش بالای 18 سال است و اگر کسی سنش پائین 18 سال باشد می بایست اثبات شود که رشید است یعنی اثبات کنیم که دارای رشد فکری و عقلانی است یعنی می تواند معامله انجام دهد بنابراین کسی که سنش کمتر از 18 سال است در کشور ما نمی تواند معامله انجام دهد نمی تواند گواهینامه رانندگی بگیرد نمی توان رای بدهد ولی اگر بالای سن 18 سال داشته باشد محدودیتی ندارد ولی وقتی که همین کسی که سنش کمتر از 18 سال است مرتکب جرم می شود ما مانند بزرگسالان وی را مجازات می کنیم یعنی اگر مجازات جرمی اعدام باشد وی را اعدام می کنیم یعنی هیچ فرقی

نکرده و می گویند ما بعد از اینکه 18 سالش شد وی را اعدام می کنیم. ولی من پونده هایی دیدم که شخص به 18 سال هم نرسیده و اعدام شده. منتهی چیزی که ملاک قرار می گیرد برای اعمال مسئولیت کیفری زمان ارتکاب جرم است. یعنی اگر کسی سنش کمتر از 18 سال بود و مرتکب جرم شد باید مجازات هایی برایشان در نظر بگیریم که برای بزرگسالان نمی آوریم. کودکان باید محجراتشان متفاوت از بزرگسالان باشد. چون آنها رشد فکری نداشتند خیلی از علما و مجتهدین هم همین را می گویند مثل آقای اردبیلی و آقای مکارم شیرازی که می فرمایند رشد عقلی در مورد افراد در میزان مجازاتشان تاثیر دارد. بنابراین نباید مجازات اعدام در این موارد صورت بگیرد.

آیا در این زمینه اصلاحات قانونی صورت گرفته است؟

ببینید وقتی کنوانسیون حقوق کودک به تصویب رسید یعنی یک قانون به تصویب رسید طبق ماده 9 قانون مدنی ما تمامی عهودی که طبق قانون اساسی به تصویب می رسد و ایران به آنها می پیوندد لازم الاجراست و در حکم قانون است و با قانون هیچ فرقی ندارد و تمام مراجع قضایی و اجرایی مکلفند این قوانینی که در مجلس به تصویب رسیده را اجرا کنند و کنوانسیون حقوق کودک هم یک قدم به جلو بوده منتهی به آن عمل نمی شود. من تا به حال ندیدم در خصوص یک رای استناد شود به مفاد کنوانسیون حقوق کودک که مثلاً به استناد فلان ماده کنوانسیون حقوق کودک این مجازات برای فرد درست نیست.

وضعیت پرونده هایی که شما در خصوص اعدام های زیر 18 سال دارید به چه شکل است؟ من می توانم بگویم تمام کسانی که کمتر از 18 سال مرتکب جرم می شوند وضعیت واقعاً خطرناکی دارند وقتی آن فرد متوجه می شود که حکم به محکومیتشان صادر شده از حالات عادی خارج می شوند و وضعیت روحی روانی آنها به شدت به هم می ریزد و هر زو خواب اعدام می بینند و به همین دلیلی خیلی از آنها دوست دارند تکلیفشان زودتر معلوم شود چون وقتی آن فرد هر روز در تنهایی خودش کابوس طناب دار را ببیند دیگر مرده است. بنابراین هیچ کدام از آنها وضعیت خوبی ندارند. وقتی ما می گوئیم به نام خداوند بخشنده مهربان، این بخشندگی و مهربانی برای بنده های خدا هم هست مخصوص خدا نیست باید ما هم عمل کنیم. ولی من تا به حال متأسفانه این بخشندگی را برای کودکان ندیدم. دستگاه قضایی ما این خلل را دارد که اکثر قضات می گویند خوب اگر یک نفر کسی را کشت (دختر بالای 9 سال و پسر بالای 15 سال) باید اعدام شود یعنی این باید وجود دارد و بنابراین حکم به اعدام می دهند. ما نباید ببینیم که در آینده چه تغییراتی صورت خواهد گرفت وقتی ما یک مقرراتی داریم باید به آن عمل کنیم. من ندیدم یک قاضی این جرات و جسارت را داشته باشد که به استناد کنوانسیون حقوق کودک رای صادر کند در صورتی که کنوانسیون حقوق کودک یک قانون است در کشور ما. ماده 37 کنوانسیون صراحت دارد در ممنوعیت اعدام کودکان "حکومت ها

تضمین می کنند که: الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است. ب) توقیف و حبس های غیرقانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود. ج) با هر کودکی که در حبس بسر می برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی. د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود. " یعنی اهمیت حیثیت و آبروی کودکان به دلیل اینکه سرمایه های آینده هستند به قدری زیاد است که دقیقاً در این ماده رفتارهای تحقیر آمیز و بی رحمانه و غیر انسانی را ممنوع کردند. یعنی افراد زیر 18 سال نباید به مجازات اعدام محکوم کنیم.

در خصوص مسئله کودک آزاری چه در خانواده و چه هارج از آن وضع به چه صورت است؟ و قانون گذار چه پیش بینی هایی کرده؟

در مورد کودک آزاری هم کنوانسیون حقوق کودک راهکارهای بسیار خوبی در نظر گرفته که اگر ما بخواهیم اعمال کنیم می توانیم جلوی کودک آزاری را بگیریم. باید ریشه کودک آزاری را پیدا کنیم. ما وقتی در سال نشریات را نگاه می کنیم می بینیم به کرات موارد کودک آزاری داشتیم. کودک آزاری به حدی می رسد که یک والدین بچه خودشان را به قتل می رسانند. باید ببینیم ریشه اینها چیست و به نظر من از یک طرف خانواده و از طرف دیگر دولت مسئول است. هم باید خانواده به مسئولیت خودش عمل کند و هم دولت باید پشتیبان کودکان باشد. دولت باید برای حقوق کودکان ارزش قائل باشد و باید کودکی که مورد آزار واقع می شود آن حس را داشته باشد که دولت پشتیبان اوست و خانواده یا کسی که کودکان را آزار می دهد باید این ترس را داشته باشد که اگر کودکان را آزار دهد با دولت طرف است و برایش مجازات تعریف می شود. متأسفانه ما این مورد را ریشه یابی نمی کنیم. یک مسئله ای که باعث این قضیه می شود که به عینه مشاهده نمی شود مسئله فقر در خانواده هاست. اگر پدر و مادری از لحاظ اقتصادی وضعیت خوبی نداشته باشد و نتواند فشارهای خارجی را تحمل کند اینها درون خانواده می آورد و نمی تواند آموزش و پرورش خوب برای کودکان در نظر بگیرد و یکی از حقوق اساسی کودکان را که همان حق تفریح است نمی تواند برایشان مهیا کند و با عصبانی شدن آن را بروز می دهد. در حقیقت مشکلات به خانواده بروز کرده و بچه را اذیت

می کند. جامعه با دست این پدر و مادر را گرفتن و با کمک های مالی و معنوی کردن یا مشاوره و مدد کاری کردن می تواند این تضمین را برای بچه در نظر بگیرد که اگر این پدر مادر دغدغه و مشکل نداشته باشند، بتوانند تربیت کودکانشان برسند. یکی دیگر از مواردی که باعث کودک آزاری می شود همان اختلافات خانوادگی است وقتی دو نفر در خانواده اختلاف زناشویی داشته باشند بچه را مورد شکنجه و ظلم قرار می دهند. ولی تمام اینها را دولت می تواند حل کند.

آیا مجازاتی هست برای کودک آزاری و نقض این موارد؟

ما در قانون مجازات اسلامی گفتیم تربیت به عهده پدر و مادر است هر چند من عقیده دارم یک بخش تربیت بر عهده والدین است بخش عمده اش بر عهده دولت است. آموزش و پرورش رایگان بر عهده دولت است. یعنی تربیت افراد پس از ورود به جامعه یعنی سن 7 سالگی باید دولت آن را تربیت کنند ولی تا زمانی که کودک در خانه است پدر و مادر وظیفه دارند. حالا قانون می گوید پدر و مادر می توانند تنبیه هم بکنند ولی این تنبیه به معنی آزار و اذیت و ضرب و جرح و شکنجه و توهین به کودک نیست و هر کسی بخواهد به بچه آسیب برساند مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. ولی بحثی که وجود دارد ایاست که کودکی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرد هیچ پشتیبانی ندارد و نمی داند باید به کجا برای گرفتن حقوقش برود. مدرسه این آموزش ها را نمی دهد و البته همسایه ها هم کوتاهی می کنند. در برخی کشورها اگر همسایه ای ببیند که خانواده ای کودکشان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند باید به پلیس زنگ بزن و گرنه برایش مجازات در نظر می گیرند. من بارها شده در خصوص کودک آزاری خودم شکایت کردم به عنوان یک شخص عادی چون در جرایم عمومی هرکسی می تواند شکایت کند و بعد از آن قوه قضائیه باید پیگیری کند که مصلحت کودک چیست اینکه پیش پدرش باشد یا پیش مادرش یا اینکه در بهزیستی. ما خانواده هایی داشتیم که بچه خودشان را با اتو سوزاندند و خوب اینها صلاحیت نگهداری بچه را ندارند. متأسفانه ما شهروندانمان راه های اعلام جرم را نمی دانند و مراکزی هم نیستند که به اینها اعلام کنند. صدا سیما وظیفه اش این است که آنچه که در کنوانسیون است و آنچه که در قوانین جاری کشورمان هست در خصوص حقوق کودکان می بایست آموزش دهد و نشریات و صدا سیما به خوبی میتوانند این مسائل را آموزش دهند و به خوبی می توانند از اینها حمایت کنند با فرهنگ سازی و آگاه کردن کودکان و مردم. چون کودکان آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند. آموزش و پرورش هم می تواند به راحتی آموزش دهد و فرهنگسازی کند. چون ما 15 میلیون دانش آموز داریم در سطح کشور و تنها مرجعی است که ارتباط نزدیک هم با کودکان و هم با خانواده ها دارد همان آموزش و پرورش است به نظر من بودجه ای به آموزش و پرورش باید داده شود که در کنار آموزش، خواسته های مادی و معنوی کودک را برطرف کنند اگر خانواده ای از عهده این موارد بر نمی آید آموزش و پرورش کمک کند. حتی



ماه‌یانه به کودک یک مبلغی را به عنوان حقوق بدهند تا بتواند از حق تفریح و دیگر حقوق خود استفاده کند. به نظر من در کنار بقیه سازمانها، آموزش و پرورش می‌تواند بیشترین نقش را داشته باشد.

NGOها و فعالین حقوق کودک چه نقشی می‌توانند در بهبود وضعیت حقوق کودک داشته باشند؟ ان جی او ها نقششان کمتر از نقش خانواده و دولت نیست. انجمنهایی که از حقوق کودکان دفاع می‌کنند الان به صورت تخصصی کار می‌کنند مثلا انجمن برای کودکان کار. این انجمن ها کودکان و خواسته هایشان را شناسایی میکنند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند پس این انجمن ها می‌توانند نقش خیلی خوبی داشته باشند و اما تاسف بر انگیز این است که اینها از طریق دولت حمایت نمی‌شوند. نیاز نیست دولت خودش وارد شود و دخالت کند فقط کافی است به آنها بودجه دهد و تعداد انجمن ها را زیاد کند. انجمن ها می‌توانند نقش خوبی داشته باشند به شرط اینکه حمایت شوند و از طرف دولت بودجه خوبی به آنها داده شود. متاسفانه اگر یک انجمن خیلی هم خوب کار کند ولی از خارج از کشور کمک مالی بگیرد به آن اعتراض می‌کنند و جلوی کار آن را می‌گیرند که شما اقدام علیه امنیت ملی کردید. در مورد انجمن های دفاع از حقوق زنان ما این را دیدیم. پس از این طریق که نمی‌شود کار کرد با جیب خالی هم که نمی‌شود پس اگر دولت کمک نکند کم کم این انجمن ها هم نابود می‌شوند. خیلی از انجمن ها دارند با دل و جان کار می‌کنند قط نیاز به حمایت دارند و پس تاثیر کار انجمن ها کمتر از خانواده ها نیست. اگر انجمن ها تقویت شوند ما دیگر کودکان کار نخواهیم داشت، کودک آزاری نخواهیم داشت، کودکان بدسرپرست نخواهیم داشت چون انجمن ها می‌توانند سرپرست آنها باشند. می‌توانند برای کودکان کار جور کنند ولی همه اینها نیاز به بودجه دارد

## بهنود شجاعی به خاک سپرده شد

بنابه گزارشات رسیده از بهشت زهرا، پیکر بهنود شجاعی با حضور تعداد زیادی از مردم و وکیل وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مراسم خاک سپاری بهنود شجاعی که از ساعت 10:00 صبح آغاز شده بود تا ساعت 12:30 ادامه داشت. در این مراسم تعداد زیادی از خانواده، بستگان، دوستان و مردم شرکت داشتند. تعداد کسانی که در این مراسم حضور داشتند بش از 200 نفر تخمین زده می‌شد. مراسم با حزن و اندوه فراوان همراه بود.

تعداد از فعالین حقوق کودک و حقوق بشر با در دست داشتند دست نوشته های مخالفت خود را با اعدام و بخصوص اعدام کودکان ابراز می‌داشتند.

خانواده شجاعی بخصوص پدرش گفت اظهار داشت مرگ بهنود باعث خواهد شد که از خونریزی بیشتر کودکانی که در آستانه اعدام قرار دارند را پیشگیری کند و در این راستا تلاش خواهد کرد که جان کودکان اعدامی را نجات دهد.

اعدام بهنود شجاعی نقش آشکار قوه قضائیه که در پشت خانواده های مقتولین پنهان شده را عیان کرد و این سیاستی است که برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه دنبال می‌شود. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، خواهان لغو حکم اعدام و بخصوص اعدام کودکان در ایران است. و از کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات عملی و فوری برای نجات جان بیش از 100 کودک که در انتظار حکم اعدام بسر می‌برند است. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران 21

مهر 1387 برابر با 13 اکتبر 2009

## اعدام سه نوجوان به نامهای صفر انگوتی، محمدرضا حدادی و امیر امرالهی

پس از مرگ بهنود شجاعی نوبت به سه نوجوانی رسیده است که سن کمتر از ۱۸ سال به اتهام قتل عمد دستگیر و راهی زندان شده اند. صفر انگوتی در ۲۹/۷/۱۳۸۸ به پای چوبه دار خواهد رفت و محمدرضا حدادی و امیر امرالهی نیز بر حسب شنیده ها در هفته آینده اعدام خواهند شد. تلاشهای فراوانی برای جلب رضایت اولیاءدم و توقف اجرای حکم آنها شده ولی متاسفانه تاکنون به نتیجه مطلوبی نرسیده است.

### اعتیاد والدین منشاء رو به رشد کودک آزاری



کودک آزاری به عنوان یک پدیده زشت اجتماعی این روزها ابعاد جدیدی به خود گرفته است و در حالی که بسیاری از مردم بر این باورند که کودک آزاری فقط شامل آزار جسمی و جنسی کودکان می شود اما واقعیت این است که کودک آزاری عاطفی یا روانی و همین طور غفلت یا ناتوانی والدین در برآورده کردن نیازهای کودکان، از دیگر ابعاد کودک آزاری است. کودک آزاری به عنوان یک پدیده

زشت اجتماعی این روزها ابعاد جدیدی به خود گرفته است و در حالی که بسیاری از مردم بر این باورند که کودک آزاری فقط شامل آزار جسمی و جنسی کودکان می شود اما واقعیت این است که کودک آزاری عاطفی یا روانی و همین طور غفلت یا ناتوانی والدین در برآورده کردن نیازهای کودکان، از دیگر ابعاد کودک آزاری است که کمتر مورد توجه قرار می گیرد بنابراین با این تعریف گسترده، متأسفانه بسیاری از کودکان قربانی آزار و اذیت بزرگسالان می شوند و این در حالی است که پدیده کودک آزاری در نقاط محروم و دورافتاده که مردم با مشکلات اجتماعی بیشتری دست و پنجه نرم می کنند، بیشتر نمود می یابد.

به گزارش هرانا به نقل از روزنامه خراسان، یکی از این مناطق، استان کرمان است که در آن شاهد روند روبه رشد این پدیده هستیم به طوری که به گفته مدیرکل بهزیستی کرمان ۹۹ درصد کودکان خیابانی که در واقع نمادی از خانواده هایی با مشکلات عدیده اجتماعی هستند سابقه کودک آزاری دارند. این مسئول، عمده دلایل کودک آزاری در این استان را اعتیاد والدین، طلاق و مشکلات روانی والدین ذکر کرد. به هر شکل در حالی که کودک آزاری خفیف یا خاموش در بسیاری از خانواده ها در نقاط مختلف کشور مشاهده می شود اما به دلیل این که این نوع کودک آزاری ها کمتر در جامعه بروز می کند توجه چندانی به این موارد که تبعات منفی زیادی هم برای کودکان در پی دارد نمی شود و در مقابل، کودک آزاری در خانواده هایی که دچار نوعی از هم گسیختگی هستند، بیشتر بروز می کند. به طور کلی، کودک آزاری یا بدرفتاری با کودک عبارت است از هر نوع ضرب و شتم یا جراحت فیزیکی یا روانی یا تحقیر کودکان تا سن ۱۸ سال که تاثیر ماندگاری بر وضعیت بدن یا روان آن ها برجای می گذارد. اگر در این میان نگاهی به آمارهای ارائه شده توسط مسئولان بهزیستی و دیگر مسئولان مرتبط با کودک آزاری داشته باشیم و یا حتی با نگاهی موشکافانه سری به خیابان های شهر کرمان بزنیم به راحتی موارد زیادی از کودک آزاری را مشاهده می کنیم که همه این ها حکایت از روند رو به رشد این پدیده در کرمان دارد. در این راستا یک روان شناس اجتماعی گفت: کودک آزاری، آثار زیان باری بر رشد و نمو طبیعی و جسمی کودک دارد. «ایزدی» افزود: عوامل خطر سازی مانند مصرف موادمخدر توسط والدین، طلاق، افسردگی مادر و خشونت در محیط خانه، از جمله عوامل قوی برای سوءرفتار و در نتیجه کودک آزاری محسوب می شود. وی با بیان این که در استان کرمان و در مقیاس وسیع تر در سطح کشور، کودک آزاری در سوءرفتار جسمانی خلاصه می شود، تصریح کرد: این در حالی است که باید کودک آزاری از لحاظ سوءرفتار روانی، هیجانی و جنسی بررسی و تعریف شود. وی خاطرنشان ساخت: در هر منطقه و ناحیه ای با توجه به نوع فرهنگ آن و وسایل و ابزارآلات در دسترس والدین، نحوه کودک آزاری و علایم متفاوت است. وی اظهار داشت: در خانواده های معتاد و سیگاری برخی از والدین با استفاده از سیگار، آتش و ابزار

آلات مصرف موادمخدر دست به کودک آزاری می زنند. وی تصریح کرد: کودکانی نیز که به واسطه اعتیاد والدین، دست به تکدی گری می زنند یا به مشاغل سختی رومی آورند که با سن و سال آن ها تناسب ندارد، درگیر نوعی کودک آزاری هستند. معاون اجتماعی اداره کل بهزیستی کرمان نیز اظهار داشت: طی سال گذشته ۴۴۱ مورد کودک آزاری در کرمان گزارش شده است که عامل اصلی این معضلات اجتماعی، اعتیاد و ضعف بنیان خانواده هاست. «زهر لری» با ابراز تاسف از این که دو مورد از کودک آزاری ها منجر به فوت شده است افزود: در پی وقوع آسیب های اجتماعی در بیشتر موارد، صلاحیت خانواده در تصدی گری کودک سلب شده است. وی تصریح کرد: برخی از کودکان نیز پس از مشاوره با خانواده، برای ننگه داری به والدین خود برگردانده شده اند. وی اعتیاد را سرمنشاء بسیاری از آسیب های اجتماعی دانست و اظهار داشت: اعتیاد در نهایت منجر به سست شدن بنیان خانواده و بروز آسیب های اجتماعی می شود. وی مهم ترین آسیب های اجتماعی در کرمان را به ترتیب خشونت خانوادگی، همسر آزاری و کودک آزاری عنوان کرد. وی با اشاره به لزوم فرهنگ سازی و همکاری همه دستگاه ها برای مبارزه با کودک آزاری اضافه کرد: شیوع این مسئله با توجه به جامعه سنتی کرمان ممکن است جامعه را دچار بحران کند.

به گفته وی متولی پیمان نامه حقوق کودکان تا ۱۸ سالگی افراد، بهزیستی است. اما بهزیستی به تنهایی نمی تواند در این راستا تاثیرگذار باشد. مدیرکل بهزیستی استان کرمان هم گفت: سال گذشته ۲۷۴ کودک خیابانی پذیرش شده اند که از این تعداد، ۹۹ درصد سابقه کودک آزاری دارند. «صادق زاده» افزود: امسال نیز ۳۸ کودک مورد پذیرش قرار گرفته اند که بیشتر آن ها سابقه کودک آزاری دارند. وی آمار کودکان بی سرپرست و بدسرپرست تحت پوشش این سازمان را، ۳ هزار و ۴۰۰ نفر اعلام کرد و اظهار داشت: ۵۴ مرکز شبه خانواده در استان، کار حمایت از کودکان را برعهده دارند. وی فراهم کردن امکانات اولیه یک زندگی مناسب، ارائه خدمات تخصصی در زمینه روان شناسی و مددکاری و خدمات پزشکی را از جمله وظایف این مراکز دانست. وی اظهار داشت: از ابتدای راه اندازی اورژانس اجتماعی در کرمان، ۲۳۳ مورد کودک آزاری در استان شناسایی شده است. وی عمده دلایل کودک آزاری ها در استان کرمان را اعتیاد والدین، طلاق، مشکلات روانی والدین، تولد ناخواسته کودک، ازدواج مجدد و نیز معلولیت کودک برشمرد و تصریح کرد: دولت ها موظفند از کودکان در مقابل غفلت خانواده ها، آزار جسمی و جنسی و مقوله اعتیاد حمایت کنند که راه اندازی اورژانس اجتماعی و تلفن ۱۲۳ توسط سازمان بهزیستی کشور در راستای انجام این حمایت ها صورت گرفته است. به گفته وی، مشاوره، حمایت های قانونی از کودک، اسکان کودک آسیب دیده و حمایت مادی از کودکان، از دیگر فعالیت های اورژانس اجتماعی برای کاهش آسیب های وارده بر کودکان است.

## اعدام کودکان را لغو کنید

عمادالدین باقی در کتاب جدید خود به بحث لغو اعدام کودکان بر اساس قوانین شرعی و بین المللی می پردازد.

23 مهر 1388- شبکه عربی اطلاعات حقوق بشر در همکاری با کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ترجمه عربی کتاب "مسئله اعدام های زیر 18 سال در ایران، ریشه ها و چاره های فرهنگی و فقهی" را منتشر کرد که نوشته عماد الدین باقی؛ مدافع حقوق بشر ایرانی و برنده جایزه مارتین انالز برای حقوق بشر در سال 2009 است.

عمادالدین باقی تحقیق جامعی را در مورد اعدام کودکان بعنوان مجازاتی که هنوز در برخی از کشورهای اسلامی اعمال می شود در این کتاب عرضه کرده است. مطالعه باقی مبتنی بر مباحث حقوقی در قوانین اسلامی و بین المللی است که در آن باقی به این جمع بندی می رسد که پایان دادن به هر شکلی از اعدام یک ضرورت است از جمله محکومیت اعدام کودکان بخاطر جرایمی که در سن کمتر از 18 سالگی مرتکب شده اند.

کتاب "مسئله اعدام های زیر 18 سال در ایران، ریشه ها و چاره های فرهنگی و فقهی" جلد دوم کتاب "حق حیات" عمادالدین باقی است که در آن باقی بر لغو اعدام کودکان تمرکز کرده و این بحث را تا آنجایی پیش می برد که نشان میدهد که قوانین اسلامی از لغو اعدام کودکان حمایت می کنند و ادامه می دهد که کشورهای اسلامی می توانند این مجازات را از قوانین مجازات خود حذف کنند.

نویسنده این کتاب مبنای حقوقی و عقلانی اعدام کودکانی که در سن کمتر از 18 سالگی مرتکب جرمی شده اند را در کشورهایی که قوانینشان بر مبنای شریعت اسلامی است، و ایران یکی از این کشورهاست، مورد تحلیل قرار می دهد و به این جمع بندی می رسد که توقف چنین مجازاتی یک ضرورت است. منابع ارجاعی باقی در این مطالعات، آیه های قرآنی؛ قوانین حقوق اسلامی و اصول حقوق بشر است.

کتاب "اعدام کودکان؛ تحقیقی در ریشه ها و راه های قانونی توقف آن" همانند جلد اول آن بخاطر مباحث جسورانه در نقد قانون مجازات در ایران و همچنین مخالفت باقی با برخی از تفاسیر قوانین اسلامی، در ایران ممنوع الانتشار است. عمادالدین باقی بخاطر فعالیت های تحقیقاتی خود در دفاع از حقوق بشر زندانی شد و این تحقیق را در حالیکه در اوین بود ادامه می داد. باقی در تیرماه 1387 از زندان آزاد شد.

عمادالدین باقی بخاطر فعالیت های برجسته حقوق بشری خود و بویژه تلاش برای پایان دادن به مجازات اعدام، جایزه مارتین انالز برای حقوق بشر را در سال 2009 میلادی که یکی از مهمترین

جوایز حقوق بشری است دریافت کرد. آقای باقی از طرف 10 سازمان معروف حقوق بشری برای دریافت این جایزه کاندیدا شده بود.

شبکه عربی اطلاعات حقوق بشر و کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران این کتاب را بعنوان یک سند ارزشمند برای کمک به سیاستگذاران، قانونگذاران و متفکرین در کشورهای اسلامی منتشر کرده است تا به آنها اطمینان دهد که مبنای حقوق اسلامی با تلاش برای لغو مجازات اعدام بویژه اعدام کودکان در تضاد نیست و به این ترتیب به آنها کمک می کند تا قوانین جدید را بر اساس منابع اسلامی و معیارهای حقوق بشر تنظیم کنند.

این کتاب برای پاسخ و بحث درباره چهارمسئله تحریر شده است:

1- در ایران علیرغم پذیرش میثاق بین المللی مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک اما همچنان حکم اعدام برای افراد زیر 18 سال صادر یا اجرا می شود.

2- دلایل و زمینه های مذهبی، فرهنگی و حقوقی ادامه صدور احکام اعدام کودکان چیست؟

3- آیا راه حلی برای مشکل (این نوع خشونت علیه کودکان) وجود دارد؟

واقعیت و چند و چون احکام صادر شده در ده سال گذشته چیست؟

نویسنده کتاب، وجود تفکر سنتی فقهی را یکی از مشکلات می داند و ارایه اجتهادی نو برای تاثیرگذاری بر نظام قانون گذاری در این زمینه را مهم ترین راه حل قلمداد می کند. او اهداف خود را، حساس سازی افکار عمومی نسبت به این نوع خشونت علیه کودکان، حساس سازی دستگاه قانون گذاری، ارائه دیدگاه فقهی نو برای تسهیل حل مشکل و تاثیر بر دستگاه قانون گذاری خوانده است. در این زمینه سابقه ای در تحقیقات فقهی وجود ندارد.

این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول، بحث نظری و بخش دوم بحث آماری و نقد پرونده ها است. هرچند این تحقیق از 1385 آغاز شده و مباحث این کتاب همزمان با اجرای تحقیق به مناسبت های گوناگون منتشر می شده و بخشی از آن که در خرداد 1386 در روزنامه هم میهن منتشر شد و توسط همکاران عفو بین الملل به انگلیسی ترجمه و انتشار یافته و کتاب در نسخه های محدود میان برخی از روحانیون و مسئولان قضایی و پارلمانی توزیع گردید اما با پیگیری های کمپین بین المللی حقوق بشر و ترجمه آن به عربی توسط شبکه عربی حقوق بشر متن کامل کتاب برای اولین بار توسط کمپین انتشار می یابد.

خلاصه کتاب چنین است که دیدگاه «عدل مقیاس دین است نه دین مقیاس عدل» را تئوری پایه قرار داده و در چند بخش به استدلال برای نفی اعدام و قصاص افراد زیر 18 سال می پردازد و 13 دلیل و قاعده فقهی و حقوقی را بیان می کند.

- 1- دلیل اول، همان دلایل کلی لغو اعدام در شریعت است که در جلد نخست کتاب حق حیات مورد بحث قرار گرفته است.
- 2- دلیل دوم، حجیت عرف و سیره منتشره است و لغو اعدام زیر 18 سال در کشورهای اسلامی را یک دلیل شرعی می‌داند.
- 3- نظریه اتحاد حد بلوغ برای عبادات و مجازات را نقد کرده است و نشان می‌دهد بلوغ جنسی دلیل بر مسئولیت مدنی و کیفری نیست. در این زمینه به بیان دیدگاه فقهای معاصر و نقد برخی از آنها پرداخته است.
- 4- در تکمیل بحث قبلی، "تفاوت رشد و بلوغ" را توضیح می‌دهد و دلیل شرطیت رشد (نه بلوغ) را برای مجازات کودکان ذکر می‌کند.
- 5- در این بخش می‌خواهد نشان دهد که حتی با فرض اصل گرفتن بلوغ هم نمی‌توان سن ثابتی را آنهم سن کم را مبنا قرار داد و طیفی بودن مفهوم بلوغ را در قرآن و اینکه بلوغ را در سن معینی نمی‌داند توضیح می‌دهد تا نشان دهد معدل 18 سال یا اندکی کم و بیش با آنچه در قرآن آمده قابل قبول تر است. کتاب فوق در سه قاعده اخیر می‌خواهد اثبات کند که معیار مکلف شدن شخص در عبادات غیر از معیار کیفر است.
- 6- در بحث «منع قصاص برای قتل‌های اتفاقی» با استناد به آمار و مستندات بخش دوم کتاب نشان می‌دهد که تعداد زیادی از محکومان به قصاص کسانی هستند که بدون برنامه و تصمیم و سوء نیت مرتکب قتل شده‌اند و طبق قوانین فعلی ایران هم مجازات آنان مجازات قتل شبه عمد است نه قصاص. در اینجا به بحث‌هایی درباره نقش وراثت و محیط و اینکه کودکان مجرم، محصول و قربانی اجتماعی شدن نادرست هستند پرداخته است.
- 7- "قاعده سلطه" درباره حق تسلط افراد بر مال خویش بحث می‌کند و اینکه اولویت قطعی عقلی و شرعی در حفظ جان نسبت به مال، بطریق اولی حکم می‌کند که نظر شارع در مورد مسوولیت‌های کیفری منجر به قتل، باید مبتنی بر رسیدن فرد به سن رشد باشد.
- 8- "قاعده شبهه و درء" می‌گوید با ورود کمترین شبهه ای، اجرای حدود و قصاص متوقف می‌شود و لذا براساس ابعاد روانشناختی و جامعه‌شناختی جرم کودکان، کل جرائم جنایی در سنین کمتر از 17 یا 18 سال مشمول قاعده درء می‌شود.
- 9- قاعده آسانگیری که آیات و روایات مختلفی برای آن ذکر شده است توضیح می‌دهد هر جا میان دو امر دارای "مشقت" و "آسانی" و یا آنچه "رحمانی‌تر" و "سودمندتر" برای جامعه یا فرد است یا "سخت‌تر" و "خشن‌تر"، کدام یک را باید برگزید. این قاعده در اصل در پی ایجاد و تقویت فرصت‌های زیست و بهبود برای انسان‌هاست از این رو قاعده فوق حکم می‌کند که در زمینه



مجازات برای کودکان و افراد زیر 18 سال، اصل بر آسانگیری و ایجاد فرصت و اصلاح آنها باشد نه بر کشتن.

10- پس از آنکه در بحث های قبلی ثابت می شود که افراد با معدل سنی زیر 18 سال مسئولیت کیفری ندارند و باید در کانون های اصلاح و تربیت حبس شوند نه اینکه اعدام گردند، در قاعده «اولویت منع اعدام کودکان نسبت به کودکان جنگی» توضیح داده می شود که چگونه هنگامی که از نظر شرع اسلام در شرایط جنگی اگر کودکان در حال رزم و مسلح نیز اسیر شوند کشتن آنها جایز نیست اما در شرایط عادی که ممکن است تحت تاثیر عواملی خارج از اختیار یا رشد خود مرتکب جنایت شوند به مجازات سنگین می رسند؟

11- قاعده «مصلحت قصاص» در واقع بحثی است که در جلد نخست کتاب بطور مشروح مورد بحث قرار گرفته و با دلایل قرآنی و تفسیری نشان داده است اجرای قصاص مشروط به این است که حیات اجتماعی را تضمین کند و اگر ثابت شود که چنین مصلحتی در آن وجود ندارد به استناد خود قرآن باید تعطیل شود. وقتی این قاعده درباره افراد عاقل و بالغ صدق می کند به طریق اولی درباره کودکان بیشتر صدق خواهد کرد.

12- در بحث «استفاده از اصل حقوقی تعلیق مجازات» توضیح می دهد که فلسفه این اصل بازپروری مجرم است نه نابودی یا حذف جزیی یا کلی مجرم و با همین مبنا نمی توان اعدام کودکان را از این اصل و فلسفه آن استثنا کرد و باید به آنان نیز فرصت اصلاح شدن داد.

13- دلیل فطرت از مهم ترین بحث های کتاب است که نشان می دهد این مقوله مهم تاکنون بیشتر در مباحث کلامی مطرح بوده و در علم حقوق وارد نشده است در حالی که اگر بحث فطرت وارد علم حقوق شود معنای آن استفاده از اسلوب عقلانی یا سیره عقلا یا خرد بشری در استنباط احکام و قوانین است و قاعده فطرت هم حکم می کند که کودکان و افراد زیر 18 سال نباید اعدام شوند. بخش دوم کتاب به بررسی دقیق تمام مطبوعات ده سال گذشته پرداخته و بر اساس این مستندات و برخی احکام صادره دادگاهها برای اولین بار آمارتکان دهنده دقیق و مستندی از کل کودکان محکومان به اعدام در ده سال اخیر که به 175 نفر رسیده است و احکام اجرا شده و منتظرین اجرای حکم ارائه داده هرچند آن را حداقل آمار واقعی می داند. در بخشی از آنهم به عنوان نمونه به نقد چند حکم دادگاه پرداخته است.

در نهایت اینکه کتاب حق حیات 2 نشان می دهد اعدام های زیر 18 سال نه تنها برخلاف حقوق بشر و کرامت انسان که برخلاف شرع بوده و اگر تاکنون انجام شده به دلیل عدم توجه و اجتهاد در این زمینه بوده است در حالی که ادله کافی بر حرمت و ممنوعیت شرعی آن دلالت دارد و دیگر نباید اجرا شود.

## اتحادیه اروپا اعدام بهنود شجاعی را محکوم کرد



رئیس سوئدی اتحادیه اروپا گفت «این اتحادیه در مورد تداوم استفاده وسیع از مجازات مرگ در ایران، از جمله؛ موارد مکرر اعدام اشخاصی که در سنین زیر 18 سال مرتکب جرم شده اند، نگران است.»

شجاعی به اتهام قتل در ماه ژوئن 2005 در سن 17 سالگی دستگیر شده بود. اعدام او در زندان اوین تهران یک روز بعد از روز جهانی مخالفت با مجازات مرگ، اتفاق افتاد. روز یکشنبه، فرانکو فراتینی، وزیر امور خارجه ایتالیا، اظهارداشت از اعدام شجاعی «عمیقاً تکان خورده است.»

فراتینی همچنین وضعیت حقوق بشر در ایران را «خطرناک» توصیف کرد. وی در بیانیه ای گفت: «آنچه اکنون در ایران اتفاق می افتد، خطرناک و تهدید کننده حقوق بشر است و قلب آزاد اندیشان را به درد می آورد و رهبران ایران را منزوی و از گفتگو محروم می کند.» فراتینی اظهار داشت در مذاکرات میان قدرت های بزرگ و ایران در مورد برنامه هسته ای، «نمی توان حقوق بشر را از نظر دور داشت.»

وی در اشاره به مذاکرات 1 اکتبر، گفت: «حفظ زندگی انسان ها و حقوق اساسی بشر، پیش شرطی لازم برای تحکیم فضای اعتمادی است که با مذاکرات ژنو آغاز شد.»

به گزارش عفو بین الملل، از سال 1990 حداقل 41 نفر که گفته می شود مجرمان نوجوان بوده اند، در ایران اعدام شده اند، و دست کم 4 تن از این افراد در سال 2009 اعدام شده اند. گفته می شود 140 مجرم نوجوان در نوبت اعدام قرار دارند.

منابع: تارنمای رئیس سوئدی اتحادیه اروپا، تارنمای وزیر امور خارجه ایتالیا، تارنمای عفو بین الملل

=====

واشنگتن، 14 اکتبر (تلویزیون واشنگتن) — با گذشت سه روز از اعدام بهنود شجاعی، نوجوانی که سالها قبل مرتکب قتلی کودکانه شده بود، سه نوجوان دیگر نیز، طی اتحادیه اروپا روز سه شنبه اعدام بهنود شجاعی، یک نوجوان مجرم، در تاریخ 11 اکتبر در ایران را محکوم کرد.

روزهای آینده پای چوبه دار خواهند رفت. در عین حال چهار نوجوان دیگر در شهرهای دیگر در انتظار اجرای حکم اعدام قرار دارند.

سه نوجوان در معرض حکم اعدام، صفر انگوتی، محمدرضا حدادی و امیر امرالهی نام دارند و چهار نوجوانی که در شهرستانهای دیگر و در آینده نزدیک قرار است اعدام شوند، بهمن سلیمیان در اصفهان، عباس حسینی در مشهد، رحیم احمدی و محمد جاهدی در شیراز می باشند که هر لحظه امکان دارد جانشان گرفته شود.

بنا به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری فعالان حقوق بشر در ایران، صفر انگوتی، نوجوانی که طبق قرار قوه قضائیه، قرار است ۲۹ مهر (21 اکتبر)، به پای چوبه دار برود، در زمان ارتکاب قتل ۱۷ سال داشت. وی طی نزاعی کودکانه، نوجوانی دیگر را به قتل رساند و سپس خود را به پلیس معرفی کرد. شعبات ۷۱ کیفری استان تهران و ۱۱ دیوانعالی کشور نیز، بدون توجه به سن وی، او را به اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم کرده اند.

همین گزارش خاطرنشان می کند که محمدرضا حدادی نیز، که زمان دستگیری ۱۵ سال داشت، متهم است که در جریان یک سرقت گروهی در اطراف شیراز، راننده ای را به قتل رسانده است. این گزارش همچنین از «فریب حدادی توسط دیگر متهمین پرونده جهت پذیرفتن قتل در مراحل اولیه» و «انکار قتل در مراحل بعدی پرونده توسط وی» خبر داد.

خبرگزاری هرانا، همچنین از اعدام قریب الوقوع امیر امرالهی که زمان دستگیری ۱۶ ساله بوده خبر می دهد و اتهام او را قتل طی یک نزاع بچه گانه در شیراز اعلام کرد.

تلاشهای فراوان برای جلب رضایت اولیاءدم و توقف اجرای حکم آنها، هنوز به نتیجه نرسیده است. در عین حال برخی از خانواده های اولیاءدم موافقت خود را به شرط دریافت دیه اعلام کرده اند، ولی به گزارش این منبع خبری، خانواده نوجوانان مذکور در شرایطی نیستند که بتوانند دیه مورد نظر را پرداخت کنند.

ایران امضا کننده میثاق بین‌المللی حقوق کودک می‌باشد که در ماده 37 آن آمده است: «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که مجازات مرگ یا حبس ابد، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب می‌شوند اعمال گردد.»

یکشنبه همین هفته، دقیقا یک روز پس از روز جهانی محکومیت حکم اعدام، بهنود شجاعی، نوجوانی که در سن 17 سالگی مرتکب قتل شده بود نیز، در زندان اوین اعدام شد. ایران مقام دوم اعدام انسان ها و رتبه اول اعدام کودکان در جهان را دارا می‌باشد.

## هیچ شماره حسابی در خارج برای دریافت کمک به صفر انگوتی نداریم



محمد مصطفایی، وکیل صفر انگوتی و تعداد دیگری از متهمین به قتل زیر 18 سال، در رابطه با شماره حساب های اعلام شده جهت جمع آوری کمک های مردمی برای آزادی این افراد در گفت و گو با هرانا عنوان کرد:

ببینید در خصوص پرونده هایی که من به عهده دارم و در حال حاضر برای کسب رضایت نزد برخی خانواده های مقتولین می رویم، برخی از خانواده های موکلین من بضاعت مالی آن چنانی ندارند تا بتوانند مبلغ درخواستی اولیای دم را پرداخت کنند. من اسم خاصی از کسی نمی برم که سوء تفاهم نشود، ولی با توجه به تعداد زیاد پرونده هایی که من عهده دار هستم، تعدادی نیازمند کمک هستند. من تا به حال هیچ شماره حسابی را اعلام نکرده ام، چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور، و از کسی هم نخواستم که به صورت عمومی شماره حساب بنده را اعلام کند تا دیگران بتوانند وجهی جهت کمک پرداخت کنند.

با این وجود شنیده ام که افراد زیادی در خارج از کشور در حال جمع آوری مبالغی برای این افراد و به خصوص صفر انگوتی هستند، من اعلام می کنم که کسی مبلغی به این حساب ها پرداخت نکند و ما هیچ حسابی تا امروز در خارج از ایران جهت این امر باز نکرده ایم، و هر کسی که می خواهد در

این زمینه کمک کند مستقیم با من تماس بگیرد تا من ایشان را راهنمایی کنم و به افراد دیگر وجهی را پرداخت نکنند.

لازم به ذکر است تعداد بسیار زیادی ایمیل و استعلام در رابطه با صحت و سقم شماره حساب های عنوان شده در خارج از کشور جهت جمع آوری کمک های مردمی دریافت کرده ایم، که با توجه به این گفت و گو، آقای مصطفایی هرگونه شماره حساب در خارج از ایران را تکذیب کرده اند.

### اطلاعیه درباره احکام اعدام برای معترضین انتخابات و اعدام ها

اطلاعیه فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران درباره احکام اعدام برای معترضین انتخابات و اعدام بهنود شجاعی سه تن به اتهام شرکت در تظاهرات اعتراض آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری و ارتباط با گروه های مخالف غیرقانونی به مرگ محکوم شدند .

دو روز قبل از روز جهانی مبارزه با اعدام (۱۰ اکتبر)، دولت جمهوری اسلامی بار دیگر بی اعتنائی خود را نسبت به موازین بین المللی حقوق بشر در زمینه مجازات اعدام و همچنین دشمنی خویش را با حق اعتراض مسالمت آمیز، آزادی بیان و آزادی گردهمایی نشان داد. اعدام بهنود شجاعی، نوجوانی که به اتهام قتل محکوم به مرگ شده بود نیز، بر نگرانی های مجامع بین المللی حقوق بشر افزوده است.

نخستین حکم اعدام روز ۸ اکتبر ۲۰۰۹ درباره محمدرضا علی زمانی صادر شد. وی در زمره صد متهمی بود که در محاکمه های دسته جمعی دادگاه انقلاب تهران در ارتباط با اعتراض های راجع به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۱۲ ژوئن شرکت داده شدند. علی زمانی متهم به عضویت در "انجمن پادشاهی ایران"، یکی از گروه های مخالف رژیم نیز شده بود.

دو متهم دیگر که تنها حرف اول نام آنان ذکر شده نیز به مرگ محکوم شدند: "الف.پ."، به اتهام عضویت در "انجمن پادشاهی ایران" و "ن.ع." به اتهام ارتباط با منافقین، یا مجاهدین خلق. بشیری راد، مدیر روابط عمومی دادگستری، پس از اعلام این محکومیت ها گفت که احکام صادره قطعی نیستند و قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور می باشند.

شرکت این سه تن در تظاهرات مسالمت آمیز پس از انتخابات نه تنها اثبات نشده که بنا به منابع موثق دستگیری آنان به پیش از انتخابات ۱۲ ژوئن برمی گردد.

عبدالکریم لاهیجی، نایب رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) و رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI) در این رابطه اظهار داشت: "این احکام ظالمانه و شرم آور درباره افرادی صادر شده که مرتکب هیچ جرمی نشده اند. تنها جرم آنان به فرض اثبات، اعمال آزادی بیان و حق شرکت در گردهمایی های مسالمت آمیز بوده است." او در ادامه می افزاید: "صدور این احکام سنگین برای خاموش کردن صدای اعتراض مردمی است که حکومت را به چالش کشیده اند".

خانم سوهایر بلحسن، رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، در این مورد اظهار داشت: "این بخشی از سیاست دولتمردان جمهوری اسلامی است که بر همه صداهای مستقل در کشور مهر خاموشی می زنند. پلمب غیرقانونی و خودسرانه سازمان های غیردولتی حقوق بشر، از جمله کانون مدافعان حقوق بشر در دسامبر ۲۰۰۸، و سازمان دفاع از حقوق زندانیان طی دو ماه گذشته، همه نمونه های بارزی از این استراتژی سرکوب هستند".

=====

سازمان ملل خواستار بازنگری در حکم اعدام سه متهم حوادث انتخابات کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل روز سه شنبه از دادگاه های ایران خواست حکم اعدام صادر شده برای سه نفر در ارتباط با حوادث پس از انتخابات این کشور را مورد بازنگری قرار دهند. ناوی پیلای در بیانیه ای گفت: "همچنین نگرانی های جدی در مورد نحوه برگزاری محاکمه های اخیر فعالان مخالف (در ایران) وجود دارد، و من امیدوارم که این قضاوت ها در دادگاه های عالی تر با دقت مورد بازنگری قرار گیرد".

خانم پیلای اشاره کرد که براساس قوانین بین المللی که ایران از امضاکنندگان آن است، اعمال مجازات اعدام تنها به شرط وقوع جرایم جدی و پس از محاکمه های عادلانه مصداق پیدا می کند. او گفت که "اعمال مجازات اعدام برای جرایمی که منجر به مرگ افراد نمی شود مغایر" پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. او همچنین بر مخالفت اصولی خود با هرگونه مجازات اعدام تاکید کرد. یک مقام دادگستری استان تهران روز شنبه به خبرگزاری های دانشجویان ایران، ایسنا، گفت که سه تن از متهمان حوادث پس از انتخابات به اعدام محکوم شده اند.

اما زاهد بشیری راد تنها نام مخفف محکومان شامل "م.ز"، "الف.پ" و "ن.ع" را اعلام کرد. اتهام دو متهم اول ارتباط با انجمن پادشاهی ایران و اتهام نفر سوم ارتباط با سازمان مجاهدین خلق اعلام شده است.

در روزهای پیش از اعلام این خبر گزارش هایی از صدور حکم اعدام برای شخصی به نام "محمد رضا علی زمانی" به اتهام ارتباط با انجمن پادشاهی ایران منتشر شده بود اما مقام های ایرانی تایید نکرده اند که یا این شخص همان "م.ز" است یا نه.

اعلام پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری 22 خرداد به تظاهرات گسترده رای دهندگانی که نتایج را آمیخته به تقلب می دانستند دامن زد که طی آن صدها نفر بازداشت شدند و تحت محاکمه قرار گرفتند. برخورد نیروهای امنیتی با معترضان همچنین ده ها کشته و زخمی به جا گذاشت.

مقام های ایرانی اتهام تقلب در انتخابات را رد کرده اند و معترضان را به خط گرفتن از کشورهای غربی و تلاش برای تضعیف یا براندازی نظام جمهوری اسلامی متهم کرده اند.

### بهنود شجاعی

خانم پیلای همچنین گفت که از اجرای حکم اعدام بهنود شجاعی در روز یکشنبه که در 17 سالگی مرتکب قتل شده بود "عمیقا مایوس" شده است.

او گفت: "این اعدام نشان می دهد تا زمانی که ایران قوانین و شیوه هایش برای پایان دادن به اعدام مرتکبان جرم در زمان نوجوانی را تغییر نداده، هیچ تضمینی برای گذشت از جان این گروه سنی وجود نخواهد داشت".

بهنود شجاعی صبح روز یکشنبه به جرم قتل احسان نصراللهی جوان 17 ساله در جریان یک نزاع خیابانی در سال 1384 در تهران اعدام شد. او در زمان ارتکاب جرم 17 سال داشت.

همزمان به گزارش خبرگزاری فرانسه یک کارشناس حقوق بشر سازمان ملل نیز با صدور بیانییه جداگانه ای اعدام شجاعی را تقبیح کرد.

فیلیپ آلستون گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور مربوط به اعدام های فراقانونی، صحرایی یا دلبخواهی نوشت: "مجازات اعدام نوجوانان ناقض اصول اساسی عدالت برای نوجوانان است که از سوی کلیه کشورها از جمله ایران پذیرفته شده است".

آقای آلستون گفت که در این ارتباط سه نامه به دولت ایران نگاشته است. او گفت که دولت ایران در پاسخ اظهار داشته که "حداکثر تلاش" خود را برای راضی کردن خانواده شجاعی برای پرداختن "دیه" برای لغو حکم اعدام به کار می بندد.

او افزود: "هرچند از این گونه تلاش ها برای میانجیگری میان خانواده کودک مجرم شناخته شده در قتل و خانواده مقتول استقبال می شود، اما این اقدامات به هیچ وجه برای برآورده کردن تعهدات ایران براساس قوانین بین المللی کافی نیست".



## گزارشی از مراسم ختم بهنود شجاعی

و سه روز از اعدام بهنود شجاعی گذشت/ گزارشی از مراسم ختم بهنود...  
ساعت 4 بعدازظهر است، مسجد النبی، روبروی کوی دانشگاه تهران، پذیرای چهره‌هایی دردمند و آشناست. زنان و مردانی که برای سومین روز درگذشت بهنود شجاعی با قلب‌هایی غصه‌دار آمده‌اند تا با حضورشان، هم مایه تسلی خانواده بهنود باشند و هم اعتراضی به حکم غیرانسانی اعدام.





مخالفت با مجازات اعدام برای کودکان، وجه تشابه همه کسانی است که امروز در مسجد النبی جمع شده‌اند و برای سال‌های کودکی بهنود که در زندان گذشت، اشک می‌ریزند. برای تمام سال‌هایی که به امید آزادی در زندان برای بهنود و دیگرانی چون او گذشت و می‌گذرد و برای آن لحظه آخر که بهنود با هزار امید و آرزو، بالای صندلی رفت تا شاید مادر احسان، بر خطای او چشم ببوشد و او نتوانست ببخشد. نتوانست ببخشد و با دستانش آخرین حلقه اتصال میان بهنود و زندگی را از بین برد، صندلی را کشید، تا شاید این‌گونه بتواند تمام شب‌هایی را که با یاد احسان کشته شده‌اش خوابیده است، فراموش کند. شاید آرام گیرد.

بنا به فراخوان جمعی از فعالان حقوق کودک، قرار بود امروز، حضور در مراسم ختم بهنود شجاعی، نشانه‌ای باشد بر اعتراض به اعدام کودکان.

زنان و مردان با کاغذ نوشته های " اعدام کودکان را متوقف کنید"، " اعدام کودکان = وحشیانه ترین جنایت بشری"، " ایران، رکوردار اعدام کودکان در دنیا" و .. در مراسم حضور یافته‌اند و به خانواده بهنود شجاعی تسلیت می‌گویند.

صدای شیون‌هایی زنی، اشک را از چشمان تمام حاضران جاری می‌سازد. زنی فریاد می‌زند: " الهی بمیرم که تمام جوونیتو تو زندان بودی". صدای هق هق گریه است که فضا را پر می‌کند. حضور نیروهای لباس شخصی و امنیتی در اطراف مسجد، محسوس است. مجلس ختم اما به آرامی و بدون هیچ صحبتی تمام می‌شود. پدر بهنود شجاعی می‌گوید که "صبح امروز از سوی اداره آگاهی و قاضی کوه کمره‌ای آمده‌اند و وی را تهدید کرده‌اند که مجلس را در نهایت آرامش و بدون سخن اعتراض‌آمیزی، برگزار کند." او از حاضران می‌خواهد که از پخش کاغذنوشته های خود خودداری کنند.

معترضان به حکم اعدام، با کاغذ نوشته‌های خود در برابر درب ورودی مسجد اجتماع می‌کنند. برخی از آنان به سمت خیابان می‌روند تا رهگذران را از علت اجتماع خود با خبر کنند. در این مجلس، پدر و مادر علی مهین‌ترابی، دیگر نوجوان محکوم به اعدام هم حضور یافته‌اند. مادر علی درحالی که اشک می‌ریزد می‌گوید که دادگاه علی دو هفته دیگر برگزار می‌شود. اما به ما گفته‌اند که حکم از قبل مشخص است. پرونده علی مهین‌ترابی که در دادگاه اولیه به اعدام محکوم شده است، با اعتراض وکیل، قرار است مجدداً مورد رسیدگی قرار گیرد.

و پایان مراسم، همانند همیشه با حضور نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی همراه است که از حاضران می‌خواهند محل را ترک نمایند!

و این گونه، سومین روز از اعدام بهنود شجاعی، نوجوانی که متهم بود در سن 17 سالگی فرد دیگری به نام احسان را به قتل رسانده است، سپری شد. شاید مرگ بهنود و اعتراض فعالان مدنی به اجرای حکم اعدام کودکان، موجب شود تا دیگر کودکان زیر حکم اعدام از طناب دار رهایی یابند. شاید بهنود با مرگش بتواند، نوجوانان دیگری چون خود را از وحشت آخرین شب انفرادی نجات دهد.. شاید..

### 3 میلیون نفر در کشور محروم از تحصیل هستند



تصویر فرزند کمانگر آموزگاری که بیگناه همچنان در زندان بسر میبرد همراه دانش آموزانش رئیس موسسه آموزش از راه دور کشور گفت: حدود 3 میلیون نفر در کشور محروم از تحصیل هستند که تا پایان امسال آنها را به 2 میلیون نفر کاهش می دهیم!!!!

محمد احسان تقی زاده در حاشیه سفر خود به گیلان در گفتگو با خبرنگار فارس در رشت مهم ترین علت محرومیت از تحصیل این افراد را عوامل خانوادگی، اقتصادی، مشکلات جسمی، محبوس شدن سرپرست خانواده در زندان، مشکلات کسب معیشتی و ... عنوان کرد. رئیس موسسه آموزش از راه دور کشور، رغبت نداشتن به شیوه های آموزش سنتی را یکی دیگر از دلایل محرومیت از تحصیل برشمرد. وی ادامه داد: بیشترین محرومیت از تحصیل در مناطق محروم و روستایی هستند و در استان هایی نظیر تهران و گیلان به دلیل موفقیت های فرهنگی تعداد بازمانده از تحصیل بسیار کم است.

## گشت ارشاد به مدرسه می رود! طرح انضباط اجتماعی در مدارس



به گزارش خبر آنلاین، پلیس یکی از قشرهایی بوده که از چهار سال پیش تاکنون حضورش در سطح خیابان‌های شهرها، بیش از پیش به چشم خورده است.

اجرا کردن طرح‌های گوناگونی مانند امنیت اجتماعی، انضباط اجتماعی، طرح امنیت اجتماعی ویژه ارادل و اوباش و... تعدادی از این طرح‌ها بوده که اجرا کردنشان لاجرم حضور تعداد زیادی از افراد پلیس را خواستار بود که البته افزایش این تعداد در این چهار سال، انتقادات زیادی را که مبتنی بر پلیسی کردن فضای جامعه بود، برانگیخت؛ حضوری که هرچند در بیشتر کشورهای جهان تجربه می‌شود، ولی شاید به خاطر برنامه‌های این کشورها برای همراه بودن آرامش با برخوردهایی که پلیس با افراد جامعه می‌کند و آموزش دیدن افراد پلیس، انتقادات کمتری به این افراد و در این کشورها می‌شود.

پس از اجرای پرچون و چرای طرح امنیت اجتماعی و انضباط اجتماعی که حالا بعد از گذشتن سه سال از اجرایی شدنش در خیابان‌ها، تعدادی از دست اندرکارانش از جمله سردار احمدی‌مقدم از موفق نبودنش سخن به زبان می‌آورند، این بار نوبت مدرسه‌هاست که قرار است «طرح انضباط اجتماعی» در آن اجرا شود.

طرحی که این بار هم رکن اصلی‌اش پلیس‌ها و تعداد آن‌ها است که قرار است در فضای فیزیکی مدارس و خیابان‌های اطراف آن‌ها حضور داشته باشند و علاوه بر کنترل فضای اطراف آن‌ها، به شناسایی دانش‌آموزان معتاد بپردازند.

بنابراین پس از طرح نصب دوربین‌های مداربسته در مدارس که پس از تأیید رسمی‌اش از سوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی، سر و صداهای زیادی به پا کرد، این بار هم این طرح با واکنش‌هایی مواجه شده است.

هرچند سردار رجب‌زاده اجرا کردن این طرح را به خاطر درخواست‌های مکرر دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و جلسات زیاد اداره‌های مختلف نیروی انتظامی ادعا کرده است، ولی «محمد فقیهی» رئیس اداره اجتماعی پلیس امنیت، در گفت‌وگویی کوتاه با «خبر» با شنیدن نام این طرح تعجب می‌کند و می‌گوید: «به ناجا چنین دستورالعملی ابلاغ نشده است و من کلاً از این طرح بی‌خبرم.»

سرهنگ «مهدی احمدی» سخنگوی نیروی انتظامی تهران هم در گفت‌وگو با «خبر» در این باره اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید: «ما طرح امنیت اجتماعی در اطراف مدارس، به‌خصوص مدارس دخترانه و با حضور ملموس و غیرملموس پلیس داریم، ولی قرار نیست که پلیس‌ها وارد مدارس شوند و از طرح انضباط اجتماعی بی‌خبرم.» «علی عباسپور» رئیس کمیسیون آموزش مجلس هم در این باره به «خبر» می‌گوید: «باید ببینیم شیوه استقرار پلیس در مدارس به چه صورت است و این موضوع از اهمیتی حیاتی برخوردار است.»

## حضور مردم در مراسم خاکسپاری بهنود شجاعی در بهشت زهرا

به گزارش هرانا و به نقل از فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، مراسم خاک سپاری بهنود شجاعی که از ساعت 10:00 صبح آغاز شده بود تا ساعت 12:30 ادامه داشت. در این مراسم تعداد زیادی از خانواده، بستگان، دوستان و مردم شرکت داشتند. تعداد کسانی که در این مراسم حضور داشتند بیش از 200 نفر تخمین زده می شد. مراسم با حزن و اندوه فراوان همراه بود. تعداد از فعالین حقوق کودک و حقوق بشر با در دست داشتند دست نوشته های مخالفت خود را با اعدام و بخصوص اعدام کودکان ابراز می داشتند.

## 130 نوجوان در معرض اعدام

ایران تنها کشور دنیاست که از سال 2008 تاکنون بزهکاران زیر 18 سال را اعدام کرده است. سه نوجوان در روزهای آتی قرار است که اعدام شوند: محمد رضا حدادی، صفر انگوتی، و امیر امرالهی. بنابر گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، صفر انگوتی در سحرگاه 29 مهر ماه بدار آویخته خواهد شد. در 20 مهرماه ایران بهنود شجاعی نوجوان محکوم را اعدام کرد که سومین مورد چنین اعدامها در سال 2009 بود.

در 21 مهرماه، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدامهای فراقانونی، خودسرانه و صحرائی، فیلیپ آلتون، با اعتراض شدید به ادامه اعدام نوجوانان در ایران بر این نکته تکیه کرد که حد اقل 130 نوجوان در معرض اعدام میباشند. بنابر گزارشات موثق رسیده به کمپین، قوه قضائیه برای اجرای سریع اکثر این احکام عمل میکند.

هادی قائمی سخنگوی کمپین در این مورد گفت: "در قبال این موج اعدامها جامعه جهانی نباید سکوت کند. کودکان و نوجوانان از آسیب پذیرترین افراد جامعه هستند و اکثر این نوجوانان محکوم یا

مجبور به پذیرش جرم یا از لحاظ روانی بیمارجدی بوده و به دادگاه های عادلانه دسترسی نداشته اند. ایران تنها کشور دنیاست که قوانین بین المللی را در این زمینه بطور مستمر زیر پامی گذارد. مجموعه "P5+1" نبایستی تعهدات بین المللی ایران را فقط محدود به مسئله هسته ای کند. آنها باید قویا خواستار پایان اعدام کودکان و نوجوانان باشند و تائید کنند که روابط عادی با جامعه بین المللی مستلزم لغو این مجازات وحشیانه میباشد."

بنابر قوانین بین المللی، از جمله میثاق نامه حقوق کودک که ایران متعهد به آن است، مجازات اعدام برای کسانی که در زیر سن 18 مرتکب جرم میشوند نمی بایستی تحت هیچ شرایطی اعمال شود و کلا اینگونه اعدامها باید لغو شوند.

نوجوانان محکوم به اعدام: محمدرضا حدادی، صفر انگوتی و امیر امرالهی

اعدام قریب الوقوع سه نوجوان در لینک زیر <http://iranbbb.org/52433.htm>



## اعدام نوجوانان تحت هر شرایطی عملی کاملاً غیر انسانی است

با استناد به فراخوان استراسبورگ (نخستین کنگره جهانی الغای مجازات اعدام) و کنوانسیون های زیر خواهان حذف قانون صدور حکم اعدام می باشیم.

کنوانسیون حقوق کودک قدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده 49 دوم سپتامبر 1990 ماده 37 (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)

حکومت ها تضمین می کنند که:

(الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است. (ب) توقیف و حبس های غیر قانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود.

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه 26 دسامبر 1966 ماده ششم

1- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

5- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر 18 سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

در روزهای اخیر باز هم شاهد صدور و اجرای احکام اعدام نوجوانان هستیم، بنحویکه اعدام چهار نفر به نامهای بهنود شجاعی، صفر انگوتی، محمد رضا حدادی و امیر امرالهی و تجدید نظر برای صدور حکم اعدام برای سه نفر و انتظار عده ای دیگر از نوجوانان در لیست اعدام حاکی از موج جدید برای اجرای این حکم قرون وسطایی میباشد.

لذا کمیته کودک و نوجوان کانون دفاع از حقوق بشر در ایران وظیفه خود میداند ضمن محکوم کردن صدور و اجرای این حکم ضد انسانی برای نوجوانان، توجه افکار عمومی را به این موضوع جلب نموده و خواهان توقف آن بوده و تلاش سازمانهای حقوق بشری و بین المللی را در این زمینه طلب می کند.

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران / کمیته کودک و نوجوان

## صفر انگوتی نو جوان محکوم به اعدام هم به قرنطینه رفت و فردا ...



محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر:

صفر انگوتی نوجوانی که در سن 17 سالگی مرتکب جرم شده بود صبح امروز به قرنطینه زندان اوین اعزام شد تا در تنهایی خود تا صبح فردا هزار بار به دار آویخته شود. و از خدای خود بخواهد که نجاتش دهد. بهنود فریاد دادخواهی داشت که در طول سی سال گذشته هیچ محکوم به اعدامی نداشت. اعدام او چنان دل انسان را به درد می آورد که گمان نمودم دیگر نخواهیم و نتوانیم کودکان را اعدام کنیم. مدتهاست سعی کردم به انحاء مختلف جلوی اجرای حکم صفر را بگیرم ولی مثل اینکه با رفتن آقای شاهرودی از قوه قضاییه همه چیز تغییر کرده است.

آقای جمشیدی را یکی از مدافعین حقوق بشر می دانم که سعی و تلاش بسیاری در راستای پیش گیری از اعدام اطفال و سنگسار می کرد. او وقتی متوجه می شد که نوجوانی در آستانه اعدام قرار دارد یا

فردی قرار است سنگسار شود به نزد آقای شاهرودی می رفت و دستور توقف اجرای حکم را می گرفت. جایش را واقعا خالی می بینم. ای کاش این مرد رئیس قوه قضاییه می شد.

به هر حال امروز آقای لاریجانی رئیس شده است و تاکنون ندیده ام کوچکترین قدمی در راستای حفظ حقوق بشر بردارد. سخنان ایشان در چند روز گذشته با عملکرد ایشان بسیار متفاوت است. ولی به هر حال نگرانم از آینده و امیدوارم وضع بدتر این نشود. بگذریم ....

تا الان هیچ دستوری برای توقف حکم صفر صادر نشده و قرار است فردا صبح به زندان اوین روم. در چند ماه گذشته تلاشهای بسیاری شد تا اولیاءدم رضایت دهند و فردا ....

امیدوارم صفر هم سرنوشت بهنود را نداشته باشد.

گمان می کنم صفر فردا اعدام نشود و به جامه بازگردد. امیدوارم و از خدا می خواهم که یاری کند همه کودکان را .

دوستان بسیاری اعلام کردند که فردا به زندان اوین خواهند آمد تا بلکه بتوانند در آخرین لحظات رضایت اولیاءدم را جلب کنند. از همه آنها سپاسگذارم و امیدوارم حضورشان نتیجه بخش باشد.

## آخرین نامه منتشر نشده بهنود شجاعی نوجوانی که اعدام شد

محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر:

بسم الله الرحمن الرحيم

ماه فروردین و هنگام گل است  
موسم دیدار گل با بلبل است  
دوستان شادی کنان در انجمن  
مانده ام من دور از این باغ و چمن  
همیشه بهار برایم با خاطراتی خوب آغاز می شد اما این بار شکل بهار خزانیه بوده برایم دیگر بهار  
نیود بهار من در حال خزان بود. آن شب که به انتظار صبح، که (صبح آخر زندگیم بود) به همه چیز  
فکر می کردم نمی دانید؟ که چه بر من گذشت و چه تا صبح کشیدم.  
من در این کنج قفس جا مانده ام  
ای خدا تنهای تنها مانده ام  
نیست دیگر در تنم تاب و توان  
ناتوانم، ناتوانم، ناتوان  
اینها مواردی بود که از روح و روانم می گذشت، یعنی ناتوانی ام را می دیدم، دیگر از حس کردن  
گذشته بود. در هاله ای از غم گوشه آن گوشه از دنیا، من بودم و خدای خود، ناتوانی مرا در آغوش  
گرفته بود و برایم با صدای سردش آوای لالایی می خواند. بخواب؛ که همه چیز به آخر رسیده. از آن  
لحظه سردتر دیگر نبود. یعنی زمستان با آن همه سردیش از آن لحظات گرمتر و بهتر بود.  
دیگرم تاب و توان در تن نماند  
قدرت ذکر و دعا در من نماند  
پس تو خود ای خالق عرض و سما  
هم دعا کن هم دوا کن درد ما  
به او که در آن لحظه کنارم بود گفتم، تو که خود می دانی پس خود دوا کن (یا من اسمم دواء....)  
و آن لحظه به این اندیشیدم که فردا چه خواهد شد از او خواستم..  
زین مصیبتهای بی حد و شمار  
حال ما را وارهان ای کردگار

دست‌ها بر خوان انعامت دراز  
چشمها بر چشمه فیض تو باز  
و می دانستم که او بر ایم هرچه بخواهد آن بهتر است، دوباره گفتم:  
کن دعای بی پناهان مستجاب  
با عطای خویش ما را ده جواب  
زین پریشان حالی و درماندگی  
خلق را آسوده کن در زندگی  
به یاد فردا افتادم که چگونه خواهد گذشت، از خدای خود خواستم:

شاد گردد تا که دل‌های غمین  
رحمتی یا رحمت للعالمین  
خاطر غم دیدگان را شاد کن  
جمله را از دید غم آزاد کن  
شب در حال گذشتن بود اما هر سایه یک پتک بر سر من، لحظه در حال سپری شدن است، (خدایا  
هیچ کس کاری نمی تواند بکند، مگر تو) دوباره با خود مرور کردم، آنها که خود همه چیز را می  
دانند و حقتان است که قصاص کنند، از خدای خواستم که یک بار دیگر فرصتی بدهد اما با خود گفتم  
(که چه کنم مگر قرار است در فرصت بعدی اتفاقی بیفتد بگذار کار تمام شود) دوباره گفتم (یعنی می  
شود که فرصتی هر چند کوتاه پیش بیاید؟ شاید بشود) خیلی سخت می گذشت، اینها چیزی نیست که  
بتوان بیان کرد اما از یک طرف این حق آنان است که قصاص کنند؛ کتاب و دین شریعت به آنان  
اجازه داده من نیز خطا کرده ام ولی زندگی و جوانی حق من است. آیا یک اشتباه هر چند بزرگ باشد  
قابل بخشش نیست؟ آیا نمی توان با خداوند که گفته اگر ببخشید برای شما بهتر است، در این زمینه  
وارد معامله شد؟

« بهبود شجاعی آماده شود برای اجرای حکم» ! نمازم را خواندم آن در نظرم آخرین نماز بود و بعد  
باید حرکت می کردم صدای زنجیرها می آمد، قرار بود با دسته بسته جان دهم چقدر سخت است  
حکم، حکم خداوند و باید اجرا شود. مامور آمد و مرا آماده حرکت به سمت آخر زندگیم کرد.

برویم... صدای گامها را می شنیدم وارد محوطه شدم یکی از آن طنابها را برای من آماده کرده اند.  
محوطه شلوغ، هر کس در جایی و من را به سمت محل اجرای حکم راهنمایی می کردند آن صبح  
آخر من بود دیگر قرار بود بعد از آن را نبینم.

« بهنود شجاعی: به شما یک ماه فرصت داده شد تا رضایت ولی دم را بگیرید، او را بر گردانید»  
یک لحظه خانواده شاکی را دیدم برادر داغ دارش گفت: « تو برادرم را کشتی» نمی دانستم از آن  
خبر خوشحال باشم یا از این جمله ناراحت. خوشحالیم کمتر از دقیقه ای طول نکشید آنان می خواستند  
حق برادر جوانشان را بگیرند و حق داشتند. اما به هر حال من یک ماه دیگر فرصت داشتم زنده بمانم  
اما این مطلب دل آن خانواده داغدار را درد آورد. چه کنم خدای من:

ای خدا ای راز دار بندگان شرمگینت  
 ای توانایی که بر جان و جهان فرمانروایی  
 ای خدا ای همنوای ناله پروردگان  
 زین جهان تنها تو با سوز دل من آشنایی  
 از اینکه آنان دل خسته و رنجور شده بودند غصه ام بیشتر شد غم سراپای وجودم را فرا گرفت.  
 میخواستم فریاد بکشم که دیگر توان زنده بودن را ندارم، دیگر این شکل زندگی برایم سخت است هر  
 لحظه برایم لحظه مرگ است و هر دقیقه برایم عذاب آور، به که بگویم که خلاصم کنید.  
 صدایم در درون حبس شده بود، تشنه بودم اما آب شفایم نبود، خسته شده بودم اما نمی توانستم  
 استراحت کنم، می خواستم بخوابم اما چشمانم اجازه نمی داد، می خواستم گریه کنم اما اشکی نداشتم،  
 دوباره آن سلول تنگ و کوچک. به که بگویم نمی خواهم اینجای دنیا را. دوباره باید آن همه عذاب را  
 تحمل کنم. کسی می گفت: « این لطف پروردگار هم به تو و هم به خانواده مقتول است شاید خداوند  
 آنان را نیز بیازماید تو چه میدانی، مگر خود نگفته که من بهتر بر احوال شما آگاهم» با این ندا تسکین  
 یافتم که آری خداوند بهتر می داند، شاید به این وسیله آنان نیز مانند من در حال آزمایش اند. که  
 چگونه از حق خود بگذرند و زندگی جوانی را به او برگردانند. یک ماه سخت و طاقت فرسا گذشت  
 یک عده در جشن و شادمانی، یک عده در راه مسافرت به هر جایی که می خواستند، من نیز درگیر با  
 آخرین روزهای زندگی ام، هر روز منتظر بودم خبری بیاید که شاید در آن از رضایت صحبتی شده  
 باشد. اما هیچ؟

تا اینکه دوباره وقت آن شده که در این غم خانه دنیا شبی را صبح کنم. اما این بار سخت تر، چون  
 یک شب زودتر از دوستانم جدا شدم و نتوانستم با کسی خداحافظی کنم. احساس می کردم که موهایم  
 سپید شده و درونم تهی، چشمانم پر از اشک و ...

اشک می غلطد به مژگانم ز شرم و روسیاهی  
 ای پناه بی پناهان مو سپید و رو سیاهم  
 بر در بخشایش اشک پشیمانی فشانم  
 تا بشویم شاید از اشک پشیمانی گناهم  
 آماده یک روز سخت و شب سیاه دیگر شده بودم. با خدای خود می گفتم ای کاش در این زمان آخر  
 یک لحظه مادرم کنارم بود. اما من از نعمت او برخوردار نبودم. با خود گفتم ای کاش دستان گرم  
 پدرم روی شانم هایم بود اما به جای آن دست سنگین تقدیر با من بازی می کرد. اشک چشمانم دلم را  
 می شست و دلم چشمه ای شده بود برای اشکم. دوباره حرکت به سوی آخرین نقطه دنیا وای این  
 سفینه مرا کجا می برد و چه قدر سرعت داشت. وقتی بیرون را نگاه می کردم همه جا سبز و خرم  
 بود همه داشتند زندگی خودشان را می کردند کسی به من توجهی نمی کرد با خود گفتم ( یعنی خدایا  
 می شود من را ببخشند) در آن لحظات چشمانم را خواب ربود.

ای بسا شب خواب نوشین گرم بیفتد به چشم خواب می بینم چو مرغی می پرد در آسمانها  
 پیکر آلوده ام را خواب شیرین می رباید روح من در جستجوییت می پرد تا بی کرانها

آن شب نیز با تمام سختی هایش گذشت. خانواده مقتول با من چه خواهند کرد. یکبار که خداوند عمرم را تمدید کرد آیا آنان نیز مرا خواهند بخشید؟ هیچ چیز غیر ممکن نیست و همه چیز امکان دارد یعنی این بار چه می شود می بخشند یا می کشند؟ اما باید بگویم ای خانواده مقتول ای عزیزان عزیز از دست داده، من به عنوان قاتل فرزند شما از شما طلب عفو و بخشش می کنم و از شما می خواهم که مرا به آیه های قرآن که گفته: (بخشیدن برای شما بهتر است) مرا ببخشید، آیا غیر از این است....

شما اکنون وقت دارید یک تحقیق کنید و ببینید، آنانکه بر امر قصاص تاکید داشته اند بعد از اجرای حکم چه حالی پیدا کرده اند، اگر من در غفلت مرتکب آن عمل شدم و در سنی که خوب و بد را از هم تشخیص نمی دادم شما چه، شما فقط به خاطر انتقام می خواهید این کار را انجام بدهید، که البته حقتان است یعنی نمی توان یک لحظه تامل کرد. اگر قصاص من باعث راحتی شما و آرامش روح آن مرحوم می شود اشکالی ندارد و اگر شما از آن دو نوبت که به من اجازه داده شده تا بتوانم رضایت شما را جلب کنم ناراحت و خشمگین هستید، آن موهبت خدا بود و من نیز به رضای او راضیم، اما به شما بگویم اگر مرا قصاص کنید که حکم حدود الهی را درباره ام اجرا کرده اید، جان جوانی را در مقابل جان جوانتان گرفته اید و هیچ کس نمی تواند به شما بگوید که چرا اینکار را کرده اید و هیچ حساب و کتابی نمی ماند و به حقتان رسیده اید و دیگر همه چیز تمام می شود. اما اگر رضایت بدهید و از قصاص من در گذرید اولاً که خدا را خشنود کرده اید و از خصلت بخشندگی برخوردار شده اید و مرا تا آخر عمر غلام خود کرده اید و وارد معامله با خداوند شده اید که قطعاً در آن منفعت است. اما لحظات سختی که بر من گذشت را به خاطر لحظات سختی که بر شما گذشت حلالتان می کنم من لحظاتی را برای شما شرح دادم که با ورق و قلم نمی توان آن را توصیف کرد. لحظه ای که باید را نمی دانی و فقط انتظار دستی مهربان را می کشی که مرا ببخشد اما لحظاتی که شاید هیچ وقت جبران نشود. بار الهی می دانی که با دل شکسته و ملامت از درد این حرفها را می گویم:

مهربانا! با دلی شکسته رو به سوی تو کردم  
بی کسم از سایه مهر تو می جویم پناهی

رو کجا آرم اگر از درگهت گویی جوابم  
از کجا یابم خدایی گر به کویت ره نیابم

## فشارها و محدودیتها علیه زندانیان سیاسی زن و کودکان شیرخوار زندانیان عادی



بنابه گزارشات رسیده از بند زنان زندان اوین ، فشارها و اذیت و آزارها و محدودیتها علیه زنان زندانی سیاسی و عادی در بند زنان زندان اوین شدت یافته است.

در طی روزهای گذاشته فشارها و اذیت و آزارها و محدودیتها علیه زندانیان سیاسی و عادی زنان و کودکان شیرخوار آنها در بند زنان زندان اوین شدت یافته است. از جمله فشارهایی که روی زندانیان سیاسی و عادی زنان روا داشته می شود. قطع آب گرم که باعث شده بود زندانیان سیاسی و عادی به



مدت طولانی قادر به استحمام نباشند این مسئله چندین روز ادامه داشته . شرایط بخصوص برای بچه های شیرخوار و کودکان که نیاز ضروری به آب گرم دارند و مادران آنها را سخت کرده بود . همچنین محدود کردند آب گرم برای درست کردن شیر برای بچه های شیرخوار و چای زندانیان سیاسی و عادی به یک فلاکس در طی روزکاهش یافته ،محیط غیر بهداشتی کودکان شیرخوار و محدود کردن آب گرم بر آنها ،آنها را در معرض بیماریهای مختلف قرار داده.بخاطر فشارهای پایین ناپذیر علیه مادران کودکان شیر خوار آنها از چند روز در اعتراض به کاهش دادن سهمیه آب گرم از گرفتن آب گرم خوداری می کنند.

وضعیت غذایی بند زنان به لحاظ کمی و کیفی غیر قابل مصرف است و اکثر زنان زندانی از قشرهای محروم و فقیر جامعه می باشند و کسی آنها را به لحاظ مالی تامین نمی کند و ناچار هستند به این شرایط تن در دهند. غذاها دارای حداقل و یا فاقد مواد پروتئینی مانند گوشت قرمز ،سفید و ماهی است و اکثرا سویا است. سبزیجات،میوه جات را ماهها است که از غذای زندانیان حذف کرده اند. آثار سوء تغذیه در چهره زندانیان عیان است و بخصوص در چهره کودکان زندانی نمایانتر است ،کودکان که بخاطر زندانی بودن مادرانشان باید در کنار آنها باقی بمانند . شاهد خشونتها و تحقیرها و ضرب و شتم مادران خود توسط پاسداربندهای زن هستند و همچنین شاهد درگیریهای درون بند می باشند.

فروشگاههای زندان که به منظور سودجویی و اخاذی از زندانیان برپا شده و در دست عوامل زندان می باشد. اجناس را چند برابر به زندانیان می فروشند و از آوردن کالاهای مورد نیاز و به اندازه کافی خوداری می کنند و زندانیان هر 2 هفته فقط 2 کیلو میوه می توانند بخرند .کمبود کالا در فروشگاه زندان باعث صف طولانی در مقابل فروشگاه و گاهها منجر به درگیری فیزیکی در بین زندانیان عادی می گردد.

زندانیان سیاسی بخاطر کیفیت بد غذا و غیر قابل مصرف بودن آن ناچار هستند که با بیسکویت و غیره به سر کنند. این از طرحهای سرکوبگرانه وزارت اطلاعات و سازمان زندانها است که که شرایط را هرچه بیشتر برای زندانیان سیاسی سخت تر نماید.

تعداد زندانیان به حدی زیاد است که در هر سلول چند برابر آن زندانی جای داده شده است . ارتباط تلفنی زندانیان سیاسی را تا حد زیادی محدود کرده اند و زندانیان سیاسی 3 الی 5 دقیقه در روز بیشتر نمی توانند تماس بگیرند. آنها باید مدتها منتظر ملاقات حضوری باشند و ملاقاتها بصورت کابینی صورت می گیرد.وضعیت بهداشتی بند زنان اسف بار است و شپش و ساس فشار را بر زندانیان مضاعف کرده است و زندان را به اردوگاههای غیر انسانی مبدل کرده اند. زندانیان سیاسی از درمان جدی محروم هستند و ناراحتی های حاد آنها را با مسکن بصورت مقطعی درمان می کنند.

در حال حاضر تعداد از زنان زندانی سیاسی در بند زنان بسر می برند که از جمله آنها؛ خانم نازیلا دشتی، صدیقه فلاحت نژاد، شبنم مددزاده، مهسا نادری، فاطمه ضیائی، عاطفه نبوی و تعدادی دیگر می باشند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، اعمال فشارها و محدودیتهای غیر انسانی و زن ستیزانه علیه زندانی سیاسی و عادی زنان را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و سازمانهای مدافع حقوق زنان خواستار اقدامات عملی و فوری برای پایان دادن به شرایط غیر انسانی علیه زندانیان سیاسی زن در ایران است.

## فروش مدارس روستایی، و دانش آموزانی که در مدارس کپری درس می خوانند

مهر: در حالی که هنوز در برخی از نقاط کشور دانش آموزان در مدارس کپری درس می خوانند خبرهایی از فروش برخی مدارس نوساز خالی از دانش آموز در برخی روستاها به گوش می رسد. ادغام بسیاری از مدارس در بخش یا مرکز روستا موجب تعطیلی مدارس نواحی دیگر شده است. این مدارس برای سالهای متمادی بدون هیچ گونه نگهداری و مراقبت و استفاده آموزشی در گوشه و کنار ایران قرار گرفته اند تا اینکه دولت به رغم سرمایه گذاری در این نواحی به فکر فروش مدارس برای تبدیل به احسن کردن اموال و املاک خود شد.

ساخت بی حد و حساب مدارس در برخی از روستاها - به خصوص در مناطق مرکزی ایران- در حالی روی می دهد که هنوز برخی از دانش آموزان مناطق مرزی و محروم در مدارس کپری و نامناسب درس می خوانند و از کمبود وسایل آموزشی رنج می برند.

نمونه این مدارس را پیش از این خبرگزاری مهر معرفی کرده بود. مدارس آسارای چالوس کرج که اکثرا به دلیل نبود دانش آموز تعطیل شدند یا مدارس روستاهای چالوس که به رغم سرمایه گذاری

خیرین مدرسه ساز طی سالهای گذشته، این روزها بدون هیاهوی دانش آموزان منتظر واگذاری به بخش های دیگر از جمله مسافرتخانه ها و هتل های جاده ای هستند.

ساخت بی حد و حساب مدارس در برخی از روستاها در حالی روی می دهد که هنوز برخی از دانش آموزان مناطق مرزی و محروم در مدارس کپری و نامناسب درس می خوانند و از کمبود وسایل آموزشی رنج می برند.

فریدون واسعی مدیرکل دفتر حقوقی وزارت آموزش و پرورش در این باره به مهر گفت: هیچ کس حق فروش مدارس را به شکل خودسرانه ندارد چون فضای آموزشی متعلق به دولت است و کسی نمی تواند املاک دولتی را بفروشد."

اما هم اکنون بسیاری از مدارس روستایی که طی 6 تا 8 سال گذشته ساخته شده یا با قیمت های بسیار کمتر از قیمت تمام شده ساختمان و زمین به ساکنان محلی فروخته شده اند یا همچنان بدون حضور دانش آموز خاک می خورند.

## فراخوان استمداد برای نجات جان نوجوانان در معرض اعدام

محمد مصطفایی، وکیل برخی از نوجوانانی که در معرض خطر اعدام قرار دارند با اعلام یک شماره حساب و روایت اتفاقات پیرامون تجربه ی قبلی چنین کاری، اعلام کرده که اسامی افراد بخشیده شده پس از جمع آوری پول، پس از گذشت خانواده ی مقتولین اعلام خواهد شد.

### فراخوان استمداد برای نجات جان نوجوانان در معرض اعدام

هرگز باور نمی کردم که بهنود شجاعی اعدام شود. چرا که اولیاءدم مقتول در حضور تعدادی از هنرمندان، گذشت خود را اعلام کرده و در جلسه ای محرمانه اعلام نمودند که خواهان دیه هستند. چون خانواده بهنود فاقد بضاعت مالی بوده و توان پرداخت دیه را نداشتند چند نفر از هنرمندان مبادرت به افتتاح حسابی جهت جمع آوری دیه نمودند.

پس از افتتاح حساب با فراخوانی عمومی به ذکر نام بهنود شجاعی پرداخته و در نشریات نیز منتشر گردید. اولیاءدم با شنیدن این موضوع و اعلام نام بهنود شجاعی ناراحت شده و از گذشت خود عدول کردند. هر چند عدول آنها قابل پذیرش نبود ولی دادخواهیمان به هیچ جا نرسید و بهنود در تاریخ 1388/7/19 به پای چوبه دار رفته و اعدام شد.

در حال حاضر چندین نفر از موکلینم که در کمتر از 18 سال مرتکب جرم شده بودند در انتظار اجرای حکم قصاص نفس هستند آنان نیاز شدید به جمع آوری مبلغی به عنوان دیه دارند که با پرداخت دیه می توان از اولیاءدم رضایت گرفت. اما ذکر نام موکلینم به دلیل ایجاد حساسیت برای خانواده اولیاءدم ممکن نبوده و پس از جمع آوری دیه و اخذ رضایت اعلام خواهد شد.

به همین منظور و اینکه در راستای اخذ رضایت از اولیاءدم، نیاز به وجوهی به صورت نقد است تا بتوان در لحظه گذشت از قصاص به اولیاءدم پرداخت نمود ناچار شدم حسابی به همین منظور افتتاح نمایم تا صرفاً صندوقی باشد برای حمایت از کودکان و نجات جان افرادی که در کمتر از 18 سال مرتکب جرم شده اند.

ناچار بودم به این علت است که هیچ انجمن یا نهادی که مورد اطمینانم باشد نیافتم.

وجوه اهدایی خود را به حساب سیبای بانک ملی ایران شعبه میدان سید جمال الدین اسدآبادی تحت شماره 0205327104006 واریز و به دیگر دوستانتان اعلام کنید.

اگر در خارج از کشور اقامت دارید می توانید به صورت گروهی توسط یک شخص مورد اطمینان مبادرت به جمع آوری دیه کرده، و از طریق صرافیها به حساب فوق الذکر واریز کنید.

در صورتی که مبلغی حدود دویست میلیون تومان جمع آوری شود می توان به زودی سه یا چهار نفر از نوجوانان را از مرگ نجات داد. صمیمانه از اطمینانی که به حقیر می نمایید سپاسگذارم. بدیهی است مبالغ جمع آوری شده و مبالغ پرداختی به اولیاءدم مقتولین در آخر هر ماه محاسبه و در وبلاگ شخصی ام [www.mohegh.blogfa.com](http://www.mohegh.blogfa.com) منتشر و به نظر گرامیتان خواهد رسید.

با تشکر فراوان محمد مصطفایی وکیل بسیاری از نوجوانان در معرض اعدام  
88602503-5 دفتر حقوقی حامیان 09121212590

## 2 سال و 4 ماه زندان برای یک نوجوان 17 ساله بازداشتی وقایع اخیر

دادگاه انقلاب یک نوجوان متهم به شرکت در اعتراضات مدنی اخیر را به تحمل 2 سال و 4 ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

به گزارش هرانا به نقل از واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز جاری دادگاه انقلاب حکم به محکومیت 2 سال و 4 ماه حبس تعزیری "حسام ترمسی" نوجوان 17 ساله به اتهام شرکت در اعتراضات مدنی پس از انتخابات داد.

این حکم به آقای ترمسی در شعبه 26 دادگاه انقلاب ابلاغ شد، نامبرده که فاقد وکیل مدافع است به این حکم اعتراض نموده است.

## گلباران مزار بهنود شجاعی و دیگر جانبازان توسط مردم آزادیخواه ایران





روز پنجشنبه 30 مهر در دومین هفته پس از اعدام بهنود، جوانان محل دفن او را در قطعه 103 ردیف 49 شماره 14 بهشت زهرا پیدا کرده و شاخه های گل نثار آن کردند. بهنود جوانی که بزرگترین آرزویش آزادی بود، روز 19 مهر در حالیکه فقط 22 بهار از عمرش میگذشت سبانه اعدام شد و بزرگترین آرزوی خود را به گوربرد.



## در هر مدرسه حداقل 10 کودک افغانی ثبت‌نام نمی‌شوند

به گزارش هرانا به نقل از ایلنا، یکی از اعضای کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران از اعمال یک بی‌عدالتی در یکی از مدارس شهر تهران (که نام آن در خبرگزاری محفوظ است) خبر داد و تأکید کرد: مدرسه‌ای را سراغ داریم که سه سال پی‌درپی کودک افغانی را که معدلش 20 بوده در کلاس سوم دبستان نشانده‌اند و به پایه‌های بالاتر انتقال نداده‌اند و مدیر آن مدرسه اعلام کرده که برای کلاس چهارم دبستان ظرفیت ندارد، وقتی از مدارس سؤال می‌شود که چرا فلان کودک ثبت‌نام نشده آنها اعلام می‌کنند که ظرفیت نداریم در حالی که آنها تنها ادعای مالی ندارند و از کودکان پول طلب می‌کنند.

او افزود: مدارس از کودکان افغانی که همراه با کارت‌مشخصات آموزشی برای ثبت‌نام مراجعه می‌کنند 70 تا 100 هزار تومان پول تقاضا می‌کنند این در حالی است که تمام این کودکان توان مالی پرداخت این مبلغ را نداشته و تنها کودکانی که توان پرداخت دارند در مدارس ثبت‌نام می‌شوند.



عضو کمیته فوق‌خاطر نشان کرد: کودکان دیگر امکان ثبت‌نام شدن در مدارس و شروع تحصیل را نداشته و به ناچار برای کار کردن به خیابان می‌روند.

به گفته این عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران حداقل در هر مدرسه 10 کودک کلاس اولی افغانی به دلیل نداشتن توان مالی ثبت‌نام نشده و غربالگری شده‌اند.

عضو کمیته فوق‌خاطر به اعمال سلیقه شخصی بر روی برخی قوانین اشاره و تأکید کرد: از دولت ایران تقدیر می‌کنیم که امسال کارت مشخصات آموزشی کودکان افغانی را به خود آنها تحویل می‌دهند و کودک را به تنهایی به حساب می‌آورند چرا که سال گذشته این کارت‌ها تحت عنوان کارت پدر ارائه می‌شد و از ارائه کارت‌ها به کودکان و یا مادرانشان خودداری می‌شد، اما چرا وقتی جامعه در حال ارائه یک خدمت خوب به این کودکان است، سایر مسئولان سنگ‌اندازی کرده و معضل پدید می‌آورند؟

او در پایان خواستار پیگیری حقوق این کودکان در حداقل زمان ممکن شد.

## افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در ایران

در حالی که گزارش سرشماری سال 1385، از 3/5 میلیون کودک خارج از تحصیل خبر می دهد و نهضت سواد آموزی در آمار متناقض دیگری، از بازماندگی یک میلیون و 800 هزار کودک و نوجوان 6 تا 16 ساله خبر می دهد، روز گذشته مرتضی شکوهی معاون مدیرکل دفتر خلاقیت و نوآوری ابتدایی وزارت آموزش و پرورش ضمن تکذیب چنین اعداد و ارقامی، پوشش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی را صددرصد عنوان کرد و گفت: «جمع آوری آمار کودکان بازمانده از تحصیل، وظیفه آموزش و پرورش نیست.»

به گزارش هرانا به نقل از روزنامه سرمایه، مرتضی شکوهی در گفت و گو با خبرنگار «مهر» با بیان این مطلب افزود: «البته سازمان ثبت احوال هر ساله آمار را از کودکان در سن تحصیل در اختیار ما قرار می دهد که ما نیز بر همان اساس، آنها را تحت پوشش تحصیلی قرار می دهیم.» معاون مدیرکل دفتر خلاقیت و نوآوری ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با تاکید بر اینکه رویکرد این وزارتخانه پوشش صددرصدی کودکان لازم التعلیم است، در اظهاراتی ابهام آمیز گفت: «ما از پوشش تحصیلی در استان ها باخبر هستیم و از کودکان بازمانده از تحصیل خبر نداریم و اصولاً هم وظیفه ای در این زمینه نداریم.»

مرتضی شکوهی در پاسخ به این سوال مهر که شما به عنوان ارگان رسمی آموزشی چگونه برنامه ریزی سالانه و بلندمدت خود را دنبال می کنید در حالی که آمار دقیقی از کودکان بازمانده از تحصیل یا ترک تحصیل ندارید، بر سخنان قبلی خود پافشاری کرده و گفت: «آموزش و پرورش در این زمینه کوتاهی نکرده و پوشش تحصیلی ما هم اکنون بیش از 99 درصد است و در برخی از استان ها همچون یزد به صددرصد رسیده است.»

اما جاوید سبحانی «عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان» درباره آمار کودکان بازمانده از تحصیل نظر دیگری دارد. او می گوید: «آمارهای مربوط به وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل، نظام جامعی نداشته و خلاء جدی دارند. وقتی براساس آمارهای موجود، 10 تا 12 میلیون جمعیت زیرخط فقر در کشور وجود دارد و در این میان متوسط جمعیت زیر 18 سال و لازم

التحصیل نیز 30 درصد است، به این ترتیب درصد بالایی از کودکان در معرض خط فقر مطلق در کشور وجود دارد.»

او در پاسخ به این سوال که «چه تعداد از کودک و نوجوان در سال تحصیلی جدید از تحصیل دور می مانند»، می گوید: «آنچه از سوی برخی از سازمان ها و مراجع غیردولتی و حتی برخی مسوولان مربوطه اعلام می شود و بر اساس سرشماری سال 85، سه میلیون و 500 هزار کودک در سنین واجد تحصیل در کشور وجود دارد که از چرخه تحصیل خارج شده اند که مشکل آمار در این بخش تبدیل به یک مشکل عمومی شده است. البته آمار مربوط به سرشماری سال 1385 قدیمی است و قطعاً تعداد کودکان بازمانده از تحصیل طی این سال ها افزایش یافته است.» اما با این وجود معاون مدیرکل دفتر خلاقیت و نوآوری وزارت آموزش و پرورش با تکذیب سخنان معاون آموزشی نهضت سوادآموزی مبنی بر وجود یک میلیون و 800 هزار کودک بازمانده از تحصیل و آمار سه میلیون و 500 هزار سرشماری ایران، بر این عقیده خود پافشاری دارد که «آمار دقیق این دانش آموزان را ندارم ولی مطمئنم که رقم آن ناچیز است چرا که در دوره ابتدایی ترک تحصیل مطرح نیست.» این سخنان ضد و نقیض از سوی مسوولان آموزش و پرورش کشور، وقتی در کنار سخنان تحلیلگران مستقل نظام آموزشی ایران قرار می گیرد، تناقضات بیشتری را در حوزه «آمار کودکان بازمانده از تحصیل» نشان می دهد. سعید مدنی کارشناس اجتماعی با اشاره به تناقضات فاحش در آمارهای کودکان بازمانده از تحصیل و نسبت مستقیم کودکان محروم از تحصیل و کودکان کار، می گوید: «30 درصد جمعیت ایران را کودکان تشکیل می دهند که از این میان طبق آمار سرشماری سال 85، حدود 3/5 میلیون کودک بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد. از سوی دیگر وزارت کار که متولی اصلی نظارت بر کار است نه تنها هیچ گزارش مستندی از وضعیت کودکان کار ندارد بلکه بازرسان این وزارتخانه تنها برای نظارت بر وضعیت گروه های بزرگسال متمرکز شده و بر شرایط کار کودکان نظارتی ندارند به طوری که کارفرمایان هم مسائل و شرایط کودکان را از این بازرسان مخفی نگه می دارند.»

او بر ناکارآمدی وزارت آموزش و پرورش در قبال این کودکان بازمانده از تحصیل، تاکید دارد و می گوید: «در حال حاضر بزرگ ترین وزارتخانه در کشور وزارت آموزش و پرورش است و در این میان نهضت سوادآموزی نیز که کارهای زمین مانده وزارت آموزش و پرورش را انجام می دهد نیز در کنار این نظام آموزشی فعال است اما وجود 3/5 میلیون کودک خارج از تحصیل نشان دهنده ناکارآمدی سیستم وزارت آموزش و پرورش است که اولویت بندی دقیقی از مباحث آموزشی نداشته و بخش عمده درآمد خود را صرف اقدامات نه چندان مهم و بدون اولویت می کند.»

## شهرداری طرح شناسه کودکان کار و خیابان را فراموش کرده است



یکی از اعضای کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران گفت: با وجود آنکه شهرداری برای تهیه شناسه کودکان کار و خیابان بودجه 375 میلیون تومانی خرج کرد اما ادامه کار مربوط به این شناسه را بی نتیجه رها کرد.

به گزارش هرانا به نقل از ایلنا، عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار و خیابان تاکید کرد: طرح شناسه کودکان کار و خیابان که قرار بود طی یک ماه بررسی، تحلیل و ارزیابی شده و نتایج آن به صورت برنامه‌های حمایتی برای کودکان و خانواده‌های نیازمند اعمال شود چرا تاکنون به نتیجه نرسیده و حتی لوح‌های فشرده اطلاعات مربوط به این شناسه هنوز به دست مناطق، سازمان‌ها، نواحی و ادارات شهرداری و سایر سازمان‌ها نرسیده است.

او با بیان اینکه بار مالی در این شناسه پیش‌بینی نشده بود تصریح کرد: شهرداری باید بودجه و مسایل مالی را در این شناسه پیش‌بینی و شهرداران مناطق را نسبت به این طرح درگیر و حساس می‌کرد اما در حال حاضر این شناسه فراموش شده و مسئولان شهرداری و شهرداران مناطق هیچ اطلاعاتی در مورد این شناسه ندارند.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران عنوان کرد: در حال حاضر اداره آسیب‌های اجتماعی شهرداری تغییر مدیریت داشته و این تغییر مدیریت باعث شده که سیاست‌ها فراموش شود و رایزنی‌های گذشته، بدون نتیجه بماند.

او با اشاره به عدم اتمام اطلاعات مربوط به شناسه فوق گفت: متأسفانه نتیجه تحلیل‌ها دیر شده و باعث شده که 50 درصد کودکانی که پرسش‌نامه‌های مربوط به شناسه را پر کردند از طریق خانواده‌هایشان که اغلب مهاجر هستند، جابجا شده و اطلاعات مخدوش شود.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ادامه داد: شهرداری باید جواب دهد که حاصل این طرح بزرگ که برای آن 375 میلیون تومان بودجه گذاشته چه شد و چرا برنامه‌های حمایت برای 20 هزار کودکی که در این شناسه شناسایی شدند، ارایه نشده است.

## بیش از 4 درصد از ازدواج های ثبت شده در سال گذشته مربوط به کودکان بوده است.



به گزارش هرانا به نقل از جهان نیوز و طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی مرکز آمار و اطلاعات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، بیش از 4 درصد از ازدواج های ثبت شده در سال گذشته مربوط به کودکان بوده است. بر اساس این آمار که تعداد جمعیت کودک دارای همسر را مورد بررسی قرار داده است، طی سال 87 حدود 4/28 درصد از ازدواج های صورت گرفته شده بین دختران 10 تا 14 سال بوده است.

به گفته مسئولان مربوطه ازدواج در این سن به گروه سنی نوجوانان تعلق می گیرد اما بر اساس قوانین بین المللی که ایران نیز عضویت در آنها را پذیرفته است؛ افراد زیر 18 سال در گروه سنی کودکان قرار می گیرند .

ذکر این نکته ضروری است که ازدواج با کودکان در اسلام مانعی ندارد و طبق رساله و کتاب تحریرالوسیله آیت الله خمینی (کتاب نکاح - صفحه 15 - مسئله 12) و چندین مجتهد دیگر بازی کردن و بهره وری جنسی از زوجه زیر 9 سال حتی اگر شیرخواره باشد در صورت عدم دخول مجاز است

## برگزرای دادگاه علی مهین ترابی و آزادی امیر خالقی



### علی مهین ترابی

در این جلسه مجدداً علی منکر ارتکاب جرم قتل عمد شد و گفت که مزدک را به سمتش هل داده اند و وی با چاقو به بدن مزدک نزده است.

در این جلسه به جز آقای محمد مصطفایی، خانم فهیمه حاج محمدعلی هم به عنوان یکی دیگر از وکلای علی حضور داشت و هر دو وکیل لایحه دفاعیه خود را تقدیم دادگاه کردند.

گزارش ها حاکی از آن است که مصطفایی از دادگاه درخواست کرده است تا از شهود دعوت شود و اظهارات آنها جهت کشف واقعیت استماع گردد و هم چنین گواهی پزشکی قانونی مجدداً مورد بررسی پزشکان پزشکی قانونی قرار گیرد. بر همین اساس به نظر می رسد دادگاه مجدداً تشکیل و اظهارات شهود استماع گردد. ضمن اینکه در این پرونده واضح و روشن است که قتل عمدی رخ نداده است.

گفتنی است امیر خالقی هم که در سن 16 سالگی مرتکب قتل شده بود صبح امروز از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد.

لازم به یادآوری است که امیر خالقی دو بار به پای چوبه دار رفت ولی در نهایت با کمک خیرین و پرداخت وجهی به عنوان دیه اولیاءدم رضایت داده و امیر از مرگ نجات یافت.

## مدیران مدارس حقوق کودکان را به رسمیت نمی‌شناسند

اگر کودکان با بسیاری از حقوق خود آشنا شوند توانایی نه گفتن به بسیاری از مسائل از جمله مواد مخدر، مقابله با خشونت و قلدری را یاد می‌گیرند. تبعیض‌های گوناگون از محلی به نام خانواده و سپس مدارس شروع می‌شود.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران گفت: متأسفانه در حال حاضر تمام مدارس کشور کودکان را در مدارس با حق و حقوق خود آشنا نمی‌کند و هیچ فوق‌برنامه‌ای در این زمینه ندارند.

به گزارش هرانا به نقل از ایلنا، طاهره پژوهش تاکید کرد: آموزش حقوق کودک و آشنایی کودکان با حق و حقوقشان باید در صدر تمام آموزش‌ها قرار گیرد.

او با بیان اینکه در سر و سامان دادن به فرهنگ جامعه در این زمینه دچار مشکلات اساسی هستیم افزود: در حال حاضر هیچ یک از انجمن‌هایی که در زمینه حق و حقوق کودکان فعال هستند، اجازه ندارند که وارد مدارس شده و حتی پیشنهادات کارشناسی خود را ارائه دهند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: اگر کودکان با بسیاری از حق و حقوق خود آشنا شوند توانایی نه گفتن به بسیاری از مسائل از جمله سیگار، مواد مخدر، مقابله با خشونت و قلدری را یاد می‌گیرند.

به گفته پژوهش وقتی دولت در سال 73 پیمان‌نامه حقوق کودک را پذیرفته، وظیفه دارد تا کودکان و نوجوانان ایرانی و حتی تمام مردم را با حق و حقوق خود آشنا سازند.

او با انتقاد از سیستم بسته حاکم بر مدارس عنوان کرد: در حال حاضر مدیران مدارس آشنا کردن کودکان و نوجوانان به حق و حقوقشان را به رسمیت نشناخته و منافع عالی کودک را مد نظر قرار نمی‌دهند به این ترتیب تبعیض‌های گوناگون از محلی به نام خانواده و سپس مدارس شروع می‌شود.



## آزار عاطفی کودکان؛ بیشترین مورد در خرداد و تیرماه

طی این دو ماه حدود 68 مورد «کودک آزاری» به دفتر انجمن اطلاع داده شده است که 53 درصد آزاردیدگان دختران و 47 درصد نیز پسر بوده‌اند.

به گزارش هرانا به نقل از ایسنا، بر اساس اعلام انجمن حمایت از حقوق کودکان 35 درصد آزارها در این مدت عاطفی، 25 درصد غفلت، 21 درصد جسمی، هشت درصد بهره‌کشی، هشت درصد آموزشی و سه درصد جنسی بوده است که البته باید افزود که نوع آزارهای وارده معمولاً همپوشی دارند و یک یا چند نوع آزار توأمان صورت گرفته است.

بر پایه این گزارش، 54 درصد آزارها توسط پدران، 27 درصد مادران، هشت درصد نامادری، یک درصد مسوولان بهداشتی، دو درصد ناپدری، هفت درصد دوستان و یک درصد توسط بستگان صورت گرفته است.

نگاهی به آمارهای انجمن حمایت از حقوق کودکان گویای این امر است که بستگان با 29 درصد در راس ارجاع‌دهندگان کودکان آزار دیده به این انجمن به شمار می‌روند که پس از این افراد به ترتیب مادران با 27 درصد، همسایه‌ها با 21 درصد، صدای یارا با 14 درصد، خود مددجو(کودک) با چهار درصد و بهداشتی با سه درصد، از افرادی را تشکیل می‌دهند که مددجویان را به انجمن ارجاع داده‌اند.

وضعیت خانوادگی این کودکان نیز حاکی از دشواری و مشکلات در میان خانواده‌های کودکان است به طوری که 28 درصد از والدین این کودکان «طلاق» گرفته بودند و در میان 38 درصد از خانواده‌های کودکان نیز «بیماری‌های روحی - روانی» وجود داشته است.

بر همین اساس 23 درصد از هر دو و یا یکی از والدین کودکان «اعتیاد» داشته و 9 درصد از کودکان شاهد مشاجره و درگیری بین والدین بوده و دو درصد نیز والدین خود را به علت فوت از دست داده بودند.

## پلیس امنیت از رفع پلمپ دفتر جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان خوداری می کند

بنابه گزارشات رسیده، کوششها برای رفع پلمپ دفتر جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان همچنان با ممانعت پلیس امنیت مواجه است و بازگشایی آن مشروط به همکاری با پلیس امنیت برای خبرچینی علیه اعضای آن و اخراج کودکان افغانی است.

به گزارش هرانا به نقل از فعالین حقوق بشر و دمکراسی، از روز دوشنبه 4 آبان ماه که ان. جی. او. جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان توسط پلیس امنیت پلمپ شد مسوولین جمعیت تلاش و پیگیری های مستمری برای بازگشایی آن انجام داده اند. تنها جوابی که از پلیس امنیت شنیده اند منوط به همکاری ان جی او با پلیس امنیت در 2 مورد زیر می باشد.

1- مسوولان جمعیت گزارش ماهانه از فعالیت های ان جی او به پلیس امنیت بدهند. این درخواست يك درخواست كاملا غير قانوني و براي كنترل شديد و همه جانبه سازمانهاي غير دولتي است چرا كه جمعيت تلاش براي جهان شايسته کودکان يك سازماني است غير دولتي و مستقل و هيچ گونه تعهدي در قبال دولت ندارد. دولتي كه از زمان بازگشايي اين ان جی او به جاي همكاري، دائما با تهديدهاي مختلف مشكلاتي را براي جمعيت فراهم کرده است و امروز هم با پلمپ کردن درب جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان صدها کودک کار و کودک افغانی را از برخورداری از امکانات آموزشی محروم کرده است.

2- مسئولان جمعیت اسامی تمامی کودکان افغانی که فاقد کارت سکونت هستند به همراه آدرس کامل و دقیق آنها را به پلیس امنیت بدهد. این درخواست در حالی صورت گرفته که چندین ماه است نیروی انتظامی با جدیت افغانه فاقد کارت را چه زن چه مرد و چه کودک را شناسایی و دستگیر و بعد از مدتی آنها را به پاسگاههای مرزی می فرستند سه روز آنها را در گرما و سرما و در شرایط نامطلوب در پاسگاههای مرزی نگه می دارد و سپس آنها را در مرز افغانستان به حال خود رها می کند بدون توجه به اینکه چه خطراتی آنها را تهدید می کند و چه بلایی بر سر آنها خواهد آمد به خصوص که اکثر آنها را زنان و کودکان تشکیل می دهند.

مسئولین جهان شایسته کودکان در تماس با دفتر یونسف در تهران جهت حمایت آنها و اقدام برای رفع پلمپ این دفتر هستند. همچنین آنها قصد دارند با دفتر مرکزی یونسف در پاریس تماس بگیرند و خواستار اقداماتی برای بازگشایی این ان.جی.او شوند.

### "اقدام علیه امنیت ملی" برای مادری که فقط چند جلد کتاب به همراه

#### داشت

متأسفانه در ایران واژه "اقدام علیه امنیت ملی" به صورتی کاملاً بچه گانه مد شده است. در نظر بگیرید مادر یک کودک 9 ساله که سالها در نشریه کودکان گرافیک بوده، در خرداد ماه امسال در میتینگ مهندس موسوی در ورزشگاه آزادی دستگیر می شود. جرم او تنها به همراه داشتن چند جلد کتاب جریان هدایت الهی نوشته استاد ایلیا.میم.رام الله بوده

به مدت شصت روز زندانی بودن در اوین و وثیقه 150 میلیونی برای تنها چند جلد کتاب؟؟

<http://defenceaskari.blogfa.com/> این آدرس کمپین ما است

## تأثیر خشونت های تلویزیونی در کودکان

روانشناسان معتقدند دیدن صحنه‌هایی از خشونت در تلویزیون و یا سایت‌های اینترنتی، روی رفتار کودکان اثرات مخرب مشخصی را بر جای می‌گذارد.

به گزارش هرانا به نقل از جهان نیوز، به گفته این دسته از روان‌شناسان؛ هنگامی که کودکان تصاویر ترسناک و یا صحنه‌هایی از تیراندازی را در فیلم‌ها مشاهده می‌کنند، برخی از آنها در پی انجام موارد مشابه آنها در بازی‌های کودکانه خود برمی‌آیند، در حالی که گروهی دیگر از دیدن چنین صحنه‌هایی نگران، ناراحت و وحشت‌زده می‌شوند.

تحقیقات زیادی توسط دانشمندان، پزشکان و متخصصان اطفال و محققان کودک در کشورهای مختلف انجام شده است تا علت تأثیرگذاری خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان کشف شود. که به نظر می‌رسد علت این تأثیرگذاری باورپذیری بالا و همچنین الگوپذیری کودکان از برنامه‌های تلویزیون است به طوری که کودکان فکر می‌کنند اگر آنها نیز مانند شخصیت‌های جنایتکار تلویزیون رفتار کنند آنها هم قهرمان می‌شوند.

در همین زمینه تحقیقی انجام شد که در آن کودکان را به دو گروه A و B تقسیم کردند و به گروه A فیلمی را نشان دادند که در آن یک کودک عروسکش را به شدت کتک می‌زد و به کودکان گروه B فیلمی نشان داده شد که در آن همان کودک با عروسکش مهمانی چای برگزار کرده است؛ کودکان گروه A با رفتاری مشابه به همان شیوه فیلمی که دیده بودند عروسکشان را کتک زدند و در مقابل کودکان گروه B با مهربانی با عروسک بازی کردند.

طبق تحقیقات انجام شده، کودکان قادر به درک این موضوع نیستند که در برنامه‌های تلویزیونی وقتی شخصی به شخص دیگر حمله می‌کند حمله او واقعی نیست و نباید این رفتارها را تقلید کنند.

کارشناسان و محققان امور کودک بر این باورند که برنامه‌های تلویزیون بویژه در بخش کودکان نباید خشن باشد. زیرا کودکان بر راحتی از برنامه‌های تلویزیونی الگو برداری می‌کنند.

## بی‌خبری از وضعیت نوجوانی که به دلیل همجنسگرایی محکوم به اعدام شد

تا این لحظه، پیگیری‌های انجام‌شده در مورد نعمت صفوی نوجوان اردبیلی که در سن 16 سالگی به دلیل همجنسگرایی (ارتکاب عمل لواط) بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه اطفال از سوی دادگستری اردبیل به اعدام محکوم گردید بی‌نتیجه مانده است و مسئولین دادگاه اردبیل حضور وی در زندان‌های این شهر را تکذیب نموده‌اند.

با توجه به اینکه در سال گذشته این نوجوان محکوم به اعدام در بند جوانان زندان اردبیل نگهداری می‌شد، تکذیب حضور وی در زندان‌های اردبیل از سوی مسئولین دادگاه نگرانی‌هایی را در مورد وضعیت او به وجود آورده است.

اخیرا نیز سازمان دیده‌بان حقوق بشر طی بیانیه‌ای صدور حکم اعدام برای مهدی پ از تبریز، محسن ق از شیراز و نعمت صفوی از اردبیل را که در پرونده‌های جداگانه ای به انجام اعمال همجنس‌گرایانه در زمانی که کمتر از هجده سال داشتند متهم شده‌اند را محکوم نموده بود. در بیانیه این سازمان آمده است: «مجازات مرگ برای نوجوانانی که زیر ۱۸ سال مرتکب جرم می‌شود طبق قوانین بین‌المللی ممنوع شده و این ممنوعیت مطلق است. هم‌کنوانسیون حقوق کودک و هم‌کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی به صورت خاص مجازات مرگ برای افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارند را منع کرده است. این قوانین منعکس‌کننده این حقیقت هستند که کودکان و نوجوانان با بزرگسالان متفاوت هستند چرا که فاقد تجربه، قضاوت، بلوغ و دیگر خودداری‌های بزرگسالان هستند. ایران کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۱۹۹۴ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی را در سال ۱۹۷۵ به تصویب رساند.»

با توجه به اینکه در موارد اینچنینی حکم صادره باید بر اساس اقرار گرفته شده از متهم یا حضور 4 شاهد عاقل و بالغ و یا بر اساس شکایت شاکی خصوصی باشد در مورد نعمت صفوی احتمال آن می‌رود که بر اساس اقرار گرفته شده از وی در دوران بازجویی این حکم صادر شده باشد و شاهد یا شاکی در خصوص این پرونده وجود نداشته باشد.

بر اساس اعلام نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر از جمله موسسه بین‌المللی دفاع از حقوق دگرباشان در حال حاضر چندین نفر در ایران به اتهام لواط محکوم به اعدام شده‌اند. نعمت صفوی و قاسم بشکول در اردبیل، لقمان همزه‌پور و همزه چاوشی در سردشت، محسن قبرای در شیراز، حمید طاقی، ابراهیم حمیدی، مهدی پوران، و محمد رضایی در تبریز از جمله افرادی هستند که در سالهای گذشته به اتهام لواط به اعدام محکوم شده‌اند و در حال حاضر اخبار جدیدی از آنان در دسترس نیست.

### نوجوانی دیگر در آستانه اعدام

یک نوجوان دیگر که در سن 17 سالگی مرتکب قتل شده است در انتظار اعدام بسر می‌برد. به گزارش واحد کودکان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، محمد حسن رضائی، متولد 26 شهریور ماه 1369، به جرم قتلی که در حدود 17 سالگی (مرداد ماه 86) مرتکب شده است، 2 سال است که در زندان رشت زندانی است و هم اکنون با تأیید شدن حکم قصاص در آستانه‌ی اعدام قرار دارد.

وی متهم است طی یک نزاع دسته جمعی که بین مرحوم مهیار علیزاده و چند نفر دیگر رخ داده است با ضرباتی که با چاقو به پشت مقتول وارد آورده، منجر به مرگ وی شده است. قابل ذکر است در این پرونده یک نفر دیگر هم به عنوان قاتل مجرم شناخته شده است که محمد حسن رضایی و وی هر دو به قصاص نفس محکوم شده‌اند.

طبق ماده‌ی 37 کنوانسیون حقوق کودک اجرای مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

در ضمن در بند 6 ماده‌ی 5 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً حکم به مجازات اعدام برای کودکان زیر 18 سال ممنوع اعلام شده است.

با این وجود کشور ایران بالاترین میزان اعدام کودکان را در جهان داراست.

## عدم اجرای قوانین مقابله با کودک آزاری در ایران

کودک آزاری در ایران از معضلات اجتماعی است که کارشناسان در سالهای اخیر در تلاش برای کاهش آن هستند. سازمان های غیر دولتی که در این زمینه فعالیت دارند، گزارش های مختلفی را براساس آمار دریافتی منتشر می کنند.

براساس آخرین گزارش ها ۴۷ درصد از کودک آزاری های گزارش شده به انجمن حمایت از حقوق کودکان در مهرماه توسط پدران بوده است.

صاحب نظران بر این باورند که کودک آزاری در موضوعات مختلفی ریشه دارد. براساس آمارهای موجود در سازمان بهزیستی و سازمان ها غیر دولتی، پسران بیش از دختران مورد کودک آزاری قرار می گیرند.

سعید مدنی، پژوهشگر مسائل اجتماعی می گوید: "عوامل اجتماعی در این مسئله نقش به سزایی دارد. اگرچه عوامل فردی و فرهنگی هم در کنار این عامل نقش ایفا می کند. نکته مهم این است که اقداماتی که در زمینه پیشگیری و کنترل کودک آزاری صورت گرفته، اغلب اقداماتی است که در سطح میانه و خرد انجام می شود."

آقای مدنی می گوید تاثیر اقدامات سازمان های مسئول و سازمان های غیر دولتی تحت تاثیر شرایط فعلی اقتصادی و اجتماعی در ایران به سرعت از بین می رود.

قوانین موجود در ایران در حوزه کودک آزاری به اعتقاد حقوقدانان چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و در مواردی نیز از این رفتارها به عنوان تربیت کودک یاد می شود.

نسرین ستوده، حقوقدان، مهمترین عامل افزایش کودک آزاری در ایران را عدم برخورد با کسانی که مباردت به کودک آزاری می کنند می داند و می گوید: "در موارد متعددی با اعلام کودک آزاری به دادگاه های جزایی، دادگاه ها به ویژه زمانی که پدر مباردت به کودک آزاری می کند، با بی اعتنایی

برخورد می کنند. در درجه دوم افزایش آزار کودکان را ناشی از شرایط نابهنجار اقتصادی و اجتماعی می دانم."

اثبات آزار کودکان در دادگاه های ایران به گفته صاحب نظران بسیار مشکل است، از سوی دیگر خانواده ها و اقوام نیز به دلایل فرهنگی در مواردی حاضر به اعلام یا حمایت از کودک نیستند. آزار روانی کودکان در ایران همانند دیگر کشورها در رتبه نخست قرار دارد و پس از آن آزار جسمی و جنسی. هرچند به باور صاحب نظران، آزار جنسی کودکان در سالهای اخیر با افزایش رو برو بوده است.

سعید مدنی می گوید: "کودک آزاری جسمی عموماً توسط والدین یا نزدیکان به کودک صورت می گیرد، پسران بیشتر از طرف پدران و برادران و دختران نیز از سوی مادران یا خواهران بزرگتر مورد آزار قرار می گیرند. در مورد کودک آزاری جنسی متأسفانه در غالب موارد سهم پدر بالاترین میزان است و پس از او یکی از نزدیکان به کودک مرتکب این عمل می شود که این گزارش ها در خصوص آزار جنسی دختران است."

آقای مدنی افزود: "کودک آزاری بشتر از اینکه محصول افرادی خارج از فضای خانواده یا نزدیکان باشد، بیشتر به دلیل شرایط نامناسبی است که نزدیکان و اعضای خانواده در آن قرار دارند." به اعتقاد کارشناسان، موضوع آزار جنسی کودکان مسئله ای پیچیده است. در صورتی که گزارشی از این موضوع به دادگاه ارائه شود، قضات با احتیاط بسیاری رای صادر می کنند. طبق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تأیید آزار جنسی کودکان نیاز به شاهد دارد.

دست اندرکاران امر معتقدند آزار کودکان در سطوح مختلف جامعه انجام می شود، اما چنین مواردی در خانواده هایی که در آنها طلاق رخ داده، یا والدین کودک مصرف کننده مواد مخدر هستند بیشتر دیده می شود. فقر نیز از عواملی است که در افزایش کودک آزاری نقش به سزایی دارد.

نسرین ستوده می گوید: "در سطوح بالای اجتماعی به لحاظ تحصیلات و تمکن مالی نیز ما شاهد کودک آزاری هستیم اما عموماً کودکان در خانواده های سطح پائین بیشتر مورد آزار قرار می گیرند. به مدارس کودکان در جنوب شهر و شمال شهر که مراجعه کنید، مصادیقی که مشاهده می شود نشانه آن است که کودک مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته در جنوب شهر بسیار بیشتر از شمال تهران است."

در سال ۸۱، با تصویب قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوان در مجلس ششم، کودک آزاری به عنوان جرم عمومی اعلام شد اما برخی کارشناسان خالهای موجود در اطلاع رسانی و کم توجهی به کودک آزاری را در میان مسئولان از عوامل تأثیرگذار بر افزایش این پدیده در ایران عنوان می کنند.



## بی‌خبری از وضعیت نعمت صفوی، نوجوان محکوم به اعدام

تا این لحظه، پیگیری‌های انجام‌شده در مورد نعمت صفوی نوجوان اردبیلی که در سن 16 سالگی به دلیل همجنسگرایی بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه اطفال از سوی دادگستری اردبیل به اعدام محکوم گردید بی‌نتیجه مانده است و مسئولین دادگاه اردبیل حضور وی در زندان‌های این شهر را تکذیب نموده‌اند. به گزارش هرانا به نقل از کمیته گزارشگران حقوق بشر، با توجه به اینکه در سال گذشته این نوجوان محکوم به اعدام در بند جوانان زندان اردبیل نگهداری می‌شد، تکذیب حضور وی در زندان‌های اردبیل از سوی مسئولین دادگاه نگرانی‌هایی را در مورد وضعیت او به وجود آورده است. اخیراً نیز سازمان دیده‌بان حقوق بشر طی بیانیه‌ای صدور حکم اعدام برای مهدی پ از تبریز، محسن ق از شیراز و نعمت صفوی از اردبیل را که در پرونده‌های جداگانه‌ای به انجام اعمال همجنس‌گرایی در زمانی که کمتر از هجده سال داشتند متهم شده‌اند را محکوم نموده بود. در بیانیه این سازمان آمده است: «مجازات مرگ برای نوجوانانی که زیر ۱۸ سال مرتکب جرم می‌شود طبق قوانین بین‌المللی ممنوع شده و این ممنوعیت مطلق است. هم‌کنوانسیون حقوق کودک و هم‌کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی به صورت خاص مجازات مرگ برای افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارند را منع کرده است. این قوانین منعکس‌کننده این حقیقت هستند که کودکان و نوجوانان با بزرگسالان متفاوت هستند چرا که فاقد تجربه، قضاوت، بلوغ و دیگر خودداری‌های بزرگسالان هستند. ایران کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۱۹۹۴ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی را در سال ۱۹۷۵ به تصویب رساند.»

## شورای نگهبان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست را رد کرد

این مصوبه در موارد متعدد دارای اشکال شرعی و قانون اساسی است و یا توجه به اینکه امر سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست شرعا بعهده ولی امر است. در نشست خبری سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست توسط مجلس رد و شرعا بعهده ولی امر میباشد.

به گزارش هرانا به نقل از خبرگزاری ایلنا، مصوب جلسه مورخ پانزدهم مهرماه 1388 مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ 88/8/6 شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

- علاوه بر اینکه این مصوبه در موارد متعدد دارای اشکال شرعی و قانون اساسی است و یا توجه به اینکه امر سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست شرعا بعهده ولی امر است و همچنین برای سرپرست آنان از نظر شرعی خصوصیات در نظر گرفته شده که در بسیاری از موارد در این لایحه رعایت نگردیده است لازم است مجلس محترم شورای اسلامی مشخص کند که اقدام مجلس در تعیین نهاد و افرادی که این مسوولیت را برعهده آنان گذارده است با اذن مقام معظم ولی امر مدظله العالی بوده است یا نه پس از تعیین این جهت اظهار نظر خواهد شد.

### قتل کودک دوساله برای انتقام از شوهر خواهر

منان متهم 23 ساله پرونده که در خانه خواهرش زندگی می‌کرد برای انتقام‌گیری از شوهر خواهرش فرزند دو ساله او را به نام فرهاد خفه کرد و به داخل یک بشکه آب انداخت. برادر هفت ساله مقتول که شاهد این قتل بود موضوع را به مادرش گفت و پس از آن متهم دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد.

مردی که متهم است خواهرزاده دو ساله اش را برای انتقام‌گیری از پدر او به قتل رسانده است روز گذشته پای میز محاکمه رفت. به گزارش هرانا به نقل از روزنامه اعتماد، در ابتدای جلسه محاکمه این متهم که دیروز برگزار شد شکاری نماینده دادستان تهران خطاب به قضات شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران گفت؛ منان متهم 23 ساله پرونده که در خانه خواهرش زندگی می‌کرد برای انتقام‌گیری از شوهر خواهرش فرزند دو ساله او را به نام فرهاد خفه کرد و به داخل یک بشکه آب

انداخت. برادر هفت ساله مقتول که شاهد این قتل بود موضوع را به مادرش گفت و پس از آن متهم دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد و اکنون تقاضای صدور حکم قانونی را برای او دارم. در ادامه خواهر متهم به عنوان یکی از اولیای دم مقتول در جایگاه حاضر شد و گفت؛ من نمی دانم پسر من به دست برادرم به قتل رسیده است یا نه. روز حادثه پسر بزرگم گریه کنان به سراغ من آمد و گفت منان برادرش فرهاد را کشته است. او من را به محل حادثه برد. زمانی که رسیدم پسر من را دیدم که در بشکه آب افتاده بود.

در ادامه پدر فرهاد در جایگاه حاضر شد. او گفت؛ من برای متهم تقاضای قصاص دارم. منان پسر مرا به قتل رسانده است و باید کشته شود. وی در مورد انگیزه برادر همسرش از این قتل گفت؛ مدتی قبل برادر همسر من نزد ما آمد. من او را به خانه خودم بردم و کمکش کردم. برایش کار پیدا کردم. می خواستم او را پیش خودم نگه دارم تا بتواند مبلغی پول جمع کند و روی پای خودش بایستد. مدتی گذشت. یک روز صاحب کارم من را صدا کرد و گفت تو اخراجی. وقتی دلیل این تصمیم را پرسیدم، گفت قرار است از این به بعد منان به جای من کار کند.

پدر مقتول ادامه داد؛ بعد از آن بود که فهمیدم منان به سراغ صاحب کارم رفته و از او خواسته من را اخراج کند و منان به صاحب کارم گفته بود کار مرا با حقوق کمتر انجام می دهد. من هم از دست برادر منم به شدت ناراحت شدم. آن روز وقتی منان به خانه آمد آنقدر عصبانی بودم که از او خواستم خانه ام را ترک کند. ما بر سر این موضوع با هم درگیر شدیم. بعد از چند دقیقه او پسر من را خفه کرد. پس از اظهارات پدر فرهاد، هیات قضات از پسر بچه می که شاهد صحنه قتل بود خواستند توضیح دهد روز حادثه چه اتفاقی افتاد. برادر مقتول وقتی در جایگاه حاضر شد فقط گریه کرد. او که به شدت اضطراب داشت بدون آنکه بتواند توضیح زیادی بدهد جایگاه را ترک کرد.

در ادامه متهم به دفاع از خود پرداخت و گفت؛ من اتهام قتل را قبول ندارم. نمی دانم خواهرزاده ام چطور به قتل رسید. زمان حادثه دیدم خواهرزاده ام گریه می کند. به سمت بشکه رفتم و مشاهده کردم فرهاد داخل بشکه افتاده است. من در قتل او هیچ نقشی نداشتم. بعد از پایان جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

## قتل 2 کودک توسط پدر

به دنبال قتل دو کودک 12 و 15 ساله در شهرک رازی اردبیل توسط پدرشان در نیمه‌های شب، زوایای جدیدی از این قتل دلخراش توسط بازپرس ویژه قتل در استان اردبیل بازگو شد.

**خبرگزاری هرانا - واحد کودکان:** به دنبال قتل دو کودک 12 و 15 ساله در شهرک رازی اردبیل توسط پدرشان در نیمه‌های شب، زوایای جدیدی از این قتل دلخراش توسط بازپرس ویژه قتل در استان اردبیل بازگو شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، بازپرس ویژه قتل در استان اردبیل اظهار داشت: همسر قاتل هشت ماه پیش به دلیل اختلافات خانوادگی خانواده را ترک کرده و برای دریافت مهریه و نفقه به دادگاه شکایت کرده بود و خانه محل سکونت قاتل در توقیف بوده است.

رضا خانعلیزاده افزود: پدر خانواده همسر خود را تهدید می‌کند که اگر وی طلاق نگیرد و خانه را از توقیف آزاد نکند وی هر دو کودک را به قتل خواهد رساند ولی از آنجا که کودکان از جانب پدر احساس خطر نمی‌کردند این تهدید را مهم تلقی نکردند.

وی ادامه داد: آثار به دست آمده حاکی از آن است که هنگام قتل الهام فرزند بزرگتر در حین اقدام به قتل توسط پدرش سعی کرده از خود دفاع کند و حتی اقدام به فرار کرده ولی موفق نشده و در نهایت بی‌رحمی به دست پدرش به قتل رسیده است.

بازپرس ویژه قتل در استان اردبیل اظهار داشت: به نظر می‌رسد مرتضی فرزند کوچک خانواده به احتمال قوی در خواب توسط پدر سنگدل به قتل رسیده است.

خانعلیزاده با اظهار تاسف از وقوع چنین پدیده‌های شوم اجتماعی تصریح کرد: با کمی آرامش و تامل می‌توان جلوی وقوع چنین جنایاتی را گرفت و نباید دعوای خانوادگی را به کینه تبدیل کرد چرا که همین کینه و دشمنی سرانجام قتل است.

وي ادامه داد: اگر مانند گذشته‌هاي نه چندان دور، حرمت ريش‌سفیدی بزرگ فامیل حفظ شود بذر عاطفه بیشتر از گذشته در دل خانواده‌ها کاشته می‌شود.

باز پرس ویژه قتل در استان اردبیل گفت: بسته بودن راه‌هاي حل اختلاف در میان خانواده‌ها را نیز در این میان نقش داشته است و مشکل مالی و معیشتی راهکارهایی است که قانونگذار می‌تواند با ارائه ساز و کارهای مناسب در راستای رفع آن گام بردارد زیرا فقر معیشتی ریشه بروز قتل‌هاي خانوادگی است.

خانعلیزاده در پایان اظهار داشت: هم‌اکنون این پرونده در دادسرا در حال رسیدگی است و به زودی حکم پدر قاتل صادر خواهد شد.

### زوج معتاد کننده کودکان دستگیر شدند

در یکی از روزهای اسفند سال گذشته والدین یک پسر بچه 12 ساله با حضور در دادسرای جنایی با ارائه شکایتی عنوان کردند، فرزند آنها که دچار لکنت زبان است، وقتی به قصد خرید، خانه را ترک کرده، به یکباره مفقود شده و تلاش برای یافتن او بی‌نتیجه مانده است.

زوجی که با ربودن کودکان خردسال آنها را معتاد و سپس وادار به گدایی می‌کردند، دستگیر شدند. به گزارش هرانا به نقل از جام جم آنلاین، امیراسماعیل رضوانفر، دادیار شعبه 4 دادسرای جنایی با اشاره به این خبر گفت: در یکی از روزهای اسفند سال گذشته والدین یک پسر بچه 12 ساله با حضور در دادسرای جنایی با ارائه شکایتی عنوان کردند، فرزند آنها که دچار لکنت زبان است، وقتی به قصد خرید، خانه را ترک کرده، به یکباره مفقود شده و تلاش برای یافتن او بی‌نتیجه مانده است.

دادیار جنایی افزود: به دنبال این شکایت دستور قضایی برای پیگیری و تحقیق در این زمینه صادر شد اما خبری از پسر بچه 12 ساله نشد.

2 روز پیش - که 9 ماه از طرح این شکایت می‌گذشت - والدین این کودک بار دیگر با مراجعه به دادسرای جنایی عنوان کردند، یکی از بستگانمان حوالی جاده ساوه فرزند گمشده ما را که در حال تکدیگری بوده، مشاهده و او را به نام صدا می‌کند، اما حمید (کودک گمشده) با شنیدن نام خود، از محل متواری می‌شود. والدین کودک گفتند: پس از فرار فرزندمان، فردی که او را دیده بود، به تعقیب وی پرداخته و متوجه می‌شود او در منطقه مسکونی واقع در بیابان‌های اطراف جاده ساوه، وارد خانه‌ای شده است. پس از ارائه این شکایت، ماموران پلیس آگاهی با نیابت قضایی، از طریق نشانی‌هایی که والدین کودک گمشده در اختیارشان قرار داده بودند، وارد مخفیگاه این کودک شده و

در این محل با 15 کودک دیگر نیز مواجه می‌شوند. به گفته دادیار شعبه 14 دادرای جنایی، با تحقیق و بررسی در محل مشخص شد یک زن و مرد معتاد، این کودکان را در این محل نگهداری و آنها را وادار به تکدی‌گری می‌کنند.

ادامه تحقیقات مشخص کرد این کودکان پس از انتقال به محل، به موادمخدر صنعتی از نوع کراک آلوده شده و به همین دلیل قادر به ترک محل نبوده‌اند و آنها هر روز هنگام غروب پس از تکدی‌گری در شهر، پول‌های حاصل از گدایی را در اختیار زوج معتاد قرار می‌دهند.

رضوانفر گفت: با بازداشت زوج متهم کودکان حاضر در محل نیز با دستور قضایی، در اختیار بهزیستی قرار گرفتند تا درخصوص والدین آنها، تحقیقات لازم انجام شود.

دادیار دادرای جنایی اضافه کرد: متأسفانه این کودکان در شرایط بسیار بدی نگهداری می‌شدند و براساس اظهارات آنها، اگر از طریق تکدی‌گری پولی به دست نمی‌آوردند، علاوه بر ضرب و شتم، شرایط بسیار بدی برای آنها رقم می‌خورد.

به گفته رضوانفر، در حال حاضر فرضیه‌های متعددی در این ارتباط وجود دارد از جمله این که احتمالاً افراد دیگری نیز در ربودن کودکان و کشاندن آنها به دام اعتیاد نقش داشته‌اند که در این ارتباط نیز دستور ویژه قضایی صادر شده و ماموران تحقیقات گسترده خود را برای شناسایی هویت کودکان و والدین آنها آغاز کرده‌اند.

### خود آقایان حاضرند دختر 15 ساله شان صیغه شود ؟

رئیس پلیس آگاهی ناجا در آخرین روز حضورش در این سمت اعلام کرد برای کاهش آمار تجاوز به عنف باید «بهربرداری مشروع جنسی» در جامعه تسهیل شود. این در حالی است که امروز برخی منابع خبری گزارش دادند سردار جعفری به دانشگاه علوم انتظامی نقل مکان کرده و سردار بتولی جایگزین وی شده است. حال باید دید اظهارات مطرح شده از جانب سردار جعفری دیدگاه سازمانی وی بوده یا دیدگاه شخصی.

اما آنچه که مسلم است این است که اظهارات اخیر در این باره سبب بروز واکنش‌های متعددی به این ماجرا شده و کارشناسان مختلف دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند.

به نوشته اعتماد، سردار جعفری گفت: «احکام اسلامی که زمینه‌های پیشگیرانه دارند مثل تسهیل در بهره‌برداری مشروع جنسی که در شرع هم پیش بینی شده است، می‌تواند موجب کاهش تجاوز به عنف شود.» بحث «بهره‌برداری مشروع جنسی» ناظر بر اجرای متعه یا همان ازدواج موقت در

جامعه است؛ بحثی که ابتدا هاشمی رفسنجانی در سال 1370 مطرح کرد و از همان سال تا به حال هر از گاهی رخ نمایانده و چون با موج مخالفت ها روبه رو شده، به حاشیه رفته است. سردار جعفری که درباره تجاوزهای به عنف قیامدشت و لواسان حرف می زد، در گفت و گو با خبرنگاران توضیح داده؛ «اگر امکان تمتع جنسی فراهم شود، آن موقع اگر کسی مرتکب جرم شد باز هم احکام الهی تکلیف را روشن کرده است.»

طی هفته جاری این دومین مقام رسمی است که طرح ازدواج موقت در جامعه را دوباره پیش می کشد. علی مطهری نماینده مردم تهران روز شنبه اظهار نظر کرده بود برای جلوگیری از رواج فساد و فحشا در جامعه باید ازدواج موقت را بین «دبیرستانی ها» رواج داد. او گفته بود؛ «همه ما می دانیم که امروزه دختران و پسران با هم دوست می شوند و روابطی را برقرار می کنند که همه ما می دانیم نامشروع است و حتی در بسیاری از مواقع خانواده ها هم در جریان هستند. ما هم می گوئیم باید همین رابطه در جریان باشد اما به صورت مشروع. آنها بیایند و ازدواج موقت کنند.» او درباره اشکالاتی که به این طرح وارد است از جمله اینکه خانواده ها به راحتی قبول نمی کنند که دختران شان ازدواج موقت داشته باشند پاسخ داده بود؛ «چرا واقعیات جامعه را نمی خواهیم باور کنیم. خیلی از دختران و پسران با هم دوست می شوند و بعد هم خیلی زود از هم جدا می شوند. خب بیایند و با هم ازدواج کنند و خانواده ها هم این را بپذیرند. وجدان دینی جوان ها را راحت کنیم و نگذاریم برای آنها گناه کردن عادی باشد.»

نماینده مردم تهران در حالی پیشنهاد ازدواج موقت دبیرستانی ها را مطرح کرد که طی هفته گذشته نماینده پژوهشی ولی فقیه در دانشگاه ها گفته بود باید طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها اجرا شود. حبیب محمدنژاد اظهار نظر کرده بود برای جلوگیری از تحریک غرایز جوانان باید دانشگاه های دخترانه و پسرانه ایجاد شود. حال معلوم نیست با اظهار نظر علی مطهری جامعه به چه شکلی درخواهد آمد یعنی باید دختران و پسران دبیرستانی ازدواج موقت کنند و بعد وقتی رفتند دانشگاه در کلاس های جداگانه درس بخوانند؟

این وضعیت پارادوکسیکال را (در صورت اجرایی شدن) چه کسی مدیریت خواهد کرد؟ عباس عبدی تحلیلگر مسائل اجتماعی درباره این اظهار نظر تازه پلیس آگاهی می گوید؛ «این اظهار نظر مبتنی بر این است که اگر قواعد اسلامی آن طور که آقایان می فهمند اجرا شود همه مشکلات حل می شود. به نظر می آید این گزاره غلط است و جواب نمی دهد چون به عنوان مثال 30 سال است ربا در سیستم بانکی وجود دارد، هر روز هم زیادتر می شود که کمتر نمی شود. همه هم دوست دارند ربا را بردارند اما نمی شود و خودشان می دانند اگر این کار را بکنند فاجعه بی اتفاق می افتد. در این مورد هم همین طور است این آقایان که این توصیه ها را می کنند، حاضرند دختر

15 ساله خودشان صیغه کسی بشود. چرا نوبت به خودشان که می رسد باید حتماً خواستگار با رعایت هزار رسم و رسوم وارد شود و به هیچ وجه حاضر نیستند فرزندان شان کوچک ترین رابطه بی با کسی داشته باشند بعد برای مردم این طور نسخه می پیچند.»

## رییس آموزش و پرورش رژیم: ازدواج دختران دانش آموز را توصیه می کنیم!

دکتر زکریا یازرلو در پاسخ به این سوال که آیا روال اخراج کردن دانش آموزان دختری که در سنین مدرسه ازدواج می کنند، توسط برخی مدیران مدارس صحیح است یا خیر؟ گفت: شرط حضور دختران در مدرسه این است که ازدواج نکرده باشند و مجرد باشند، اما اگر شرایط ازدواج برای دانش آموزان دختر فراهم شد و خواست که ازدواج زودهنگام داشته باشد که ما هم آن را توصیه می کنیم، در آن موقع، نظام آموزش و پرورش مدل دیگری از خدمات آموزشی را برای آنها فراهم می کند و سازماندهی متفاوتی برای آنها در نظر می گیرد که از آن جمله فراهم آمدن امکان ادامه تحصیل در آموزشگاه بزرگسالان است.

وی در پاسخ به این که بر این اساس اخراج دانش آموزان دختری که ازدواج می کنند از مدارس عادی صحت دارد، اظهار کرد: نوع واژه هایی که به کار می بریم مهم است، بهتر است بگوییم که سازماندهی متفاوتی برای آنها در نظر گرفته می شود.

این سخنان رییس آموزش و پرورش شهر تهران در حالیست که علی احمدی، وزیر سابق آموزش و پرورش گفته بود: «چرا باید دانش آموز دختری که ازدواج می کند، دیگر در مدرسه راه داده نشود یا به مدرسه بزرگسالان فرستاده شود و او نیز تنها ناگزیر به کتمان موضوع باشد، در حالی که وی در مسیر اصلی زندگی در حال حرکت است و ما مسیر را وارونه طی می کنیم.»



## نقض حکم اعدام نعمت صفوی، نوجوان محکوم به اعدام

حکم اعدام نعمت صفوی، نوجوان اردبیلی که در سن 16 سالگی به دلیل همجنسگرایی (ارتکاب عمل لواط) بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه اطفال از سوی دادگستری اردبیل به اعدام محکوم گردیده بود، پس از ارسال به دیوان عالی کشور نقض شده و پرونده وی برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌ارز در دادگاه کیفری اردبیل ارجاع داده شده است.

لازم به ذکر است تاریخ ارجاع پرونده به دادگاه کیفری اردبیل 14 اسفند 87 می‌باشد. بنابراین احتمال آن می‌رود که دادگاه تجدیدنظر برگزار شده باشد. اخبار دیگر در مورد پرونده‌ی این نوجوان متعاقبا ارسال خواهد شد.

بر اساس اعلام نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر از جمله موسسه بین‌المللی دفاع از حقوق دگرباشان در حال حاضر چندین نفر در ایران به اتهام لواط محکوم به اعدام شده‌اند. نعمت صفوی و قاسم بشکول در اردبیل، لقمان همزه‌پور و همزه چاوشی در سردشت، محسن قبرای در شیراز، حمید طاقی، ابراهیم حمیدی، مهدی پوران، و محمد رضایی در تبریز از جمله افرادی هستند که در سالهای گذشته به اتهام لواط به اعدام محکوم شده‌اند و در حال حاضر اخبار جدیدی از آنان در دسترس نیست.

## با رضایت اولیای دم نوجوانی از اعدام رهایی یافت

پسر نوجوانی که با رضایت اولیای دم از قصاص رهایی یافته بود به لحاظ جنبه عمومی جرم به پنج سال حبس محکوم شد.

به گزارش اعتماد این نوجوان که امیر نام دارد سه سال قبل در یک درگیری کودکانه جوانی به نام جلیل را به قتل رساند. وی در بازجویی ها به قتل اعتراف کرد اما گفت به خاطر مصرف مشروب در حالت عادی نبوده و به عمد مرتکب قتل نشده است.

امیر همین ادعا را در جلسه محاکمه نیز مطرح کرد اما از آنجایی که پزشکی قانونی گفته بود میزان الکل در خون او به اندازه بی نبوده که رافع مسئولیت باشد، امیر به درخواست اولیای دم مقتول به قصاص محکوم شد.

این متهم سه سال تلاش کرد تا توانست بالاخره اولیای دم را به دریافت دیه راضی کند و سرانجام خانواده مقتول با دریافت دیه نسبت به قصاص گذشت کردند. امیر که روز گذشته به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت یک بار دیگر از اتفاقی که افتاده بود ابراز پشیمانی کرد و گفت؛ یاد گرفته ام چطور خشمم را کنترل کنم و دیگر مانند سال های نوجوانی از خود بیخود نمی شوم. بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه 74 برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند و متهم را به پنج سال حبس محکوم کردند. از آنجایی که متهم دو سال و هشت ماه در زندان بود مابقی حبس از سوی هیات قضات به حالت تعلیق درآمد و این نوجوان آزاد شد.

## بهبهزیستی مسوول برخورد با کارفرمایان کودکان کار نیست

مدیر کل امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی گفت: با توجه به قوانین وزارت کار سازمان بهزیستی تحت هیچ شرایطی مسئولیتی در قبال برخورد با متخلفان مربوط به کودکان ندارد.

سید حسن موسوی چلک با بیان اینکه مسوولیت کودکان کار با سازمان بهزیستی نیست تاکید کرد: طبق موارد اعمال شده در قانون، کودکان 15 تا 18 سال به کارگران نوجوان اطلاق شده و کار این دسته از کودکان پذیرفته شده است و قوانین کار شامل این کودکان می شود.

او در گفت و گو با خبرنگار ایلنا افزود: طبق ماده 713 قانون مجازات اسلامی هر کس فرد صغیر یا غیررشیدی را به کار تکدی گری وادار کند مجرم، محسوب می شود که بر اساس این قانون، مسئول

برخورد با مجرکان این چینی که حقوق کودکان را ضایع می‌کنند سازمان بهداشتی نیست. موسوی چلک ادامه داد: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که در سال 81 به تصویب مجلس رسید، هر گونه استثمار و بهره‌کشی از کودکان کار ممنوع بوده و در عین حال باز هم مسئول برخورد با متخلفان در این ارتباط بهداشتی نیست.

مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی بهداشتی کشور با اشاره به منع بدترین اشکال کار برای کودکان تصریح کرد: در مقاوله‌نامه نیز موضوع کار کودک مطرح شده و کارهای سخت و دشوار برای کودکان منع شده بر همین مبنا وزارت کار مسئول و پیگیری این بخش از حقوق کودکان است. به گفته موسوی چلک در این میان مسوولیت بهداشتی در مورد کارتن‌خواب‌ها بیشتر از سایر دستگاه‌ها بوده چرا که در این ارتباط آئین‌نامه‌ای توسط دولت در سال 84 تصویب شده و در این زمینه دستگاه‌های گوناگون خصوصاً بهداشتی را مسئول دانسته است.

مدیر کل امور آسیب دیدگان اجتماعی بهداشتی کشور با بیان اینکه در حال ارزیابی و بررسی آئین‌نامه اجرایی مصوبه هیات دولت هستیم تا عملکرد هر یک از دستگاه‌ها در سطح کشور در زمینه کارتن‌خواب‌ها و آئین‌نامه مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی را بررسی کنیم خاطر نشان کرد: سال گذشته 10 هزار و 414 نفر در مراکز کودکان خیابانی بهداشتی پذیرش شدند که 22 درصد از این تعداد اتباع بیگانه بوده‌اند.

او ادامه داد: سازمان بهداشتی مسوول حمایت از اتباع بیگانه‌ای که کارت اقامتی دارند نیست چرا که سازمان بهداشتی به تنهایی نمی‌تواند برای حمایت از این افراد و یا کودکان کار و خیابان، مدرسه، بیمارستان یا سایر امکانات رفاهی ایجاد کند.

موسوی چلک در ادامه گفت: بهداشتی مسئول ساماندهی و پاسخگویی به موضوعاتی که جزو وظایف سازمان‌های دیگر بوده نیست.

## خواهر خودسوزی کرده، مادر سگته و شمارش معکوس زندگی



نوجوانی که زیر کابل اعتراف کرد

محمدرضا حدادی، نوجوانی که در سال 1382 در سن 15 سالگی دستگیر شده با تأیید حکم، توسط دیوان عالی کشور و ارسال آن به دایره‌ی اجرای احکام دادسرای شیراز در معرض اجرای حکم اعدام قرار دارد. بنابر اعلام مقامات قضایی دستور نیابت اجرای حکم صادر شده و حکم مزبور به زودی در زندان عادل‌آباد شیراز اجرا خواهد شد.

مادر محمدرضا از خودسوزی دخترش بعد از شنیدن خبر اجرای حکم می‌گوید: صبح داشتیم صبحانه می‌خوردیم که یک نفر از طرف زندان آمد و گفت: قرار است حکم "محمدرضا" اجرا شود. دخترم، نفت بخاری را برداشت، ریخت روی سرش و خودش را آتش زد. پتو انداختیم روی سرش. کوچکی ما تنگ است و ماشین از آن رد نمی‌شود. با گاری رساندیمش بیمارستان. خودم سه مرتبه تا حالا سگته کردم. 15 سال است که پدر محمدرضا ما را ترک کرده. دو تا زن دیگر گرفته،

هیچ کدامان را هم طلاق نمی‌دهد. هشت تا بچه را با کلفتی و خون دل بزرگ کردم. یک پسر دیگر هم، یک دست و یک پایش فلج است. حالا هم فقط دستانم به درگاه خدا بلند است. هربار رفته در خانه‌ی آقای رحمت با فحش بیرونم کردند. الهی، هیچ مادری داغ اولاد نبیند، بچه‌ی بی گناهم دارد می‌ره بالای دار.

«حسین رحمت»، فرزند «محمد باقر رحمت» در تاریخ 30/5/82 با مراجعه به نیروی انتظامی اعلام کرد؛ پدرش در روز 28/5/82 کازرون را به مقصد شیراز ترک و تاکنون مراجعه ننموده است. خودرو مزبور در تاریخ 82/6/8 پس از یازده روز در روستای فتح آباد کازرون پیدا شد. در پروسه رسیدگی به پرونده، چهار نفر دستگیر و «مهدی ساسانی»، یکی از متهمین اقرار کرد که در ارتکاب سرقت اتومبیل و کشتن راننده، با «محمد قربانی»، «تقی و کریم» هم دست بوده است.

در تاریخ 20/7/82 «کریم حدادی» دستگیر و اظهار داشت: «ساعت 11 یا 12 شب به اتفاق مهدی ساسانی و تقی حدادی و محمد، روبروی امامزاده سید حسین کنار جاده ایستاده بودیم، یک پیکان سواری جوانان نارنجی رنگ از کازرون آمد، محمد قربانی و تقی حدادی دست بلند کردند، پیکان ایستاد و ما سوار شدیم. از قائمیه به طرف شیراز حرکت کردیم.»

محمد به راننده گفت: یک رفیق داریم او را هم سوار کن. راننده قبول کرد. در بین راه به بهانه‌ی دستشویی، راننده، خودرو را متوقف کرد و پیاده شدیم. من و محمد داخل دره رفتیم، مهدی و تقی پهلوی راننده ماندند. راننده می‌خواست داخل رادیاتور ماشین آب بریزد که تقی سنگی برداشت و از پشت به سر راننده زد و راننده روی زمین افتاد. من و محمد آمدیم بالا و به اتفاق مهدی و تقی چند مشت هم به سر و صورت و سینه‌ی راننده زدیم. جنازه را در صندوق عقب انداختیم و او را تا حکیم باشی و رشن آباد آوردیم. در طول راه متوجه شدیم راننده هنوز جان دارد و سرو صدا می‌کند. تقی، پسر عموی من، پشت فرمان نشسته بود. از رشن آباد به طرف جاده خاکی کوره کچی رفتیم. تقی، ماشین را متوقف کرد و درب صندوق عقب را باز کرد. پیرمرد هنوز جان داشت، مهدی ساسانی با چوب دو دفعه به بدن پیرمرد زد. محمد و تقی تسمه‌ی پروانه‌ای آورده، دور گردن پیرمرد انداختند و او را خفه کردند، سپس تقی گفت: جنازه را آتش بزنیم. بنزین تهیه کردیم و جنازه را آتش زدیم، داخل گودالی گذاشتیم و روی گودال را پر از خاک کردیم و رفتیم.

در اثنای رسیدگی محمد رضا حدادی، 15 ساله، دستگیر و در جلسات اولیه‌ی رسیدگی اعلام داشت: مقتول را با تسمه پروانه، خفه کرده است. در حالی که به گفته‌ی وکیل محمدرضا: پزشکی قانونی علت دقیق فوت را تشخیص نداده؛ لیکن اعلام نموده، ضربه مغزی و شکستگی استخوان جمجمه می‌تواند یکی از دلایل آن باشد. وی در تاریخ 82/8/8 مجدداً در جلسه‌ی رسیدگی دادگاه، اتهام سرقت و قتل را به عهده گرفته و به ارتکاب جرم اقرار کرد.

چند روز پس از محاکمه، محمدرضا متوجه شد فریب خورده و خانواده‌اش هیچ پولی دریافت نکرده‌اند. وی طی نامه‌ای در 16 آبان 82 اعلام نمود که یکی از متهمین با وعده‌ی پرداخت پول از وی خواسته با توجه به صغر سن ارتکاب قتل را بر عهده بگیرد. وی فریب متهم دیگر را خورده و در ارتکاب فعل هیچ نقشی نداشته است.

به گفته‌ی محمدرضا متهمان، وی را اغفال و پیشنهاد پرداخت وجه به خانواده‌ی او را دادند. از طرفی یکی از متهمان به وی قول داده بود که اگر قتل را به گردن بگیرد، دختر عمه‌اش را به عقد او درآورد.

پدر محمدرضا می‌گوید: بچه‌ام را جلوی چشمان خودم در کلانتری از ساعت 12 ظهر تا 12 شب از درخت آویزان کردند و با کابل زدند، آن هم برای کاری که نکرده بود. من آدم بی سوادى هستم. 14 بچه دارم که با کارگری و عملگی بزرگشان کردم. پارتی و آشنا هم ندارم، بلد هم نیستم باید چه کار کنم، اما یک خدا دارم که به بزرگیش شک ندارم. او می‌داند که بچه‌ی من بی‌گناه است. از بدبختی و نداری دست به چنین کار احمقانه‌ای زده است. از بخت بدم دخترم وقتی شنید برادرش را می‌خواهند اعدام کنند، خودش را آتش زد. دکترها می‌گویند 70 درصد سوخته. الان هم دم پایى توی دستش می‌کند و راه می‌رود. زنم هم سگته کرده و فلج افتاده گوشه‌ی خانه. چندین بار برای عذرخواهی رفتم خانه ولی دم، اما هر بار به پلیس زنگ زدند و پلیس بیرونمان انداخته، اما امیدم به خداست. لذتی که در عفو هست در انتقام نیست. الهی به حق علی اکبر حسین، خدا رحمی به دلشان بیندازد به محمد رضای من رحم کنند.

دادگاه بدون تحقیق نسبت به ادعای محمدرضا و انکار وی در تاریخ 82/10/16 سلب حیات مقتول توسط او را مسلم دانسته و با استدلالاتی به صرف اقرار این نوجوان وی را به قصاص نفس محکوم و به استناد ماده 621 قانون مجازات اسلامی به لحاظ شرکت در آدم ربایی به تحمل 15 سال حبس و به استناد ماده 636 همان قانون به تحمل يك سال حبس به لحاظ مخفی کردن جسد مقتول محکوم و دیگر متهمین را نیز به حبس های طولانی مدت به اتهام آدم ربایی و مخفی نمودن جسد و جنایت بر میت محکوم نمود.

ایران در سال 1375 به کشورهای عضو پیمان‌نامه حقوق کودک پیوسته است. ماده 378 این پیمان‌نامه اذعان می‌دارد: مجازات مرگ یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب می‌شوند اعمال گردد. از سوی دیگر مطابق بند 5 ماده‌ی 6 میثاق حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز آن را پذیرفته حکم اعدام نایبستی برای افرادی که در سنین پیش از 18 سال مرتکب جرمی شده‌اند صادر شود.

متهمین به دادنامه‌ی صادره اعتراض می‌نمایند که با ارجاع پرونده به شعبه 42 دیوان عالی کشور در تاریخ 1384/4/12 قضات شعبه، دادنامه صادره را فاقد اشکال موثر دانسته و تأیید نمودند .

پس از ابلاغ دادنامه‌ی صادره به محمدرضا و با به دست آوردن ادله‌ی جدید؛ از جمله اقرار دیگر متهمین بر بی‌گناهی‌شان تقاضای اعمال ماده 18 مبنی بر اعاده دادرسی و رسیدگی مجدد را نمود که شعبه‌ی سوم تشخیص دیوان عالی کشور درخواست وی را مردود اعلام نمود.

محبوبه، خواهر محمدرضا که خودسوزی کرده از آرزویش برای رهایی محمدرضا می‌گوید: وقتی این خبر را شنیدم، تاب نیاوردم فقط فکر کردم زنده نباشم تا داغ برادرم را ببینم. داغ برادر خیلی سخته! ما به خانواده‌ی ولی دم، حق می‌دهیم، اما آن‌ها هم می‌دانند برادرم بی‌گناه است، بچگی کرده. من بعد از این که شوهر کردم، فهمیدم شوهرم زن دارد و 8 تا بچه. همان وقت طلاق گرفتم با یک دختر برگشتم خانه‌ی مادرم. آن قدر داغ محمدرضا برآیم سخت بود که اصلاً به دخترم فکر نکردم و خودم را آتش زدم. تنها آرزویم این است که همین خانه‌ی خرابه را هم از ما بگیرند، چادر بزنیم وسط بیابان زندگی کنیم، اما جان محمدرضا را نگیرند. این بچه تا همین حالا هم صد بار جانش به لبش رسیده. 7 سال از بهترین دوران زندگی‌اش را با ترس طناب و اعدام گذرانده.

## موج جدید آزار دانش آموزان بهایی در مدارس اصفهان



ماده 30 کنوانسیون حقوق کودک: کودکان متعلق به اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت‌ها وجود دارند دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان به طور جمعی یا فردی از زبان، فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند."

در ابتدای سال تحصیلی جدید، موارد بسیاری از ثبت‌نام مشروط به دادن تعهد کتبی یا عدم ثبت‌نام دانش‌آموزان بهایی در مدارس مشاهده شد. این در حالی است که در سال تحصیلی گذشته، طی گزارش سرویس خبری جامعه بهایی در فاصله 6 ماهه‌ی سپتامبر 2008 تا فوریه 2009 قریب 80 مورد آزار دانش‌آموزان بهایی گزارش شده است. این موارد شامل تهدید، اخراج، تحقیر و توهین به عقاید دانش‌آموز در برابر دوستان و غیره می‌شود. باید توجه داشت که این موارد تنها شامل گزارش‌های دریافتی است و باید در نظر داشت که بسیاری از موارد توسط والدین و دانش‌آموزان گزارش نمی‌شود.

بر اساس گزارش‌های رسیده از اصفهان در تاریخ 21 آبان ماه در دبیرستان دخترانه خدیجه کبری، فردی به نام "آقای حسینی" با هماهنگی کامل مدیریت دبیرستان و همکاری دبیر دینی سال سوم "خانم



هاشمی" به بهانه سخنرانی در مورد "قائمیت" شروع به توهین به اعتقادات مذهبی دانش آموزان بهایی کرده است. "آقای حسینی" که در طی یک روز برای تمام دانش آموزان مقاطع دوم و سوم این دبیرستان سخنرانی کرده است در ابتدا اعلام نموده که موضوع سخنرانی "تاریخچه اندیشه بهایی" می باشد و در ادامه به توهین به مقدسات آیین بهایی، احکام و حتی برخی از پیروان این دیانت نموده است و آنان را جاسوس انگلیس و روسیه خوانده است. در ادامه وی نه تنها محدودیت های اعمال شده بر پیروان این دین در ایران را منطقی و طبیعی دانسته بلکه پیروان دیگر اقلیت های مذهبی در ایران چون یهودی، مسیحی و زرتشتی را نیز محق این محدودیت ها دانسته است. و در انتها کتاب هایی بر علیه آیین بهایی در اختیار دانش آموزان قرار داده است.

پس از این اتفاق، با وجود اعتراضات خانواده های هشت دانش آموز بهایی این دبیرستان به مدیریت دبیرستان، مدیریت از بخش نامه اداره آموزش پرورش در این زمینه صحبت نموده و "خانم هاشمی" دبیر دینی از این اتفاق حمایت نموده است، ایشان در روزهای گذشته سی دی هایی بر علیه آیین بهایی در بین دانش آموزان مدرسه پخش نموده که حاضر به ارائه آن به خانواده های بهایی نشده است. در ادامه با پیگیری خانواده ها در اداره آموزش و پرورش ناحیه 3 اصفهان رییس اداره "آقای گودرزی" بی اطلاعی خود را در این زمینه اظهار نموده و این اتفاق را از طرف قسمت "حراست" دانسته است که در این قسمت "آقای اعتدالی" نیز نسبت به این جریان اظهار بی اطلاعی نموده است. خانواده های دانش آموزان بهایی پیگیری خود را در این زمینه تا کنون ادامه داده اند اما جواب قانع کننده ای در این زمینه دریافت نکرده اند. لازم به ذکر است 2 سال پیش سه دانش آموز بهایی از این دبیرستان اخراج گردیدند که با پیگیری خانواده آنان رییس اداره آموزش پرورش ناحیه 3 اصفهان "آقای گودرزی" به آنان اطمینان داده که این اتفاقات دیگر تکرار نخواهد شد.

در ماه های گذشته در مدارس اصفهان موج جدید آزار و اذیت دانش آموزان بهایی از طرف مسئولین مدارس آغاز گردیده که شدت آن ها حتی باعث تشویش خاطر و ناراحتی دانش آموزان غیر بهایی و مسلمان این مدارس نیز گردیده است و به نظر می رسد این تحریکات با موج جدید سخنرانی ضد آیین بهایی در شش ماه گذشته در سطح شهر اصفهان بی ارتباط نباشد.

ماده 30 کنوانسیون حقوق کودک به صراحت ابراز می دارد: "کودکان متعلق به اقلیت های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت ها وجود دارند دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان به طور جمعی یا فردی از زبان، فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند." لازم به ذکر است کنوانسیون حقوق کودک توسط نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 5 سپتامبر 1991 به امضا رسید و مفاد آن در ماه مارچ 1994 توسط مجلس شورای اسلامی تصویب گشت.

محمدرضا حدادی صبح چهارشنبه اعدام می‌شود



نوجوانی که در ارتکاب قتل هیچ نقشی نداشته است.

محمدرضا حدادی نوجوان محکوم به اعدام که در سال 82 در سن 15 سالگی دستگیر شده بود، بنابر اعلام مسئولان قضایی کشور صبح چهارشنبه 18 آذرماه اعدام خواهد شد. وی صبح فردا به قرنطینه زندان عادل‌آباد شیراز جهت اجرای حکم اعدام منتقل خواهد گشت.

محمد رضا حدادی نوجوان محکوم به اعدام متولد 27 اسفند 1366 می‌باشد. وی در زمان دستگیری 15 ساله بوده است. این نوجوان در جریان پرونده رسیدگی به یک فقره سرقت منجر به قتل دستگیر شد و در تحقیقات اولیه به قتل با تسمه پروانه اعتراف نمود. وی در تاریخ 82/8/8 در دادگاه، مجدداً اتهام سرقت و قتل را به عهده گرفت و به ارتکاب جرم اقرار نمود.

محمدرضا چند روز پس از دادگاه و در ملاقاتی با مادرش از عدم پرداخت موعود به خانواده مطلع می‌شود. وی طی نامه‌ای در 16 آبان 82 به اطلاع دادگاه می‌رساند که یکی از متهمین با وعده‌ی پرداخت پول از وی خواسته با توجه به صغر سن ارتکاب قتل را بر عهده بگیرد. وی فریب متهم دیگر را خورده و در ارتکاب فعل هیچ نقشی نداشته است.

گفتنی است خانواده این نوجوان محکوم به اعدام در شرایط خوبی به سر نمی‌برند. خواهر وی پس از شنیدن حکم اعدام محمدرضا خودسوزی نمود و مادرش نیز از وضعیت جسمانی خوبی برخوردار نیست و سه بار سخته نموده است. همچنین پدر وی سالها پیش خانواده را ترک گفته است.

## اعدام محمدرضا حدادی به تعویق افتاد

حکم اعدام محمدرضا حدادی که بنابر اعلام مسئولان قضایی قرار بود صبح فردا چهارشنبه به چوبه‌ی دار سپرده شود با عدم انتقال وی به قرنطینه اجرا نخواهد شد. محمدرضا که در سال 82 در سن 15 سالگی دستگیر شده بود، با اعلام اجرای حکم به خانواده بایستی صبح دوشنبه به قرنطینه زندان عادل‌آباد شیراز جهت اجرای حکم اعدام منتقل می‌شد. وی تا زمان نگارش این اطلاعیه در بند عمومی بسر برده و از اجرای حکم خود بی‌خبر است. طبق تشریفات اجرای احکام اسلامی بایستی حکم اعدام 48 ساعت قبل از اجرا به متهم اطلاع داده شده و به قرنطینه منتقل شود.

محمدرضا حدادی متولد 27 اسفند 1366 و در زمان دستگیری 15 ساله بوده است. این نوجوان در جریان پرونده رسیدگی به یک فقره سرقت منجر به قتل دستگیر شد و در تحقیقات اولیه به قتل با تسمه پروانه اعتراف نمود. وی در تاریخ 8/8/82 در دادگاه، مجدداً اتهام سرقت و قتل را به عهده گرفت و به ارتکاب جرم اقرار نمود. بنا به گفته‌ی پدر محمدرضا پیش از اعتراف او را در کلانتری از ساعت 12 ظهر تا 12 شب از درخت آویزان کردند و با کابل زدند.

محمدرضا چند روز پس از دادگاه و در ملاقاتی با مادرش از عدم پرداخت موعود به خانواده مطلع می‌شود. وی طی نامه‌ای در 16 آبان 82 به اطلاع دادگاه رساند که یکی از متهمین با وعده‌ی پرداخت پول از وی خواسته با توجه به صغر سن ارتکاب قتل را بر عهده بگیرد. در نتیجه وی فریب متهم دیگر را خورده و در ارتکاب فعل هیچ نقشی نداشته است.

## برگزاری جلسه سازش برای جلب رضایت از اولیا دم «امیر پهلوانی»

خانواده امیراز نظر مالی وضعیت نابسامانی دارند. امیر نوجوانی که متهم به قتل عمدی ر- الف است در حال حاضر در زندان رجائی شهر به سر می‌برد. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، وی متهم است که طی یک درگیری لفظی ر- الف را که هیچ آشنائی با وی نداشته به قتل رسانده است. خانواده مقتول، در جلسه صلح و سازش به صورت تلویحی از قصاص نفس امیر که ناخواسته وارد نزاع شده است اعلام گذشت نموده اند و گذشت قطعی را منوط به اخذ وجه نموده اند.

در جلسه صلح و سازش مقرر شد که خانواده امیر ظرف یک ماه برای جلب رضایت اولیا دم مبلغ ششصد میلیون ریال را تهیه نمایند در غیر اینصورت پرونده با کیفرخواست قتل عمد و تقاضای قصاص نفس برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان ارسال خواهد شد. گفتنی است خانواده امیر از نظر مالی در وضعیت نابسامانی به سر برده و از توان مالی برای تهیه مبلغ درخواستی برخوردار نیستند.

منبع خبر: خبرگزاری هرانا - حقوق کودکان

## وقتی حکم قصاص صادر شد، دائم کابوس می دیدم

مصاحبه با بنیامین رسولی،



مصاحبه گر: صبا واصفی

ماده‌ی ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال را منع کرده و ایران نیز این کنوانسیون را به رسمیت شناخته است. بهرغم این، سالانه چند مجرم نوجوان ایرانی به پای چوبه دار می‌روند. مجازات نوجوانان در ایران و از جمله صدور حکم اعدام برای آنان در موارد مختلف از جمله درگیری و قتل، قاچاق مواد مخدر، روابط جنسی و... همواره یکی از چالش‌های مهم نقض حقوق بشر در ایران بوده است.

نوجوانان متهم به قتل، در زد و خوردها و بخاطر اختلاف‌های گاه کودکانه، کسی را کشته‌اند. آنها برای ارتکاب قتلی غیر عمد و بدون نقشه، به نام قانون و به عمد، محکوم به مرگ می‌شوند، بنیامین رسولی یکی از این نوجوانان است که در آذر ماه امسال با رضایت اولیای دم مقتول و با رای قضات شعبه‌ی ۷۱ دادگاه کیفری استان آزاد شد. آنچه که در پی می‌آید مصاحبه‌ای است که صبا و اصفی با بنیامین انجام داده است:

### • چه طور حسین کشته شد؟

دوستم، شهرام را کتک زده بودند، رفتم آن‌ها را آشتی دهم، دعوا بالا گرفت. وقتی در محله‌ی ما بودند، کتک خوردند، بعد گفتند: اگر مردی بیا پارک. رفتم پارک آن‌ها ۱۲ نفر بودند و از بچه‌های محله‌ی ما هیچ کسی آن‌جا نبود. از زیر دست و پایشان فرار کردم. از خانه چاقو برداشتم و برگشتم. اصلاً نفهمیدم چاقو کی به تنش خورد، ولی بعداً متوجه شدم چاقو قفسه‌ی سینه‌اش را پاره کرده و در بیمارستان فوت کرده است.

### • چاقو را از چه کسی گرفته بودی؟

چاقوی دسته چوبی‌ای بود که یکی از دوستانم برایم از شمال، سوغاتی آورده بود.

### • آن زمان چند ساله بودی؟

پانزده سالم بود. آن قدر کوچک و ریزه میزه بودم که مأمور پاسگاه وقتی من را دید با تعجب گفت:

بنیامین تویی؟ یه وجبی!

### • کجا دستگیر شدی؟

چند مأمور بیست دقیقه بعد از حادثه، برای دستگیری ام به خانه مان آمدند. یکی از آن مأمورها "صفر علی نصیری" بود که بعدها در زندان رجایی شهر دیدمش که به جرم قتل اعدام شد.

### • تنهایی رفتی پاسگاه؟

بله. به پدر و مادرم آدرس دادند گفتند از پشت سر ما بیایند. من را قپان کردند و در صنوق عقب ماشین گذاشتند به پاسگاه بردند.

### • وقتی به پاسگاه رفتی به قتل اعتراف کردی؟

اصلا باورم نمی شد چاقو بهش خورده باشد. آن جا با شلنگی که توش ساچمه بود، حسابی کتکم زدند تا جای چاقو را اعتراف کنم. در آگاهی سه بار "جوجه ام" کردند، یک بار هم آویزانم کردند. بعد از این که جای چاقو را گفتم، عکس 3 جنازه را نشانم دادند که جنازه هایشان را پشت ریل راه آهن فاز 4 مهرشهر پیدا کرده بودند، می خواستند اعتراف کنم که آن ها را هم من کشتم.

• راجع به جوجه کردن بیش تر توضیح بده ؟

دست بند به دست می زنند، زانوها را از وسط دو دست بیرون می آورند، یک میله از وسط پاها رد می شود، روی دو تا صندلی می گذارند در حالی که تاب می خوری و کتک می زنند در آن شرایط فقط می توانی داد بزنی.

• چند وقت در آگاهی بودی؟

یک ماه و بیست و هشت روز. دوهفته در سوئیت بودم، در تمام این مدت هم دست بند داشتم، هم پابند؛ به طوری که موهای پاهایم کاملا ریخته.

• چه مدت مورد تنبیه بدنی قرار گرفتی؟

بیست روز مانده به دادگاه دیگر کتکم نمی زدند تا جای کبودی ها برود.

• روزدادگاه هیچ اثری از کبودی یا زخم روی بدنت نبود؟

نه، آن روز فقط یک لکه ی زرد رنگ، روی تنم باقی بود.

• شاهد تنبیه بدنی افراد دیگری هم بودی؟

در زندان دونفر بودند که به جرم خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شده بودند، آنها را وقتی برای کتک زدن می بردند کتفشان را در می آوردند می زدند دوباره جا می انداختند. آگاهی حصارک جهنم است. در آگاهی شاپور که اسمش بد دررفته، اگر نتوانند از کسی اعتراف بگیرند به آگاهی حصارک می فرستند.

• وقتی به زندان منتقل شدی باز هم تنبیه بدنی می شدی؟

وقتی به زندان منتقل شدم، رییس اندرزگاه یک روز من را برد که راه وچاه زندان را یادم بدهد. گفت: روی سرامیک سالن راه برو، بعد فکر کن این طرفت دره است، آن طرفت ناموس مردم، اگر یکی هلت بدهد، خودت را کدام طرف پرت می کنی؟ گفتم: خب، چون پای جان وسط است، مستحب است که بپریم روی ناموس مردم. من جدی جدی این طوری فکر می کردم، ولی بابت حرفم آن روز کتک مفصلی خوردم.

• در زندان وقتت را با چه کارهایی می گذراندی؟

در شورای شهر زندان با علی مهین ترابی کار می کردم. نشریه ی 30 برگی خانه ی ما را با همکاری واحد فرهنگی بند نسوان کار می کردیم.

- وقتی حکم قصاص برایت صادر شد، چه احساسی داشتی؟
- وقتی حکم صادر شد، دائم کابوس می دیدم.
- در کابوست چه می دیدی؟
- می دیدم در یک محوطه ی گرد که دور تا دورش درخت، پشت درخت ها دیوار و وسط درخت ها جوخه ی دار بود. وقتی به طرف درخت ها می رفتم، می خواستند اعدام کنند و وقتی به سمت دیوار فرار می کردم، یک شبیح می آمد و به طرف جوخه هلم می داد.
- از همبندی های تو کسی اعدام شد؟
- بله. بهنود شجاعی و ستار شیری اعدام شدند.
- بعد از مرگ آن ها چه احساسی داشتی؟
- تا دوماه خواب ازم گرفته شده بود، دائم با خودم حرف می زدم، تیک پیدا کرده بودم.
- خاطره ای از آخرین شب زندگی ستار به یاد داری؟
- ستار خیلی گریه می کرد، می گفت: می دونم این دفعه برگشتنی نیستم، دلم برای خانواده ام می سوزد.
- بهنود چه طور؟
- بهنود گریه نمی کرد، خیلی آرام بود. شبی نبود که نماز شب نخواند. آن جا خیلی از بچه ها معتاد می شوند. هزار جور خلاف های تازه یاد می گیرند، اما بهنود بی خیال همه چیز شده بود. فقط خدا را صدا می زد. کتاب دعایش زرد بود، به شوخی بهش می گفتیم: ساری کتابت کو؟ شب قبل از اعدام همه برایش گریه می کردند، آن قدر مظلوم و ساکت بود که همه شیفته اش بودند.
- بعد از آن که بهنود دیگر به سلول برنگشت، بچه ها چه کار کردند؟
- برایش ختم گرفتیم. همه تا چهلش مشک می پوشیدیم. شب قبل از اعدامش می گفت: 99 درصد اعدام می شوم، مگر یک معجزه اتفاق بیفتد و خدا یک نوری به دل شاکی بیندازد.
- وقتی ولی دم ات رضایت داد، چه احساسی داشتی؟
- وقتی رضایت دادند، می گفتم: دروغه! باورم نمی شد؛ آخر خیلی از ولی دم ها از این قبیل بلوف ها می زنند. همین ولی دم بهنود گفته بود، وقی طناب را دور گردنش بیندازند می بخشد ولی خودش زیر پای بهنود را زده بود. با خودم گفتم، دارند دروغ می گویند.
- چند تا خواهر و برادر داری؟
- 6 تا بچه ایم با یک خواهر ناتنی.
- چه کسی توانست رضایت شاکی را جلب کند؟

آزادی ام را مدیون وکیلیم، خانم طهماسبی و خواهرم هستم. وقتی آزاد شدم، دلم می خواست پایشان را ببوسم؛ چون برای من خیلی قدم برداشتند. وکیلیم بی چشم داشت حتی یک قران پول، مبلغ دیه را از دویست و پنجاه میلیون به پنجاه میلیون رساند.

• حالادنیای بیرون از زندان برایت چگونه است؟

همه چیز برایم غریبه است. کمبود پدرم را احساس می کنم. باورم نمی شود، مرده. وقتی من زندان بودم بر اثر تصادف، ضربه مغزی شد و مرد، شاید چون ندیدم، مرگش را باور ندارم.

• دلت می خواهد از این به بعد چطور زندگی کنی؟

دوست دارم از همه چیز لذت ببرم. نصف شب ها بیدار می شوم، چشم هایم را باز می کنم، خواب تو چشمانم وول می زنی، اما دلم نمی آید، چشم-هایم را ببندم. بلند می شوم، مادرم را می بوسم، دلم می خواهد جای خالی روزهایی که تنهائش گذاشتم را پر کنم. آرایشگری بلدم می خواهم بروم توی سلمونی کار کنم تا مادرم زندگی راحت و خوشی داشته باشد. می خواهم با انجمن دفاع از حقوق کودک کار کنم و برای رضایت گرفتن از شاکی ها هر جای ایران که بتوانم بروم.

• به نظرت اعدام، تنبیه مناسبی برای کودکانی است که زیر 18 سال مرتکب جرم می شوند؟

برای هر کودکی، زندان رفتن با این شرایط از صد تا مرگ بدتر است. اعدام یک لحظه است، در چند ثانیه زیر پایت را می زنند، حلقومت می شکنند و خفه می شوی، ولی زندان یعنی جنهم. با یک جرم، به زندان می روی با هزار مرض و بیماری برمی گردی. آن جا بچه های کم زور مورد هر جور آزاری قرار می گیرند. ایدز، اعتیاد و افسردگی، این همه بدبختی خودش هزار تا مرگ است. منبع خبر: کمیته گزارشگران حقوق بشر

## افزایش ده درصدی کودکان خیابانی در تهران

مهر- یک متخصص علوم رفتاری از افزایش 10 درصدی کودکان خیابانی بد سرپرست و بی سرپرست در سطح شهر تهران خبر داد.

دکتر مجید ابهری در گفتگو با مهر با بیان این مطلب افزود: با توجه به آمار سازمان بهزیستی و بررسی های میدانی و همچنین تحقیقات صورت گرفته، کودکان خیابانی بد سرپرست و بی سرپرست بیرون از اینگونه مراکز نیز 10 درصد افزایش یافته است. این محقق و استاد دانشگاه تاکید کرد: در شهرهای اطراف تهران مانند کرج، ورامین، پاکدشت، قیام دشت و... افزایش



کودکان خیابانی از نوع مشاغل کاذب و تکدی گری بیانگر این واقعیت است که برای مقابله با این آسیب فزاینده اجتماعی باید برنامه ریزیها و اقدامات اساسی انجام داد. چندی پیش مدیر کل دفتر شبه خانواده سازمان بهزیستی از افزایش 10 درصدی کودکان بد سرپرست و بی سرپرست تحت پوشش مراکز بهزیستی خبر داده بود. به گفته این آسیب شناس علوم اجتماعی گسترش بزهکاری در میان کودکان خیابانی مثل دله دزدی، دخل زنی و جیب بری و سرقت لوازم خودرو باعث افزایش مراجعات به دادگاههای اطفال شده است. جامعه شناسان معتقدند علاوه بر افزایش مهاجرت از کشورهای همسایه و همچنین از روستاهای کشور، مشکلات طبیعی، بیکاری و... نیز باعث شده تا تعداد کودکان کار نیز افزایش قابل توجهی پیدا کند.

### ثبت بیشترین گزارش‌های کودک‌آزاري در منطقه 14 تهران

ترتیب فراوانی مناطق: 14، 5، 2، 7 و 8 تهران

شهرستان‌ها: کرج، کرمان، یزد، اصفهان و تبریز

تعداد کل تماس‌گیرندگان با صدای یارا در آذرماه 408 مورد بوده است.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، 94 درصد تماس‌گیرندگان در آذر ماه با صدای یارا، مادران و تنها 1 درصد پدران و 3 درصد کودکان و 2 درصد سایر افراد بوده‌اند. بر اساس آنچه که در این گزارش آمده، اولویت مطالب مطرح شده مربوط به سننین 0-6 و 7-10 سال بوده است. همچنین در 75 درصد موارد تنبیه روانی و 41 درصد تنبیه بدنی صورت گرفته است. تنبیه روانی شامل داد زدن، توهین، سرزنش و مقایسه با دیگران بوده است.

بر اساس این گزارش، تحصیلات تماس‌گیرندگان به ترتیب فراوانی، بالاتر از دیپلم و دیپلم و سیکل بوده و بیشترین تماس‌ها به ترتیب فراوانی از مناطق 14، 5، 2، 7 و 8 تهران بوده، و تماس از شهرستان‌های کرج، کرمان، یزد، اصفهان و تبریز بوده است.

## نوزاد چند روزه، کارتن خواب شد

نوزاد چند روزه ای که داخل جعبه کارتن در یکی از خیابان های مشهد رها شده بود پیدا شد به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، تیم گشتی کلانتری شهید هاشمی نژاد مشهد ساعت 6 بعداز ظهر هشتم دی ماه در خیابان کاشانی مشهدمتوجه تجمع چند نفر در کنار یک جعبه کارتن شدند که با بررسی موضوع مشخص شد نوزاد پسر چند روزه ای داخل جعبه در کنارخیابان رها شده است. این طفل بی گناه پس از انجام اقدامات قانونی لازم به سازمان بهزیستی خراسان رضوی تحویل داده شده است.گفتنی است ،پلیس مشهد با توجه به سرخ هایی که در این زمینه وجود دارد ، تحقیقات خود را برای شناسایی والدین کودک شروع شده است.

## لایحه کودک آزاری همچنان در انتظار تصویب دولت

طی 6 ماهه اول امسال 144 هزار و 565 تماس با خط تلفن کودک آزاری مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی با اشاره به اینکه لایحه مربوط به کودک آزاری در انتظار تصویب دولت است، گفت: برای اینکه سریعتر به موارد مربوط به کودک آزاری رسیدگی و با عوامل آن برخورد شود نیازمند تغییر قانون هستیم. سید حسن موسوی چلک در گفتگو با مهر با بیان این مطلب افزود: در حال حاضر برای برخورد با موارد مربوط به کودک آزاری نیازمند حکم قضایی هستیم به همین دلیل در برخی موارد زمان رسیدگی بسیار طولانی می شود. بنابراین نیازمند تغییر قانون در این خصوص هستیم تا بهزیستی بدون حکم بتواند کار خود را انجام دهد. براساس اعلام سازمان بهزیستی طی 6 ماهه اول امسال 144 هزار و 565 تماس با خط تلفن کودک آزاری صورت گرفته که تمامی این تماسها مرتبط با آزار کودکان بوده است و این رقم نسبت به سال گذشته در همین مدت چندین برابر افزایش داشته است. این مقام مسئول در سازمان بهزیستی در رابطه با تدوین لایحه ای در رابطه با کودک آزاری تاکید کرد: مدتی قبل لایحه ای در مورد اینکه بهزیستی در برخورد با کودک آزاری به عنوان ضابط اجتماعی معرفی شود در شورایی عالی قضایی تصویب شده به طوریکه براساس این لایحه در مواردی که رسیدگی به کودک آزاری فوریت دارد نیازی به حکم قضایی نیست. به گفته موسوی این لایحه در حال حاضر در کمیسیون لوایح دولت در

انتظار بررسی و تصویب است و در صورت تأیید برای تصویب نهایی به مجلس ارسال خواهد شد. مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی افزود: چنانچه تصویب این لایحه پنج سال نیز طول بکشد باز هم جای امیدواری و شکر دارد چون رسیدگی به وضعیت کودک آزاری یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جامعه است.

### ازدواج موقت به جای تامین اجتماعی

ازدواج موقت برای افراد زیر 18 سال نقض کنوانسیون جهانی حقوق کودک است جاوید سبحانی، عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان، ضمن عنوان این مطلب در گفتگو با یک خیرگزاری داخل ایران افزود، به همین دلیل آسیب‌های ناشی از این معضل برای کشور بسیار خطرناک است. وی همچنین ازدواج موقت افراد زیر 18 سال را نقض کنوانسیون جهانی حقوق کودک دانست. او در مورد پیامدهای اجتماعی نامشخص بودن وضعیت کودکان حاصل از ازدواج‌های یک ساعته و موقت هشدار داد و این سوال را طرح کرد: "وقتی فردی تن به ازدواج یک ساعته می‌دهد، چطور ممکن است که به مسئولیت در قبال کودکی که امکان دارد طی این روابط به وجود آید، تن دهد؟"

### نامه ی پدر امیر امراللهی نوجوان محکوم به اعدام



من با چشمی گریان و دلی پر از خون به شما عرض سلام دارم. کمیته ی گزارشگران حقوق بشر - امیر امراللهی نوجوان محکوم به اعدام متولد دهم آبان ماه 1368 و در زمان دستگیری 16 ساله بوده است. امیر در 28 آبان ماه 84 که منجر به قتل یک نوجوان دیگر به نام محسن کاظمی شد خود را به مراجع انتظامی معرفی نمود. در حالی که متهم هیچ گونه قصد اولیه بر ارتکاب قتل نداشت و بدون توجه به شرایط سنی، عقلی و روحی وی چهار تن از پنج نفر قضات شعبه 5 دادگاه کیفری استان فارس وی را به اعدام محکوم نمودند. حکم صادره در شعبه ی 27 دیوان عالی کشور تایید شد. لازم به ذکر است ایران در سال 1375 به کشورهای عضو پیمان نامه حقوق کودک پیوسته است. ماده 37 این پیمان نامه اذعان می‌دارد: مجازات مرگ یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب می‌شوند اعمال گردد. از سوی دیگر مطابق بند 5 ماده ی 6 میثاق حقوق مدنی و سیاسی حکم اعدام نبایستی برای افرادی که در سنین پیش از 18 سال مرتکب جرم شده‌اند صادر شود. نامه ی زیر نوشته ی پدر امیر امراللهی نوجوان محکوم به اعدام خطاب به اولیای دم مقتول نوشته شده است:

« فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرَهُ عَلَى اللَّهِ »

پس کسی که گذشت کند و آشتی ورزد اجرش با خداست. (سوره شورا - آیه 40)  
خانواده محترم آقای کاظمی؛

من با چشمی گریان و دلی پر از خون به شما عرض سلام دارم. بعد از گذشت 5 سال باز هم می‌گویم من خجالت زده و شرمنده و رویم سیاه است. می‌دانم شما ناراحت هستید، به خدا ما هم اولاً برای شما و بعد برای فرزندانمان که روزی چند بار می‌میرد و زنده می‌شود ناراحتیم. حتماً استحضار دارید که فرزند من در زندان مشکل روحی پیدا کرده و چندین بار دست به خودکشی زده و همه ی بدن او مجروح است. حتی ملاحظه فرمودید که در روز دادگاه گفت:

بابا بگذار مرا بکشند تا راحت شوم.

اکنون من با شما همدرد هستم و از ابتدا سعی کردم همدردی خودم با شما را با معرفی فرزندم به قانون با دست خود در ساعات اولیه حادثه، نگرفتن وکیل دفاعی در برابر شما و همچنین اشکهایی که شبانه روز در غم فرزند شما و فرزند خودم می‌ریزم؛ ثابت کنم. اکنون جان همه خانواده من و فرزند دربند من در دست توانای شماست.

هرطور که بخواهید می‌توانید جان ما را بگیرید و مختارید و حق هم دارید اما فرزندان ما همدیگر را از قبل نمی‌شناختند پس حادثه بوجود آمده لحظه ای، اتفاقی و تصادفی رخ داده است و هیچ قصد و غرض قبلی در کار از هر دو طرف نبوده.

لذا قتل ندانسته و ناخواسته به وجود آمده و اکنون که حکم قصاص فرزند من آمده ، شما فرصت کافی برای مشورت و فکر کردن و تصمیم گیری دارید و می دانید چه کار می کنید و هر وقت و هر موقع میتوانید فرزند مرا بکشید. آیا با کشتن او یا حتی صد نفر دیگر مشکلی حل می شود؟ پس خانواده محترم کاظمی ؛ شما می توانید کاری کنید که دو خون ریخته نشود ، یکی شده دیگری نشود. شما بگذارید در مورد او خدا و قرآن تصمیم بگیرد و او را به علی اکبر و علی اصغر امام حسین و دستان بریده حضرت عباس ببخشید و او را نکشید زیرا برای شما جا دارد. تا من و خانواده ام و تمام خویشانم و حتی مردم عادی دعاگوی شما بوده و طلب آمرزش و مغفرت برای آن مرحوم شما داشته باشیم و تمام عمرمان مدیون شما و خانواده گرامیتان باشیم. الهی هیچ خانواده ای داغدار نشود .  
آمین یا رب العالمین.

روسیاه و شرمنده ی شما بهمن امراللهی ( پدر امیر امراللهی )

## شکنجه 4 کودک خردسال توسط والدین!

طی تماس ماموران با اورژانس، دختر بچه 4 ساله به نام سکینه به یکی از مراکز درمانی منتقل گردید که با تلاش پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت. 3 خواهر و برادر وی نیز به اداره بهداشتی انتقال یافتند و والدین آنها به پلیس آگاهی شهرستان بیرجند منتقل شدند.

یکی از این کودکان در اظهاراتش به پلیس گفت: پدر و مادرم معتاد هستند. آنها هر وقت موفق به تهیه مواد مخدر نمی شدند، من و سه خواهر و برادر دیگرم را بشدت کتک می زدند و با سیخ دست و پاهایمان را می سوزاندند و تهدید می کردند، اگر ما را به همسایه ها یا اقوام اطلاع دهیم، دوباره ما را شکنجه خواهند کرد و بناچار از ترس جانمان و کتک خوردن سکوت می کردیم. والدینمان برای ترساندن ما، خواهر کوچکمان (سکینه) را بارها شکنجه می دادند.

ما را مجبور می کردند هر ازگاهی از قاچاقچیان موادمخدر برای آنها تریاک بخریم و اگر به خواسته آنها عمل نمی کردیم، خواهر کوچکمان سکینه را کتک می زدند و بناچار برای نجات جان او از قاچاقچیان برای آنها موادمخدر می خریدیم.

ماموران به تحقیق از خواهر و برادر دیگر وی پرداختند که آنها هم گفته های برادر خود را تایید کردند. بنابراین گزارش، با ثبت اظهارات این کودکان، تحقیقات ویژه ای از زوج معتاد آغاز شده است تا ابعاد مختلف این پرونده مشخص شود.

## ترک تحصیل 3 میلیون دانش آموز در کشور

علت اصلی: شغل‌های کاذبی همچون حمل سوخت قاچاق و دلالی مواد مخدر در همین رابطه نیزبرخی مراجع اعلام می کنند که طی چهار سال گذشته سه میلیون کودک ایرانی ترک تحصیل کرده‌اند.

به گزارش سرویس گزارش جهان، فتاح نیازی، معاون آموزشی "مؤسسه آموزش از راه دور" اعلام کرده است که در سطح کشور بیش از 13 میلیون کم‌سواد بین 11 تا 45 سال وجود دارد که سه میلیون نفر از این عده دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده اند که لازم‌التعلیم هستند و بین 11 تا 17 سال سن دارند. وی در مصاحبه با یکی از رسانه های کشور اعلام کرده بود که طبق آخرین آمار مستند به دست آمده، دو میلیون و 400 هزار لازم‌التعلیم از تحصیل در سال تحصیلی گذشته بازمانده و متاسفانه در یکی از مقاطع تحصیلی از ابتدایی تا پایان متوسطه ترك تحصیل کرده‌اند! این در حالی است که طبق برنامه پنجساله تا سال 1393 باید بی سوادی در گروه سنی زیر 50 سال در مناطق مختلف کشور ریشه کن شود. اما متاسفانه هر ساله شاهد افزایش شمار زیاد کودکانی هستیم که از تحصیل باز می مانند.

اگر چه مسئولان وزارت آموزش و پرورش از علت این میزان کاهش اظهار بی اطلاعی می کنند، اما پیداست که سر در گمی استراتژی آموزش و پرورش در کنترل و رفع ناهنجاریهای به وجود آمده در میان دانش‌آموزان و فقر و استرس و فشارهای ناشی از تحصیل، علت اصلی ترك تحصیل ها باشد. بر اساس اظهار نظر کارشناسان این حوزه برترین عوامل مشترک در ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی بخصوص در مقطع متوسطه، فقر مالی و فقر انگیزشی است که بیشترین نقش را داشته است.

در همین رابطه فرید کاشفی، روانشناس علوم تربیتی گفت: ترک تحصیل دانش‌آموزان با وضعیت اقتصادی جامعه و خانواده در ارتباط می باشد. عواملی چون پایین بودن درآمد، مسکن نامناسب عدم سرپرستی و حضور پدر و مادر در خانواده، کثرت فرزندان و طبقه پایین شغلی والدین بر ترک تحصیل فرزندان تاثیر دارد.

وی گفت: پس مسلم است که کیفیت آموزش و تربیت در رشد جسمانی و قوای دفاعی دانش‌آموز در خانواده هایی با سطح پایین اقتصادی و فرهنگی جامعه و خانواده اثرات مستقیمی بر عدم پیشرفت فرزندان به جای می گذارد.

بر اساس پژوهشی که در همین رابطه انجام شده است روی آوردن به شغل‌های کاذب اصلی‌ترین دلیل ترك تحصیل عنوان شده است.

یک از معلمان شاغل در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان میزان ترک تحصیل دانش آموزان را در آن مناطق بالا می داند و می گوید: علت اصلی این امر وجود شغل‌های کاذبی همچون حمل سوخت قاچاق و دلالی مواد مخدر است که متأسفانه در آمد این مشاغل به نحو چشمگیری بالا است. وی می گوید: اگر خود دانش آموزان هم مایل به ترک تحصیل نباشند والدین، آنها را مجبور به این کار می کنند زیرا معتقدند این کودکان اگر هم درس بخوانند بالاخره باید به سراغ همین مشاغل بروند در آمد داشته باشند.

این معلم معتقد است درآمد بالای این مشاغل باعث وسوسه دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی می شود به نحوی که خود آنها اذعان دارند که درآمد فقط دو روز از این مشاغل کاذب برابر یک ماه حقوق تدریس معلم می باشد.

علی باقرزاده معاون آموزش و پرورش عمومی وزارت آموزش و پرورش نیز معتقد است بسیاری از این ترک تحصیلها در مناطق دور افتاده و روستایی کشور صورت می گیرد و به علت فرهنگ خاص حاکم بر آن مناطق بیشتر منجر به ترک تحصیل در دختران می شود به نحوی که در حال حاضر میزان ترک تحصیل در بین دختران بیش از پسران است. باقرزاده با اشاره به اینکه دلایل کارشناسی بسیاری برای ترک تحصیل دانش آموزان و بازماندگان از تحصیل وجود دارد که در استانهای مختلف کشور متفاوت است، گفت: «فقر، ازدواج زودرس برای دختران، فرهنگ پایین خانواده در خصوص میزان تحصیل فرزندانشان و اختلافات خانوادگی از جمله عوامل عمده در این مسئله محسوب می شوند». وی خاطر نشان کرد: وضعیت کشاورزی مناطق روستایی نیز عاملی است که موجب می شود تا از دانش آموزان به عنوان نیروی کار استفاده شود.

به گفته باقر زاده، علاوه بر این نباید مشکلات تدریس معلمان مرد در مدارس دخترانه را نادیده گرفت که ترک تحصیل برخی از دختران را دامن می زند. معاون آموزش و پرورش عمومی وزارت آموزش و پرورش بیان داشت: وجود مدارس مختلط و نبود مدارس راهنمایی به تعداد کافی در مناطق نیز در رها کردن تحصیل از سوی دانش آموزان به ویژه دختران نقش زیادی دارد. وی یادآور شد: برخی مشکلات ترک تحصیل نیز به مسائل فرهنگی خانواده ها باز می گردد و برخی خانواده ها حاضر نیستند تا فرزندانشان در مدارس مختلط روستایی یا مدارس مناطق دیگر به تحصیل بپردازند.

باقر زاده در انتها یاد آور شد: استفاده از مدارس شبانه روزی، تامین امکانات ایاب و ذهاب دانش آموزان، جذب معلمان زن در مدارس دخترانه، راه اندازی پایگاه آموزش از راه دور، پرداخت یارانه به خانواده های دانش آموزان بازمانده از تحصیل از جمله راهکارهایی است که در جذب کودکان بازمانده از تحصیل، تاثیر بسزایی دارد.

کارشناسان معتقدند از عوامل دیگر که در موفقیت تحصیلی جوانان و نوجوانان می‌توانند تاثیر گذار باشند سلامت جسمی و روحی و بهداشتی، عوامل ارثی، ذهنی و هوشی، امکانات آموزشی، اعتماد به نفس و تلاش و پشتکار فردی، تاثیر همسالان، اهمیت قائل شدن والدین به تحصیل فرزندان می‌باشد همچنین محیط نامناسب خانه و مدرسه، خشونت و تنبیه و تشویق معلم، سختگیری‌های بیهوده که باعث می‌شود انگیزه تحصیلی شاگردان ضعیف شود زمینه‌های ترک تحصیل فراهم می‌کند. يك کارشناس آموزش و پرورش تاکید کرد: بسیاری از بزه‌کاری‌ها نتیجه ترک تحصیل دانش‌آموز از مدرسه است به نحوی که 51 درصد بزه‌کاران زیر 18 سال در کانون اصلاح و تربیت، دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده هستند.

تحقیقات نشان می‌دهد که بین شکست تحصیلی، فرار از منزل و مدرسه و میزان آسیب‌های اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. دانش‌آموزانی که در یکی از دوره‌های تحصیلی با شکست مواجه می‌شوند شانس‌شان برای موفقیت‌های بعدی در زندگی کاهش می‌یابد. معمولاً افراد شکست خورده و ناکام مدارس به افراد بیکار و سربرار جامعه مبدل می‌شوند و احتمال روی آوردن این افراد به بزه زیاد می‌شود. دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز معتقد است «ریزش تحصیلی» مشکل بزرگی است که باعث افزایش بزه در جامعه می‌شود و آموزش و پرورش باید آن را حل کند. علاوه بر تمام مباحث فوق‌الذکر، افت تحصیلی و به تبع افزایش میزان دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند در سال قبل 420 میلیارد تومان به آموزش و پرورش ضرر زده است. این مطلب را رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرد و گفت: هزینه ناشی از افت تحصیلی و ترک تحصیل در سال 87، ۴۲۰ میلیارد تومان بر آورد می‌شود.

علی عباسپور تهرانی‌فرد با ابراز نگرانی نسبت به افت تحصیلی به خصوص در پایه اول متوسطه افزود: افت تحصیلی منجر به کاهش احتمال بازگشت به تحصیل این دسته از دانش‌آموزان می‌شود. وی افزود: ادامه این روند موجب افزایش میزان آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. نماینده مردم تهران در مجلس گفت: ترک تحصیلی آسیب‌های فراوانی دارد و برای حل این موضوع باید برنامه ریزی دقیق و جامع انجام شود و عزمی راسخ شکل بگیرد.



شدت کار کودکان کار کم نشده بلکه اضافه شده است



ضیایی مهر عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران گفت: سرما یا گرمای هوا از شدت و سختی کار کودکان کم نکرده بلکه اضافه هم می‌کند.

به گزارش ایلنا، عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران در پاسخ به این سؤال که آیا سرد شدن هوا در وضعیت کار کودکان شاغل تاثیر داشته یا نه، تاکید کرد: اگرچه کثرت کار کودکان در تابستان به چشم نمی‌آید اما فصل زمستان نیز فصل استراحت کودکان کار نبوده و حتی شدت هم پیدا می‌کند.

او اضافه کرد: متأسفانه لزوم کار کردن کودکان در میان خانواده‌های فقیر تثبیت شده و این مسئله با خنوشان عجیب شده است عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران با اشاره به وضعیت حمایت سازمان‌های دولتی از این کودکان تصریح کرد: تعداد این کودکان با برنامه‌های سازمان‌های دولتی و حتی غیردولتی کاهش نداشته در عین حال افزایش نیز داشته است.

او ادامه داد: تنها کار موثر سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی برای حمایت از کودکان کار، کم کردن ساعات کاری و تشویق آنها به ادامه تحصیل بوده چرا که هیچ یک از سازمان‌های غیردولتی قصد ندارند که کار کودک را حذف کنند بلکه زیرساخت‌ها نیاز به اصلاح دارد و فقر باید ریشه‌کن شود.

ضیائی‌مهر در مورد سیاست سازمان‌های دولتی گفت: تا زمانی که کودکان کار و خیابان در خانواده‌ها دیده نشده و خانواده‌های آنها تحت آموزش مهارت‌های زندگی و فرزندپروری قرار نگیرند، در زمینه کاهش کار کودکان و بازپروری آنها به هیچ جایی نمی‌رسیم.

او افزود: تجربه سازمان‌های غیردولتی و NGOها نشان داده که وقتی برای تغییر شکل و نحوه کار کودک، با خانواده آنها رایزنی می‌شود و آموزش‌های لازم داده شده، موفق‌تر می‌شویم اما متأسفانه هرگز از تجربه‌های این چینی انجمن‌ها استفاده نمی‌شود.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران با بیان اینکه متأسفانه بچه خیابانی در جامعه پذیرفته شده و این مسئله بزرگترین معضل است تصریح کرد: تعداد کودکان کار و خیابان نه تنها کم نشده بلکه همسو با جرم اعتیاد ریشه دوانده و تعداد آنها بیشتر شده است.

## آمارهای متناقض از تعداد دانش‌آموزان معتاد در کشور

مسئولان آموزش و پرورش در جلسه بررسی اعتیاد در مدارس، که در مجلس تشکیل شد در حالی آمار دانش‌آموزان معتاد کشور را دو دهم درصد جمعیت معتادان کل کشور برآورد کردند که قائم

مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر تعداد دانش آموزان معتاد را پنج دهم درصد کل معتادان کشور دانست. رئیس کمیته آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی در گفتگو با مهر، با اعلام این مطلب و اشاره به برگزاری جلسه‌ای که عصر روز یکشنبه در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با معاون پرورشی وزیر آموزش و پرورش و قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر برگزار شد گفت: به این ترتیب طبق اعلام رسمی مسئولان وزارت آموزش و پرورش، وجود دو هزار 400 دانش‌آموز معتاد در مدارس کشور تائید شده است.

طبق اعلام رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر، یک میلیون و 200 هزار معتاد در کشور وجود دارند. پیش از این هومن نارنجیها مدیرکل دفتر فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته بود که آموزش و پرورش در موضوع اعتیاد دانش آموزان بسیار ضعیف عمل کرده است و آمار دقیقی از دانش آموزان معتاد وجود ندارد.

سال گذشته جانشین سابق فرمانده نیروی انتظامی از وجود 30 هزار دانش‌آموز معتاد در کشور خبر داده بود که این آمار بعد از انتشار از سوی مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر و آموزش و پرورش تکذیب شد.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس مهمترین علل گرایش دانش آموزان به مواد مخدر را فشار گروه همسالان، گرایشهای فرهنگی نوپدید، فشار رسانه‌ها و صنایع فرهنگی عنوان کرد و گفت: ساختار برنامه درسی و ضعف مدیریت مدرسه، نقص در آداب و مهارتهای زندگی، ابهام و فقدان قوانین بازدارنده، محرومیت‌های اقتصادی و زمینه‌های روانی دانش آموزان از جمله مواردی بود که مسئولان آموزش و پرورش آن را ذکر کرده‌اند.

همسایگی با افغانستان به عنوان تولید کننده سالانه هشت هزار و 800 تن تریاک و ترانزیت سه هزار تن آن به ایران از دلایل اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر از سوی قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر عنوان شده است.

اعترافاتی که تحت فشارهای جسمی و روانی اخذ گردد، فاقد اعتبار است



کمیته گزارشگران حقوق بشر - محمدرضا حدادی، نوجوانی که در سال 1382 در سن 15 سالگی طی سرقت منجر به قتل دستگیر شده بود پس از گذراندن شش سال در زندان عادل آباد شیراز، با تأیید حکم توسط دیوان عالی کشور و ارسال آن به دایره‌ی اجرای احکام دادرسی شیراز، در معرض اجرای حکم اعدام قرار دارد. در خصوص آخرین وضعیت پرونده با وکیل محمدرضا حدادی، خانم معصومه طهماسبی گفتگویی انجام شده است که در ادامه می‌آید.

شما از چه زمان وکالت محمدرضا حدادی را به عهده گرفته و کار بر روی پرونده را آغاز کرده‌اید؟ خانواده‌ی حدادی حدود دو ماه قبل با من تماس گرفتند و از آن زمان کار بر روی پرونده را شروع کردم اما به طور رسمی از 18 آذر ماه وکالت محمدرضا به من محول گردید.

مختصری در خصوص سیر پرونده و آخرین وضعیت موکل خود توضیح بفرمایید.

در رابطه با این پرونده، مدارک و مستنداتی وجود دارد که امیدواریم مورد توجه قرار گرفته و پرونده مجدداً وارد روال دادرسی گردد. از جمله‌ی این موارد، شهادت سه نفر از افرادی می‌باشد که هر یک به نوعی با متهمین این پرونده در ارتباط بودند. سایر متهمین با عذاب وجدان اظهار نموده‌اند که قتل توسط محمدرضا انجام نگرفته و تنها به دلیل آنکه سن وی در حین ارتکاب جرم کمتر از سن قانونی بوده، از او خواسته‌ایم که قتل را گردن بگیرد. همچنین محمدرضا در زمان وقوع قتل 15 ساله بوده که اعدام افراد زیر 18 سال مغایر با مفاد کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز آن را به رسمیت شناخته، می‌باشد.

از سوی دیگر، ابهاماتی نیز در پرونده وجود دارد که نیازمند تحقیقات بیشتری می‌باشد. برای مثال، در گزارشات پزشکی قانونی علت اصلی مرگ نامشخص بوده و معلوم نگردیده که مقتول به واسطه‌ی ضربات سنگ از بین رفته و یا خفگی به وسیله‌ی تسمه پروانه که به ادعای اولیه‌ی محمدرضا توسط او صورت گرفته است. همچنین اظهارات مجدد محمدرضا و سایر متهمین پرونده و رد اقرار اولیه‌ی خویش مبنی بر انجام قتل توسط محمدرضا، مورد توجه دادگاه قرار نگرفته و تنها اعترافاتی که در اداره آگاهی و جلسات بازجویی تحت شرایط نامناسب از محمدرضا گرفته شده مورد استناد قرار می‌گیرد. طبق اصول آئین دادرسی کیفری، اقرار تنها در جلسات دادرسی سندیت داشته و اعترافاتی که تحت فشارهای جسمی و روانی و بدون تفهیم حقوق متهم و آگاه ساختن وی از حق داشتن وکیل و ... اخذ گردد، فاقد اعتبار می‌باشد. عدم توجه به هر یک از موارد مذکور می‌تواند موجب نقض پرونده و لزوم رسیدگی مجدد به آن گردد اما متأسفانه انکار بعد از اقرار متهمین مورد توجه قرار نگرفته و در صدور رأی و همچنین تأیید توسط دیوان عالی لحاظ نگردیده است.

لازم به ذکر است که حکم قصاص دو مرتبه تا به حال متوقف شده و یک مرتبه نیز اعاده‌ی دادرسی صورت گرفته که بدون توجه به مدارک موجود در پرونده، نتیجه‌ی آن در بر نداشته است. همچنین در

چند هفته اخیر خبر احتمال اعدام محمدرضا در رسانه ها منتشر گردید که فعلا دستور توقف حکم صادر گردیده است.

به مسأله الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک و ممنوعیت اعدام افراد زیر 18 سال اشاره کردید؛ این در حالی ست که در بسیاری موارد شاهد نقض این قانون و اجرای حکم اعدام نوجوانان بوده ایم. نظر شما در این خصوص چیست؟

ایران از سال 1372 به کنوانسیون حقوق کودک پیوست که طبق قانون مدنی، مفاد کنوانسیونهای بین المللی که ایران آنها را به رسمیت می شناسد، هم ردیف و در برخی موارد حتی بالاتر از قانون تلقی می شود. تا قبل از پیوستن به این کنوانسیون، سن قانونی برای دختران 9 سال و برای پسران 15 سال تعیین گردیده بود اما از آنجا که قانون لاحق قانون سابق را از موضوعیت می اندازد، سن قانونی برای دختران و پسران می بایست 18 سال در نظر گرفته شود. بر این اساس، اعدام افراد زیر 18 سال مغایر با ماده ی 37 کنوانسیون حقوق کودک بوده و نمی بایست انجام شود.

در این خصوص علمایی نظیر آقایان نوری همدانی و مکارم شیرازی نیز در بلوغ عقلی نوجوانان زیر 18 سال شبهه قائل شده و بنا به حرمت خون انسان، اجرای حکم قصاص برای این افراد را جایز نمی دانند. همچنین آیت الله مکارم شیرازی اعدام افراد زیر 18 سال را موجب وهن اسلام دانسته و دیه را جایگزینی برای قصاص تعیین کرده اند.

بدیهی است که نوجوانان - به ویژه پسران - در سنین نوجوانی درگیر هیجانات و حالات روحی ویژه ای می باشند که می بایست مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، ارتکاب قتل توسط نوجوانان را نمیتوان مشابه با افراد بالغ در نظر گرفت که عموماً با سوء نیت و انگیزه ی قبلی و از روی خباثت دست به چنین عملی می زنند و چنانکه می بینیم در مورد افراد زیر 18 سال غالب حوادث منجر به قتل، درگیریهای لفظی و آنی می باشد.

حاکمیت و به ویژه رئیس قوه ی قضائیه می تواند و می بایست از اقتدار قانونی و شرعی خویش استفاده کرده و صدور حکم اعدام بالاخص برای افراد زیر 18 سال را ملغی نماید چرا که سپردن اختیار حیات افراد به دست افراد دیگر به ویژه اولیای دم که داغدار و آسیب دیده هستند، به لحاظ منطقی صحیح نمی باشد. امیدوارم که با توجه بیشتر به تعهدات قانونی و اخلاقی، به تدریج بتوانیم به سوی جایگزین نمودن حکم اعدام با احکامی انسانی تر پیش رویم.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

در قانون چیزی تحت عنوان علل موجهه وجود دارد که می بایست مورد توجه قرار گیرد. مثلاً در مورد محمدرضا، وی در شرایط خانوادگی نامساعدی بزرگ شده (پدری که خانه را ترک کرده و برادر معلول) و در سطح اجتماعی و اقتصادی نازلی قرار داشته که همه ی این شرایط مضاف بر

وعده ی پرداخت پولی که از سوی سایر متهمین پرونده به وی داده شده، او را ناچار به پذیرش ارتکاب قتل و اقرار علیه خودش نموده است. امیدوارم که در خصوص این پرونده و پرونده های مشابه، دقت نظر بیشتری اعمال گردد و شرایط خاص سنی و روحی متهمین در صدور رأی و اجرای حکم در نظر گرفته شود.

همچنین ضمن پیگیری حقوقی پرونده از طریق سیستم قضایی، امید ما به بخشش و عفو خانواده ی مقتول می باشد که بدین ترتیب از تکرار فاجعه ی مرگ یک انسان جلوگیری نموده و الگویی برای سایر اولیای دم باشند.

## تداوم تلاش برای نجات نوجوان محکوم به اعدام



فعالان حقوق بشر برای سومین بار با حضور در منزل خانواده مقتول برای اخذ رضایت و نجات نوجوان محکوم به اعدام تلاش کردند.

به همت واحد حقوق کودک مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز گذشته مورخ 25 دی ماه تعدادی از وکلا و فعالان صلح با حضور در منزل اولیای مرحوم ولی الله پیرمردوند چگینی شاکیان ابراهیم گودرزوند چگینی نوجوانی که هم اکنون در زندان و تحت حکم اعدام به سر می برد تلاش برای اخذ رضایت و نجات این نوجوان را ادامه دادند.

فارغ از مسائل شفاهی اولیای دم کماکان حاضر به اعلام رضایت قانونی برای الغاء مجازات اعدام این نوجوان نشده اند و از این رو این واحد به تلاش های خود در این رابطه ادامه خواهد داد و همچنین از همراهی سایر فعالان این حوزه استقبال خواهد کرد.

لازم به یادآوری است پیش تر جلسه هایی در تاریخ 19 شهریورماه با حضور امام جمعه و اعضای شورای اسلامی شهر لوشان و 7 آبان با حضور 2 تن از مادران صلح و اعضای واحد حقوق کودکان مجموعه در منزل خانواده مقتول برگزار شده بود.

ولی الله پیرمردوند چگینی طی یک نزاع کودکانه در سال 82 با ضربه چاقو توسط ابراهیم گودرزوند چگینی کشته شد. در هنگام این نزاع هر دوی آنها 17 سال سن داشتند. طبق ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است. در ضمن در بند 6 ماده 5 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً



حکم اعدام برای کودکان زیر 18 سال ممنوع اعلام شده است. ولی هم اکنون پرونده ابراهیم گودرزوند چگینی در مرحله استیذان قرار دارد و پس از استیذان ریاست قوه قضائیه، در صورت عدم رضایت اولیای دم، حکم قصاص نفس وی اجرا خواهد شد.

## نوجوان 17 ساله به قصاص چشم محکوم شد

پرونده اتهامی این نوجوان از روز 22 خردادماه سال 86 به دنبال وقوع یک نزاع دسته جمعی گشوده شد. ماموران پلیس شیراز که از وقوع درگیری بین چند جوان در خیابان عفیف آباد مطلع شده بودند خود را به محل حادثه رساندند، اما پیش از حضور آنان جوانی به نام اکبر از ناحیه چشم مجروح و به بیمارستان منتقل و ضارب نیز متواری شده بود.

به گزارش اعتماد، اطلاعات اولیه حاکی از آن بود که ضارب نوجوانی 17 ساله به نام سامان است و در این درگیری ابتدا با چاقو ضربه‌یی به پهلو اکبر زده و سپس چاقو را داخل چشم سمت چپش فرو کرده و گریخته است. در شرایطی که تحقیقات برای دستگیری سامان ادامه داشت، تلاش پزشکان برای درمان چشم جوان مجروح بی نتیجه ماند و وقتی آنان از مداوای اکبر ناامید شدند، اعلام کردند باید چشم وی تخلیه شود. به این ترتیب با تخلیه چشم اکبر او در 19 سالگی از یک چشم نابینا شد.

در ادامه کارآگاهان با بررسی اطلاعات موجود توانستند مخفیگاه سامان را شناسایی و پس از گذشت چند هفته او را دستگیر کنند. سامان در بازجویی‌های اولیه اتهامش را پذیرفت اما گفت برای کور کردن اکبر نیت و قصد قبلی نداشت. او گفت: «آن روز من و خواهرم از خیابان عفیف آباد می‌گذشتیم که ناگهان پای خواهرم به یک سنگ برخورد کرد و کفش او از پایش درآمد.

این اتفاق یک موضوع طبیعی بود اما اکبر و چند جوان دیگر به خواهرم خندیدند و مرا عصبانی کردند. من هم با آنان درگیر شدم اما چون آنها چند نفر بودند من برایشان چاقو کشیدم. ابتدا قصد داشتم با این کار اکبر و دوستانش را بترسانم ولی آنها من را دوره کردند و مجبور شدم از چاقو استفاده کنم. در شرایطی که خیلی عصبانی بودم به سوی اکبر حمله کردم و یک ضربه به پهلو او زدم و سپس چاقو را داخل چشمش فرو کردم.»

به دنبال این اعترافات برای پی بردن به صحت گفته های متهم صحنه حادثه بازسازی شد. سامان مو به مو وقایع را برای افسران پلیس و بازپرس پرونده شرح داد و به این ترتیب با تکمیل تحقیقات پرونده با صدور کیفرخواست و قرار مجرمیت برای تصمیم گیری نهایی به دادگاه کیفری استان فارس ارسال شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه 4 دادگاه کیفری برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان در جایگاه ایستاد و گفت: «سامان متهم است در یک درگیری خیابانی چشم اکبر را با ضربه چاقو کور کرده است. او در تمام مراحل تحقیقات به این امر اعتراف کرده و از نظر دادرسی جرم وی محرز است و برای وی تقاضای مجازات قانونی را دارم.» سپس نوبت به شاکی رسید تا به دفاع از خود بپردازد. وی گفت: «روز حادثه من و سامان بر سر یک مساله جزیی با هم درگیر شدیم اما او برایم چاقو کشید و با ضربه پی که به چشمم زد بینایی ام را از من گرفت.

من به هیچ وجه او را نمی بخشم و خواستار قصاص وی هستم.» در نهایت سامان در جایگاه متهم حاضر شد و با شرح مجدد ماجرا گفت: «اگر اکبر و دوستانش به من و خواهرم نمی خندیدند هیچ وقت این اتفاق نمی افتاد. او بود که این ماجرا را شروع کرد و من ناخواسته وارد این بازی شدم.» پس از اظهارات متهم هیات قضات شعبه 4 دادگاه کیفری استان فارس وارد شور شدند و با اتفاق آرا وی را گناهکار تشخیص دادند و او را به قصاص چشم چپش محکوم کردند. بنابراین در صورتی که این حکم توسط قضات دیوان عالی کشور تایید شود نوجوان 17 ساله یک چشم اش را از دست خواهد داد.

## سکوت دولت در برابر خشونت علیه کودکان

جاوید سبحانی با بیان این که نهاد حمایتی مشخص برای حمایت از کودکان در ایران وجود ندارد تاکید کرد: در حال حاضر نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورها نیز، خانوادهها دیگر نهاد حمایتی خوبی محسوب نمیشوند و توانایی کارکردهای لازم برای حمایت از کودکان را ندارند، حتی نهاد خانواده در اکثر مواقع با غفلت خود، باعث کودکآزاری و نقص صریح حقوق کودک میشود. به گزارش آفتاب، وی افزود: کودک متعلق به تمام جامعه و اولین مسئول و حامی آن دولت است در حالی که ضعف قوانین باعث شده که دولت در عمل حامی و پشتیبان محکمی برای کودکان نباشد. عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان تصریح کرد: دولت باید در زمان حاد بودن شرایط کودکان همچون کودکآزاریها، خشونت، فقر و ... برای بهبود شرایط کودک مداخله کند و کودکان آسیب دیده اجتماعی و آسیبپذیر را تحت حمایت قرار دهد اما انواع آسیبهای اجتماعی در جامعه و اشکال آن که نقص صریح حقوق کودک، کودکآزاری و خشونت بر علیه کودکان است مشاهده شده و دولت نیز در زمینه این گونه معضلات سکوت میکند. به گفته سبحانی در بخشی از طبقات اجتماعی در ایران، خانواده دچار بحران جدی است و اگر دولت سیاستهای اجتماعی مشخصی برای حمایت از این گروه و طبقات آسیب دیده نداشته باشد، با حجم عظیمی از کودکان آسیب دیده و در معرض خشونت مواجه میشود که سرپناهی حتی برای اعتراض ندارد.

## 5 هزار دانش آموز دماوند در مدارس ناامن تحصیل میکنند

فرماندار شهرستان دماوند گفت: با توجه به شرایط خاص این منطقه پنج هزار دانش آموز شهرستان دماوند در مدارس نا امن به تحصیل مشغول هستند.

به گزارش خیرگزاری مهر، شهرستان دماوند به جهت قرار گرفتن بر روی گسلی زلزله خیز، معابر و جاده های پرسیانحه، بافتی قدیمی و گاه فرسوده، استقرار در مسیر سیلابها و کمبود منابع آب شرب همواره در زمره حادثه خیزترین مناطق استان تهران قرار داشته است.

موضوع حوادث طبیعی قابل بروز و بحرانهای تهدید کننده شهرستان دماوند و نیز راه کارهای کاهش صدمات جانی و مالی ناشی از آن طی نشست کمیته بحران در محل کنفرانسهای فرمانداری این شهرستان و با حضور فرماندار، معاونان و مسئولان ستاد بحران استان تهران بعداز ظهر چهارشنبه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نیازمند مساعدتهای اعتباراتی استانی است.

حضور پنج هزار دانش آموز شهرستان دماوند در مدارس ناامن

رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان دماوند حفظ امنیت آینده سازان را از مصادیق بارز رفع بحران دانست و افزود: تا چندی پیش تنها 10 درصد از مدارس شهرستان دماوند دارای استانداردهای امنیتی لازم و کافی بود.

محسن درویش بیان داشت: اما با تخصیص اعتبارات و مساعدت مسئولان در حال حاضر 50 درصد مدارس مقاوم سازی شده اند اما هنوز نیمی دیگر از این اماکن آموزشی که پنج هزار دانش آموز را در خود گنجانده به شکل غیر استاندارد و ناامن باقی مانده است.

این مسئول اظهار داشت: با توجه به زلزله خیز بودن شهرستان دماوند، حتی زمین لرزه ای کمتر از چهار ریشتر نیز می تواند خسارات جبران ناپذیری را بر خانواده های این شهرستان تحمیل کند.

همچنین در پایان این نشست موارد راهبردی دیگری نظیر احداث پارک اضطراری در شهرهای دماوند و رودهن و ساخت کانکسهای سبک با بنایی سریع نیز به عنوان پیشنهاد مطرح شد.

تبدیل سوانح رانندگی شهرستان دماوند به بحران

بخشدار شهر رودهن نیز پیرامون حوادث رانندگی در شهرستان دماوند گفت: روزی نیست که سانحه ای در مناطق مختلف شهرستان دماوند به ویژه در پیچ مشهور و پر حادثه آبعلی رخ ندهد که آخرین مورد آن روز جمعه به وقوع پیوست و طی این تصادف دو تن از همشهریان جان خود را از دست داده و 9 نفر دیگر نیز زخمی شدند.

سعید حاجی پور ادامه داد: مواردی از این دست بسیار روی داده و هیچ توجیهی برای به تعویق انداختن رفع این معضلات قابل پذیرش نیست از این رو تخصیص اعتبارات استانی به این امر مهم، ضروری است.

این مسئول با تاکید بر تسریع احداث کمربندی در بومهن و رودهن خاطرنشان کرد: نبود جاده کمربندی در این دو شهر به معضل ترافیک دامن زده و اگر حادثه آتش سوزی در بومهن یا رودهن رخ دهد ماموران اطفای حریق، توان حضور به موقع در محل عملیات را نخواهند داشت.

## بیش از 30 هزار دانش‌آموزان معتاد در کشور است



به گزارش فارس عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس آمار دانش‌آموزان معتاد در کشور را بیش از 30 هزار نفر اعلام کرد.

علی‌اصغر حسنی در خصوص شیوع اعتیاد میان دانش‌آموزان اظهار داشت: "وجود دانش‌آموزان معتاد در مدارس معضل بزرگی است که باید به آن رسیدگی کرد."

او با بیان اینکه مدیریت ضعیف در مدارس موجب شده است اعتیاد میان دانش‌آموزان گسترش یابد، ادامه داد: "باید تلاش کنیم نظارت کلی در مورد این موضوع داشته باشیم و با این معضل به شدت برخورد کنیم."

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اضافه کرد: "ضعف خانواده در کنترل فرزندشان از دیگر عواملی است که این معضل بزرگ را در دانش‌آموزان گسترش داده است."

حسنی افزود: "والدین رفت و آمد فرزند خود را کنترل کنند و فرزندان نیز باید از والدین خود حرف شنوی داشته باشند."

او گفت: "برنامهریزی دقیقی برای برخورد با این موضوع وجود ندارد بنابراین دستگاه‌های ذی‌ربط باید با همکاری یگدیگر اعتیاد را در جامعه از بین ببرند و از ورود این معضل بزرگ میان دانش‌آموزان جلوگیری کنند."

## حدیثه در لابه لای پرونده ها مرده بود؟!!!

حدیثه جان فریاد کن ، فریاد حرفی بزن

يك روز که در تنهایی خود پرونده های در دست اقدام و مختومه و در جریان انجمن حمایت از کودکان بدسرپرست را بررسی می کردم در لابلای صفحات سیاه و تیره آن زجه های کودکانه ای را شنیدم که شدت اثرش لرزه بر جانم انداخت . در لابه لای پرونده ها حدیثه دخترک سه ماهه مرده بود ، حدیثه دیگر صدا ونایی برای گریه کردن نداشت و حتی دیگر نمی خندید ، آخر گردن نحیفش محل تزریق نامردانه پدر معتادش شده بود . حدیثه جان فریاد کن ، فریاد حرفی بزن ، تو دادخواهی کن که شاید بشنوند صدای حدیثه ها را . نازنین یکساله و نیمه سوخته و درد سوختگی امانش را بریده بود، می پرسید چرا؟؟؟ ما هم نمی دانیم و شاید اگر بدانیم باز هم به اجبار تبرئه خواهیم شد که مورد آزار نبوده .

مریم فرزند طلاق بود تازه 9 سال داشت بیمار، نحیف و رنجور نزد دایی و خاله اش زنده مانی می کرد یعنی سعی می کرد که وانمود کند زنده است آخر آن همه اذیت دایی و خاله فراخور توانش نبود و پدر و مادرش هم که از هم جدا شده بودند و مریم برای شروع زندگی جدید هر دوی آنها که شاید می رفتند تا زندگی جداگانه وبه نظر خود بدون دردمسری را آغاز کنند باری بیش نبود که تحمل نگهداریش را نداشتند و اگر خدای در روز قیامت از آنها امانت به دست آنها سپرده را باز خواهد خدا داند که چگونه شرمنده شوند.

از آتنا بگویم تازه دو ماهه بود که فرم پزشك قانونی اش آثار ضربه شدید و سخت و خونریزی زیر عنكبوتیه را نشان داده بود ، وای عکس این دختر زیبا و نازنین بر روی تخت بیمارستان و چشمان ناباور او از این همه بی رحمی با من بیننده چه درد دلها که نکرد و عاقبتش این شد که در یکی از مراکز نگهداری بهزیستی به زندگی زجر آور گیاهیش ادامه دهد تا بمیرد . خدای من از ساناز زیبا رو چه بگویم آخر او لاغرو نحیف بود چرا مدارك پزشك قانونی نوشته بودند ضربه ای سخت و سنگین به بازوی دست چپش برخورد کرده راستی فراموش کردم بگویم او هم فرزند طلاق بود . از زهرا می ترسم بگویم ، شرمم می شود نوشته بودند آزار جنسی خدایا به فریادمان برس اینجا نام

زهرا ي ديگري هم هست باز هم طلاق، نوشته بودند ا زپدرش كتك سختي خورده به شكلي كه چند روزي نتوانسته مدرسه برود .

وجيهه و پوريا و نرگس و.....روي محبت نديده بودند وشايد الان اگر نوشته هاي مرا مي خواندند با صداي بي نوايي مي گفتند نگذاريد آزار بدهند، محبت هم نمي خواهيم آخر بستن بچه به پنكه سقفي و كتك زدن راه تربيت است؟؟ دركجا ي دنيا و در كدامين آيين اين روش به عنوان شيوه تربيتي ذكر گرديده است واي برما اگر بشنويم وقدمي بر نداريم.

صداي راضيه را مي شنوم در اين تنهائي خود وورق زدن پرونده ها چه بر من مي گذرد راضيه هم 3 ماهه بود نامه پزشك قانوني روي پرونده اش چيزهاي دردناكي مي گفت كبودي درحال جذب گونه چپ سوختگي مدور به قطر نيم سانتي متر درسمت راست پيشاني ،سوختگي مدور به قطر حدود نيم سانتي متر پشت پاي چپ و..... راضيه جان خودت به زبان بيا چون مي دانم كساني كه اين نوشته ها را مي خوانند مي خواهند بدانند آن سوختگي ها براي چه بوده و به چه وسيله اي ولي فقط من به جاي تو مي گويم 6 مورد فقط پزشك قانوني توانسته نشانه هاي زجر و عذاب تو را مشاهده كند خدا مي داند تو چه كشيدي و چه مي كشي!!!؟؟؟

مرتضي و دو خواهرش هم پرونده قطوري دارند ، هرچه خواندم و ورق زدم متاثر تر شدم ، يك نکته اينكه يك روز پس از عمل جراحي گوش مرتضي پدرش ناجوانمردانه سيلبي محكمي به گوشش زده بود وشنوايي او را از او گرفته بود؛ يك روز يادم هست در انجمن نشسته بوديم كه زنگ تلفن به صدا در آمد و خواهر مرتضي گريه كنان مي گفت كمك كنيد پدرم گفته مي كشمتان و ما از ترس او به خانه همسايه پناه آورده ايم و.....

پدر شروين هم نامردي نكرده بود او هم 6 مورد از آثار قدرت پدريش را در بدن نحيف او حك كرده بود كه نامه پزشك قانوني او مبين اين نشانه ها بود .

آزاده تو بگو تحت چه فشاري بودي كه در يكي از خودكشي هايت خودت را از طبقه دوم ساختمان به بيرون پرت كردي چه مي خواستي بگويي. چرا وقتي شنيدي از بیمارستان قرار است مرخص شوي مضطرب ونگران با ما تماس گرفتي كه اگر به خانه برگردي دوباره خود كشي خواهي كرد . بگو خودت به زبان خودت بگو كه چرا در خانه زنداني مي شدي كتك مي خورد ي و هزاران چراي ديگر ؟؟؟؟؟ كه مي دانم خيلي ها هم مي خواهند بدانندچرا ؟ آري اينها نمونه هايي بود از پرونده هايي كه هر كدامشان فرياد دادخواهي بود فريادي كه حمكش تنها فرياد رسي است واي بر ما اگر فرياد مظلومي را بشنويم و شانه خالي كنيم و چه وظيفه خطير و سنگيني داريم ما وآنان كه خواسته اند قدمي بردارند تا مرحمي باشن بر دلهايي كه جزها به خود ديده اند.



## اطلاعیه شماره 262 کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

امروزه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که تقریباً همه می‌دانند، هر فرد

زیر 18 سال یک کودک است

۴ اصل از پیمان‌نامه حقوق کودک

- 1- کودکان نباید از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، ملیت، اصلیت اجتماعی یا قومیتی، یا هر گونه عقیده سیاسی یا غیر از آن، دارایی یا وضعیت تولد خود و یا ناتوانی خود، سود یا ضرر ببینند.
- 2- قوانین و اقداماتی که بر کودکان تاثیر می‌گذارند باید بیشترین نفع کودک را در اولویت قرار داده و بیشترین سود را به او برسانند.
- 3- مقامات کشور باید از کودکان محافظت کرده و رشد کامل آنانرا از نظر جسمی، روحی، عاطفی و اجتماعی تضمین کنند.
- 4- کودکان حق دارند در تصمیماتی که بر آنان تاثیر می‌گذارد نظر بدهند و نظرشان نیز باید تاثیر داشته باشد.

**سلامت، آموزش، برابری و حمایت، حق همه کودکان است  
اما اعدام کودکان، همواره یک تراژدی بزرگ است**

تنها پنج کشور در جهان هستند که هنوز در آنها اعدام نوجوانان بزهکار ادامه دارد

### و ایران در ردیف نخست قرار دارد

با تاسف سن بلوغ در قوه قضائیه ایران برای متهم و مجرم برای پسران 15 سال، و دختران 9 سال می‌باشد.

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان با محکوم نمودن این بهره‌کشی و جنایت اعمال شده نسبت به آینده سازان ایران، خواستار تغییر قوانین قرون وسطائی برای کودکان و نوجوانان و بویژه کودکان کار ایران است.

2010/262

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

## آب ؛ رویای کودکان روستاهای جاسک



به بی آبی فکر نکن، به آبی فکر کن که باشد، همیشه باشد و همیشگی باشد.



چشمهایت را ببند و سهم خودت را تجسم کن، دستهای کوچک و سبزت را خیس تصور کن، به خورشید فکر کن ولی نه آنقدر که رویاهایت بسوزد و خشک شود، تانکرهای آب را جدا جدا تصور

نکن. به گیاه فکر کن که میتوانست سهم کوچک تو از زندگی باشد. به آب فکر کن. تلخ نه، شور نه، آلوده نه، به آب زلال که تانکرها به ارمغانش نیاورده باشند.

روستای شیپولی از توابع بخش لیردف شهرستان جاسک یکی از روستاهایی است که آب در آن به عنوان یک هدیه برای مردم تلقی می شود و هر روز مردم آن چشم به جاده می دوزند تا گرد و خاک تانکر آب را ببینند و شکر آن را به جا بیاورند.

از بندر جاسک می توان به عنوان یک شهرستان کم آب یا بی آب نام برد که شهروندان این شهرستان از کمبود و در روستاها از نبود این مایه حیات رنج می برند و در دنیایی که بشر به دنبال کشف ناشناخته ها در دنیای خارج از این کره خاکی است شهروندان آنجا سطل به دست به دنبال آب می دوند. هنوز کودکان روستایی جاسک وقتی آب می بینند انگار به بهشت دست پیدا کرده اند و رویای آبی شب را وقتی تانکر آب می آورد تعبیر شده می بینند.

روستای شیپولی از توابع بخش لیردف در فاصله 150 کیلومتری مرکز شهرستان جاسک قرار دارد و تنها یکی از آن روستاهایی است که هنوز آب به عنوان یک هدیه برای مردم آن تلقی می شود و هر روز مردم آن چشم به جاده می دوزند تا گرد و خاک تانکر آب را ببینند و دست به سوی آسمان دراز کنند و از این هدیه آسمانی دعای شکر را به جا بیاورند.

## پرونده نعمت صفوی کجاست؟/

مسئولان قضایی اردبیل باز هم اظهار بی اطلاعی کردند



پیگیریهای انجامشده در مورد پرونده نعمت صفوی، نوجوان اردبیلی که در سن 16 سالگی به دلیل همجنسگرایی بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه اطفال از سوی دادگستری اردبیل به اعدام محکوم گردیده بود، تا کنون به نتیجهای نرسیده است و هر سه شعبه کیفری دادگاه انقلاب شهر اردبیل در مورد پرونده این نوجوان اظهار بیاطلاعی نمودهاند.

این در حالی است که حکم اعدام نعمت پس از ارسال به دیوان عالی کشور نقض شده و پرونده وی برای رسیدگی دوباره به شعبه همارز در دادگاه کیفری اردبیل ارجاع داده شده است. تاریخ ارجاع پرونده 14 اسفند 87 میباشد بنابراین پرونده مربوطه باید در دادگاه کیفری اردبیل باشد اما برخورد مسئولان قضایی و اظهار بیاطلاعی آنان نگرانی در مورد وضعیت این نوجوان را افزایش داده است. در گذشته، مواردی گزارش شده که نوجوانان محکوم به اعدام به اتهام همجنسگرایی بدون اطلاع به وکیلشان اعدام شدند و همین امر بر نگرانیها در مورد وضعیت نعمت صفوی افزوده است. در این رابطه با یکی از وکلایی که پرونده چند نوجوان محکوم به اعدام را در اختیار داشته است، صحبت نمودیم. وی در رابطه با احتمال اعدام ناگهانی نعمت گفت: «با توجه به اینکه حکم اعدام این نوجوان نقض شده است احتمال اعدام ناگهانی وی وجود ندارد چرا که باید حکم اعدام پس از تایید اجرا شود. بنابراین یا دادگاه تجدیدنظر هنوز تشکیل نشده و اگر تشکیل شده است حکم اعدام برای بار دوم صادر نشده چرا که اگر صادر شده بود باز هم به دیوان عالی کشور ارسال میگشت.»

در بیانیه سازمان دیدهبان حقوق بشر در محکومیت اعدام سه نوجوان به اتهام همجنسگرایی اینچنین آمده است: «مجازات مرگ برای نوجوانانی که زیر 18 سال مرتکب جرم می شوند طبق قوانین بین المللی ممنوع شده و این ممنوعیت مطلق است. هم کنوانسیون حقوق کودک و هم کنوانسیون حقوق سیاسی ومدنی به صورت خاص مجازات مرگ برای افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از 18 سال دارند را منع کرده است. این قوانین منعکس کننده این حقیقت هستند که کودکان و نوجوانان با بزرگسالان متفاوت هستند چرا که فاقد تجربه، قضاوت، بلوغ و دیگر خودداری های بزرگسالان هستند. ایران کنوانسیون حقوق کودک را در سال 1994 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی را در سال 1975 به تصویب رساند.»

## سن ارتکاب جرم کاهش یافته است



کودکانی را داریم که قبل از رسیدن به سن بلوغ و قبل از 18 سالگی مجرم هستند مرکز مشاوره و مددکاری معاونت اجتماعی ناجا با اشاره به اینکه ریشه بسیاری از جرایم، در کودکی افراد مجرم است، گفت: سن ارتکاب جرم کاهش یافته است و هم‌اکنون کودکانی را داریم که قبل از رسیدن به سن بلوغ و قبل از 18 سالگی دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

به گزارش ایلنا، فردوس قماشچی در همایش بررسی آسیب‌های اجتماعی خانواده، با بیان اینکه دوره تربیت پلیس مددکار ویژه اطفال در آینده نه‌چندان دور شروع می‌شود، افزود: تفاهم‌نامه‌ای نیز بین ناجا و وزارت آموزش و پرورش منعقد شده که بر اساس آن، چهار طرح در نظر گرفته شده است. یکی از این طرح‌ها نهادینه شدن طرح مشاوره و مددکاری در همه مدارس و دبیرستان‌ها است و طرح دیگر که باید مورد بررسی قرار گیرد، طرح ملی پیشگیری از کودک‌آزاری است.

مدیرکل مرکز مشاوره و مددکاری ناجا ادامه داد: ریشه بسیاری از جرایم افراد مجرم، در پیشینه و دوران کودکی آنهاست و اینکه در کودکی مورد آزار قرار گرفته‌اند. به گفته قماشچی، اگر با کودک‌آزاری مقابله جدی شود، خیلی از رفتارهای مجرمانه ظهور پیدا نمی‌کند.

او تاسیس بانک اطلاعات مربوط به آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان را یکی دیگر از طرح‌های مشترک ناجا و آموزش و پرورش عنوان کرد و گفت: با این اطلاعات می‌توانیم دانش‌آموزان را بهتر بشناسیم و برای حل مشکل آنها اقدام کنیم. وی خبر از کاهش سن ارتکاب جرم و داد و افزود: هم‌اکنون کودکانی را داریم که قبل از رسیدن به سن بلوغ و قبل از 18 سالگی دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

## بازداشت 2 تن از فعالین حقوق کودکان



بابک نظری، و سعیده میرزائی

توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. در طی روزهای گذشته 2 تن از فعالین حقوق کودک دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، روز 7 بهمن ماه فعال حقوق کودک خانم سعیده میرزائی 25 ساله فوق لیسانس شیمی از دانشگاه تهران و از فعالین ان. جی . او . دنیایی بهتر که در حال کمک کردن به کودکان کار و خیابانی بود توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شد.



همچنین آقای بابک نظری 22 ساله از ان.جی. او. جهان شایسته برای کودکان بود ولی بدلیل پلمپ کردن آن توسط وزارت اطلاعات مدتی است که برای یاری به کودکان کار و خیابانی همکاری خود را با ان.جی. او. مولوی آغاز کرده بود. او حوالی 10:00 صبح توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

مامورین وزارت اطلاعات بعد از ظهر همان روز به منزل پدری آقای نظری در اسلام شهر رفتند و منزل آنها را مورد بازرسی قرار دادند. آنها بعد بازرسی طولانی کامپیوتر، سی.دی و سایر وسائل شخصی او را با خود بردند. بازرسی مشابهی در منزل خانم میرزائی صورت گرفت و بعضی از وسائل شخصی او توسط مامورین وزارت اطلاعات ضبط گردید.

لازم به ذکر است که در هفته های اخیر مامورین وزارت اطلاعات تعدادی از فعالین کودک را بازداشت کرده اند که از جمله آنها خانم مریم ضیاء و آقای مهدی آمیزش می باشند که در حدود 2 ماه است در بند 209 زندان اوین زندانی می باشند. مامورین وزارت اطلاعات همچنین تعداد دیگری از فعالین کودک را برای مدتی بازداشت کرده و پس از چند روز بازجویی با ضمانت بطور موقت آزاد کرده اند.

## از زندان تا اعدام کودکان: قربانی قربانی!

### از فقه اسلامی تا فرهنگ خشونت زا

بر پایه آمارهای موجود در سال 1998، ایران از بین 33 کشور دارای مجازات اعدام، دارای رتبه دوم است. به بیان دیگر نسبت اعدامیها به زندانیان هر کشور نیز نشان میدهد: نخست، تعداد زندانیان کشور چین حدود ده برابر زندانیان ایران میباشد. دوم اینکه از بین هر ده هزار نفر زندانی در چین 6 نفر و ایران 4 نفر اعدامی دارد. از اینرو مهمترین پرسش قابل طرح این است که دلایل فزونی این اعدامها چیست.

شواهد نشان میدهد که در سالهای 1359 تا 1376 در ایران، تعداد زندانیان 7 برابر شده است، یعنی از حدود 22/400 نفر به 156/600 نفر افزایش یافته (نزدیک 700 درصد!) و این درحالی است که جمعیت کشور طی این مدت فقط 55 درصد افزایش داشته است. اگر افزایش تعداد زندانیان را به نسبت رشد جمعیت تعدیل کنیم، با فرض ثبات جمعیت در 16 سال مذکور، 350 درصد بر تعداد زندانیان افزوده شده است. در صورتی که تعداد واردشدگان به زندانها را در یک سال در نظر بگیریم، در سال 1376 حدود 490/000 نفر وارد زندان شده و با توجه به متوسط تعداد زندانیان کشور، در هر سال، حداقل 600/000 نفر زندانی در زندانهای کشور به سر میبرند.

به تعبیر دیگر، از هر صد هزار نفر افراد کشور در سال یک نفر زندانی میشود و اگر فقط افراد بزرگسال را در نظر بگیریم، در هر سال، از هر 50 نفر یک نفر چنین وضعی پیدا میکند. یعنی، به طور کلی، به ازای هر 400 نفر جمعیت کشور یا از هر 80 خانواد در هر لحظه یک نفر در زندانهای کشور است! (2). شواهدی از این دست نمایانگر شدت وقوع جرایم و آسیب پذیری جامعه از یکسو و احتمال وقوع بیشتر مجازات اعدام از سوی دیگر است.

با وجود یکه در زمینه جرایم اجتماعی برحسب انواع آن ، گروه بندی جنسی و سنی و سایر شاخصهای قابل بررسی ، آمار رسمی و دقیقی در دست همگان نمیباشد ولیکن شواهد حاکی است که از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی در ایران تا کنون صرفنظر از زندانیان سیاسی اعدام شده در سال 1367 واقع در سن 13 تا 18 سالگی که تعداد آن به بیش از 20 نفر میرسد (3) ، حدود 40 نفر کودک به دلایل غیر سیاسی و بعنوان مجازات برای جرایم و مفسد اجتماعی اعدام شدهاند. در این نوشتار تلاش میشود به برخی از مهمترین زمینها و ابعاد بروز این پدیده در ایران اشاره شود. زمینه ها :

1. یکی از مهمترین دلایل اعدام کودکان در ایران عبارت است از ناهماهنگی و عدم تطابق میان قوانین اسلامی با قوانین حقوق بشر و معاهدات بین المللی مرتبط با آن بویژه در مورد کودکان. به بیان دیگر فقه اسلامی به دلیل تعهد مفاد آن به ساختارهای گذشته ، ساختار دارای ، کارکردها و مفاهیم وابسته به دورانی است که با دستاوردهای نوین بشری ناسازگار است. به تعبیر دورکیم جامعه شناس فرانسوی ، قوانین و مقررات هر جامعه‌ای بر حسب توسعه یافتگی و میزان تکامل اجتماعی و فرهنگی آن پاسخگوی نیازهای ساختاری روابط و مناسبات خاص هر دوره تاریخی است. از نظر او در جوامع ابتدایی و سنتی با تسلط اقتصاد معیشتی و روابط قبیلهای و همچنین سلطه روابط غیر دموکراتیک و استبدادی ، تمامی قوانین ناظر بر مجازات حذفی و انتقام جویانه بوده و جهت زجره داشته یا مبتنی بر زجر مجرمان بوده است. رهبران این نوع از اجتماعات با بهره گیری از این روش میتوانستند به تنظیم و تضمین مناسباتی بپردازند که منافع آنان را در پی داشته و شالوده روابط موجود اجتماعی را حفظ کند. به نظر میشل فوکو در نظام کیفری قدیم تنها هدف مجازات ایجاد رعب و وحشت بود ، به همین دلیل مجازاتها بیشتر به صورت زجر دادن در منظر عموم بود و مجازاتی که همگان شاهد آن نبودند معنایی نداشت (4). افزایش جمعیت ، پیچیدگی روابط و تحول مفاهیم از یکسو و توسعه نهادهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی منجر به تغییر نگرش انسان به مبانی قضایی و حقوقی نیز شده و جهت قوانین کیفری را به سمت تنبیهی و ارشادی تغییر داد. در نظام حقوقی جدید بسیاری از مفاهیم از جمله حقوق شهروندی مبتنی بر فرد گرایی ، حقوق زنان و کودکان بازنویسی و بازاندیشی شدند. از اینرو روح قوانین در شکل توسعه یافته آن بویژه با توجه به شاخصهای انسانی ، دفاع از حق حیات و کرامت انسان در جا معه است و دیگر فرد برای حفظ و دفاع از جامعه قربانی نمیگردد (5). در نظام جدید درباره فایده کیفر برای جامعه و فرد مجرم چون و چرا میشود. اگرچه هیچ گاه هدف مجازات و نیز پیشگیری از وقوع جرم فراموش نشد ، هدف اخیر نیز به آن اضافه گردید. در این نظام ، تنبیه دو تغییر مهم میکند ، اول این که دیگر متوجه جسم و بدن نیست ، بلکه قلب و اندیشه و اراده

و امیال فرد هدف قرار میگیرد ، دوم اینکه در منظر عام صورت نمیگیرد و مردم از صحنه مجازات غایب شده‌اند. به همین دلیل ، در این نظام ، زندان که آزادی فرد را سلب میکند ، شیوه اصلی تنبیه شناخته شده‌است و مجازات بدنی و از جمله اعدام در بسیاری از کشورها لغو شده یا در عمل اجرا نمیشود (6).

2. از سوی دیگر قصاص در فقه اسلامی بیانگر نوعی مقابله به مثل است تا بنحوی بتواند از این رهگذر حق را به صاحب حق برساند. در این میان مدعی العموم که بر پایه قوانین اسلامی ، نمایندگی استیفای حق مؤمنان را بر عهده دارد بعنوان نماینده حکومت اسلامی و نه نماینده منتخب مردم برای حفظ همبستگی جامعه به تکرار عمل مجرمانه علیه مجرم فرمان میدهد! در چنین ساختاری که هنوز بر پایه مرد سالاری و پدر سالاری یا شیخوخیت ریش سفیدان طراحی شده است ، زنان و کودکان بویژه دختران زیر 18 سال یا به اصطلاح صغیر هیچ نمایندگانی برای دفاع از حقوق خود نمیابند. این نحوه مجازات از منظر دورکیم بیش از آنکه کارکرد رعب و وحشت داشته باشد ، ناظر به تأمین هدف دیگری است که همان تقویت همبستگی اجتماعی از طریق ارضای وجدان جمعی است (7). این مهم اگرچه در کوتاه مدت ممکن است چنین پیامدی را بدنبال داشته باشد ولی در میان مدت و دراز مدت سبب بروز حس ناامنی اجتماعی و تشدید نرخ خشونت در جامعه میگردد.

3. جامعه ایران امروز به دلیل تجربه بحرانهای مستمر ناشی از انقلاب 57 ، جنگ هشت ساله ، بی تدبیری مردم و دولت در زاد و ولد و فور بیش از توان آموزشی و پرورشی جامعه ، با مسایل عدیده‌ای از جمله در بین کودکان روبرو است. خشونت گرایی ناشی از سوء استفاده نظامی از کودکان در طول دوران انقلاب و جنگ تا کنون (8) ، فقر و نابسامانی بسیاری از خانواده‌های حاشیه نشین و مهاجر روستایی ساکن در حومه شهرها و تحمیل بحرانهای روانی و تنی آن بر اندام نحیف کودکان ، کار اجباری و ورود زود هنگام کودکان در محیطهای نا امن ، غیر رسمی و بهره جویانه شغلی در میان بزرگسالان از دیگر ابعاد شکل گیری میل به پرخاشگری و کجروی در بین کودکان میباشد.

4. فاصله طبقاتی و حس فراگیر تبعیض در میان خانواده‌های شهری و بویژه میان مرکز -- پیرامون یا حاشیه و متن در شهرها از دیگر زمین‌هایی است که در حد فاصل دستیابی به اهداف مورد تایید جامعه از قبیل کسب ثروت ، منزلت و قدرت از یکسو و وسایل مشروع نیل بدانها از سوی دیگر نوعی ناهماهنگی غیر قابل ترمیمی را بوجود میآورد که به اصطلاح از آن بعنوان انومی یا ناهنجاری یاد میکنند. در چنین فضای ناهنجاری ، افراد بویژه کودکان نابالغی که بطور زود هنگام وارد مسئولیت پذیری و رقابتهای نا سالم و نابرابر اجتماعی شده‌اند ، بیش از دیگران

آمادگی استفاده از روشهای مختلف وحتى نامشروع را برای دستیابی به اهداف و آمال اجتماعی میبایند. نموده‌های این شکل از انومی یا بی‌هنجاری به دوشکل عمومی بروز میکند : الف) بصورت درون فکنانه و اقدام به حذف خود یا خودکشی که ارقام آن در ایران گویای بحرانی بودن این پدیده است. شواهد نشان میدهد که در طی سالهای 76 تا 80 جمعا 13917 مورد خودکشی به مراجع انتظامی گزارش شده‌است. از نظر سنی نیز 11/10 درصد مردان و 13/93 درصد زنانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند کمتر از 17 سال سن داشته‌اند. مسئله مهم در این ارقام ، 1713 نفر کودک و نوجوان کمتر از 17 سال (12/31٪) در بین اقدامکنندگان به خودکشی است. انگیزه افرادی که در این سالها به خودکشی دست زده‌اند بدون توجه به جنس و سن ، به ترتیب فراوانی عبارتند از : 29/54 درصد به علت اختلاف خانوادگی ، 18 / 7 درصد به علت شکست در زندگی و ناامیدی ، 97 / 4 درصد به علت اختلال حواس ، 4 درصد به علت فقر و تنگدستی ، 49 / 1 درصد به علت مسائل ناموسی و 37 / 1 درصد به علت تحمیل در ازدواج. همچنین 51/45 درصد افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند ، دارای انواع دیگری از انگیزه بوده‌اند که اعلام نشده است (9).

ب) نوع دوم بروز آسیب شناختی این بی‌هنجاری شیوع جرایم اجتماعی است. وجود قوانین ترمیمی و کنترل کننده‌های که آنها نیز مبتنی بر خشونت و برخورد زاجره است ، زمینه باز تولید خشونت را تقویت کرده و لذا میل به جرم زایی را بین کودکان و خشونت کودکان بر کودکان را علاوه بر خشونت بزرگسالان بر آنان افزایش میدهد. نزاعهای خشونت بار میان کودکان زیر 18 سال که منجر به برخورد قانونی ، زندان و مجازات سنگین آنان میگردد برابند طبیعی شرایط نابرابر و پرخاشگرانه‌های است که بعنوان یکی از شاخصهای فرهنگی و روانشناختی جامعه ایران امروز میتوان از آن یاد کرد. در اینجا بر پایه آمار موجود به برخی از این جرایم اشاره شده و نرخ مشارکت کودکان نیز ذکر میشود :

برپایه جدول یک ، سارقان دستگیرشده در سالهای مورد بررسی ، 101/092 نفر بوده‌اند. از این تعداد تنها 6 / 0 درصد زن و 4 / 99 درصد مرد بوده و در گروههای سنی ذیل قرار گرفته اند : زیر 17 سال 9 / 8٪ ، 18 تا 24 سال 12/38٪ ، 25 تا 34 سال 37/37٪ و 35 سال به بالا 01/15٪. توزیع فراوانی سارقان دستگیرشده در ارتباط با راهزنی ، دخل زنی ، کیف ربایی و جیب بری برحسب گروههای سنی به تفکیک مرد و زن عبارتست از :

الف) مردان (90/39٪) : زیر 17 سال 4 / 9٪ ، 18 تا 24 سال 32/93٪ ، 25 تا 34 سال 44/32٪ و 35 سال به بالا 62/15٪ ،

ب) زنان (9 / 61٪) : زیر 17 سال 21 / 1٪ ، 18 تا 24 سال 58 / 2٪ ، 25 تا 34 سال 66 / 4٪ و 35 سال به بالا 16 / 1٪ (10).

6. به دلیل واپسگرایی و عدم تطابق قوانین اسلامی با قوانین مدنی که پیشتر بدان اشاره شد ، بسیاری از اعمال و کنشهای بظاهر خلاف قانون و شرع ، در واقع معنای مجرمانه نداشته بلکه بیانگر بخشی از نیازهای انسانی است که محملها و شرایط انسانی و برابر خواهانهای برای طرح و تامین قانونی و هنجارمند آنها فراهم نگردد یده است. یکی از این کنشها رفتار جنسی کودکان خواه با همجنس یا نا همجنس خود میبا شد. در ایران امروز خواه در مبانی رسمی حکومتی و خواه در فرهنگ عامه مردم یا وجدان جمعی ، روابط جنسی از هر نوع آن برای کودکان در زمره حقوق مسلم آنان تعریف نمیگردد. رابطه میان کودکان دختر با همسالان پسر ، رابطه کودکان پسر با پسر بویژه با توجه به کششهای هورمونی و ژنتیکی آنان از زمره روابط نا مشروعی تلقی میشود که در قوانین جاری اسلامی با شدیدترین مجازات پاسخ داده میشود. این کنشها حتی در ساختار قبیلهای و سنتی قومیتهای مختلف ایرانی نیز دارای مجازات سنگین و زجرهای است که نمونههای آن را میتوان در قتلهای ناموسی در ایران مشاهده کرد. در این نوع مجازات خواه از سوی حکومت اسلامی ، خواه از سوی ریش سفیدان یا شیوخ قومی و محلی ، و خواه از سوی مردان بزرگسال خانواده اعم از پدر ، برادر ، شوهر و عمو به بهانه دفاع از کیان ، هویت اجدادی و تعصبهای خانوادگی ، قومی ، دینی و جامعه در سطح کلان برای جلوگیری از رفتار نابهنجار و مجرمانه ، فرد مجرم مورد هدف قرار گرفته و حذف میشود.

دادههای جدول دو حاکی است که در طول سالهای فوق در رابطه با قتل عمد 7078 نفر مقتول و در کل 7028 نفر بعنوان قاتل دستگیر شدهاند. نکته قابل توجه در مورد کشتهشدگان قتل عمد این است که 74 / 6 درصد از جنس مذکر و 40 / 3 درصد از جنس مؤنث کمتر از 17 سال سن داشتهاند. این نسبتها بدین معنا است که 14/10 درصد مقتولین در سنین کودکی و نوجوانی بوده و اگر سهم 79 / 0 درصدی جنینها را به آن اضافه کنیم ، ملاحظه میشود که 93/10 درصد کشتهها یعنی 774 نفر کودک و نوجوان ، عمدا به قتل رسیدهاند . البته این رقم بدون محاسبه افراد واقع در سن 17 تا 18 سالگی است که ارقام در این ارتباط باوجود بزرگی رقم آن شفاف نمیشوند. از جمع قاتلین قتلهای عمد نیز ، 94/81 درصد مرد و 76 / 7 درصد زن بودهاند. بر اساس این دادهها ، انگیزههای قاتلین برای کشتن افراد مقتول به ترتیب فراوانی بدین شرح میباشد : اختلاف خانوادگی 25/11 درصد ، نزاع 64/10 درصد ، مسائل ناموسی 60 / 6 درصد ، اختلافات ملکی و مالی 41 / 6 درصد ، مسائل جنسی و منکراتی 70 / 4 درصد ، در ارتباط با موضوع سرقت 41 / 4 درصد ، به قصد انتقامجویی 15 / 4 درصد ، اختلافات قومی و قبیلهای 95 / 3

درصد ، در ارتباط با موادمخدر 2 / 72 درصد ، مستی ناشی از مشروبات الکلی 0 / 76 درصد ، پوشاندن خطا 0 / 73 درصد ، اختلال حواس 0 / 68 درصد و فقر 0 / 47 درصد! انگیزه 42/53 درصد قتلها نیز غیر از موارد ذکر شده است (11).

### پیامدها

:

1. از نظر نگرش طولی در تاریخ از گذشته به آینده ، میتوان بزرگسالان امروز را کودکان دیروز و کودکان امروز را نسل آینده تلقی کرد. از همین رو ترویج ونهادینه کردن خشونت در میان کودکان منجر به بروز نهادهای خشونت و پرخاشگری در نسل فردا وباز تولید مستمر آن خواهد شد.

2. در متن خشونت علیه کودکان از حبس تا اعدام آنان ، مهمترین نکته این است که کودک ، قربانی سهل انگاری و خطاهای بزرگسالانی است که در نقش پدر یا مادر و یا رهبران سیاستگذار و مجریانی است که در مسند قدرت ، هزینه بی کفایتی وبی تدبیری خود را از آیندگانی میپردازند که خود بطور دوگانه قربانیاند : یکبار بخاطر شرایط اجتماعی وروانی که بزرگترها برای آنان فراهم کردهاند وکودکان در آن غوطه میخورند وبار دیگر به دلیل مجازات نا حقی که این قربانیان میپردازند!

3. دامنه آسیب زایی اینگونه برخورد شدید یا خطاهای کودکان بویژه اعدام ، چنان آثار خشم و نفرت وکینههای را در میان خانوادههای بازمانده این قسم از کودکان باز مینهد که تا چندین گردش نسلی نیز نمیتوان از آن دوری جست. این آثار طیف وسیعی از پدر ، مادر ، خواهر و برادر تا سایر همسالان کودکان قربانی را دربر میگیرد.

### راهکارها :

بی تردید ادامه این روند سبب ساز گسترش بیش از پیش نرخ جرم زایی و کجروی اجتماعی بزرگسالانی خواهد شد که همه ساله از گروه سنی زیر 18 سال عبور میکنند. برای برون رفت از این چرخه باطل وشوم میتوان برخی از برنامههای زیر را در اسرع وقت در اولویت گذارد :

الف) اصلاح قوانین مدنی ، حقوقی و کیفری در باز شناسی جرایم بویژه در مورد کودکان ، در انطباق با قوانین ومعاهدات بین کشورها از جمله حقوق بشر و کنوانسیونهای وابسته بدان بویژه حقوق کودک ،

ب) اصلاح وباز سازی سیستم و سازمان کانونهای اصلاح و تربیت که طبق ماده 18 آئین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور چنین تعریف گردیده است : کانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری ، اصلاح و تربیت و تهذیب اطفال غیربالغ و بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از 18 سال تمام سن داشته باشند (12). این کانون

امروزه به دلیل انباشت کودکان نابالغ و بزهکار در آن و همچنین مشکلات و محدودیت‌های بسیاری که از نظر مالی و مدیریتی گریبانگیر آنها است، مرکزی است برای بازپروری جرم و نه جرم زدایی.

پ) حذف مجازات اعدام برای کودکان نیز از جمله مهمترین اقداماتی است که باید در دستور کار برنامه ریزی و اجرا قرار گیرد. از سوی دیگر کاهش طول دوره زندان کودکان نیز برای سرعت بخشیدن به فرایند جامعه پذیری مجدد کودکان بزهکار و بازپروری آنان با بهره‌گیری از توان و دانش متخصصان روانشناس و بازگشت آنان به آغوش خانواده از دیگر اولویتهای مطرح می‌باشد.

ت) پیش‌بینی تدابیری برای جدا سازی مادران زندانی که همراه با نوزاد یا کودکان خرد سال خود به حبسهای طولانی محکوم شده‌اند از سایر زندانیان بزرگسال و با جرایم مختلف در بندهای عمومی نیز بنوبه خود دارای اهمیت است. علاوه بر این میبایست بطور جدی از ورود کودکان زیر 18 سال در بندهای بزرگسالان خواه بصورت رسمی یا غیر رسمی جلوگیری کرد.

ث) برنامه ریزی برای پوشش تحصیلی فراگیر کودکان نیز از دیگر برنامه‌های راهبردی است که میتواند در میان مدت زمینه‌گرایش به جرایم و امر بزه را کاهش دهد. در حال حاضر بر اساس آخرین نرخ سرشماری کشور در سال 1375 نزدیک 5 / 3 (سه و نیم) میلیون نفر از کودکان واقع در سن تحصیل (زیر 18 سال) در فضاهای آموزشی بسر نمی‌برند (13)!

ج) پیش‌بینی قوانین بازدارنده برای عدم ارتکاب خشونت علیه کودکان در محیط خانه، مدرسه و حتی کار نیمه وقت، ترویج چگونگی حفظ حقوق کودک و بازگشایی مراکز در سراسر شهرهای بزرگ برای دفاع و پناه کودکان آسیب دیده یا در معرض خشونت و معرفی سریع موارد مشابه از سوی مردم از دیگر نهادهای ضروری برای استیناف حقوق کودکان است.

چ) بی‌تردید اجرای برنامه‌های پیش‌گفته بدون وجود نهادهای غیر دولتی در نقش دیده بان و پیگیر، نمیتواند تحقق یابد. نظامهای سیاسی غیر دموکراتیک به دلیل کوتاه بینی خاص تاریخی شان که ناشی از دولت مستعجل بودن آنهاست، حمیت پرداختن به این مهم را به دلیل تعلق آن به آینده، در اولویتهای برنامه‌های خود نمی‌گذارند. از اینرو سازمانهای غیر دولتی متشکل از صاحب نظران، فعالان اجتماعی، زنان، خانواده‌های آسیب دیده از خشونت علیه کودکان نیز میبایست با یک عزم فراگیر بدنبال تشکیل نهادهایی از این دست باشند.

در این میان بهره‌گیری از یاریهای سازمانهای جهانی و غیر انتفاعی در بین کشورها نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.



## آمار دانش آموزان معتاد را ارائه نمی‌کنم



ایکاش مسئولان کشور

بمیزان نگرانی هائی که از آگاهی مردم از واقعیات جامعه دارند، نگران واقعیات اسفبار کشور بودند

عدم شفافیت در ارائه آمارها و ارقام کماکان در دولت دهم ادامه دارد. اگر رئیس این دولت نامشروع و بی کفایت از شفافیت درباره صندوق ذخیره ارزی و اعلام موجودی آن شانه خالی می‌کند، زیردستان و منصوبین او نیز هر یک به نحوی از ارائه آمارها در حیطه مسئولیت خود می‌گیرند. در آخرین نمونه، وزیر آموزش و پرورش دولت دهم، به بهانه تاثیر منفی اعلام آمار دانش آموزان معتاد و با انتقاد از رسانه ای شدن این موضوع، این آمار را غیرقابل اعلام عنوان کرد.

وزیر آموزش و پرورش با انتقاد از ارائه آمار دانش آموزان معتاد در رسانه ها توسط برخی از مسئولان گفت: "بنده اگر آمار دانش آموزان معتاد را هم داشته باشم ارائه نمی‌کنم". حمیدرضا حاجی بابایی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان این مطلب افزود: "اگر از شما بپرسند و یا از رئیس یک قشری بپرسند که بین شما چند معتاد وجود دارد آیا شما و آن رئیس اعلام خواهید کرد چند نفر معتاد دارید؟"

این در حالی است که داشتن آمارهای آسیب‌های اجتماعی، به خصوص آمارهای حساسی از این دست و در میان قشر حساسی مثل دانش آموزان، اولین گام برای شناسایی مشکلات است، تا در مرحله بعد بر مبنای این آمارها و واقعیتهای، اقدامات پیشگیرانه و درمانی صورت بگیرد. معلوم نیست با این نوع نگاه مسئولین به مسائل حساسی از این دست، و پرهیز از نگاه واقع گرایانه به مشکلات و مسائل، در آینده وضع به چه سمت خواهد رفت.

**شما بگویند کجای کشور معتاد ندارد**

حاجی بابایی همچنین در قسمتی دیگر از این گفتگو، در پاسخ به این سؤال که "آیا شما اساساً وجود دانش آموز معتاد را در مدارس قبول ندارید؟" گفته است: "من منکر نیستم که عده ای دانش آموز معتاد داریم اما شما بگویند کجای کشور معتاد وجود ندارد؟"

به گزارش مهر، این سخنان در حالی از سوی حاجی بابایی مطرح شده است که مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با استناد به تحقیقات صورت گرفته توسط دکتر صدیق سروستانی و دکتر محمدخانی عنوان کرده بود: "هفت دهم درصد دانش آموزان کشور معتاد هستند." همچنین علی کریمی فیروز جایی رئیس کمیته آموزش و پرورش مجلس از وجود دو هزار و 400 دانش آموز معتاد خبر داده بود که دو دهم درصد دانش آموزان را تشکیل می‌دهد.

حاجی بابایی همچنین با اشاره به سخنان عده ای که عنوان می‌کنند چرا صورت مسئله را پاک می‌کنید و دانش آموزان معتاد را به مدرسه راه نمی‌دهید، گفته است: مگر معتاد را باید مدرسه راه داد، وی را باید بفرستیم بیمارستان بهبود پیدا کند چون مریض است و پس از بهبودی برگردد. وزیر آموزش و پرورش تاکید کرده است: فرد معتاد از خارج از مدرسه مبتلا شده و این بیماری را به داخل سرایت داده و برعکس این موضوع ممکن نیست.

وی همچنین با مقایسه اعتیاد دانش آموزان با بیماری آنفلونزای خوکی افزوده است: چطور دانش آموزی که آنفلوآنزای خوکی دارد را باید بیرون کرد و همه هم می‌گویند خوب است، نباید به مدرسه برود، اما معتاد باید به مدرسه برود؟

**سخن گفتن درباره اعتیاد دانش آموزان آثار منفی در جامعه به جا می‌گذارد**

حاجی بابایی در پاسخ به این سؤال که "آیا با نادیده گرفتن این معضل در مدارس توسط شما می‌توان این برداشت را کرد که هیچ برنامه ای برای جلوگیری از گسترش اعتیاد در مدارس برای سالهای آینده ندارید؟" تاکید کرده: ما برنامه داریم. بنده بدنبال انسجام مدیریت در این باره هستم تا امکان مراقبت از دانش آموزان فراهم شود چرا که وقتی مدیر فرصت مراقبت نداشته باشد این معضل به وجود می‌آید.

پیش از این نیز وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه مسئولان اجتماعی نگاه منفی و سیاسی نسبت به این موضوع نداشته باشند، عنوان کرده بود: "ما 14 میلیون دانش آموز معصوم و یک میلیون معلم برتر داریم که کوچکترین سخن گفتن درباره اعتیاد آنها آثار منفی را در جامعه به جا می‌گذارد. اگر راست می‌گویند که 30 هزار دانش آموز معتاد داریم بگویند چه زمانی آمار گرفته اید و اسامی آنها را هم عنوان کنید."

به نظر می‌رسد مشی دولت نهم و رئیس آن به سرمشتقی برای تمام مدیران دولتی تبدیل شده است، تا آن‌ها نیز بیش از آن که به عملکرد و کیفیت کار خود اهمیت بدهند نگران قضاوت مردم و آثاری که اقدامات شان در جامعه بر جا می‌گذارد باشند. غافل از این که همان طور که با شکل و نمودار نمی‌توان تورم "واقعا موجود" را از چشمان مردمی که آن را در زندگی روزمره شان لمس می‌کنند و با آن زندگی می‌کنند پنهان کرد، باقی مسائل – از جمله آسیب‌های اجتماعی و رواج و شیوع آن‌ها را نیز نمی‌توان از مردمی که هر روز با این معضلات سروکار دارند دور نگه داشت. ایکاش مسئولان کشور بمیزان نگرانی هائی که از آگاهی مردم از واقعیات جامعه دارند، نگران واقعیات اسفبار کشور بودند.

### مریم ضیاء فعال حقوق کودک بازداشت شد



مریم ضیا مدیر جمعیت تلاش برای جهانی شایسته ی کودک صبح امروز پنج شنبه به بازداشت نیروهای امنیتی درآمد.

مامورین لباس شخصی صبح امروز به قصد تفتیش منزل و بازداشت مریم ضیا به منزل وی میروند و از آنجا که ضیا در منزل نبوده است، فرزندان وی را مجبور میکنند با وی تماس گرفته تا به منزل مراجعت کنند، پس از مراجعت وی را بازداشت کرده و به مکان نا معلومی انتقال داده اند.

وی پیش از این نیز سابقه ی بازداشت در تجمع 22 خرداد 85 در میدان هفت تیر که برای اعتراض به "قوانین نا برابر" تشکیل شده بود را داشته است. در حال حاضر از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست.

### سرانه پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان؛ ایران نیم دلار، دنیا 20 دلار

انکار اعتیاد دانش آموزان، تنها پاک کردن صورت مسئله است.

علی عباسپور تهرانی فر در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه دو دهم درصد معتادان کشور را دانش آموزان تشکیل می دهند گفت: انکار وجود اعتیاد در بین دانش آموزان تنها پاک کردن صورت مسئله است و هیچ کمکی به حل وضعیت موجود نمی کند.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با ابراز تاسف از بودجه سه میلیارد تومانی پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان در ایران گفت: در دنیا برای پیشگیری از اعتیاد به ازای هر دانش آموز 20 دلار هزینه می کنند و این رقم در ایران به ازای هر دانش آموز نیم دلار است.

این نماینده مجلس با بیان اینکه آماری وجود دارد که نمی توان آنها را بیان کرد افزود: هم اکنون ایران به دلیل همسایگی با افغانستان در مرکز سونامی مواد مخدر جهان قرار دارد و حجم زیادی از مواد مخدر وارد کشورمان می شود.

پیش از این جلسه مشترکی با حضور مسئولان وزارت آموزش و پرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی برای بررسی وضعیت اعتیاد در مدارس برگزار شد.

نماینده مردم تهران در مجلس با تایید سخنان وزیر آموزش و پرورش مبنی بر عدم حضور 30 هزار دانش آموز معتاد در مدارس تصریح کرد: به هر حال باید واقعیت‌های اعتیاد دانش آموزان را پذیرفت و آنها را انکار نکرد و برای جلوگیری از گرایش دانش آموزان به مواد مخدر دولت باید در لایحه بودجه سال 89 اعتبار مناسبی را برای تامین نیروی انسانی و ارائه آموزش در این زمینه اختصاص دهد.

این در حالی است که اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر به مثابه يك آسیب اجتماعی، پدیده‌اي است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود، عملکرد بهنجار حیات اجتماعی مختل می‌گردد و باعث دگرگونی‌های ساختاری در “کشور ما به دلیل شرایط خاص و همجواری با مراکز عمده تولیدکننده مواد مخدر و قرار گرفتن در بهترین و کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت، در چند دهه اخیر رفتار مسئله‌ای اجتماعی به نام اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر شده است” نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی يك اجتماع می‌شود.

کشور ما به دلیل شرایط خاص و همجواری با مراکز عمده تولیدکننده مواد مخدر و قرار گرفتن در بهترین و کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت، در چند دهه اخیر رفتار مسئله‌ای اجتماعی به نام اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر شده است. وجود زمینه‌های رشد و گسترش مواد مخدر در جامعه ایران و قاچاق آن، که هم‌اکنون به يك صنعت زیرزمینی و نامرئی تبدیل شده، پیچیدگی اوضاع فعلی را فراهم آورده است و می‌رود تا به يك بحران اساسی در جامعه تبدیل شود؛ به گونه‌ای که علی‌رغم تمهیدات اتخاذ شده در ابعاد گوناگون از جمله تشدید قوانین، مجازات مرتکبین قاچاق مواد، مجرم شمردن فرد معتاد، انسداد مرزها، اقدامات پزشکی و درمانی و انجام طرح‌ها و پروژه‌های متعدد جهت شناخت علل این پدیده و به‌کارگیری راهکارهای متعدد، هر روز نسبت به قبل شاهد گسترش روزافزون تعداد معتادان، عود مجدد آنان، افزایش آمار زندانیان مواد مخدری، شیوع داروهای روان‌گردان، کاهش متوسط سن اعتیاد، بالا بودن نرخ شیوع اعتیاد، ناکارآمدی برنامه‌های درمانی، متحمل شدن هزینه‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوء مصرف مواد مخدر، شهادت صدها تن از هم‌وطنان در مرزها و پیامدهای منفی اقتصادی - اجتماعی آن در جامعه‌مان هستیم.

## 300 مهد کودک امسال تحت پوشش برنامه‌های آموزش پیشگیری از اعتیاد قرار می‌گیرند

مدیر کل فرهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر:

300 مهدکودک امسال تحت پوشش برنامه‌های آموزش پیشگیری از اعتیاد قرار می‌گیرند. 80 درصد معتمدان کشور زیر دیپلم هستند.

مدیرکل امور فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد: در سال جاری 300 مهد کودک تحت پوشش آموزش پیشگیری از ابتلا به آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد قرار می‌گیرند. هومان نارنجیها در گفت‌وگو با خبرنگار «اجتماعی» ایسنا، افزود: تاکنون نیز حدود 100 مهد کودک تحت پوشش آموزش‌های پیشگیری از اعتیاد و مهارت‌های زندگی قرار گرفته‌اند و هدف‌گذاری ما نیز این است که حداقل 60 درصد از مهدهای کودک کشور را در قالب طرح آزمایشی آموزش مهارت‌های زندگی و پیشگیری از اعتیاد پوشش دهیم.

وی در راستای توضیح این که چرا آموزش مهارت‌های زندگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از مهدکودک‌ها و نوآموزان پیش‌دبستانی آغاز شده است، بیان کرد: متریبیان و محصلان پایه‌های ابتدایی نظام آموزشی از جمله پیش‌دبستانی‌ها و دانش‌آموزان دبستانی در حقیقت نمود خروجی‌های آینده جامعه هستند؛ چرا که به واقع شخصیت افراد در سنین پایین زندگی شکل می‌گیرد و از این رو، آموزش پیشگیری از ابتلا به آسیب‌های اجتماعی به افراد در این سنین با هدف مجهز شدن آنها به مهارت‌های زندگی بسیار ضروریست.

وی تصریح کرد: برای دریافت عینی‌تر این موضوع باید به این نکته توجه داشت که اغلب معتمدان کشور در گروه دانش‌آموزانی که پیش از رسیدن به مقطع دبیرستان ترک تحصیل می‌کنند، قرار دارند، آن گونه که 80 درصد معتمدان افراد زیر دیپلم هستند.

مدیرکل امور فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر افزود: این موضوع نشان می‌دهد که اگر افراد در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در چرخه تحصیل، تحت آموزش‌های جدی و علمی پیشگیری از اعتیاد قرار گیرند، در آن صورت می‌توان پیش‌بینی کرد که شمار آسیب‌دیدگان اجتماعی و معتمدان کشور نیز کمتر شود.

نارنجیها همچنین با اشاره به محورهای اصلی آموزش‌هایی که در قالب آموزش‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، خاطر نشان کرد: آموزش مهارت‌های «نه گفتن»،

«حل مساله»، «تصمیم‌گیری صحیح»، «دوست‌یابی»، «توانمندسازی در برقراری ارتباط سالم»، «توجه به سلامت بدن»، «شناختن دخانیات و مواد و مضرات آن‌ها» از جمله این محورهاست.

## ۲۰ درصد کودکان خیابانی، به سیگار و مواد مخدر اعتیاد دارند

بیشتر کودکان خیابانی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند و بیشترین فراوانی مصرف متعلق به سیگار، حشیش و هروئین است. اعتیاد به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی در زمینه تکدی‌گری، حدود ۲۰ درصد از کودکان خیابانی را درگیر کرده است. مصطفی آقاجانی، استاد مددکاری دانشگاه آزاد اسلامی، در این زمینه اظهار داشت: بیشتر کودکان خیابانی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند و با توجه به موقعیت کاری و زندگی‌شان در معرض انواع آسیب‌ها قرار می‌گیرند. آقاجانی از اعتیاد به عنوان مهمترین نوع آسیب‌های اجتماعی در این قشر جامعه نام برد و گفت: حدود ۲۰ درصد کودکان خیابانی به مواد مخدر اعتیاد دارند که از این میان نزدیک به ۱۵ درصدشان معتاد به سیگارند و پنج درصد دیگر به انواع مواد مخدر معتاد هستند. وی با بیان اینکه تمام کودکان خیابانی از نظر اقتصادی و فرهنگی زیر خط فقر قرار دارند، ادامه داد: حدود ۴۰ درصد از این کودکان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که دست کم یکی از اعضا به مواد مخدر اعتیاد دارد. آقاجانی افزود: سیگار، حشیش و هروئین به ترتیب بیشترین فراوانی در استفاده از مواد مخدر را در میان کودکان خیابانی و متکدیان دارند.

## از خاطرات یک پزشک



امروز، وقتی مریض های داخل درمانگاه تمام شدند، برای معاینه دانش آموزان عشایری به مدرسه چادریشان که از دو نیمکت و یک تخته سیاه تشکیل شده بود رفتم. زمین ها بعد از باران دیشب گلی بود و به سختی می شد راه رفت. وقتی به دمپایی های بچه ها که برای بدرقه مان تا کنار جاده آمده بودند نگاه کردم، هیچکدامشان گلی نبودند! راه رفتن در زمین های خیس هم مهارتی می خواهد!

## ضرب و شتم دو دانش آموز بهایی توسط معلم قرآن





حق معلمی را خوب به جا آورده با تمام وجودش لگد محکمی به ما زد. وقتی ضربات پیاپی ....

به دنبال مجموعه اقدامات حکومتی در جهت نقض حقوق بهائیان در ایران ، چندی پیش در "مدرسه راهنمایی سعادت" واقع در شیراز دو دانش آموز بهائی مورد ضرب و شتم شدید معلم قرآن خود به نام "آقای رشیدی" قرار گرفتند.

به دنبال مجموعه اقدامات حکومتی در جهت نقض حقوق بهائیان در ایران ، چندی پیش در "مدرسه راهنمایی سعادت" واقع در شیراز دو دانش آموز بهائی مورد ضرب و شتم شدید معلم قرآن خود به نام "آقای رشیدی" قرار گرفتند.

توضیحات ذیل شرح واقعه را از زبان یکی از این دو نوجوان 12 ساله بازگو می کند :

هنوز زنگ پایان کلاس به صدا در نیامده بود ولی درس قرآن تمام شده بود و بچه ها آهسته با یکدیگر صحبت می کردند که ناگهان طنین صدای معلم ما را ساکت کرد: شما دو نفر، بیایید اینجا. گمان کردم خطاب به بچه های پشت سر ماست اما مثل اینکه من و دوستم را صدا می کرد. قبل از اینکه از جای خود بلند شویم معلم خود را به میز ما رساند و با چند ضربه محکم دوستم را که ابتدای نیمکت نشسته بود به بیرون پرتاب کرد و با مشت و لگد او را به گوشه کلاس کشاند. متحیر و وحشت زده به آقای معلم که به سمت من می آمد نگاه می کردم و از ترس در جای خود میخکوب شده بودم که ضربات مشت او به سر و صورتم وارد شد. تنها کاری که توانستم انجام دهم این بود که دستم را دور گردنم نگه دارم تا ضرباتش به گردنم اصابت نکند ؛ آخر به تازگی لوزه هایم را عمل کرده بودم و نگران ضرباتی بودم که ممکن بود به محل جراحی شده وارد شود. به هر حال من را هم مانند دوستم به گوشه کلاس پرتاب کرد و گفت همین جا روی زمین بنشینید و مجدداً با تمام وجودش لگد محکمی به ما زد. وقتی ضربات پیاپی معلم بر سرم وارد می شد تنها صدایی که می شنیدم کلمات توهین آمیزی بود که به اعتقادات من و دوستم روا می داشت. همیشه وقتی وارد کلاس می شد رو به ما ، دیانت بهائی را به سخره می گرفت و بعد درس خود را شروع می کرد. نمی دانم چرا در آن روز اینهمه خشونت را به خاطر عقیده و باورمان از خود بروز داد. احساس کردم همیشه منتظر فرصتی بوده تا از ما به دلیل اعتقاد و باورمان به دیانت بهائی انتقام بگیرد و شاید این فرصت را غنیمت شمرده و حق معلمی را خوب به جا آورده است. سرخورده و دلشکسته به خانه آمدم. فردای آن روز که والدینم برای پیگیری این جریان به مدرسه آمدند ، مدیر مدرسه "آقای شفیع" کاملاً منکر این واقعه شده و به خانواده ام قول داد که چنانچه چنین واقعه ای پیش آمده باشد به مربی مربوطه تذکر خواهد داد. روز بعد به این خیال که حتماً از ما دلجوئی می شود ، وارد مدرسه شدم . در صف صبحگاهی مدیر مدرسه از پشت تریبون سخنرانی می کرد که زبان به توهین گشود و با انواع تهمت های ناروا دیانت بهائی را ساخته دست انگلیس و اسرائیل خواند و پیروانش را افرادی با اعتقادات پوچ و بی اساس

،جاسوس و دشمنان اسلام معرفی کرد. متحیر مانده بودم مثل اینکه به جای معلم به مدیر تذکر داده بودند تا او هم سهم خود را در این نقض حقوق به بهترین شکل ممکن ادا کند!!!  
در منشور ملی حقوق دانش آموز آمده است :  
حقوق اساسی دانش آموز:  
ماده 1- دانش آموز دارای حق آزادی عقیده و بیان و مصونیت پس از بیان می باشد .  
ماده 2 – دانش آموز مصون از تعرضات جسمانی ، روانی ، و حیثیتی می باشد و کرامت والای شخصیت انسانی وی باید مورد احترام قرار گیرد .

### فعالین کودکان همچنان در بند 209 زندان اوین بسر می برند

مریم ضیائی از فعالین کودکان کار و خیابانی بیش از 60 روز است که در بند مخوف 209 زندان اوین بسر می برد.

خانم مریم ضیائی 40 ساله متأهل و دارای 2 فرزند می باشد در تاریخ 10 دی ماه با یورش مامورین وزارت اطلاعات به منزلش دستگیر و به بند 209 زندان اوین منتقل شد. مامورین وزارت اطلاعات برای مدتی طولانی منزل او را مورد بازرسی قرار دادند. آنها پس از بازرسی طولانی اقدام به ضبط کیس کامپیوتر، رسیور ماهواره و سایر وسائله شخصی وی کردند. خانم ضیائی چندین هفته از داشتن هرگونه تماس با خانواده و فرزندانش محروم بودند. در این مدت فرزندان او در شرایط سخت عاطفی بسر می بردند.

از زمان دستگیری خانم ضیائی همسر او آقای منصور حیات غیبی بطور مستمر پیگیر و وضعیت و شرایط او بوده و در طی این مدت به مراکزی مانند، دادسرای انقلاب، دادستانی و زندان اوین مراجعه کرد ولی پاسخ مشخصی به او داده نمی شد. بعد از بیش از 60 روز پیگیری به این خانواده اطلاع داده شد که هفته آینده در مقابل قرار دادن وثیقه او می تواند از زندان آزاد شود.

خانم ضیائی متهم شده است که با رسانه‌ها در ارتباط بوده و همچنین در ارتباط با سازمان مجاهدین بوده است. در حال حاضر به اکثر فعالین اجتماعی، زنان، دانشجویان، فعالین سیاسی و سایر اقشار جامعه بصورت کلیشه‌ای اتهاماتی مانند ارتباط با بیگانه، ارتباط با رسانه‌ها، اقدام علیه امنیت ملی و غیره نسبت داده می‌شود.

در حال حاضر تعدادی از فعالین کودکان کار و خیابانی با یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و بند مخوف 209 زندان اوین منتقل شدند که نام تعدادی از آنها به قرار زیر می‌باشد؛  
1. سعیده میرزائی 25 ساله فوق لیسانس شیمی، 7 بهمن ماه با یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به بند 209 زندان اوین منتقل شد

2. مهدی سلیمی والا (آمیزش) 22 ساله، 10 دی ماه با یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به بند 209 زندان اوین منتقل شد

3. آقای بابک نظری 22 ساله، 7 بهمن ماه با یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به بند 209 زندان اوین منتقل شد

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش به فعالین اجتماعی، دستگیری و انتقال آنها به بند مخوف 209، تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار دادن برای وادار کردن آنها به اعتراف جهت پرونده سازی را محکوم می‌کند و از یونیسف، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات عملی برای آزادی فعالین کودک در ایران است.

## آقای احمدی نژاد، حق مسلم کودکان ایرانی چیست؟؟؟

پول نفت در لبنان و تصاویر دبستان عشایری در حاشیه شهر اهواز











ISNA/ PHOTO: AMIN NAZARI



## گل فروشانی که همراه گل هایشان پر پر می شوند



اینجا جنوب تهران است. جاده ای که به بهشت زهرا (س) میرسد و این کودکان، همان حوریان بهشتی اند که با دسته دسته گلهایی که می فروشند، زندگی می کنند .  
چشمانشان درخشش خاصی به خود می گیرد وقتی زیر آفتاب گرم و سوزان تابستان و بادهای سرد و سخت زمستان، تنها یک ماشین بین صدها ماشین رهگذر، توقف می کند تا شاید با خریدن شاخه گلی دلشان را شاد کند بیشتر در سنین کودکی اند و لابه لای این کودکان نوجوانان هم به چشم می خورند خستگی و گرسنگی معنا ندارد وقتی هیچ ماشینی نایستد.



چشمان مادر به راه است تا بلکه فرزندش از راه برسد و پیام آور لقمه نانی باشد تا غذایی از دست معصوم گل فروش کوچکش فراهم نماید و دور سفره بنشینند. هنوز خورشید بالا نیامده بود که مادر بدرقه شان کرد و نزدیک ظهر که می شود، مادر نگران نان آور گل فروشش می شود. اینجا همه گل به دست اند و چشم به راه. اینجا جنوب شهر تهران، پایتخت ایران است!

چشمانش به جاده ای طولانی خیره است و انتظار می کشد، آرام و قرار ندارد و تمام حواس خود را به نقطه ای معطوف کرده، به آن نقطه ای که ماشینی در حال آمدن است تا به طرف آن بدود و از رقیبان خود جلو بزند. چهره اش بر اثر تازیانہ بادهای سرد پائیزی بیابان خشک و قرمز شده است. همان گونه که به سمت ماشین ها می دود، می گوید اسمش محبوبه است و ۱۵ سال سن دارد. اما جثه کوچک محبوبه، یکی از گل فروشان نوجوان این اتوبان ۱۵ ساله به نظر نمی آید، هر چند که دستانش بسان کسی است که سال های سال خارهای زندگی را چیده و پوست خشک صورتش سیلی زمانه را به جان خریده است. مجبور است به همراه برادرش که او هم گل فروش است برای تأمین خرج خانواده کار کند، دلش برای درس و مدرسه لک زده است ولی به خاطر غیبت های مکررش برای کار از مدرسه اخراجش کرده اند و دیگر نتوانسته و نگذاشته اند که به تحصیلش ادامه دهد. او و همکاران کودکش ۵۰ شاخه گل در دستانش را از بازار گل به قیمت ۳۰۰۰ تومان می خرند و ۵۰۰۰ تومان می فروشند. ۲۰۰۰ تومان سود را به ازای تمام خطرات به جان می خرند. چند هفته پیش یکی از دوستانشان از ترس ماموران انتظامی به سمت جاده فرار کرده و اتومبیلی با آهن های سردش جان دستان گرم او و گل های زردش را گرفته بود. آنها می گویند هفته ای حداقل ۲ نفرشان برای فرار از

دست شهرداری و نیروی انتظامی و یا بی احتیاطی رانندگان در این جاده کشته می شوند ولی این باعث نمی شود خانواده این کودکان آنها را از کار منع کنند و بعضا به اجبار آنها را به سر کار می فرستند.



دستان دخترک پر از گل‌هایی بود که هیچ عطری برای تمنای فروش نداشت. درست برعکس گل‌فروشی‌های پر زرق و برق بالای شهر. چهره دخترک و دیگر بچه‌هایی که گل می‌فروختند با چهره بچه‌هایی که بی‌هیچ دغدغه‌ای برای رد شدن از خیابان دست پدر مادرشان را می‌گیرند، زمین تا آسمان فرق داشت. گل‌هایی هم که در دستان کوچک‌اش بودند همه تمنای فروش داشتند. تمنای پولی که حداقل برای خوردن یک ساندویچ کفایت کند. سال‌هاست هنگام عبور از جاده بهشت‌زهره به

## انتخابات، کودتا و کودک

کودکان گل فروش برمی خوریم اما به نظر می رسد وضعیت اسفبار این کودکان هنوز زنگ خطر را برای مسوولان به صدا در نیاورده تا برای رسیدگی به وضعیت آنها در راستای ساماندهی شرایط فعلی، اقدامی هر چند کوچک اما موثر انجام دهند. بر اساس قانون وظیفه رسیدگی به وضع این گل فروشان بر عهده نیروی انتظامی و شهرداری است اما وقتی از هر کدام از این ارگانها پیگیر این مطلب می شویم، آن را محول به سازمان دیگر می کنند.



یکی از ماموران شهرداری ناحیه ۵ منطقه ۱۹ سد معبر و ایجاد ترافیک در اتوبان بهشت زهرا را از مشکلات اساسی این اتوبان ذکر کرده و می گوید: این اتوبان به دلیل ترافیکی که گل فروشان ایجاد می کنند، هفته ای دو کشته بر جای می گذارد.

به گفته این مامور ابتدای اتوبان ایرانی ها می ایستند و از وسط اتوبان به بعد خارجی ها (افغانی ها) می ایستند و گل می فروشند. هر یک از افغانی هایی که در این اتوبان مشغول هستند حدود ۳۰ نفر از نزدیکان خود را به این مکان آورده و بر ازدحام این مکان افزوده اند. وی که تمایلی به فاش شدن نامش نداشت ادامه داد: شهرداری مأموریت و اجازه اجرایی و قانونی برای برخورد با سد معبر و گل فروشان را دارد اما دادسرای شهری اجازه نمی دهد تا برخورد قانونی با آنها شود چرا که معتقد است، گل فروشی جرم نیست.



این مأمور ادعا می کند: بیشتر نوجوانان این اتوبان، آلوده به مواد مخدر از جمله شیشه، تریاک و غیره هستند و از آنجایی که گل فروشی راحت ترین کار و برای آنها پر درآمدترین شغل است به این جا می آیند و گل می فروشند. وی می گوید شهرداری چند غرفه فروش گل در داخل بهشت زهرا احداث کرده است اما وی علت رغبت نداشتن گل فروش های جاده بهشت زهرا (س) به فعالیت در غرفه های مربوطه و اصرار آنها به فروش گل در سطح جاده را این گونه بیان می کند: اگرچه برخی از شهروندان گل مورد نیاز خود را از مرکز فروش گل در داخل بهشت زهرا می خرند، اما بخش قابل توجهی از مردم نیز هستند که از سر دلسوزی ترجیح می دهند گل و گلاب مورد نیاز خود را از کودکان گل فروش کنار جاده خریداری کنند، ضمن این که متأسفانه در این میان هستند افرادی که ترجیح می دهند به جای این که مسافتی را تا مرکز فروش گل در داخل بهشت زهرا طی کنند، داخل ماشین بنشینند و این کودکان گل فروش خود به نزدشان آمده و بدون اتلاف وقت از آنها گل بخرند و جالب این که این کودکان گل فروش و صاحبکاران آنها نیز با اطلاع از همین استقبال مردم از بازاری

که دارند، حاضر نیستند گلروشی در جاده را رها کنند. وی در حالی که عصبانی به نظر می‌رسد ادامه می‌دهد: این مسأله بدون درگیری قابل حل است اگر راهنمایی و رانندگی همکاری کند شاهد تصادفات ناگوار نخواهیم بود. این مأمور شهرداری ادامه می‌دهد: راهنمایی و رانندگی با مستقر کردن یک مأمور در هر ۱۰۰ متر می‌تواند از بروز حوادث ناگوار رانندگی که عمدتاً به خاطر توقف رانندگانی که برای خرید گل توقف می‌کنند، جلوگیری کند.



این در حالی است که جانشین رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ از کوتاهی شهرداری تهران برای جمع‌آوری سدمعبر دستفروشان و بخصوص کودکان گل فروش حاشیه جاده بهشت زهرا که موجب افزایش ترافیک و احتمال بروز تصادفات می‌شود، انتقاد می‌کند.

سرهنگ مجید پریزاد: حضور ده‌ها کودک کم سن و سال گل فروش در حاشیه جاده بهشت زهرا و اتوبان تهران قم بیانگر این است که شهرداری در انجام مسوولیت محوله کوتاهی می‌کند که این مساله بروز تصادفات و بخصوص تصادفات منجر به فوت را افزایش داده و ضروری است شهرداری تهران بویژه شهرداری منطقه ۱۹ راهکار جدی در این زمینه بیندیشد.

فروشنندگان این گل‌ها معمولاً از ساکنان مناطق اطراف بهشت زهرا مانند اسلامشهر، صالح‌آباد، باقرآباد، ورامین و... هستند که به دلیل وضع بد مالی خانواده ناچارند از راه فروش گل امرار معاش کنند. اگر شانس بیاورند و نیروی انتظامی دستگیرشان نکند یا بساطشان توسط ماموران سد معبر شهرداری جمع نشود، آن وقت است که تازه باید تمام طول روز زیر آفتاب گرم تابستان و سرمای سخت زمستان به انتظار فروش گل‌هایشان بنشینند و در پایان کار روزانه، خسته از تمام ناملایمات زندگی از مجموع چند ده هزار تومان فروشی که داشته‌اند، تنها مبلغ اندکی به آنها برسد



این حال حضور پررنگ این کودکان در حاشیه جاده بهشت‌زهرها بیانگر این است که علی‌رغم وعده‌های داده شده طرح‌های ساماندهی گل‌فروش‌های جاده بهشت زهرا هنوز راه به جایی نبرده است و مسوولان این کودکان را به فراموشی سپرده‌اند و در این میان هر یک تلاش می‌کنند با رفع مسوولیت از خود این وظیفه را بر دوش سازمان دیگری بیندازند راهنمایی و رانندگی که تنها به حضور در مناسبت‌های خاص در حاشیه این جاده اکتفا کرده و شهرداری نیز فقط چند کانکس گل‌فروشی در داخل بهشت زهرا راه‌انداخته است، کانکس‌هایی که معمولاً گل‌ها را ۲ برابر قیمت بچه‌های گل‌فروش می‌فروشند.

## انتخابات، کودتا و کودک

شاید بارها جلسات متعددی در دستگاه‌های مربوطه برای ساماندهی این وضعیت، تشکیل شده و تصمیمات متعددی بر روی کاغذ نوشته شده باشد اما آنچه امروز، مهم است این است که این بچه‌های گل‌فروش هنوز در حاشیه جاده بهشت زهرا هستند، نفس می‌کشند و به دنبال به دست آوردن اسکناسی همپای ماشین‌ها می‌دوند.







## نوجوانان را اعدام نکنید «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

ماده ی ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال را منع کرده و ایران نیز این کنوانسیون را به رسمیت شناخته است. به رغم این، سالانه چند مجرم نوجوان ایرانی به پای چوبه دار میروند. مجازات نوجوانان در ایران و از جمله صدور حکم اعدام برای آنان در موارد مختلف از جمله درگیری و قتل، قاچاق مواد مخدر، روابط جنسی و... همواره یکی از چالشهای مهم نقض حقوق بشر در ایران بوده است. امید رضا سرشار یکی از افرادی است که در زمینه ی لغو اعدام نوجوانان از طریق طراحی پوستر و لوگو فعالیت می کند، آنچه در پی می آید مصاحبه ی کمیته ی گزارشگران حقوق بشر با وی است.

**کمیته گزارشگران حقوق بشر: چه شد که به فکر طراحی کردن راجع به این موضوع خاص افتادید؟**

مدتی پیش رادیو زمانه مطلبی منتشر کرد درباره اعدام سه نوجوان به خاطر همجنس‌گرایی. برای اعتراض به این موضوع پوستر طراحی کردم (الان نسخه ی انگلیسی آن در صفحه 5 کتاب است) و آن را برای خانم قهرمان ارسال نمودم. ایشان پیشنهاد دادند که مجموعه ای مثل شش تایی طراحی

کنم. به نظرم ایده‌ی خوبی بود، نتیجه کار را سایت خبر روز چاپ کرد. بعد هم نسخه‌ی انگلیسی آن را نشر افرا منتشر کرد.

### لطفا توضیحی راجع به این طرح‌ها و این که چطور آنها را کشیده‌اید بدهید؟

فکر می‌کنم طرح‌ها با متنی که همراه آنهاست نیازی به توضیح ندارند، فقط موضوعی که قصد اشاره به آن را دارم این است که با اینکه ایده‌ی این کار از اعدام نوجوانان همجنس‌گرا ناشی شده اما بعد این کتاب در اعتراض به اعدام نوجوانان صرف نظر از جرم کار شد. به نظرم مجازات اعدام برای جرمی که کسی در کودکی مرتکب شده اشتباه است. نکته دیگر اینکه تمامی طرح‌ها را با انگشت اشاره کشیده‌ام.

### پیش از این چه فعالیت‌های دیگری انجام داده اید؟

مثل بسیاری من هم وبلاگ می‌نویسم. تقریباً سه سالی است که وبلاگی دارم و مطالب و طرح‌هایم را در آن‌ها با وقفه منتشر می‌کنم. چند جلد هم برای نشریه چراغ طراحی کردم.

آیا قصد ادامه طراحی در این زمینه را دارید؟ به نظرتان چگونه می‌توان در این زمینه فرهنگ سازی کرد؟

کلا به کار در زمینه‌ی حقوق کودک علاقه دارم و احتمالاً قسمت بعدی این کتاب را هم کار خواهم کرد. در زمینه‌ی حقوق کودک و اعدام نوجوانان شاید بهترین کار درگیر کردن مردم با این موضوع باشد. باید بستری را فراهم نمود تا مردم بدانند و حس کنند کسانی هستند که در این سن و سال اعدام می‌شوند.

اگر برای کودکان بعنوان شهروندی مستقل برنامه‌ریزی شود می‌توان نسبت به آینده آنها امیدوار بود. ثریا عزیزپناه عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان گفت: دوران کودکی، تنها، دوران نیاز کودکان به اسباب‌بازی‌های دخترانه و پسرانه نیست، بلکه به یک برنامه جامع و کامل نیاز دارد.

به گزارش ایلنا وی تاکید کرد: اگر کودکان در ایران به عنوان یک شهروند و کودکی مستقل از خانواده به حساب آیند و به عنوان شهروندی مستقل برایشان برنامه‌ریزی شود می‌توان نسبت به آینده آنها امیدواری بیشتری داشت.

او افزود: متأسفانه وقتی اعمال قوانین برای کودکان به نحوی است که آنها مایملک پدر و خانواده به حساب می‌آیند و موجودیت مستقل ندارند، در نتیجه حیف و میل می‌شوند.

این فعال حوزه کودکان تصریح کرد: جایگاه فعلی کودکان در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و...، همچنین خروجی‌های آموزشی آنان، ارگان‌های حامی کودکان و قوانین اعمال شده برای آنها نشان‌دهنده نداشتن مهربانی و صمیمیت نسبت به این شهروندان کم سن و سال است.

عزیزپناه دوران کودکی را با دو مشخصه همراه دانست و خاطر نشان کرد: دوران کودکی پایه‌گذار رشد شخصیت دوران بزرگسالی و دوران ساختن روح و شخصیت است که چگونگی طی شدن و عبور از این دوره اهمیت زیادی دارد که بزرگسالان چه در غالب سیستم‌های حاکمیتی و چه خانواده‌ها باید در طی شدن این دوران به کودکان کمک کنند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: با توجه به جوان بودن جامعه ایران و اینکه دوران کودکی پایه‌گذار تمام آتیه یک جامعه است، وظیفه سنگینی بر دوش دولت است تا تمام ساز و کارهای تعریف شده برای گذراندن استاندارد دوران کودکی را فراهم کند.

عزیزپناه با اعلام اینکه در سطح دنیا جوان‌ترین جامعه محسوب می‌شویم، تصریح کرد: با این جوانان که سرمایه عظیمی هستند، مانند مابقی نخبان و سرمایه‌ها به چه صورت برخورد شده و چه امکاناتی برای آینده این کودکان مهیا شده است؟

او افزود: متأسفانه با خروجی‌های مشاهده شده در قوانین و برنامه‌های آموزشی و حمایتی موجود برای کودکان ایرانی، آنها حیف و میل می‌شوند.

کودکان بسیجی؛ بسیج کودکان بسیج و یا بسیج کودکان



به گفته سازمان ملل دو میلیون کودک طی دهه گذشته در مناقشه‌های مسلحانه کشته شده‌اند و هم اکنون در حدود ۳۰۰ هزار کودک به عنوان سرباز درگیر مناقشه‌های مختلف هستند که آثار روانی و مخربی را به علت این اقدامات تحمل می‌کنند. بر اساس آمارهای موجود قریب ۴۰ درصد جمعیت کشور زیر ۱۹ سال و نیمی دیگر باتر از آن قرار دادند. به بیان دیگر جامعه امروز ایران دارای ساختاری کودکانه بوده و یکی از مهمترین جهت گیری های سیاستی و برنامه‌ای در توسعه ایران پیش بینی نیازها و چالش‌های این گروه سنی در سال‌های آتی است. با این وصف نه تنها چنین برنامه ریزی صورت نمی‌گیرد بلکه بر خلاف آن از این نیروی عظیم کودکان در راستای هدفهای سیاسی و نظامی و در زیر عنوان بسیجی بهره برداری می‌شود. از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی در ایران رهبران دینی، سیاسی و نظامی با شعار ارتش بیست میلیونی به صرافت تاسیس نیروی شبه نظامی ایدئولوژیک بسیج برآمدند. در همین راستا در طول سالهای نخست انقلاب و جنگ هشت ساله با عراق همواره بخش مهمی از سپاه انقلاب و جنگ از میان این گروه سنی و کودکان زیر ۱۸ سال تامین شده است.



### زمینه‌ها:

مهمترین فضاهای جذب، تربیت و آموزش کودکان بسیجی در ایران پس از انقلاب عبارتند از: ۱، مساجد؛ این مراکز از همان ابتدای پیروزی انقلاب علاوه بر نقش آموزش دینی و بسیج توده های خلقی در تظاهرات و اعتراض های فراگیر علیه ماشین دولتی نظام پهلوی، دارای کارکردهای نوین سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و اقتصادی نیز گردید. از همین رو برای آموزش بسیجیان بدون محدودیت سنی خاص برنامه ریزی سراسری و مستمری صورت گرفت که تاکنون نیز ادامه دارد. آموزش‌های مذکور عمدتاً با هدف کنترل رفت و آمد افراد و اتومبیل‌ها در

معابر شهری و بین شهری، حضور در راهپیمایی‌های دولت فرموده علیه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی دگراندیش، سرکوب تحركات سیاسی و اجتماعی شهری و منطقه‌ای، مدیریت انتخابات دوره‌ای ریاست جمهوری، مجلس شورا، ارباب در برهه‌های خاص تاریخی و نمایش مردمی مشروعیت سیاسی نظام و درنهایت توزیع ارزاق عمومی صورت می‌گرفت.

۲، مدارس؛ این مراکز نیز خواه بصورت نمادین و خواه به صورت عملی یکی از مهمترین مراکز جذب و حفظ ارتش کودکان بوده و هست. آموزش نظامی و ایدئولوژیک در این مراکز نیز با همان اهداف پیش گفته صورت می‌گیرد. وجود فضای غیررسمی تهدید و تطمیع برای کودکان محصل با روشهای رقابتی، پاداش، توفیق درسی در مدرسه و کنکور دانشگاهی و اقتدار یابی در میان سایر محصلان، هویت بخشی‌های کاذب و برخورداری از برخی امکانات تفریحی و فرهنگی از زمره دیگر انگیزه‌ها و روش‌های ساماندهی نهاد بسیج مدارس می‌باشد.

از دیگر زمینه‌های موثر بر نهادینه شدن این سازمان نظامی ایدئولوژیک برای کودکان میتوان به عوامل زیر اشاره نمود

۳، آمادگی روحی و روانی بیشتر کودکان در پذیرش آرمان‌خواهی‌های دینی، تقدس بخشی به افراد و برخورد تعصب آمیز در رویارویی با مسایل اجتماعی و فرهنگی و نگرشهای افراد و گروه‌های دگر اندیش، و به بیان دیگر استعمار فکری و روانی آسانتر این گروه سنی.

۴، رمانتیک بودن و شورآفرینی خاص دوران نوجوانی در کسب قدرت، مدیریت و امکانات ناشی از عضویت در شاخه‌های مختلف بسیجی

### پیامدها:

۱، توسعه نهاد ارتش و بسیج کودکان با وجودی که در کوتاه مدت پاسخگوی نیازهای تاکتیکی و استراتژیک نظام سیاسی است ولی در دراز مدت منجر به تربیت نسلی پرخاشجو و خشونت طلب می‌شود که از هم اکنون آثار ستیزه جویی‌ها و برخوردهای حذفی جوانان و بزرگسالانی که جزو ارتش کودک و کودکان بسیجی دیروز بودند، نمایان است.

۲، تربیت نسل متعصب، فناتیک و بی‌مدارا با اندیشه‌ها و آرای مختلف، از زمره دیگر برآیندهای آسیب شناختی این نهادسازی میان کودکان است که آثار آن را در میان برخی از کودکان بسیجی سالهای دهه شصت که امروزه در صف مدیران و مسئولان لشگری و کشوری قرار گرفته اند میتوان مشاهده کرد.

۳، آسیب پذیری نسل بسیجیان کودک در عملیات نظامی نیز که نمونه‌های بسیاری از آن‌ها را میتوان در دوران هشت سال جنگ با عراق بازیابی کرد (نظیر افرادی مانند فهمیده‌ها) که منجر به مرگ و

میر یا نقص عضو های گوناگون و بیماریهای روحی و روانی بازماندگان این بلایای انسان ساخت میگردد.

د. استفاده نظامی از کودکان به عنوان نیروهای داوطلب راهکارها:

بی تردید با چنین میراث نسلی ، بازتابهای بحران ها و مدیریت غلط و بهره برداریهای ایدئولوژیک رهبران سیاسی و نظامی امروز را باید نسل های آتی نیز پردازند. از همین روضروری است: ۱، انجمن های غیردولتی فعال در مسایل کودکان باهمیاری نهادهای جهانی کودکان و حقوق بشر ، رهبران سیاسی و نظامی ایران را برای منع بکارگیری کودکان زیر ۱۸ سال در امور نظامی یا شبه نظامی مانند بسیج به همکاری دعوت نمایند.

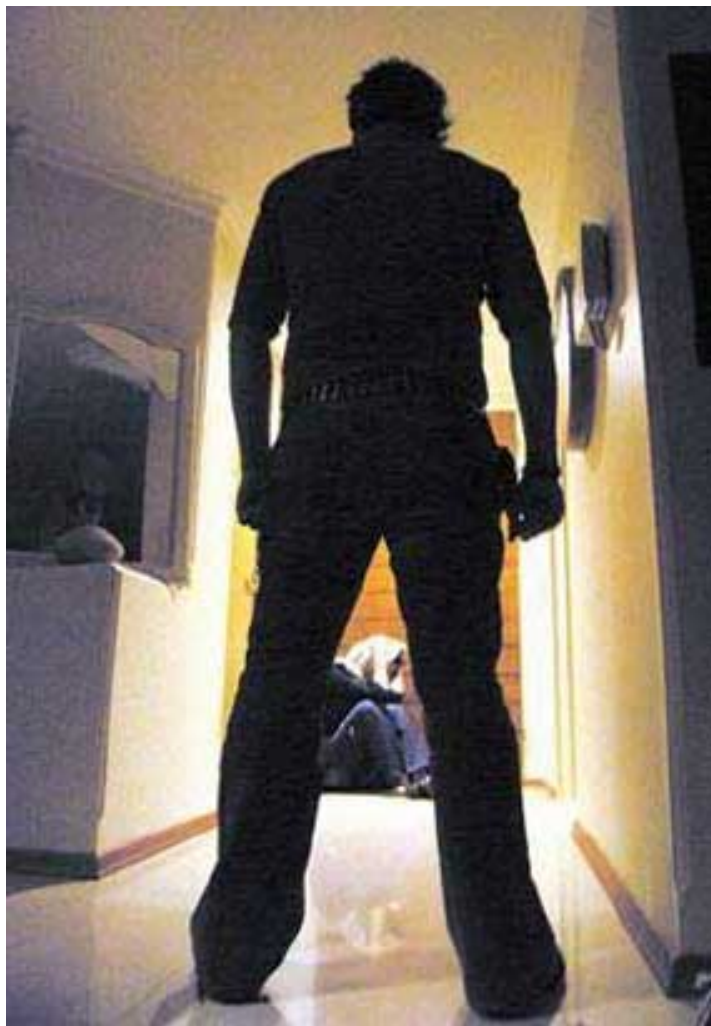
۲، کمک به اصلاح قوانین مرتبط در بسیج با تبعیت از قوانین جهانی و کنوانسیون حقوق کودک و همچنین قانون خدمت نظام وظیفه در ایران در زمینه محدودیت سنی زیرکودکان ۱۸ سال برای عضویت در نهادهای نظامی یا مشابه آن.



[www.sajed.ir](http://www.sajed.ir)

## ۴۰۸ مورد تماس با انجمن حمایت از کودکان در آذر ماه :

در ۷۵ درصد موارد تنبیه روانی و ۴۱ درصد تنبیه بدنی صورت گرفته است.



بر اساس گزارش‌های ارائه شده در رابطه با تعداد کل تماس‌گیرندگان با صدای یارا در آذر ماه امسال حاکیست ۹۴ درصد تماس‌گیرندگان را مادران و سهم پدران در این میان تنها یک درصد



است. همچنین سه درصد از مجموع تماس‌گیرندگان کودکان و دو درصد را سایر افراد تشکیل داده بودند.

به گزارش ایسنا، این در حالیست که در تیر ماه امسال مادران ۸۹ درصد از کل تماس‌گیرندگان را به خود اختصاص داده بودند و سهم پدران، چهار درصد و خود کودکان نیز شش درصد بود. بر پایه این گزارش، اولویت مطالب مطرح شده در تماس‌های آذر ماه صدای یارا مربوط به گروه سنی صفر تا شش و هفت تا ۱۰ سال بوده است، حال آن که بیشترین تماس‌های صورت گرفته در تیر ماه در ارتباط با مسایل کودکان زیر هفت سال و پس از آن کودکان ۱۰ تا ۱۳ ساله بوده است. آمارهای آذر ماه صدای یارا حاکی از آن است که در ۷۵ درصد موارد تنبیه روانی و ۴۱ درصد تنبیه بدنی صورت گرفته است.

به گزارش ایسنا، تنبیه روانی شامل داد زدن، توهین، سرزنش و مقایسه کودک با دیگران بوده است.

در مورد تحصیلات تماس‌گیرندگان نیز باید عنوان کرد که به ترتیب فراوانی، بالاتر از دیپلم و دیپلم و سیکل، تحصیلات تماس‌گیرندگان بوده است.

بیشترین تماس‌های برقرار شده با انجمن حمایت از کودکان در آذر ماه به ترتیب فراوانی از مناطق ۱۴، پنج، دو، هفت و هشت تهران و تماس‌ها از شهرستان‌های کرج، کرمان، یزد، اصفهان و تبریز بوده است.

این در حالیست که بیشترین تماس‌های صورت گرفته در تیر ماه به ترتیب از مناطق ۱۱، چهار و پنج تهران و شهرستان‌های کرج، گرگان و ورامین بوده است که ۵۲ درصد موارد مطرح شده در رابطه با موضوعات پسران و ۴۸ درصد در ارتباط با مسایل دختران مطرح شده بود.

## آزار جنسی کودکان، در دختران بیش از پسران است

موقعیت اجتماعی پایین، فقر، پایین بودن سطح تحصیلات والدین، اعتیاد، الکلیسم، بزرگ شدن کودک در خانواده تک والدی و استفاده طولانی مدت از اینترنت از ریسک فاکتورهای کودک آزاری جنسی است.

به گزارش مدرسه فمینیستی، همچنین نتایج نشان داد شیوع افسردگی، اعتماد به نفس پایین، اعتیاد به الکل و سیگار، شروع زودرس فعالیت جنسی، تمایل شدید به خودکشی، اقدام به خودکشی، رفتارهای ضداجتماعی پرخاشگری و عدم پذیرش جنسی در افرادی که در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته اند بیشتر است.

کودک آزاری عبارت از انجام هر عملی در مورد کودک و یا غفلت از کودک توسط یک فرد است که می تواند منجر به صدمه قابل ملاحظه جسمی و یا روانی گردد و یا باعث شود آسیب جدی کودک را تهدید کند. گفتنی است ضرورت شناسایی افراد در معرض خطر، ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری و در صورت وقوع تشخیص به موقع و درمان از وظایف مهم افرادی است که به نوعی با کودکان در تماس هستند مانند مربیان بهداشت مدارس، پرستاران معلمان و ... است.



این پژوهش توسط لایلا وفایی نژاد کارشناس مامایی انجام شده است و در بیستمین همایش بین المللی بیماری های کودکان نیز ارائه شده است.

## کودکان آبادانی، مرکز بزرگترین تصفیه خانه نفتی در ایران به دنبال غذا در بین زباله ها

عکسهایی که مشاهده میکنید کودکانی هستند که در زباله های شهری در جستجوی غذا میباشند، نهادر جستجوی نان در کشور اتمی ایران برای سیر نمودن خویش به بدترین وضعیت ممکن تن داده اند، انتشار این عکسها از آن جهت اهمیت دارد که بخشهایی هنوز ناپیدا از درون ایران، سرزمینی که به واسطه نظام سرکوبگر به سرزمین نکبت و بدبختی و مصیبت بدل شده است، برای انظار جهانیان آشکار نماید. تصاویر مربوط به حاشیه شهر آبادان مرکز بزرگترین تصفیه خانه نفتی در ایران



## هفتاد در صد آزارهای جنسی کودکان در ایران توسط خانواده صورت

### می گیرد

در دانشکده حقوق در تهران، سمیناری با عنوان «کودک آزاری جنسی» در ایران برگزار شد. خانم دکتر رزا قراچرلو وکیل پایه یک دادگستری، عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا و استاد دانشکده حقوق که یکی از سخنرانان در این سمینار بود، در مصاحبه با رادیو فردا، ضمن اشاره به خلاءهای حقوقی موجود در مورد حقوق کودکان، می گوید که یکی از مهمترین مشکلات قانونی در ایران برای حمایت از کودکان در زمینه آزارهای جنسی آن است که این آزارها در خانواده و اکثراً توسط پدر انجام می شود. به گفته وی، هنگامی که کودک آزاری جنسی توسط پدر و جد پدری صورت می گیرد، ولایت قهری از آنها سلب نمی شود. روز سه شنبه در دانشکده حقوق در تهران، سمیناری با عنوان «کودک آزاری جنسی» در ایران برگزار شد.

خانم دکتر رزا قراچرلو، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا و استاد دانشکده حقوق که یکی از سخنرانان در این سمینار بود، در باره خلاءهای حقوقی موجود در مورد حقوق کودکان سخن گفت و بر لزوم تدوین قانونی خاص در زمینه آزار جنسی کودکان تاکید کرد. نازی عظیما (رادیو فردا): یکی از بحثهای مهمی که در باره کودک آزاری جنسی مطرح است، نادیده گرفته شدن حق کودکان آزار دیده در قانون و خلاءهای قانونی است که در این باره وجود دارد. خانم دکتر رزا قراچرلو، استادیار دانشکده حقوق و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای تهران در برشمردن نارساییهای قانونی در این زمینه می گوید، یکی از مهمترین مشکلات قانونی در ایران برای حمایت از کودکان در زمینه آزارهای جنسی آن است که این آزارها در خانواده انجام می شود. دکتر رزا قراچرلو: هفتاد درصد این آزارها توسط خود خانواده ها و والدین و متاسفانه بیش از همه، توسط پدر صورت می گیرد، در حالی که طبق قانون مجازات اسلامی ما و طبق قانون مدنی، پدر و مادر می توانند طفل را تا حدی که ضرورت می دانند تنبیه کنند و این دست آنها را باز می گذارد و مورد سوء استفاده قرار می گیرد.

ن. ع: نکته دیگر آن است که وقتی کودک آزاری جنسی توسط پدر و جد پدری صورت می گیرد، ولایت قهری از آنها سلب نمی شود.

دکتر رزا قراچرلو: در زمینه مالی وقتی پدر و جد پدری امانت را رعایت نمی کنند، توسط دادگاه ولایت قهری از آنها سلب می شود. خب پس بدیهی است که به طور منطقی و معقول، وقتی که کودک آزاری جنسی انجام می دهند، این ولایت از آنها سلب شود.

ن. ع: و نکته دیگر آن است که مجازات مرتکب آزارجنسی، وقتی قربانی کودک باشد، حتی تقلیل می یابد.

**دکتر رزا قراچرلو:** اگر زنی با مردی بالغ زنا انجام دهد، مستوجب سنگسار یا رجم است. در حالیکه اگر زنی با یک فرد نابالغ زنا انجام دهد، فقط آن زن صد ضربه شلاق می خورد. مجازات حتی در زمانی که طفل یک طرف جرم باشد، نه تنها بیشتر نمی شود، بلکه کمتر می شود. قانونگذار ما حمایت خاصی از کودکان انجام نداده.

ن. ع: بر اساس پژوهش دکتر سعید مدنی، 70 درصد کودک آزاری جنسی در ایران در خانواده روی می دهد.

**دکتر رزا قراچرلو:** هفتاد درصد کودک آزاری در خانواده ها صورت می گیرد و بیشترین درصد کودک آزاری را به ترتیب اول پدر دارد، اینطور که ثابت شده، بعد ناپدری دارد، و بعد شوهر خاله. یعنی کودک آزاری جنسی منظور هست. بعد می رسیم به برادر و مادر و عمو و اینها را...

ن. ع: بیشتر این قربانیان کودک آزاری دخترها هستند یا پسرها؟

**دکتر رزا قراچرلو:** بیشتر قربانیانی که توسط پدر مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند، دخترها بودند. میزان کودک آزاری پدر بیشتر است تا ناپدری. علت آن فرهنگی است. سست شدن مبانی خانواده، سست شدن ریشه های اعتقاداتی، فرهنگی، مذهبی. خود این پدرها ممکن است در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته باشند. عدم کیفر یا مجازات متناسب برای چنین پدرانی، پنهان ماندنش در جامعه است؛ چون جرمی است که به آن می گویند جرم پنهان و حتی آمار هم که وجود دارد، آمار سیاه است؛ لیست سیاه. حتی دولت هم ابا دارد از این که این مساله را عنوان کند

ن. ع: و ایراد مهم دیگر انعطاف ناپذیری مجازات این جرم است.

**دکتر رزا قراچرلو:** پدری که با فرزند پسرش لواط انجام دهد یا با دختر خودش زنا انجام دهد، مجازاتش مرگ یا سنگسار است. ولی این مجازات به حدی شدید است که قضات تمایل ندارند این جرم را، وقتی پدر مرتکب شده، ثابت شده بدانند. یعنی قانون حداکثر مجازات را پیش بینی کرده، ولی یک حداقلی نگذاشته که دست قاضی را باز بگذارد. یا اعدام است، یا رهایی. ن. ع: پدر سال 1383 جمعی از استادان، مسئولان و وکیلان، پیش نویس طرحی را که نتیجه چندین هزار ساعت تحقیق آنان بود، برای تاسیس نهادی ملی برای نظارت بر حقوق کودکان، آن گونه که با قوانین بین المللی سازگار باشد، تهیه کردند و به مجلس ارائه دادند. تا کنون نه از بررسی این طرح خبری است و نه از تصویب یا رد آن.

## حتی یک ریال هزینه پژوهشی مصوب نشده است

فاطمه دعایی مدیرعامل و رئیس هیات مدیره کانون توسعه و همیاری مهدهای کودک کشور با حضور در مراسم افتتاحیه طرح ملی آموزش‌های کاربردی و علمی با رویکرد کارآفرینی به کودکان در مهدهای کودک سراسر کشور تاکید کرد: نظر کارآفرینی در مهدهای کودک قبل از تاریخ قرارداد پنج‌جانبه و قبل از انقلاب و پس از آن وجود داشت تا کودک آزمایشاتی را انجام دهد و به تولید و کارآفرینی برسد.

به گزارش ایلنا او با اشاره به دولتمردان از آنها تقاضا کرد که ثروت‌هایشان را با مطالعه بشناسند و پس از آن برای آنها هزینه کنند چرا که مهدهای کودک ثروت ایران هستند.

دعایی با اشاره به وجود ۱۴ هزار مهدکودک در کشور خاطر نشان کرد: در حقیقت ۱۴ هزار مدیر در کشور وجود دارد که حداقل ۹۰ درصد آنها ماهر و کارآموده هستند به طوری که این ۱۴ هزار مدیر برای ۷۰ هزار نفر کارآفرینی کرده‌اند.

او با اشاره به هفت سال زندگی اول یک کودک خاطر نشان کرد: زمانی که به یک دختر نه ساله بگوئیم خانم شده و جشن تکلیف برایش بگیریم اشتباه کرده‌ایم چرا که یک دختر یک شبه خانم نمی‌شود.

او ادامه داد: برنامه‌ریزان سطح کلان مملکتی بدانند که آموزش از سطح جنینی آغاز می‌شود و درخواست ما آن است که نگاه و نگرش درستی نسبت به شش سال اولیه یک فرد داشته باشند.

به گفته هیات مدیره کانون توسعه و همیاری مهدهای کودک کشور مجلس قبل و بعد از انقلاب حتی یک ریال نیز بابت هزینه پژوهش در کشور تصویب نکرده است.

او با اشاره به سخنرانی ضیایی معاون وزیر رفاه که اعلام کرد در مهدکودک‌ها بعضی کارها انجام می‌شود، تصادفاً منجر به آموزش می‌شود و زورمان نرسید تا بگوئیم دانشگاه‌ها تعطیل و انستیتو راه‌اندازی شود، خاطر نشان کرد: از این‌گونه جملات این مسئول در وزارت رفاه نگران هستم چرا که در مهدکودک‌ها خیلی کارها انجام می‌شود، تصادفاً کاری انجام نمی‌شود بلکه به روش علمی بازی‌های تخصصی صورت می‌گیرد.

او ادامه داد: از مسئولان می‌خواهیم تا مهدهای کودک را به اولین دانشگاه‌های آینده در نظر بگیرند و کادر مهدهای کودک را از متخصص‌ترین افراد در نظر بگیرند.

## کودکان کار عید ندارند



یک عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با ابرار نگرانی از کودکانی که به دلیل وضعیت مالی نامناسب خانواده خود، عید نوروز متفاوتی دارند، تاکید کرد:

همه ایرانیان نسبت به این مسئله اتفاق نظر دارند که عید متعلق به تمام کودکان است و کودکان در این مراسم مرکز توجه خانواده‌های خود قرار دارند به طوری که در زمان رنگ کردن تخم‌مرغ سفره هفت‌سین، خریدن لباس نو توجه خاصی به کودکان می‌شود اما تمام این شرایط برای اغلب کودکان فراهم نیست.

به گزارش آفتاب، او با اعلام اینکه عید نوروز ملزوماتی دارد که با رعایت آن می‌توان آن را به یک جشن سنتی تبدیل کرد، افزود: از سوی صاحبان اندیشه و کارشناسان نظریه‌ای در مورد عید نوروز وجود دارد مبنی بر اینکه کاش عید نوروز و تشریفات شادی‌بخشی که جزو میراث فرهنگی کهن ایرانیان بوده و بیش از ۷۰ میلیون ایرانی در تمام دنیا به این سنت قدیمی وابسته هستند برای تمام کودکان نیز فراهم باشد.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به اینکه لازم است ساز و کار برگزاری عادلانه عید نوروز از سوی متولیان امر فراهم شود، تصریح کرد: داشتن عیدی متناسب با روحیه کودکان از وظایف مسلم دولت است و دولت باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای اینکه تمام کودکان ایرانی لباس نو داشته باشند را فراهم کند.



عزیزپناه به سایر سنت‌های مربوط به عید نوروز و سال نو از قبیل عیدی دادن، خوردن تنقلات و .... اشاره کرد و گفت: متأسفانه این اطمینان وجود دارد که بخشی از کودکان ایرانی از چنین امکاناتی محروم هستند و بدتر از آن به دنبال چنین محرومیت‌هایی، درک درستی نیز از عید نوروز و مراسم آن ندارند.



او با بیان اینکه عید نوروز برای تمام کودکان مراسمی خاص است، ادامه داد: اگر ساز و کارهای مربوط به سفره هفت‌سین، عیدی گرفتن از بزرگان و .... برای کودک فراهم نباشد، معضل بزرگی محسوب می‌شود که دولت و مردم باید پاسخگوی این نگاه در مانده کودکان باشند.

به گفته عزیزپناه برگزاری جشن عاطفه‌ها در کشور و صدقه دادن به نیازمندان در روزهای پایانی سال امروزه در جهان هیچ جایگاهی ندارد و با وجود آنکه جمعیت کشور جوان بوده و حجم عظیمی از جمعیت را کودکان، نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، دولت باید برای تمام این ثروت عظیم در کشور عید بی‌دغدغه‌ای را فراهم کند چرا که این منابع عظیم شایستگی چنین فرصتی را دارند.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در مورد سنت دید و بازدید و سفر در میان مردم گفت: متأسفانه به نظر می‌آید که این فرصت برای عده زیادی از کودکان فراهم نباشد و تعداد بی‌شماری از کودکان کار در ایام تعطیل نیز مجبور به کار کردن و نان درآوردن باشند؛ در نتیجه عید نوروز برای آنها نیز رنگ و بویی از سنت نخواهد داشت.

این فعال حوزه کودکان با اشاره به دشوار بودن برگزاری مراسم عید نوروز برای عده‌ای از خانواده‌ها به دلیل تورم فعلی در کشور خاطر نشان کرد: سایر فعالان حوزه کودک و صاحب‌نظران تمایلی ندارند که این چنین نگران به استقبال از بهار بروند، چرا که مردم دچار نگرانی‌هایی پیرامون تورم و تأثیرات سوء حذف یارانه‌ها هستند و عید بی‌دغدغه‌ای ندارند.

## ختنه دختران، جنایتی سنتی

شیلان دختر ۷ ساله خجالتی کرد در خانه همسایه اش دنبال مهمانی می گشت که مادرش وعده داده بود ، اما در آنجا جشنی نبود ، شیرینی و مهمانی نبود ، تنها درد بود و وحشت ، و خاطره ای تلخ که روحش را تا ابد عذاب خواهد داد .



به گزارش خبرنگار سایت پزشکان بدون مرز به نقل از واشنگتن پست، برای دختران کرد مخصوصا در شمال عراق یک درد باستانی و قدیمی که مردم فکر می کنند وابسته به عقاید مذهبی است کابوس کودکی آنان است .

ختنه دختران در کشورهای آفریقایی و شرق آسیا رسمی است که بسیار رواج دارد اما در شمال عراق؟! هیچ کس نمی داند چگونه این رسم به این نقطه از جهان راه یافته است . آنچه بر زنان کرد عراق می گذرد بیشتر کابوس است تا نشانه ای از پاکی و عفت !





شیلان انور عمر دخترک هفت ساله کرد در حالی که لبخند تمام صورتش را پر کرده است به امید دیدن میهمانی ای که مادرش به او وعده داده بود به خانه همسایه می رود. او وقتی وارد خانه همسایه شد از مهمانها و جشن خبری نبود دخترک گیج به نظر می رسید و وقتی مادرش با تحکم گفت که زیرشلواری اش را در بیاورد. شیلان شروع به ناله کرد دخترک از ترس بدنش می لرزید. مادرش او را به روی زمین خواباند و با کمک زنهای دیگر به زور پاهایش را از هم باز کرد. شیلان تلاش می کرد پاهایش را ببندد.....



یک زن که وظیفه ختنه کردن را برعهده داشت با یک تیغ ژیلت فولادی ضدزنگ در مقابلش ظاهر شد او تیغ را بالا برد و با صدای بلند گفت: «این کار را برای خدا انجام می دهیم.!!!!» و صدای فریاد شیلان تا انتهای محله شنیده شد.



بعد از پایان کار، در حالی که شیلان گریه کنان در آغوش مادش بود و به سوی خانه شان برده می شد ، مادرش با رضایت خاطر می خندد . مادر شیلان نمی داند که واقعا چرا دختران کرد ختنه می شوند او فکر می کند که این فرمان خداست و باید امر خدا را اطاعت کرد .  
پیرزنی ۹۱ ساله از ساکن کرد عراق می گوید : «از دست زنی که سنت نشده است غذا نمی خورم!»

پاکشان زنگنه رئیس کمیسیون زنان پارلمان کردستان عراق از مبارزه برای ممنوعیت ختنه زنان در شمال عراق و درخواست ۱۰ سال حبس برای عاملان این کار خبر می دهد. مجازاتی که بیشتر به یک خواب و خیال شبیه است تا واقعیت ، زیرا این طرح پارلمان، یک سال است که دارد خاک می خورد. چون رهبران کرد اعتقاد دارند مجلس و مسئولین حکومت نباید درگیر چنین مسائل کوچکی ! شوند

دخترانی همچون شیلان می گوید: “ اگر آنان می خواهند از دستان من غذا نخورند هرگز نخورند ، کاش این همه درد را هیچ وقت نمی کشیدم! “

یک روشنفکر ! می گوید : ما نمی دانیم چرا این کار را انجام می دهیم اما هرگز این کار را متوقف نخواهیم کرد برای اینکه اسلام و پیرترهائیمان آن را لازم می دانند .

کردستان تنها بخش شناخته شده در عراق ( و یکی از معدود مکان های جهان) است که ختنه زنان به طور گسترده انجام می شود . بیشتر از ۶۰ درصد زن ها در مناطق کرد نشین شمال عراق ختنه شده اند ، بر طبق یک مطالعه در یکی از مناطق کرد نشین شمال عراق ، حداقل ۹۵ درصد زنان ختنه شده اند گروه های حامی حقوق بشر این کار را نابودی روح زنان می دانند .

این عمل خشونت بر ضد زن ها است ولی متأسفانه مردمی که این عمل را انجام می دهند آن را به اسلام نسبت می دهند در حالی که روشنفکران با این عقیده مخالف هستند زیرا این عمل در بین شیعیان جهان رواج ندارد و قشر عظیمی از اهل سنت این عمل را انجام نمی دهند . غیر واقعی بودن این ادعا زمانی ثابت می شود که آن را با ختنه پسران مقایسه کنیم ، عملی که اکنون فواید آن برای سلامت و جلوگیری از عفونت ثابت شده است .

آنچه مهم است این است که این عمل تصفیه معنوی برای زن ها نیست و جامعه های مرد سالارانه و سخت گیر بر آن تاکید دارند . برآستی چه زمانی مادرو پدر شیلان خواهند فهمید که او تصفیه روحی نشده است بلکه آزار روانی دیده است ؟

## 62 هزار و 383 کودک ایرانی همسر دارند

خبرگزاری هرانا : بر اساس تازه ترین گزارش سازمان ملی جوانان از وضعیت ازدواج و طلاق در سنین مختلف در ایران حاکی از آن است که «62 هزار و 383 دختر و پسر بین 10 تا 14 ساله» در ایران ازدواج کرده اند که از این تعداد سهم پسران متاهل «19 هزار و 293» نفر و تعداد دختران متاهل «43 هزار و 90» نفر گزارش شده است.

به گزارش خبرنگار اجتماعی جهان نیوز، از این تعداد ازدواج، «2 هزار 701 نفر پسر و 2 هزار و 459 دختر 10 تا 14 سال» وجود دارند که طلاق گرفته اند. این گزارش تاکید می کند میزان طلاق در این سن روند افزایشی به خود گرفته است.

در حالیکه سازمان ملی جوانان تعداد کودکان متاهل ایرانی را حدود 63 هزار نفر اعلام کرده است، شبکه خبری آفتاب نیوز در گزارشی در 9 دی ماه 1387 تعداد این کودکان را «848 هزار نفر» اعلام کرده بود. به گزارش سرویس اجتماعی آفتاب، فرشید یزدانی در گفت‌وگو با ایسنا، با استناد به سالنامه منتشر شده مرکز آمار ایران که مربوط به آخرین سرشماری کشور در سال 85 می‌شود، تعداد کودکان ازدواج کرده در سنین 10 تا 18 سال دارای همسر را 848 هزار نفر اعلام و اظهار کرد: «حدود 750 هزار نفر از این مجموع دختر و مابقی پسر بوده‌اند.» وی با بیان این که «در حال حاضر 25 هزار نفر از کودکانی که ازدواج کرده بودند، طلاق گرفته‌اند، نسبت جنسیتی این کودکان را 15 هزار و 600 نفر مرد و مابقی را زن» عنوان کرد.

این پژوهشگر مسائل اجتماعی همچنین گفت که «حدود 11 هزار و 800 نفر از این کودکان به دلیل مرگ»، همسر خود را از دست داده‌اند. یزدانی با ااره به اینکه «490 هزار نفر از مجموع کودکان

ازدواج کرده»، در شهرها زندگی می‌کنند، شمار کودکان روستائی ازدواج کرده را «حدود 355 هزار نفر» عنوان کرد.

به گفته وی، «430 هزار نفر از مجموع کودکان شهری دارای همسر، زن» و مابقی مرد هستند. همچنین از بیش از «359 هزار کودک روستائی دارای همسر» نیز «312 هزار نفر زن و مابقی مرد» هستند. این فعال حوزه کودکان همچنین تاکید کرد که 8 درصد از کودکان روستائی و 6 درصد از کودکان شهری ازدواج کرده‌اند.

فرشید یزدانی همچنین اعلام کرد که افزایش «کودک همسری» در ایران نشانگر عدم حمایت از کودکان است که موجب بروز تبعاتی چون: «ایجاد مخاطرات بهداشتی برای آنها، بیماری و ترویج خشونت‌های خانگی به دلیل نابالغ بودن عقل و جسم و همچنین ناتوانی در ارتباط‌گیری با همسر» می‌شود.

به گزارش آفتاب این فعال حوزه مسائل کودکان، از وجود «14 هزار و 300 کودک روستائی مطلقه در سنین 10 تا 14 ساله» خبر داد و گفت: «62 هزار نفر از مجموع 848 هزار کودک ازدواج کرده دارای همسر، کمتر از 14 سال داشتند که 43 هزار نفر آنها زن و بقیه مرد هستند.» علی طایفی، جامعه‌شناس، نیز در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی کودکی در ایران»، نیز با اشاره به آسیب‌پذیر بودن جوامعی که در آنها پدیده کودک همسری رواج دارد،